



میراث شهاب

فصل نامه تخصصی کتابخانه بزرگ
حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی &
(گنجینه جهانی مخطوطات اسلامی)

سال بیست و ششم | شماره ۹۹ | بهار ۱۳۹۹
شماره استاندارد بین المللی: ۴۷۸۳-۱۰۲۹-۱
ISSN: 4783-1029

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سید محمود مرعشی نجفی
سر دبیر: محمود طیار مراغی
طراحی و صفحه آرایی: محمد صالح یگانه

میراث شهاب نشریه تخصصی کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی & در زمینه مباحث کتاب شناسی و نسخه پژوهی متون اسلامی می باشد، و در زمینه موضوعات زیر مقاله می پذیرد:

- معرفی نسخه های خطی کتابخانه
- معرفی کتاب های چاپی نفیس کتابخانه
- گزارش سفرهای علمی محققان
- مقالات ویژه کتاب پژوهی
- مقالات ویژه نشر کتابخانه
- شرح حال نگاری دانشوران مسلمان
- تصحیح متون دست نویس
- انساب شناسی
- مقالات ویژه قم پژوهی
- مقالات ویژه کتابداری و کتابشناسی
- مقالات ویژه نسخه شناسی
- نقد و بررسی فهرس منتشر شده

■ هرگونه استفاده از مطالب میراث شهاب منوط به ذکر مأخذ است.
■ مسئولیت مطالب هر مقاله به عهده نویسنده آن است.
■ میراث شهاب در ویرایش مقالات آزاد است.
■ میراث شهاب در پایان هر فصل منتشر می شود.
■ شماره شناسه میراث شهاب در سامانه جامع رسانه های کشور: ۷۲۴۸۳
■ میراث شهاب در پایگاه تخصصی مجلات نورمگز www.noormags.com قابل دسترسی می باشد.

نشانی: قم، خیابان آیت الله العظمی مرعشی نجفی &، شناسه پستی: ۳۷۱۵۷۹۹۴۷۳
تلفن: ۰۸-۳۷۷۴۱۹۷۰، ۰۲۵-۳۷۷۳۸۲۶۴ - ۰۲۵-۳۷۷۴۳۶۳ - نمابر: ۰۲۵-۳۷۷۴۳۶۳

www.shahab-news.com
www.marashilibrary.com

میراث شهاب

فصل نامه تخصصی کتابخانه بزرگ
حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی &
(گنجینه جهانی مخطوطات اسلامی)

فهرست مقالات

مقالات

- ۳ ملاحظات و تصحیحات (۱۲)
محمد کاظم رحمتی
- ۸۱ اسرار دماوندیه
علی صدرایی خوبی

کتابشناسی

- ۱۱۹ فهرست دستنوشته های استاد علی خاقانی
امیرالله شجاعی

نسخه شناسی

- ۱۴۵ معرفی نسخه های خطی کتاب های منسوب به سلیم بن قیس
کاظم استادی

- ۱۸۹ سنجه کتاب (بخش هشتم)
علی اکبر صفری

تصحیح متون

- ۲۲۵ ریاض الفتیان (گزیده) بر پایه نسخه کهن کتابخانه آیت الله مرعشی
ابن حسام هروی (قرن ۸)، بکوشش: محمدعلی عیوضی

ترجمه عربی و انگلیسی چکیده های مقالات

ملاحظات و تصحیحات (۱۲)

محمد کاظم رحمتی *

چکیده

نگارنده شانزده نکته و نویافته پژوهشی را در ضمن چهار محور ارائه می کند. در عرصه نکته ها و نسخه های کهن از متون کهن، نسخه ای متعلق به قرن ششم از کتاب دستور المنجمین، کتاب النکت نوشته نظام معتزلی، نکاتی از رجال نجاشی، آثار زیدیه، سادات اسماعیلیه بر اساس گزارش ابن شدقم، سرنوشت نسخه های خطی نفیس دوره صفویه، اهمیت نسخه های واسطه ای در کتابت، مقایسه الفهرست شیخ طوسی با الفهرست ابن ندیم را می خوانیم. در باره بحرین، کتیبه های اوال و قطیف، نسخه ای نفیس از کتاب الفهرست به کتابت صالح بن یوسف اوالی بحرانی، گزارش مطالعات جدید مربوط به بحرین از منابع قدیم، محمد بن علی عینقانی شاگرد ابن فهد حلّی، منصور احساسی و کتابت نسخه ای از کتاب الناسخ و المنسوخ نوشته ابن عتائق حلّی آمده است. همچنین در باره شرح حال نگاری، معرفی دو عالم شیعی سید حیدر بن محمد واعظ حسنی (قرن هفتم) و علی بن ابی المیامین (قرن هشتم) بیان شده و در باره مطالعات فرّق مسلمانان، گزارشی از مطالعات این حوزه بیان می شود.

کلیدواژه ها

بحرین - تاریخ؛ نسخه های خطی - نکته ها و نویافته ها؛ عدالت صحابه؛ رجال نجاشی، الفهرست طوسی؛ الفهرست ندیم؛ عالمان شیعه - قرن هفتم و هشتم؛ اسماعیلیه - تاریخ؛ فرّق مسلمانان.

* استادیار بنیاد دائرة المعارف اسلامی.

دستور المنجمین و نکاتی درباره نسخه آن

نسخه ۵۹۶۸ نسخه های عربی کتابخانه ملی پاریس که عنوان دستور المنجمین را دارد، نزدیک به یک سده است که توجه محققان را به خود جلب کرده است. خوشبختانه در دسترس قرار گرفتن آن که نخست وبگاه کتابخانه ملی پاریس آن را در اختیار علاقه مندان قرار داد و سپس انتشار نسخه برگردان آن توسط مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب (تهران، ۱۳۹۸ش) این امکان را در اختیار محققان قرار داد تا بتوانند نسخه را مورد بررسی دقیقتری قرار دهند. نکات مشهور درباره نسخه دستور المنجمین این موارد است:

۱) کتاب از آثار تألیف شده در دوران حسن صباح (متوفی ۵۱۸) است. این مطلب بر اساس اشاره نویسنده کتاب دستور المنجمین در شرح حال امام فاطمی المستنصر بالله (متوفی ۴۸۷) است. وی در بخشی از شرح حال المستنصر بالله نوشته است:

«... وخطب له رضي الله عنه بواسط والعراق وكان كثيراً ما يشير الى سنة سبعين واربعمائة وما يتجدد فيه من ظهور دعوة، فوافق وصول صاحبنا - حفظه الله - اليه هذه السنة...» (برگ ۳۴۳ الف).

عبارت اخیر دلالت بر این دارد که حسن صباح در سال ۴۷۰ به قاهره رسیده بود و پیش از مرگ المستنصر بالله در سال ۴۸۷ و نزاعی که میان دو فرزند او یعنی نزار و مستعلی صورت گرفته بود، قاهره را ترک کرده بود. مشهور آن است که حسن صباح حدود دو سال در قاهره بوده است؛ یعنی اندکی پیش از مرگ مستنصر بالله قاهره را ترک کرده است. نزار در شورش نا موفق در سال ۴۸۸ کشته شد، اما حسن صباح توانست جامعه اسماعیلیه ایران را وفادار به او نگه دارد، ظاهراً با وجودی که فرزندان نزار تا مدتها بعد در قید حیات بودند، اما حسن صباح بی توجه به مرگ نزار، جامعه اسماعیلیه را متقاعد به باقی ماندن به امامت او کرد. نویسنده

۱ شرح حال حسن صباح در کتابی به نام سرگذشت سیدنا تدوین شده بود. برای بحثی درباره کتاب اخیر و آنچه از آن باقی مانده، بنگرید به:

Delia Cortese, "Lost and Found: The Sargudhasht-i Sayyid-na. Facts and Fiction of Hasan-i Sabbah's Travel to Egypt vis-à-vis the Political and Intellectual Life of 5 th/11 th century Fatimid," in: Eva Orthmann and Petra G. Schmidl, eds., Science in the City of Fortune: The Dustur al-munajjimin and its World (Berlin: Ebverlag, 2017), pp.199-221.

بعدها حسن بن نزار در ۵۴۴ و حسین بن نزار علیه عاضد در ۵۵۷ شورش کرده بودند و هر دو ناموفق بودند. برای

دستور المنجمین به ماجرای تلاش ناموفق نزار و کشته شدن او نیز اشاره کرده است (برگ ۳۴۳ب). این مطلب دلالت بر این دارد که کتاب دستور المنجمین پس از ۴۸۸ به رشته تحریر درآمده و از اشاره به زنده بودن حسن صباح، می توان تاریخ نگارش متن را زمانی میان ۴۸۸ تا ۵۱۸ دانست. مطلبی در برگ ۲۴۰ الف نیز آمده که نویسنده دستور المنجمین از وقوع امری در سال ۵۱۳ سخن گفته که نشان از این دارد که کتاب وی پیش از این تاریخ تألیف شده است «... فیکون ذلك في سنة ثلاث عشرة وخمسمائة للهجرة، هجرة النبي محمد المصطفى صلي الله عليه وعلى آله واصحابه الطاهرين».

(۲) درباره اینکه متن کتاب دستور المنجمین در کجا تألیف شده، بیشتر محققان معتقدند که کتاب توسط اسماعیلی نزاری در الموت تألیف شده است. درباره نزاری بودن نویسنده تردیدی نیست و تصریحات وی در بخشی که از امامان اسماعیلی سخن می گوید، به وضوح دلالت بر این مطلب دارد و تعلق خاطر وی به اسماعیلیان نزاری نکته ای مورد بحث در خصوص کتاب دستور المنجمین نیست (برگ های ۳۳۴ الف-۳۴۳ب). اما تألیف کتاب در الموت مطلبی است که در خصوص آن تردید است؛ متن دلالت بر این دارد که در دوران زندگی حسن صباح تألیف شده، اما اشاره ای در خصوص آنکه در الموت نوشته شده، در دست نیست هر چند بیشتر محققان نسخه حاضر را نسخه اصل و تألیف شده در الموت معرفی کرده اند، جز زیمرمن^۱ که معتقد است متن در شام و در قرن نهم تألیف شده است، البته نظر اخیر با توجه به دست کم یک حاشیه موجود در نسخه خطی که تاریخ ۷۷۳ را دارد، به وضوح نادرست است (برگ ۲۵۵ب)؛ همچنین در همین برگ کاتبی که مطلبی یادداشت کرده، از اولین خلیفه عباسی ابوالعباس و آخرین آنها ابوالعباس، سخن گفته که دلالت بر این دارد، یادداشت وی بعد از ۶۵۶ و سقوط خلافت عباسیان در بغداد، نوشته شده است: (وعلى هذا ما جاء في العباسية وان اولهم ابوالعباس وآخرهم ابوالعباس). مطلب اخیر باید توسط کاتب

شرح شورش های آنها بنگرید به: ابن ظافر، اخبار الدول المنقطعة (قاهره، ۱۹۷۲)، ص ۹۷، ۱۱۱.

1 F.W. Zimmermann, "The Dustūr al-Munajjimīn of ms. Paris, BN ar.no.5968," in: Proceedings of the First International Symposium for the History of Arabic Science, April 5-12, volume II: Papers in European Languages (Aleppo, 1967), pp.184-192, esp.p.185.

نسخه نوشته شده باشد و این دلالت بر این دارد که کتابت نسخه حاضر بعد از ۶۵۶ است.^۱ بنا بر این زمان استنساخ نسخه دستور المنجمین در اختیار ما، زمانی بعد از ۶۵۶ و پیش از ۷۷۳ است.

اشاره نویسنده دستور المنجمین به حسن صباح و عبارت دعایی که برای او به کار برده دلالت بر تألیف متن پیش از ۵۱۸ دارد. منابع امامی که نویسنده اسماعیلی به آن استناد کرده و گاه مطالبی از آن نقل کرده، دلالت بر این دارد که او در محیطی زندگی می کرده که امامیه حضور بارزی داشته اند و این وضعیت تنها در ایران قرن ششم و زمان نگارش دستور المنجمین تطابق دارد. منابع متعددی از آثار امامیه مورد اشاره نویسنده دستور المنجمین قرار گرفته و گاه وی مطلبی را بیان کرده و متذکر شده که تفصیل آن در آثار امامیه آمده است. به عنوان مثال او ماجرای نزاع بر سر میراث امام حسن عسکری × و تلاش خانواده امام برای جلوگیری از تصرف جعفر در میراث امام، به ادعای باردار بودن یکی از کنیزان آن حضرت اشاره کرده و گفته که تفصیل این ماجرا در کتاب های امامیه آمده است. برای آنکه با شکل نقل و بهره گیری نویسنده دستور المنجمین از متون امامیه آشنا شویم، مفید است تا نظری بر نقل اخیر داشته باشیم. عبارت نویسنده دستور المنجمین در سخن از ماجرای مورد بحث چنین است:

«... إن ام الحسن ادعت ان للحسن حملاً من جاریة كانت یقال به صیقل ومنعت جعفر اخاه المیراث و وقعت بینهما کل شهر منازعة قبیحة حتی ترافعوا الی قضاة الظالمین، فعدلت صیقل علی یدی بعض العلویة اربع سنین وحبس المیراث عن جعفر... والقصة بطولها مثبتة فی کتبهم» (برگ ۳۴۵ ب).

۱ اوا اورتمان و پترا اشمیدل به مطلب آمده درباره خلفای عباسی توجه کرده اند، اما از آنجایی که نسخه حاضر را نسخه اصل مؤلف تصور کرده اند، خلیفه عباسی را المستظهر بالله (حکومت ۴۸۷-۵۱۲) معرفی کرده اند، در حالی عبارت دلالت بر این دارد که یادداشت بعد از سقوط عباسیان نوشته شده و تعبیر «آخرهم» در سیاق عبارت به وضوح دلالت بر این دارد که خلافت عباسی سقوط کرده و سخن از نام اولین و آخرین خلیفه عباسی است. بنگرید به:

Eva Orthmann and Petra G. Schmidl, "The Provenance and History of the Dustur al-munajjimin and its Manuscript," in: Science in the City of Fortune: The Dustur al-munajjimin and its World (Berlin: Ebverlag, 2017), pp.13-33, esp. p.30.



نویسنده دستور المنجمین بخشی از ماجرا را به درستی نقل کرده است؛ خبر مورد اشاره وی را شیخ صدوق در کتاب کمال الدین آورده است، جز آنکه فردی که به قضات عباسی پناه برد و سعی کرد تا میراث امام حسن عسکری × را تصاحب کند، جعفر بوده، اما نویسنده دستور المنجمین آن را به شکل «ترافعوا الی قضاة الظالمین» تغییر داده و هر دو طرف را متهم کرده که برای تصرف میراث امام حسن عسکری × به قضات جور متوسل شده بودند؛ در حالی که مطلب جز این است و اساساً یکی از ایراداتی که به جعفر گرفته شده بود، همین بود که بر خلاف سنت متداول امامیه، برای گرفتن میراث امام حسن عسکری × به ظالمین رجوع کرده بود. به نظر می رسد که دیگر مطالبی که نویسنده دستور المنجمین از کتابهای مختلف امامیه نقل کرده و سعی بر الزام آنها به نادرستی عقاید خود و پذیرش درستی ادعای اسماعیلیان دارد، با چنین مشکلی روبرو باشد و نویسنده دستور المنجمین در نقل مطالب دخل و تصرف هایی کرده تا دعای خود بر اصالت اسماعیلیه را ثابت کند. نقل امامی ماجرا، به شکایت جعفر به قضات جور اشاره دارد، اما نویسنده دستور المنجمین هر دو طرف را متهم کرده که برای تصرف میراث امام متوسط به قضات جور شده اند. شیخ صدوق خبر مورد بحث را از فردی به نام محمد بن حسین بن عباد چنین نقل کرده است:

«... قدمت أم أبي محمد × من المدينة واسمها حديث حين اتصل بها الخبر إلى سر من رأى فكانت لها أقاصيص يطول شرحها مع أخيه جعفر ومطالبته إياها بميراثه وسعايته بها إلى السلطان وكشفه ما أمر الله عز وجل بستره فادعت عند ذلك صيقل أنها حامل، فحملت إلى دار المعتمد فجعل نساء المعتمد وخدمه ونساء الموفق وخدمه ونساء القاضي ابن أبي الشوارب يتعاهدن أمرها في كل وقت ويراعون إلى أن دهمهم أمر الصغار وموت عبيد الله بن يحيى بن خاقان بغتة وخرجهم من سر من رأى وأمر صاحب الزنج بالبصرة وغير ذلك فشغلهم ذلك عنها»^۱.

۱ کمال الدین و تمام النعمة، ص ۴۷۴. برای تفصیل بحث همچنین بنگرید به: سید حسین مدرسی طباطبائی، مکتب در فرآیند تکامل، ص ۱۵۴-۱۵۶. برای مورد دیگری از تقطیع حدیث توسط نویسنده دستور المنجمین و استناد به آن علیه امامیه بنگرید به: سید محمد عمادی حائری، «از اتهام جعل تا دست نوشت مؤلف: بررسی سه فرضیه درباره متن و دست نویس دستور المنجمین»، آینه میراث، شماره ۶۶، سال هجدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۹ش، ص ۱۵۳-۱۵۹ که بحثی درباره خبری نقل شده از رجال کثی را مورد بررسی قرار داده و نشان داده که نویسنده اسماعیلی دستور المنجمین چگونه به تقطیع حدیث پرداخته و تنها به بخشی از آن استناد کرده است.



۳) درباره نسخه خطی کتاب چند مشکل وجود دارد. نخست آنکه نسخه از آغاز و انتها افتادگی دارد. بخش نخست کتاب که در آن خطبه کتاب یا صفحه عنوان بوده، از نسخه حاضر افتاده است؛ همین گونه بحث نویسنده دستور المنجمین در آخر کتاب، خود که از زیدیه سخن گفته، به واسطه افتادگی چند برگ ناقص است. به عبارت دیگر جاهایی که انتظار آن می‌رفته که نویسنده دستور المنجمین به نام خود اشاره کند، یعنی آغاز و انجامه نسخه در اختیار ما نیست. در برگ ۲۵۵ ب حاشیه ای آمده که در بحث از نسخه دستور المنجمین مورد توجه محققان، جز برویس لیبرنتس^۱ قرار نگرفته که مقاله ای درباره نسخه دستور المنجمین و تملکات موجود بر آن نوشته که در بخش بعدی نوشتار حاضر با بهره‌گیری از آن، نکاتی درباره تملکات بر نسخه دستور المنجمین بیان خواهیم کرد. حاشیه اخیر که در رجب ۷۷۳ توسط یکی از مالکین نسخه کتابت شده، دلالت بر این دارد که نسخه حاضر پیش از آن استنساخ شده است. یادداشت اخیر چنین است:

«وهكذا وجدت اول السلاطين السلجوقية اولهم طغرل و آخرهم طغرل بن ارسلان وسلاطين خوارزمشاهية اولهم محمد بن انوشتكين و آخرهم محمد بن ايل ارسلان ادرکت هذه التاريخ محمود بن محمد الشیخی حررها في رجب الاصم سنة ۷۷۳».

بر این اساس، نسخه بدست ما رسیده، از حیث شواهد متنی باید پیش از رجب ۷۷۳ کتابت شده باشد، اما آیا نسخه حاضر، نسخه اصل مؤلف است یا کتابتی متاخرتر از آن؟ همچنین در حاشیه همین برگ، یادداشتی از سوی کاتب در تأیید مطلب نقل شده توسط نویسنده دستور المنجمین درباره اولین و آخرین خلیفه عباسی نقل شده که نشان از این دارد کاتب نسخه بعد از ۶۵۶ در قید حیات بوده و نسخه حاضر بعد از سقوط خلافت عباسیان کتابت شده است: (وعلى هذا ما جاء في العباسية وان اولهم ابوالعباس و آخرهم ابوالعباس). تعبیر آخر آمده در کاتب نسخه که از صحابه نیز یاد کرده، شاهدهی بر این است که کاتب فردی غیر اسماعیلی و از اهل سنت بوده است، نکته ای که شواهد دیگری در متن حاضر در تأیید آن وجود دارد.

1 Boris Liebrecht, "The History and Provenance of the Unique Dustur al-munajjim Manuscript, BnF Arabe 5968," *Journal of Islamic Manuscripts* 11(2020), pp.28-42.

۴) شواهدی در متن وجود دارد که به وضوح دلالت بر این دارد که کتاب حاضر، کتابتی از روی نسخه اصل است و کاتب فردی سنی بوده است. تقریباً در تمام کتاب به دو مورد عبارت صلوات بر پیامبر به شکل متداول میان اهل سنت، «صلی الله علیه و سلم» آمده است (برگ های ۲۱ الف؛ ۳۰۸ ب-۳۰۹ الف؛ ۳۱۰ الف-۳۱۲ الف؛ ۳۱۵ ب-۳۲۱ الف) و تنها موردی که کاتب نسخه حاضر عبارت صلوات را به شکل مطابق با سنت شیعی آورده، پایان فصل پنجم از مقاله سوم است (... تَمَّ باولياته الاستعانة والاستمداد وبهم الاستعاذة من الاستبداد وحسبنا الله ونعم الوكيل نعم الهادي ونعم النصير وصلى الله على النبي المصطفى محمد وآله الطاهرين) (برگ ۶۴ ب) و در برگ ۲۴۰ الف نیز صلوات به شکل شیعی آمده، اما کاتب ظاهراً بخشی دیگر در ذکر صحابه را نیز به آن افزوده است (... محمد المصطفى صلى الله عليه وعلى آله واصحابه الطاهرين). تعبیر «اصحابه الطاهرين» دلیلی بر این است که نسخه حاضر در الموت کتابت نشده است و نویسنده یا کاتب اسماعیلی ساکن در الموت، دلیلی بر ترضیه بر صحابه نداشته است.

کاتب نسخه تعبیر «کرم الله وجهه» و «رضی الله عنه» را برای علی × و امام حسن × (برگ ۲۱؛ ۳۱۳ ب؛ ۳۱۴ الف؛ ۳۲۰ ب و ۳۲۶ الف که تعبیر «امیر المؤمنین رضی الله عنه» را برای امام علی × آورده که باید در اصل «امیر المؤمنین ×» باشد؛ ۳۳۰ ب-۳۳۱ الف) یا امام حسین × (برگ ۳۱۳ الف) و تعبیر «رضی الله عنه» برای ائمه در بخشی که شرح حال آنها را آورده (برگ های ۳۳۰ ب-۳۳۴ ب) که تعبیری غیر معمول در سنت شیعه است (برگ ۲۱ الف). همین گونه عبارت ترضیه برای شیخین (برگ ۲۱؛ ۳۲۹ ب) و خلیفه سوم (برگ ۳۲۱ ب) در کتاب، بی تردید از کاتب سنی نسخه است و نمی تواند از نویسنده اسماعیلی متن باشد، یا اگر از نویسنده اسماعیلی متن باشد، شاهد صریحی است که وی کتاب خود را خارج از الموت تألیف کرده است، هر چند به نظرم با توجه به مطلبی که در ادامه از آن سخن خواهم گفت؛ عبارت های ترضیه برای شیخین دلالت بر این دارد که با استنساخی متاخر از کتاب دستور المنجمین روبرو هستیم، یا عبارت ترضیه برای حفصه و پدرش در برگ ۳۱۵ الف.





عبارت های متداول در سنت شیعه هنگام ذکر ائمه × یا علیهم السلام یا علی ذکره السلام است، اما چون نسخه حاضر را کاتبی سنی در بعد، از روی نسخه ای با واسطه یا شاید اصل کتابت کرده، تغییر داده است، اما در مواردی تعبیر «علیه السلام» در اصل نسخه را هنگام کتابت حفظ کرده است (فصول وجداول فی تواریخ الالباء والانبیاء والائمة علیهم السلام ...) (برگ ۲۴۰ ب).^۱

این نکته که با استنساخی متاخر از اصل کتاب روبرو هستیم، بر اساس تصریح های آمده در خصوص مقابله نسخه با نسخه ای است که کتاب نسخه حاضر دستور المنجمین نسخه خود را از روی آن کتابت کرده و مطلب یا مطالب افتاده را در حاشیه متذکر شده و عبارت «صح» که در اشاره به چنین کاری متداول است را آورده است (برگ های ۲۷ الف؛ ۱۴۴ الف؛ ۱۴۵ ب، ۱۴۸ ب؛ ۱۷۸ ب؛ ۱۸۵ ب؛ ۱۸۹ ب؛ ۱۹۲ ب؛ ۲۲۱ الف). موارد دیگری که نشان از کتابت نسخه از روی نسخه ای دیگر دارد، اشاراتی است که عدم نگارش مطلبی را در برخی برگ های نسخه را با توضیحی در آن برگ ها متذکر شده است. به عنوان مثال در برگ ۲۲ الف، جدولی خالی آمده و در گوشه آن کاتب تصریح کرده که جدول خالی درست است یعنی که در اصل نسخه ای که نسخه خود را از روی آن کتابت کرده نیز چنین بوده است: (البیاض صحیح) یا همین گونه که برگ ۲۶ ب بیاض آمده است (بیاض صحیح) که دلالت بر این دارد که کاتب نسخه خود را سعی نموده همانگونه که در نسخه اصل بوده، کتابت کند.

تملکات نسخه دستور المنجمین

از نکات مهمی که در برگ فعلی کتاب دستور المنجمین دست کم برای شناخت مکان هایی که نسخه پیش از رسیدن به کتابخانه ملی فرانسه بوده، می تواند نکاتی را حل کند، چند یادداشت

۱ سنی بودن کاتب نسخه دستور المنجمین کتابخانه ملی فرانسه مورد تاکید و اشاره سید محمد عمادی حائری («از اتهام جعل تا دست نوشت مؤلف: بررسی سه فرضیه درباره متن و دست نویس دستور المنجمین»، ص ۱۶۴-۱۶۷) نیز قرار گرفته است. عمادی (همان، ص ۱۵۹-۱۶۴) همچنین به تفصیل از این مطلب که دستور المنجمین متن در اختیار جوینی در نگارش تاریخ خود بوده نیز بحث کرده و نشان داده که تفاوت های مهمی میان مطالب جوینی و نویسنده دستور المنجمین وجود دارد که احتمال دسترسی جوینی به آن را منتفی می کند. برخی تشابهات علی الظاهر به دلیل منابع مشترک باید باشد، نه آنکه کتاب دستور المنجمین در اختیار جوینی بوده است.

تملك بر آن است. یادداشت های اخیر مورد توجه و بحث حوا اورتمان و پیترا اشمیدل^۱ قرار گرفته، جز آنکه در قرائت بخش هایی از مطالب یادداشت های تملك، همانگونه که بوریس لیبرتس به درستی اشاره کرده، مرتکب خطا شده و ترتیب تاریخی مالکان نسخه را نیز به شکلی نادرست ذکر کرده اند. در این بخش با بهره گیری از مقاله لیبرتس به بحث از تملکات نسخه دستور المنجمین می پردازم. در برگ نخست نسخه چند تملك و دو مهر آمده است. تملکات مورد بحث در بحث از سیر تاریخی مکان هایی که نسخه در آن بوده، می تواند نکاتی را روشن کند.

هر چند مشکل اصلی در خصوص افرادی که نامشان به عنوان مالکان نسخه آمده این است که شرح حال آنها را نمی دانیم و تنها دو تن از افرادی که نسخه زمانی در تملك آنها بوده را می توانیم شناسایی کنیم و مکان اقامت مالکان نسخه را نیز در سه مورد می توانیم شناسایی کنیم. متأسفانه ناتوانی در شناسایی افراد مالک نسخه، این امکان را از ما سلب می کند که بتوانیم به نحوی دقیق از مکان نسخه سخن بگوییم. دسته اول از مالکانی که ناشناس هستند عبارتند از: محمد بن یوسف بن حورانی حنبلی است که چند یادداشت نیز بر حواشی نسخه نوشته است: (ملکه من فضل ربه القوي محمد بن يوسف بن الحوراني الحنبلي).^۲ نسخه به نظر در دمشق بوده و آخرین فردی که در این شهر نسخه را برای مدتی در تملك داشته، جلال الدین رملی (متوفی ۱۰۰۰) است. جلال الدین محمد بن محمد رملی از عالمان حنفی دمشق و موقت جامع اموی و فردی علاقه مند به کتاب و تجارت آن بوده است. محتوی کتاب دستور المنجمین دقیقاً با کار وی یعنی موقت بودن تطابق دارد. شماری از نسخه های خطی دیگری که در تملك رملی بوده را می شناسیم. حواشی متعددی به یک خط واحد بر نسخه موجود است که به نظر می رسد کاتب آنها رملی باشد.^۳

1 Eva Orthmann and Petra G. Schmidl, "The Provenance and History of the *Dustūr al-munajjimīn* and its Manuscript," in: *Science in the City of Fortune: The *Dustūr al-munajjimīn* and its World* (Berlin: Eberlag, 2017), pp.14-16.

۲ برای این حواشی بنگرید به: دستور المنجمین، برگ ۹؛ الف ۱۱؛ الف ۱۴؛ الف ۷۱؛ الف ۷۵؛ الف ۷۸؛ الف ۱۰۶؛ الف ۱۶۸؛ الف ۱۷۹؛ الف ۱۸۰؛ الف ۱۸۱؛ الف ۲۳۲.

۳ برای شرح حال رملی بنگرید به: نجم الدین غزی، الکواکب السائرة بأعیان المئة العاشرة، تحقیق جبرائیل سلیمان جبور (بیروت: دار الآفاق الجديدة، ۱۹۷۹)، ج ۳، ص ۱۲. این حواشی عبارتند از برگ الف؛ الف ۲۷؛ الف ۵۹؛ الف ۶۲؛ الف ۶۳؛





نسخه بعد از درگذشت رملی، بدست احمد بن محمد وانی (تملكه الفقير المحتاج الى رحمة ربه القدير احمد بن محمد الواني عليهما الرحمة من الباري) رسیده است. متأسفانه احمد وانی را نمی‌شناسیم هر چند شهرت وانی او دلالت بر این دارد که اصالتاً اهل وان و ظاهراً ساکن در آنجا بوده است. نسخه بعد از مرگ وانی، توسط فردی به نام سید مرتضی بن حسین به بورس آورده شده است. متأسفانه بخشی از یادداشتی که فرد اخیر بر نسخه نوشته، محو شده و آنچه که قابل خواندن از یادداشت او می‌باشد، چنین است:

«ثم تملك الفقير سید مرتضی بن حسن / حسین // اخرج كتاب ابن الواني الى المزا (كلمه اخير محتملا مزاة يا المزا است) // في بلدة البورسة في...».

نسخه سرانجام به تملك ابوبکر بن رستم بن احمد شروانی (متوفی ۱۱۳۵) رئیس الکتاب روزگار خود رسیده و او عبارت کوتاهی که وی بر نسخه‌های در تملك خود، عموماً می‌نوشته را بر نسخه یادداشت کرده است: (الله حسبي؛ من كتب ابي بكر بن رستم بن احمد الشرواني). دانسته‌های ما درباره ابوبکر شروانی اندک است. وی در جریان محاصره دوم وین در ۱۰۹۴/۱۶۸۳ به عنوان مقابله‌چی^۱ حضور داشته است و سرانجام به سمت مهم رئیس الکتاب در استانبول رسیده است. فهرست بلندی از نسخه‌های شناخته شده از وی که می‌شناسیم نشان از کتابشناسی او دارد و تقریباً نسخه‌هایی که او خریداری می‌کرده، عموماً نسخه‌هایی نفیس و ارزشمند است. بعد از مرگ شروانی در ۱۱۳۵ دقیقاً نسخه در دست چه کسانی بوده، دانسته نیست.^۲

پراکندگی نسخه‌های تحت تملك شروانی، دلالت بر این دارد که نسخه‌هایی او را حکومت مصادره نکرده است، رسمی که در بسیاری از موارد درباره مجموعه داران اعمال می‌

۱۳۶؛ ۱۶۷؛ ۱۶۸؛ ۱۸۱؛ ۲۱۷؛ ۲۵۰ الف. حاشیه نوشته شده بر برگ ۲ الف که مطلبی را درباره علامت راس الشاطر نقل کرده و توضیح بیشتر را به کتاب نه‌ایة السؤل فی تصحیح الاصول ارجاع داده از حیث خط با هر دو حواشی مورد بحث در قبل تفاوت دارد و دقیقاً دانسته نیست به کدام یک از مالکان نسخه تعلق دارد. ظاهراً مراد از کتاب نه‌ایة السؤل کتاب جمال الدین اسنوری شافعی باشد. درباره شماری از نسخه‌های خطی که در تملك رملی بوده بنگرید به:

Boris Liebreuz, "The History and Provenance of the Unique Duster al-munajjim in Manuscript, BnF Arabe 5968," *Journal of Islamic Manuscripts* 11(2020), p35, no.18.

۱ مقابله‌چی در مدارس قدیم کسی بوده که قرآن را به نحو همزمان با طلاب نوآموز به صورت صحیح و رسا قرائت می‌کرده تا آنها حین قرائت قرآن اشتباهات و بدخوانی‌های خود را متوجه شوند و بلافاصله تصحیح کنند.

۲ درباره شروانی بنگرید به:

Boris Liebreuz, "The History and Provenance of the Unique Duster al-munajjim in Manuscript, BnF Arabe 5968," pp.37-39

شده است. یک مهر با سجع عبارت فارسی بر نسخه هست که ظاهراً از آن احمد بن محمد وانی است (چون سَمیّ احمدم یا رب مغفور کن). نسخه را زمانی که چارلز شفر^۳ (۱۸۲۰-۱۸۹۸) در استانبول بوده، خریداری کرده و سرانجام بعد از مرگش در ۱۸۹۸ نسخه به مالکیت کتابخانه ملی فرانسه درآمده است. نسخه از چه راهی به دمشق رسیده است؟ محتمل آن است که نسخه حتی اگر در ایران استنساخ شده باشد و البته از شواهدی که ارایه شد، نباید کار کتابت در قلعه الموت رخ داده باشد، بنظر می رسد که از راه بغداد به دمشق رسیده باشد. در هر حال نسخه پیش از ۷۷۳ و بعد از ۶۵۶ کتابت شده است، اما بی شک به نظر می رسد که باید این گمان که نسخه ای از نسخه های کتابخانه الموت بوده را به کنار نهاد و تنها بپذیریم که نسخه را یکی از اسماعیلیان نزاری ایران پیش از ۵۱۸ و بعد از ۴۸۴ تألیف کرده و بعدها فردی سنی مذهب که کاتب نسخه ۵۹۶۸ کتابخانه ملی پاریس بوده است، نسخه ای از آن کتاب را کتابت کرده که اکنون در اختیار ما می باشد.

نظام و کتاب النکت او

ابن ندیم در کتاب الفهرست، بحث نسبتاً مبسوطی درباره ابواسحاق ابراهیم بن سیار مشهور به نظام آورده و فهرست بلندی از آثار او را نیز برشمرده است. ایمن فؤاد سید محقق کتاب در پاورقی نیز اشاره کرده که اثری از آثار متعدد نظام بدست ما نرسیده است که البته مطلب صحیحی است، اما همانگونه که متذکر شده است، شاگرد نامور نظام، یعنی جاحظ نقش مهمی در حفظ و روایت آثار نظام داشته و به واسطه کتابهای جاحظ می توان در خصوص برخی آثار نظام و اندیشه های او اطلاعاتی بدست آورد. با این حال تمام آثار نظام به تمامی از میان نرفته و از جمله آثار نظام کتابی به نام النکت^۴ دست کم به دو تحریر توسط جاحظ باقی مانده است. کتاب النکت اثری مشهور بوده که در آن نظام به نقد عقیده درستی اجماع صحابه پرداخته است. احتمالاً نظام در بحث خود از مسئله اجماع باید به مهمترین مدافع بحث اجماع در نسل پیش از خود، یعنی محمد بن ادريس شافعی (متوفی ۲۰۴) در کتاب

3 Charles Schefer.

۲ ابن ندیم، کتاب الفهرست، ج ۱، بخش دوم، ص ۵۷۲.





الرسالة نظر داشته باشد و نقد او اگر منحصرأً به این بحث در کتاب الرسالة محدود نبوده باشد، یکی از مهمترین مخاطبان نظام در نقد مسئله حجیت اجماع صحابه، شافعی و بحث او در کتاب الرسالة بوده است.

بحث از اجماع صحابه با بحث دیگری نیز مرتبط است و آن عدالت صحابه است و اساساً بر همین مبنا که صحابه همگی عادل هستند، اقوال آنها حجیت پیدا می‌کند، نظری که برخی از معتزله بر خلاف اهل حدیث آن را قبول نداشتند. فخر رازی در بحث از اجماع به تفصیل مطالب کتاب النکت نظام را به واسطه تحریر کتاب الفتیان نقل کرده و پیش از شروع بحث خود از مسئله عدالت صحابه در تذکری کوتاه در خصوص مطالب کتاب نظام نوشته است:

«وقد بالغ إبراهيم النظام في الطعن فيهم على ما نقله الجاحظ عنه في كتاب الفتيا ونحن نذكر ذلك مجملاً ومفصلاً...»^۱ و در ادامه به تفصیل مطالب نظام را گزارش داده است.^۲ نکته جالب توجه که مصحح کتاب نیز به آن اشاره کرده است، در نسخه های متعددی از کتاب المحصول فخر رازی، کاتبان این بخش از نسخه را که نسبتاً نیز قابل توجه است، از قلم انداخته و به دلیل آنکه طعن بر صحابه و عقیده به عدالت صحابه بوده، کتابت نکرده اند.^۳ کتاب النکت تا قرن هفتم موجود بوده و ابن ابی الحدید مطلبی از آن نقل کرده است. مهمترین گزارش درباره کتاب النکت، مطلبی است که ابن ابی الحدید آورده است. ابن ابی الحدید در اشاره به مطالب و موضوع کتاب النکت - در متن چاپ شده شرح نهج البلاغه به خطا النکت آمده و به همین شکل به منابع دیگر نیز راه یافته است^۴ - نوشته است:

«واعلم أن النظام لما تكلم في كتاب النکت وانتصر لكون الاجماع ليس بحجة، اضطر إلى

۱ فخر الدین محمد بن عمر رازی، المحصول فی علم اصول الفقه، دراسة و تحقیق طه جابر فیاض علوانی (بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۹۹۷/۱۴۱۸)، ج ۴، ص ۳۰۸.

۲ فخر الدین محمد بن عمر رازی، المحصول فی علم اصول الفقه، ج ۴، ص ۳۰۸-۳۵۰.

۳ فخر الدین محمد بن عمر رازی، المحصول فی علم اصول الفقه، ج ۴، ص ۳۰۸، پانویس ۳ در چهار نسخه از هفت نسخه ای که مصحح در تصحیح کتاب المحصول بهره برده، مطالب نظام حذف شده است. مصحح کتاب المحصول نیز در این بخش کتاب پاورقی های فراوانی آورده و سعی در رد مطالب نظام کرده و در آخر نیز از فخر رازی خرده گرفته که شبهات را به تفصیل آورده اما در جواب کوتاهی کرده است (المحصول، ج ۴، ص ۳۵۰، پانویس ۵).

۴ بنگرید به: صفاء خلوصی، «مصادر شرح نهج البلاغة»، مجلة المجمع العلمي العراقي، المجلد التاسع، ۱۳۸۱/۱۹۶۱، ص ۳۴۶ که از کتاب النکت، با عنوان النکت یاد کرده است.

ذکر عیوب الصحابة، فذكر لكل منهم عيباً ووجه إلى كل واحد منهم طعناً...»^۱.

مطلب اخیر مورد اشاره ابن ابی الحدید می تواند علت توجه به کتاب النکت را در سنت شیعه نشان دهد؛ کتاب از دو جهت مورد توجه شیعیان قرار گرفته بود؛ نخست متنی غیر شیعی که مشتمل بر ایراداتی به صحابه بود^۲ و از سوی برخی مطالب کتاب در خصوص امیر المؤمنین علی × بود که لازم بود تا پاسخی به آنها داده شود. متن کتاب النکت توسط جاحظ به شکلی تلخیص شده بود و ظاهراً با دو عنوان یا دو تحریر الفتیا و کتاب الاخبار در ادوار بعدی رواج داشته است. فخر رازی نسخه ای از کتاب الفتیا را در اختیار داشته و در کتاب المحصول خود از آن نقل قولهای مفصلی آورده است. عالم نامور زیدی، ابن المرتضی (متوفی ۸۰۴) در کتاب هنوز منتشر نشده اش در اصول فقه با عنوان غایة الافکار و نتائج الانظار مطالب مفصلی از کتاب الاخبار جاحظ نقل کرده که تحریری از همان کتاب النکت نظام است. فان اس بر اساس نقل قول های موجود از کتاب النکت در آثاری بعدی کتاب را بازسازی کرده و نخست در مقاله ای و سپس با بسط و تفصیل، آن را تک نگاری منتشر کرده است.^۳

نجاشی و کتاب رجال کشی

آثار رجالی و فهارس کهن امامی پیش از روزگار ابوالعباس احمد بن علی نجاشی (متوفی ۴۵۰) میراث قابل تأملی بوده است. آثار مذکور و مطالب مندرج در آنها به تألیف آثار رجالی و فهارس مفصل تر منتهی شده است. در چاپ های انتقادی که از اصول رجالی و فهرستی کهن امامیه صورت گرفته است؛ علیرغم کوشش ها و تلاش های مختلفی که صورت گرفته است، جای برخی مباحث خالی است، از جمله آنها بحث از ارتباط میان آثار و چگونگی بهره

۱ شرح نهج البلاغة، ج ۶، ص ۱۲۹. ابن ابی الحدید (شرح نهج البلاغة، ج ۶، ص ۱۲۹-۱۳۴) بحثی در خصوص خرده ای که نظام به امیر المؤمنین در کتاب النکت آورده، دارد و ضمن نقل کامل مطلب نظام، به آن پاسخی نیز داده است.

۲ شیخ مفید کتاب النکت را به تحریر جاحظ و با عنوان الفتیا در اختیار داشته و مباحث قابل توجهی از آن را نقل کرده است. بنگرید به: الفصول المختارة، تحقیق سید علی شریفی (بیروت: دار المفید، ۱۹۹۳/۱۴۱۴)، ص ۲۰۴-۲۳۹.

3 Josef van Ess, "Ein Unbekanntes Fragment Das Nazzām", in: Der Orient in der Forschung (Wiesbaden, 1967), pp. 170-201; Das Kitāb an-Nakt des Nazzām und seine Rezeption im Kitāb al-Futūyā des Gāhiz. Eine Sammlung der Fragmente mit Übersetzung und Kommentar, von Josef van Ess (Göttingen, 1972).





گیری مؤلفان آنها از تألیفات یکدیگر است. توجه به چنین بحثی می‌تواند برخی اشکالات متداول در شرح حال برخی رجال امامی را نیز حل کند. نوشتار کوتاه حاضر با تکیه بر چنین رویکردی، تلاش دارد تا برخی مطالب مندرج در فهرست نجاشی را نسبت به آثار رجالی و فهرستی پیش از خود را از این منظر مورد تحلیل و بررسی قرار دهد، هر چند تکیه اصلی نوشتار حاضر نظرات نجاشی در خصوص کتاب رجال کَشّی می‌باشد.

احمد بن علی نجاشی در شرح حال کوتاهی که برای کَشّی در کتاب فهرست خود آورده، چنین نوشته است:

«محمد بن عمر بن عبدالعزیز الکَشّی أبو عمرو، كان ثقة، عيناً، وروى عن الضعفاء كثيراً وصحب العياشي وأخذ عنه وتخرج عليه وفي داره التي كانت مرتعاً للشيعة وأهل العلم. له كتاب الرجال كثير العلم وفيه أغلاط كثيرة. أخبرنا أحمد بن علي بن نوح وغيره، عن جعفر بن محمد عنه بكتابه»^۱.

شیخ طوسی در عبارتی مشابه اما با تفاوت‌های مهم درباره کَشّی چنین نوشته است:

«محمد بن عمر بن عبدالعزیز الکَشّی، یکنی أبا عمرو، ثقة، بصیر بالأخبار وبالرجال، حسن الاعتقاد، له كتاب الرجال. أخبرنا جماعة عن أبي محمد هارون بن موسى عن محمد بن عمر بن عبدالعزیز أبي عمرو الکَشّی»^۲.

برخلاف نجاشی که به چند نکته درباره کَشّی یعنی روایت از ضعفاء و وجود اشتباهات فراوان در کتاب رجال وی اشاره کرده، شیخ طوسی کَشّی را فردی آگاه به اخبار و رجال معرفی کرده است. درباره اینکه مراد نجاشی از عبارت «فیه أغلاط كثيرة» چه می‌باشد، بحث و جدل‌های فراوانی شده است که محل بحث نگارنده نیست، اما یک نکته مغفول در مباحثی که در خصوص این تعبیر نجاشی درباره رجال کَشّی از نظرها بدور مانده است، این است که نجاشی در فهرست خود باید به آنچه که اغلاط فراوان کَشّی در رجال نظر داشته، پرداخته

۱ نجاشی، فهرست أسماء مصنفي الشيعة، ص ۳۷۲.

۲ شیخ طوسی، الفهرست، ص ۴۰۳.

باشد و از آنها بحث کرده باشد. آنچه که باعث شده تا چنین مطلبی مورد توجه قرار نگیرد، عدم اشاره صریح نجاشی به چنین مواردی است، اما به نظر می‌رسد که نجاشی در مباحث خود در خصوص اشکالات مورد اشاره مطالبی آورده و به نقد آنچه که از دید او خطا بوده، پرداخته است. برخی از اشکالات راه یافته به کتاب رجال کَشّی، به واسطه منابعی بوده که او مورد استفاده قرار داده است، نکته ای که نجاشی نیز به آن با تعبیر «و روی عن الضعفاء کثیراً» تاکید کرده است.

یکی از این منابع، اثری است که با عنوان رجال برقی شهرت دارد هر چند در خصوص انتساب آن به برقی به دلیل وجود برخی مطالب در آن، که با تاریخ درگذشت احمد بن محمد خالد برقی تطابق ندارد، اختلاف است و گفته شده که ممکن است کتاب تدوین شاگردان او باشد یا آنکه اساساً اثری از مؤلفی دیگر باشد. در هر حال نکته قابل توجه این است که متن منسوب به برقی ظاهراً در اختیار کَشّی بوده است. ابن بابویه قمی در مشیخه و فهرست کهنی که شیخ طوسی اساس کار خود در نگارش کتاب الفهرست را بر آن بنا نهاده بوده و از آن مطالبی نقل شده است که عموماً این مطالب از نظر نجاشی نادرست بوده و در خصوص آنها به تفصیل بحث کرده و آنچه را که به گمان او صحیح بوده در ذیل نام افراد مورد بحث آورده است.

بررسی فهرست نجاشی نشان می‌دهد که نجاشی به دقت از اشکالاتی که در رجال کَشّی و اثر منسوب به رجال برقی که یکی از منابع کَشّی بوده، بحث کرده است. مواردی که می‌تواند ناظر به نقد مطالب رجال کَشّی توسط نجاشی در فهرست اسماء مصنفی الشیعة باشد، چنین است:

(۱) کَشّی در شرح حال عمر بن اذینه و علت خروج او به جایی که درگذشت، دو خبر نقل کرده و چنین نوشته است:

«حمدویه بن نصیر قال سمعت اشياخي منهم العبيدي وغيره، انّ ابن اذينة كوفي، وكان هرب من المهدي ومات باليمن فلذلك لم يرو عنه كثير، ويقال اسمه محمد بن عمر بن اذينة، غلب عليه اسم ابيه وهو كوفي مولى لعبد القيس»^۱.

۱ کَشّی، اختیار معرفة الرجال، ص ۳۳۴-۳۳۵.





کشی در شرح حال کوتاه عمر بن اذینه از دو منبع مطالب خود را نقل کرده است؛ نخست مکتوبی که به روایت حمدویه بن نصیر بوده و دیگری از متنی که اکنون به عنوان رجال برقی شهرت دارد، جز با یک تفاوت اندک. برقی در اشاره به عمر بن اذینه چنین نوشته است:

«محمد بن عمر بن اذینه؛ غلب علیه اسم ابيه وهو مدني، مولى عبدالقيس»^۱.

مشخص است که تعبیر مدنی در متن چاپ شده رجال برقی محتملاً تصحیف شده باشد و در اصل باید کوفی ذکر شده باشد، همانگونه که در کتاب رجال کشی که نسخه های کهنتری به نسبت رجال برقی دارد، آمده است. برای آنکه بدانیم نجاشی چگونه به نقد مطالب رجال کشی نظر داشته، بهتر است نخست آنچه که وی در شرح حال عمر بن اذینه آورده را مرور کنیم. نجاشی در شرح حال عمر بن اذینه چنین نوشته است:

«عمر بن محمد بن عبدالرحمن بن اذینه بن سلمة بن الحارث بن خالد بن عائذ بن سعد بن ثعلبة بن غنم بن مالک بن بهثة بن جدیمة بن الدیل بن شن بن أفضي بن عبدالقيس بن أفضي بن دعي بن جدیلة بن أسد بن ربیعة بن نزار بن معد بن عدنان.

شیخ أصحابنا البصریین ووجههم، روی عن أبي عبدالله × بمكاتبة. له كتاب الفرائض، أخبرنا أحمد بن محمد عن أحمد بن محمد بن سعید، قال حدثنا محمد بن مفصل بن إبراهيم عن محمد بن زیاد عن عبیدالله بن أحمد بن نهیک و أحمد بن سقلاب جميعاً عن محمد بن أبي عمير عن عمر بن أذينة به»^۲.

نجاشی در شرح حالی که برای عمر بن اذینه آورده به آنچه که کشی در کتاب رجال خود آورده، نظر داشته است؛ نخست سلسله نسب عمر بن اذینه را به طور کامل نقل کرده است که نشانگر آن است که عمر بن اذینه از قبیله عبدالقیس بوده و نه از موالی آنها. به واقع علت آنکه نجاشی سلسله نسب کامل عمر بن اذینه را نقل کرده، توجه وی به دانش انسب نبوده بلکه وی در صدد نقد مطلب کشی بوده است، هر چند این مطلب نشانگر تبحر او در دانش نسب نیز هست، اما علت اصلی نقد مطلب آمده در رجال کشی است.^۳

۱ برقی قمی، رجال البرقی، ص ۱۴۲.

۲ نجاشی، فهرست أسماء مصنفی الشيعة، ص ۲۸۳-۲۸۴.

۳ مرحوم شوشتری در خصوص برخی رجال امامیه که نجاشی آنها را عرب تبار معرفی کرده، در حالی که دیگر رجالیان متقدم امامی آنها را از موالی یاد کرده اند، گفته های نجاشی را نادرست دانسته است؛ اما در این موارد که نجاشی با تعبیر مختلفی که برای عرب تبار بودن این دسته از محدثان امامی بهره جسته، ذکر شدن آنها به موالی جملگی به همان متن رجال منسوب به

نکته بعدی بر خلاف دو خبری که کشی آورده و در آنها عمر بن اذینه کوفی معرفی شده، نجاشی تصریح دارد که عمر بن اذینه بزرگ اصحاب در بصره بوده است. مطلب آخر در خصوص آنکه روایات نقل شده از عمر بن اذینه است. کشی نوشته که روایات اندکی از اذینه در دست است و علتی برای آن ذکر کرده که عمر بن اذینه در دوران مهدی عباسی مجبور به فرار شده و به یمن رفته و در آنجا درگذشته و این باعث شده تا روایات اندکی از وی باقی بماند. نجاشی در تصحیح این مسئله، به اثر مشهور عمر بن اذینه یعنی کتاب الفرائض اشاره کرده و طرق خود در روایت آن را نقل کرده است. عمر بن اذینه در بصره ساکن بوده و از شماری از عالمان امامی برجسته عصر خود، چون محمد بن مسلم، زرارۀ بن اعین، بکیر بن اعین، بُرید بن معاویه عجللی (متوفی ۱۵۰) که در کوفه سکونت داشته اند، نقل روایت کرده، که نشان از سفر وی به کوفه و دیدار با عالمان امامی ساکن در آنجا دارد. تعداد روایات فراوان او از محمد بن مسلم طحان ثقفی (متوفی ۱۵۰) و زرارۀ بن اعین (متوفی ۱۴۸ یا ۱۴۹) نشان از این دارد که وی به احتمال بسیار، راوی دفاتر یا اجزاء حدیثی از آنها است.

افراد مذکور چهره های برجسته فقیهان و محدثان امامی کوفه بوده و روایت هایی که عمر بن اذینه از آنها در ابواب مختلف فقهی نقل کرده، مورد توجه محدثان امامی بوده است و بیش از چهار صد روایت از وی در منابع روایی نقل شده است.^۱ در میان کسانی که از عمر بن اذینه نقل روایت کرده اند، محمد بن ابی عمیر نقش مهمی در روایت از وی داشته است. از دیگر افرادی که از عمر بن اذینه نقل روایت کرده اند، می توان به درست بن ابی منصور، منصور بن یونس بن بزرگ و کسان دیگری اشاره کرد.^۲ این مطالب و حجم گسترده روایات نقل شده از عمر بن اذینه در مصادر امامیه، دلالت بر این دارد که محتمل است فرد مورد اشاره کشی که به یمن گریخته و روایات چندانی از وی در سنت امامیه باقی نمانده، شخصی هم نام با عمر بن اذینه و از موالی عبدالقیس بوده باشد؛ در هر حال توضیح کشی با حجم روایت های نقل شده از عمر بن اذینه، در تراث امامیه سازگاری ندارد.

برقی باز می گردد که کشی؛ ابن بابویه و نویسنده فهرست اساس فهرست شیخ طوسی مطالب آن را نقل کرده اند. از این موارد می توان به فضیل بن یسار نهدی اشاره کرد که در ادامه از آن بحث شده است.

۱ خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۴، ص ۲۳.

۲ برای فهرست راویان از عمر بن اذینه بنگرید به: خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۴، ص ۲۴.





۲) در رجال منسوب به برقی در اشاره به فضیل بن یسار نه‌دی چنین آمده است: «فضیل بن یسار کوفی، مولی بنی نهیک، انتقل من الکوفة الى البصرة» و همین مطلب با کمی تفاوت در کتاب الرجال شیخ طوسی که باید از نسخه ای کاملتر از رجال منسوب به برقی اخذ شده باشد، مطلب اخیر به این صورت نقل شده است: «الفضیل بن یسار النهدي، مولی، أصله الکوفی، نزل البصرة، مات في حياة أبي عبد الله x».

نجاشی بخشی از مطالب خود در خصوص فضیل بن یسار را از قول ابوالعباس احمد بن علی مشهور به ابن نوح، عالم و رجالی برجسته ساکن بصره نقل کرده است؛ شهری که فضیل بن یسار به آنجا مهاجرت کرده و همانجا سکنی داشته است. نجاشی در خصوص تبار عربی فضیل بن یسار، نوشته است: «عربی، بصری، صمیم» و او را «النهدی» یاد می‌کند. تعبیر «صمیم» نشان از تبار عربی و نه اینکه فضیل از موالی باشد، دارد. در اینجا نجاشی در واقع به عبارت آمده در رجال منسوب به برقی که شیخ طوسی آن را در کتاب الرجال خود نیز نقل کرده، ایراد خود را بیان کرده است.^۲

۳) ابان بن عثمان بجلی از چهره های بسیار سرشناس محدثان امامی است و کشتی دو خبر در ذیل شرح حال او آورده است. یکی از دو خبری که کشتی درباره ابان بن عثمان نقل کرده، متضمن نکاتی درباره شرح حال ابان است. کشتی این خبر را به نقل از محمد بن مسعود عیاشی از قول علی بن حسن بن فضال نقل کرده و نوشته است:

«کان ابان من اهل البصرة، وکان مولی بجيلة وکان یسکن کوفة وکان من الناوسية».^۳

نجاشی این عبارت آمده در رجال کشتی را نادرست دانسته و در ابتدای شرح حال ابان بن عثمان چنین نوشته است:

۱ به جای بنو نهیک باید بنی نهد باشد اما ظاهراً توسط کاتبان در نگارش این کلمه تصحیف رخ داده باشد و بنو نهد را بنو نهیک خوانده اند. مرحوم شوشتری (قاموس الرجال، ج ۸، ص ۴۴۵) بدون توجه به این نکته که منبع این بابویه قمی در بخش مشیخه کتاب من لا یحضره الفقیه (ج ۴، ص ۴۴۱) و کتاب الرجال شیخ طوسی، متن منسوب به برقی بوده، در مسئله مورد بحث تبار فضیل بن یسار، قول نجاشی را نادرست دانسته است.

۲ نجاشی در موارد دیگری نیز تعبیر «صمیم» را در خصوص برخی روایات امامی که قصد تأکید بر تبار عربی آنها داشته، آورده است.

۳ اختیار معرفة الرجال، ص ۳۵۲.



«أبان بن عثمان الأحمر البجلي مولاهم، أصله كوفي، كان يسكنها تارة والبصرة تارة»^۱. نجاشی در نقد خود نخست متذکر شده که ابان از اهالی کوفه است نه بصره، که در گزارش ابن فضال توسط کَشّی نقل شده است و در ادامه نیز آورده که ابان گاهی در کوفه و گاه در بصره اقامت داشته است، در حالی که این دو مطلب در مطلب نقل شده توسط کَشّی به شکلی متفاوت نقل شده و کَشّی آورده که ابان بن عثمان در کوفه اقامت داشته است. در این مورد توجه به این نکته که اشتباه اخیر در واقع نه توسط کَشّی بلکه به علی بن حسن بن فضال باز می‌گردد، منبعی که کَشّی به آن اعتماد کرده و مطلب خود را از آن نقل کرده است.

۴) کَشّی در تألیف کتاب خود از میراث رجالی نگاشته شده پیش از خود بهره برده و برخی اشکالات موجود در کتاب وی نیز در واقع ایراداتی است که به این آثار مربوط می‌شود. همین مطلب در خصوص رجال و فهرست شیخ طوسی قابل طرح است. از معدود منابع رجالی تدوین شده پیش از کَشّی، متن مشهور به رجال برقی یکی از متونی است که مورد استفاده نویسندگان بعدی بوده و شیخ طوسی در کتاب الرجال خود یا مستقیماً یا به واسطه از آن بهره برده است و اشکالاتی که در آن کتاب بوده، به این ترتیب به آثار شیخ طوسی راه یافته است. در رجال برقی شرح حال محمد بن مسلم (متوفی ۱۵۰) از اصحاب امام باقر و امام صادق × در ذیل شاگردان هر دو امام آمده است؛ در ذیل اصحاب امام باقر × به شکلی خلاصه و تنها به این نحو «محمد بن مسلم الثقفي الطائفي» و در ذیل اصحاب امام صادق × به شکل مبسوط تری به این شکل:

«محمد بن مسلم بن رباح^۲ ثم الثقفي الطائفي، ثم انتقل الى الكوفة، عربي، والعامّة تروي عنه، وكان منّا، وأئس الراوي يروي عنه»^۳.

۱ نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشيعة، ص ۱۳.

۲ رجال البرقي، ص ۱۲۴. ظاهراً شیخ طوسی در کتاب الرجال خود از رجال برقی بهره برده باشد، که در شرح حال محمد بن مسلم نوشته است: «الثقفي الطحان، طائفي...». همچنین بنگرید به: شوشتری، قاموس الرجال، ج ۹، ص ۵۷۲. درباره رجال شیخ طوسی و شیوه نگارش آن باید تحقیق جداگانه ای صورت گیرد. توجه به شیوه نگارش و منابع شیخ طوسی در تألیف کتاب الرجال می‌تواند پاره ای از اشکالات رجالی موجود در آن را حل و فصل کند.

۳ بخش اخیر یعنی «أئس الراوي يروي عنه» خالی از اشکال و تصحیف نیست. ظاهراً در اینجا نویسنده رجال برقی قصد آن دارد تا به فردی که بیشترین روایت را از محمد بن مسلم نقل کرده، اشاره کند چرا که در میان افراد راوی از محمد بن مسلم بن رباح یا محمد بن مسلم بن سوسن طائفی فردی به نام انس رازی یا راوی یاد نشده است. فردی که بیشترین روایت را از محمد بن مسلم بن رباح نقل کرده، علاء بن رزین است. مؤید این گمان نقل شیخ طوسی در کتاب الرجال خود در شرح حال محمد



کشی در رجال خود، شهرت محمد بن مسلم را «طائفی ثقفی» آورده و در ابتدا شرح حال بسیار کوتاهی از او به نقل از علی بن حسن بن فضال کوفی آورده و چنین نوشته است: «کان محمد بن مسلم الثقفی کوفياً وکان اعور طحاناً».

ظاهراً نظر کشی به متن مشهور به رجال برقی است نظر که شهرت محمد بن مسلم را «الطائفی الثقفی» آورده است. دیگر اخبار نقل شده توسط کشی عمدتاً اخباری در مدح و ستایش اوست، جز سه خبر که همگی برگرفته از کتاب جبرائیل بن احمد فاریابی است که مشتمل بر ذم محمد بن مسلم است. نجاشی در شرح حال محمد بن مسلم، با نظر به مطالب آمده در رجال کشی، چنین نوشته است:

«محمد بن مسلم بن رباح أبوجعفر الأوقص الطحان، مولی ثقیف الأعور، وجه أصحابنا بالكوفة، فقیه، ورع، صحب أباجعفر وأباعدالله علیهما السلام، وروی عنهما وکان من أوثق الناس...»^۱

نجاشی در نقد مطالب کشی، به رابطه ولاء وی با ثقیف اشاره کرده و تعبیر «وجه أصحابنا بالكوفة، فقیه، ورع» آورده است. به این ترتیب او طائفی بودن محمد بن مسلم که کشی و دیگر رجالیان پیش از آورده اند، را نادرست دانسته و تصریح به این دارد که محمد بن مسلم از اهالی کوفه است.^۲ نکته بعدی نقد نجاشی به سه روایت نقل شده توسط کشی از کتاب جبرائیل بن احمد فاریابی است که مشتمل بر روایاتی در ذم محمد بن مسلم بوده و در رد آنها نجاشی ضمن تصریح به وثاقت، ورع و فقاهاست محمد بن مسلم او را «وجه اصحابنا بالكوفة» خطاب کرده است.

شرح حال محمد بن مسلم، نشانگر این مطلب نیز هست که گفته نجاشی در وجود اغلاط فراوان در رجال کشی، ناظر به مطالب و روایات او نیز هست؛ مطالبی که نجاشی به دقت در سراسر کتاب خود به نقد آنها توجه نشان داده و می توان گفت که کنایه او به کشی که

۱ بن مسلم است که نوشته است: «و أروی الناس عنه العلاء بن رزین القلاء».

۲ نجاشی، فهرست أسماء مصنفی الشيعة، ص ۳۲۳-۳۲۴.

۲ تقطن به خلط میان محمد بن مسلم بن رباح ثقفی با محمد بن مسلم طائفی مکی حاصل دقت استاد ارجمند سید حسین مدرسی طباطبائی است. بنگرید به: همو، میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، دفتر اول، ص ۴۱۵. نجاشی بدون تصریح صریح به این اشکال اشاره کرده است.

«روی عن الضعفاء كثيراً» ناظر به همین روایت هایی است که وی از کتاب جبرائیل بن احمد فاریابی در مذمت بزرگان اصحاب نقل کرده است. تقریباً عمده روایت های نقل شده توسط کَشّی، در ذم بزرگانی چون محمد بن مسلم، زرارة بن اعین و برید بن معاویة به واسطه نقل از کتاب جبرائیل بن احمد فاریابی است.^۱ در سلسله اسناد روایت های نقل شده توسط جبرائیل بن احمد فاریابی، نام کسانی چون محمد بن عبدالله بن مهران کرخی دیده می شود که نامش در پانزده روایت آمده و شخصیتی است که نجاشی در خصوص وی چنین نوشته است:

«محمد بن عبدالله بن مهران، أبوجعفر الکرخی من أبناء الأعاجم، غال، کذاب، فاسد المذهب، والحديث، مشهور بذلك. له كتب، منها: کتاب المدوحين والمذمومين، کتاب مقتل أبي الخطاب، کتاب مناقب أبي الخطاب، کتاب الملاحم، کتاب التبصرة، کتاب القباب، کتاب النوادر وهو أقرب إلى الحق والباقي تخليط. قاله ابن نوح. أخبرنا ابن نوح: قال حدثنا الحسن بن حمزة الطبري، قال: حدثنا ابن بطة، قال حدثنا البرقي عنه»^۲.

رابطه ولائی محمد بن مسلم با قبيلة ثقیف، البته نکته ای است که نجاشی نیز به آن اشاره کرده است، اما شهرت طائفی ظاهراً باید برگرفته از کتاب مشهور به رجال برقی یا متن دیگری باشد که در هر حال ناشی از خلط میان محمد بن مسلم ثقیفی کوفی با محمد بن مسلم بن سوسن طائفی مکی (متوفی ۱۷۷) است.^۳ نویسنده متن رجال برقی، اطلاعی از محمد بن مسلم طائفی نداشته و نام وی را ظاهر در اسناد روایات و کتابهای رجالی اهل سنت دیده و تصور کرده که وی همان محمد بن مسلم بن رباح است؛ لذا از وی تعبیر «عربی» یاد کرده و گفته اهل سنت نیز از وی نقل روایت کرده اند، در حالی که از رجال امامی است.

۵) از دیگر مواردی که می توان به عنوان نقد نجاشی بر مطالب رجال کَشّی اشاره کرد، مطالبی است که نجاشی در شرح حال عالم و فقیه نامور امامی برید بن معاویة عجللی (متوفی

۱ درباره جبرائیل بن احمد و کتاب مفاخر الکوفة و البصرة وی که نسخه ای از آن در اختیار کَشّی بوده و به کرات از آن نقل قول کرده، بنگرید به: شوشتری، قاموس الرجال، ج ۲، ص ۵۶۴-۵۶۵؛ حمید باقری، «جبریل بن احمد فاریابی و کتاب مفاخر الکوفة و البصرة وی»، کتاب شیعه، سال دوم، شماره دوم، پاییز-زمستان ۱۳۹۰ش، ص ۱۵۶-۱۷۲.

۲ نجاشی، فهرست أسماء مصنفی الشيعة، ص ۳۵۰. همچنین بنگرید به: شوشتری، قاموس الرجال، ج ۹، ص ۳۹۲-۳۹۳.
۳ برای شرح حال محمد بن مسلم بن سوسن طائفی بنگرید به: یوسف بن عبدالرحمن مزی، تهذیب الکمال فی أسماء الرجال، حقه و ضبط نضه و علق علیه بشار عواد معروف (بیروت: مؤسسة الرسالة، ۲۰۰۲/۱۴۲۲)، ج ۲۶، ص ۴۱۲-۴۱۷. مصحح در پاورقی صفحه ۴۱۲، شماره ۲ دیگر منابع برای شرح حال او ذکر کرده است. کَشّی (اختیار معرفة الرجال، ص ۲۳۸) در توضیح فقیهان نامور دوران امام باقر و صادق^۴ از محمد بن مسلم نیز نام برده و او را «الطایفی» یاد کرده است.



۱۵۰ آورده است. منبع کَشّی در اخباری که در ذم برید آورده همان کتاب جبرائیل بن احمد فاریابی است؛ منبعی که به نظر نجاشی مشتمل بر اخبار نادرست و ضعیف بوده است.^۱ نجاشی برای نشان دادن نظر خود در رد روایت هایی که کَشّی در خصوص ذم برید آورده، در معرفی او نوشته است:

«وجه من وجوه أصحابنا، وفقیه أيضاً، له محل عند الأئمة».^۲

شهرت برید در میان رجالیان عراق به حدی است که نجاشی توضیح بیشتری در این خصوص را لازم ندیده و ضمن اشاره به فقاہت برید، او را از بزرگان اصحاب و افراد سرشناس نزد ائمه معرفی کرده است با این حال نوع معرفی او توسط نجاشی نشان از این دارد که نجاشی نسبت به نقد مطالبی که کَشّی در خصوص بزرگان اصحاب آورده، توجه داشته و در سراسر کتاب خود در معرفی اصحاب و بزرگان امامیه، تعبیری به کار برده که موضع خود نسبت به نادرستی مطالب کَشّی را نشان می دهد.

با این حال باید این پرسش را مطرح کرد که روایت هایی که کَشّی در کتاب خود در ذم برخی از بزرگان شیعه آورده، از نظر مکاتب مختلف امامی آن دوران چگونه تلقی می شده است؛ به دیگر سخن اگر گروهی از عالمان امامی روایت های نقل شده را صحیح می دانسته اند، چه موضعی نسبت به تراث حدیثی این دسته از محدثان نشان داده اند. دانسته است که رجالیان متاخر با ضعیف خواندن چنین روایت هایی، گاه آنها را ناشی از تقیه و تلاش ائمه برای حفظ جان عالمان و محدثان امامی معرفی کرده اند و از کنار آنها گذشته اند، اما فقها و عالمان امامی پیش از نجاشی و شیخ طوسی، چه دیدگاه های نسبت به این دسته از روایت ها داشته اند. از نگاه مورخانه می توان این دسته از روایت ها را حاصل پرونده سازی جریان های مختلف در میان امامیه دانست، که بر اساس اینکه روایت ها توسط چه افرادی روایت می شده، حتی می توان در خصوص منشأ آنها سخن گفت؛ به واقع روایت های مورد بحث،

۱ کَشّی، اختیار معرفة الرجال، ص ۱۴۸-۱۴۹، روایتهای شماره ۲۳۶ و ۲۳۷؛ صفحه ۱۶۹، روایت شماره ۲۸۳؛ صفحه ۱۹۹، روایت شماره ۳۵۰؛ صفحه ۲۳۹-۲۴۰، روایت های شماره ۴۳۵-۴۳۷.
۲ نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشيعة، ص ۱۱۲.

رقابت ها و پرونده سازی جریان غلات و وابسته به آنها در کوفه، علیه جریان فقها و متکلمان امامی را نشان می دهد که تلاش داشته اند با جعل روایت های نسبت به بزرگان جریان رقیب، با آنها مقابله کنند. اما نگاه محدثان قرن سوم و چهارم مکاتب مختلف امامیه نسبت به چنین احادیثی متفاوت بوده است؛ در حالی که در میان عالمان عراقی و رجالیان برجسته چنین روایت های محل اعتنا نبوده و آنها را ضعیف می دانستند، برخی از محدثان قمی چنین احادیثی را صحیح تلقی کرده اند.

نتیجه گیری

نجاشی در سراسر کتاب خود نسبت به نقد مطالب رجال کَشّی و گاه برخی متون دیگر توجه فراوانی داشته، هر چند از تصریح صریح نسبت به این مطالب اجتناب کرده، اما مشخص است که خوانندگان کتاب وی در آن ادوار که متن های مورد بحث را در اختیار داشته اند، مراد وی را از مطالب وی و انتقادات او را متوجه می شده اند. نجاشی در نقد مطالب رجال کَشّی، ضمن توجه به مطالب نادرست و خطاهایی که در شرح حال برخی رجال امامی در کتاب وی و یا آثار دیگر که کَشّی در نگارش کتاب خود از آنها بهره برده، به روایت های آمده خاصه در ذم بزرگان امامیه عراق نیز پرداخته و با تاکید بر جایگاه و مقام علمی بزرگان اخیر، دیدگاه خود در نادرست بودن روایات اخیر را بیان کرده است.

به واقع دو مطلب که نجاشی در شرح حال محمد بن عمر بن عبدالعزیز کَشّی آورده، یعنی «روی عن الضعفاء كثيراً» و «له كتاب الرجال، كثير العلم وفيه اغلاط كثيرة» به وضوح نشان از ملاحظات نجاشی در خصوص کتاب کَشّی دارد. از دید نجاشی در کتاب رجال کَشّی، مطالب نادرستی در شرح حال افراد وجود داشته و به دلیل اعتماد کَشّی بر افراد ضعیف، روایات نادرست فراوانی در جرح بزرگان شیعه، که حاصل پرونده سازی مخالفان آنها از جریان های انحرافی بوده، به کتاب وی راه یافته است. به واقع بررسی کتاب رجال کَشّی نشان از این دارد که بخش عمده ای از روایات ذم بزرگان شیعه، که وی نقل کرده، برگرفته از کتاب جبرائیل بن احمد فاریابی بوده است. دانسته است که جریان های انحرافی در عراق به شدت علیه بزرگان امامیه فعالیت داشته و با جعل روایت هایی در صدد تضعیف آنها بوده اند. جمیل



بن دراج اشاره کرده که اصحاب ابوالخطاب در کوفه را به بغض و خصومت آنها نسبت به بزرگانی چون برید بن معاویه عجللی^۱، محمد بن مسلم، زرارة بن أعین، ابوبصیر (لیث بن بختری مرادی) می‌شناخته‌اند.^۲ بی توجه به چنین زمینه‌هایی، جبرائیل بن احمد فاریابی و به نقل از همو کشتی، بخشی از میراث مورد اشاره جمیل بن دراج در نقد بزرگان امامیه را در آثار خود نقل کرده‌اند.

چشم انداز های تازه در مطالعات فرق اسلامی

مطالعات و تحقیقات درباره ملل و نحل اسلامی تا مدت‌ها محدود به کتابهای ملل و نحل نگاران مسلمان چون ابوالحسن اشعری، عبدالقاهر بغدادی، عبدالکریم شهرستانی و برخی آثار دیگر بود. هر چند از تألیفات مذکور و دیگر نگاشته‌های ملل و نحل نویسان مسلمان نمی‌توان گذشت، اما اکنون به وضوح می‌دانیم که تصویری که این آثار از فرق و حتی ادیان دیگر ارائه کرده‌اند تا چه حد مغشوش و متاثر از اندیشه‌های سیاسی و کلامی نویسندگان آنها بوده و در استفاده از آنها باید بی‌نهایت محتاط بود. سوای رونویسی این منابع از یکدیگر، ماهیت ساختار ادبی این آثار - به نحو مشخص تکرار مضمون^۳، یعنی نقل مطالبی در اصل شایعه، اما متداول در سنت و جامعه اسلامی خاصه در خصوص جریانهای رقیب یا از میان رفته، باعث شده است تا برخی مطالب بی‌اساس در این آثار راه پیدا کند، که البته کارکرد های خود را داشته و در مطالعات نیز می‌تواند از جنبه‌های اهمیت داشته باشد. شکل اخیر در حقیقت تبدیل شدن اتهامات به واقعیت تاریخی منعکس شده در گزارش‌های ملل و نحل نویسان است.

به عنوان مثال متهم به داشتن هویتی یهودی برای تخریب چهره‌های افراد، تداول بسیاری داشته است. به عنوان مثال ابوعلی حسن بن علی بن ابراهیم اهوازی (متوفی ۴۴۶) رساله‌ای به نام مثالب ابن ابی بشر دارد که در آخر اشاره‌ای کوتاه به اجداد ابوالحسن اشعری (متوفی

۱ اخبار در ذم برید بن معاویه در رجال کشتی به نقل از کتاب جبرائیل بن احمد است. بنگرید به: کشتی، اختیار معرفة الرجال، ص ۱۴۸-۱۴۹، روایت شماره ۲۳۷؛ ص ۲۳۹-۲۴۰، روایات شماره ۴۳۵ تا ۴۳۷.
 ۲ کشتی، اختیار معرفة الرجال، ص ۱۳۹-۱۴۰.

3 Topos.

۳۲۹) آورده و علت دوری نمودن اشاعره از یاد کردن ابوالحسن اشعری به ابن ابی بشر، علت آن را این نکته ذکر کرده که جد او یعنی همان ابا بشر یهودی از یهودیان بصره بوده که به دست یکی از اشعری ها اسلام آورده و شهرت ولایی او به اشعری به واسطه عقد ولاء بوده است.^۱

اکنون منابع و مصادر اصلی خود فرق و ادیان در دسترس است و می توان با بهره گیری از آنها تصویر روشنتری از تحولات فرق و ادیان ارائه کرد. بخشی از مقالات آمده در مجموعه حاضر با چنین رویکردی سعی دارد تا جنبه های کمتر مورد توجه قرار گرفته یا اساساً مغفول برخی ادیان و فرق اسلامی را مورد بحث قرار گیرد. در مطالعات انجام شده درباره فرق اسلامی که عمدتاً بر معتزله تمرکز داشته و گاه به برخی جریان های دیگر نیز پرداخته شده، اما در این میان مطالعات انجام شده درباره فرق اسلامی ساکن در سرزمین های اسلامی و حتی تعامل آنها با فرهنگ اسلامی و تأثیرات فرهنگی آنها در بستر تمدن اسلامی، البته بیشتر به دلیل اطلاعات اندک در خصوص آنها کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است. آنچه که بر این مشکل می افزاید، لزوم شناخت ادیان دیگر و منابع آنها است.^۲

بحث درباره اطلاعات عالمان مسلمان از سنت های یهودی و مسیحی و بهره گیری از مطالب عهدینی در مجادلات کلامی و تطور آن خود موضوع جالب توجهی است که نیازمند بررسی جداگانه ای می باشد و خوشبختانه پژوهش مهم عبدالمجید شرفی با عنوان *الفکر الاسلامی فی الرد علی النصارى إلى نهاية القرن الرابع / العاشر (بیروت: دار المدار الإسلامی، ۲۰۰۷)* و تحقیق کامیلا آدانگ درباره اطلاعاتی که نویسندگان اسلامی درباره

۱ «ومن اعجب الاشياء انه ليس يعرف بالبصرة الا باین ابی بشر، واصحابه يفرون من هذا الاسم ولا يصفونه به وسمعت شیوخاً من اهل البصرة يقولون: ما فرارهم من هذا الاسم الا لسبب وذلك ان جدہ ابا بشر كان يهوديا اسلم علی يد رجل ينسب الی الاشعريين، فاننسب الی ذلك والله اعلم». بنگرید به:

Michel Allard, "Un pamphlet contre al-Aš'arī," *Bulletin des Etudes Oriental* (1970), 23, p.165.

۲ بحث از تصویری که مسلمانان از اهل کتاب داشته اند، خود موضوعی جالب توجه است که از باب نمونه می توان به تحقیق ساره الجوبینی خفیر، *صورة المسيح فی التراث الصوفی الإسلامی (بیروت: دار الطلیعة، ۲۰۱۰)* اشاره کرد. همچنین تحول تاریخی فهم مسلمانان در تعامل آنها با اهل کتاب و تطور تصورات برخی عقاید مسلمانان در خصوص اهل کتاب همچون موضوع تحریف عهدین و چگونگی تحول این موضوع در سنت اسلامی و فهم عالمان مسلمان از این موضوع توسط گوردن نیکل مورد بررسی قرار گرفته است. بنگرید به:

Gordon Nickel, *Narratives of Tampering in the Earliest Commentaries on the Qraān* (Liden: Brill, 2011).



یهودیت آورده اند، زمینه های اولیه برای این کار را مهیا کرده، هر چند هنوز موضوعات فراوانی قابل تحقیقی در این عرصه باقی است.

قاضی عبدالجبار همدانی (متوفی ۴۱۵) در بخش هایی مختلفی از کتاب تثبیت دلائل النبوة، از جمله در ج ۲، ص ۳۵۲-۳۵۳ به نحو گذرا به نوشته های عالمان مسلمان در خصوص گردآوری بشارات به نبوت پیامبر از عهدین اشاره کرده است. در نقل اخیر او به کتابهایی که افراد مسلمان شده در موضوع مورد بحث نوشته اند اشاره کرده و از عالمان مسلمانی چون احمد بن یحیی بن منجم مشهور به ندیم (متوفی ۳۲۷)، ابوعبدالله محمد بن زید واسطی کاتب (متوفی ۳۰۶)، ابوبکر زهیری کاتب و ابن قتیبه (متوفی ۲۷۶) که در خصوص او می دانیم که کتابی به نام اعلام النبوة داشته و دیگر نویسندگان مسلمان از آن نقل قول کرده اند و بخشی از آن نیز باقی مانده و منتشر شده، نام برده که آنچه از بشارات به نبوت پیامبر در عهدین آمده را گردآوری کرده اند. متأسفانه به جز ابن قتیبه درباره متن های نوشته شده عالمانی که قاضی عبدالجبار از آنها نام برده، اطلاعی در دست نیست. قاضی عبدالجبار همچنین درباره متن نامه مفصلی که در روزگار هارون الرشید، به انشاء ابی ربیع محمد بن لیث کاتب قرشی برای امپراتور بیزانس فرستاده شده و مشتمل بر مطالب فراوانی از بشارات عهدین به نبوت پیامبر بوده، سخن گفته و حامل نامه را معمر یا شخص دیگری معرفی کرده و متذکر شده که رساله مذکور در ضمن رسائل تاج اصفهانی (محمد بن بحر اصفهانی، متکلم و مفسر معتزلی متوفی ۳۲۲) و کتاب المنثور و المنظوم ابن ابی طاهر (احمد بن طیفور خراسانی) نیز آمده است.^۱

مناسبات فرهنگی میان اسلام و یهودیت، حتی در حوزه ردیه نویسی بر یکدیگر، موضوعی است که می تواند به چگونگی درک فرهنگی ادیان این دو دین از یکدیگر در طول تاریخ و اساساً برای ارزیابی از میزان آشنایی پیروان این دو دین از یکدیگر راهگشا باشد.^۲ به واقع

۱ بنگرید به: تثبیت دلائل النبوة، ج ۱، ص ۷۷-۷۸.

۲ مقالات و مطالعات فراوانی در خصوص مجادلات نگاشته شده توسط عالمان یهود در پاسخ به انتقادات متکلمان مسلمان به آنها تألیف شده است که عمده آن پاسخ به عقیده تحریف تورات توسط یهودیان و مسئله نسخ احکام تورات است. برای نمونه می توان به آثار زیر مراجعه کرد:

Jacobs, Martin. "An Ex-Sabbatean's Remorse? Sambari's Polemics Against Islam," Jewish

توجه به مناسبات و تحولات میان مناسبات اسلام و ادیان ابراهیمی دیگر، خاصه مسیحیت و یهودیت در ادوار مختلف تاریخی، سوای آنکه می تواند به فهم بهتر چگونگی تعامل و یا شناخت طرفین منازعه از یکدیگر کمک کند، حتی می باید مشارکت فعال طرفین در منازعات را مورد توجه قرار داد که گاه به پدید آمدن متن یا روایتی جدید از طرف مقابل انجامیده است.^۱ آنچه که بر این مشکل می افزاید، لزوم شناخت ادیان دیگر و منابع آنها است.^۲

Quarterly Review 97 (2007), pp.347-378; Sklare, David. "Responses to Islamic Polemics by Jewish Mutakallimūn in the Tenth Century," in The Majlis. Interreligious Encounters in Medieval Islam, ed. Hava Lazarus-Yafeh et al. (Wiesbaden, Bv.: Harrassowitz, 1999), pp.137-161.

۱ درباره سنت مسیحی و تصویر سازی هایی که مسیحیت در طی مواجهه تاریخی خود با اسلام داشته و افسانه هایی که محصول اندیشه های رویا گونه قرون وسطی بوده است. در سنت اسلامی، خاصه مسلمانان اندلس خاصه در دورانی که آنها به اقلیت تبدیل شده اند (مدجن ها و موريسکوها) ادبیات تدافعی که البته ریشه در قرون کهنتر داشته، به خلق اثر ادبی به نام انجیل برنابا انجامیده است که به تفصیل مسئله مذکور در دو نوشته زیر مورد بحث قرار گرفته است. بنگرید به: علی املیل، فی شرعیة الاختلاف (بیروت: دار الطلیعة، ۱۹۹۳)، ص ۶۳-۹۶؛

P. S. van Koningsveld, "The Islamic image of Paul and the origin of the gospel of Barnabas," -Jerusalem Studies in Arabic and Islam, 1996, 2, pp.200-228

او ملیل در بررسی خود سیر تطور مجادلات مسلمانان اقلیت در اندلس در طی قرون هشتم به بعد را که نخست با اختراع خط متفاوت (اعجمی) یعنی نگارش کلمات به تلفظ اسپانیایی و حروف عربی و نگارش آثار جدلی موريسکوها در دفاع از خود همچون کتابهای مفتاح الدین و المجادلة بين النصارى و المسلمین من قول الأنبياء و المرسلین و العلماء الراشدین الذين قرأوا الأناجیل از محمد قیسی، کتابهای رساله السائل و المجیب و نزهة روضة الأديب از محمد انصاری اندلسی و ابوالقاسم حجری (ناصر الدین علی القوم الکافرین) و دیگر عالمان موريسکوی مسلمان مورد بررسی قرار داده است. کونینگسولد در بحث خود، بر اساس کتاب الردة تازه یافت شده سیف بن عمر تمیمی که در اندلس تداول داشته، به تحلیل تاریخی زمینه های شکل گیری اندیشه تدوین انجیل برنابا پرداخته و داستانی که سیف درباره تحریف مسیحیت توسط پولس در کتاب سیف نقل شده را اساسی برای شکل گیری و تدوین انجیل برنابا در میان مسلمانان اندلس دانسته است. برای بررسی های بیشتر از مجادلات میان مسلمانان و مسیحیان در اندلس و تطورات آنها بنگرید به:

Gerard Wiegers, "The Andalusī Heritage in the Maghrib: The Polemical Work of Muhammad Alguazir (fl. 1610)", in: O. Zwartjes, G.J. van Gelder and E. de Moor (eds.): Poetry, Politics and Polemics. Cultural Transfer between the Iberian Peninsula and North Africa. Amsterdam, Atlanta 1997 (=Orientations IV), pp. 107-132; idem, "Muhammad as the Messiah: A comparison of the polemical works of Juan Alonso with the Gospel of Barnabas," Bibliotheca Orientalis LII no. 3/4, April June 1995, pp. 245-291; idem with P.S. van Koningsveld, "The polemical works of Muhammad al-Qaysi (fl. 1309) and their circulation in Arabic and Aljamiado among the Mudejars in the fourteenth century", Al-Qantara (Madrid), XV (1994), pp. 163-199

۲ بحث از تصویری که مسلمانان از اهل کتاب داشته اند، خود موضوعی جالب توجه است که از باب نمونه می توان به تحقیق ساره الجوینی خفیر، صورة المسيح فی التراث الصوفي الإسلامي (بیروت: دار الطلیعة، ۲۰۱۰) اشاره کرد. همچنین تحول تاریخی فهم مسلمانان در تعامل آنها با اهل کتاب و تطور تصورات برخی عقاید مسلمانان در خصوص اهل کتاب همچون موضوع تحریف عهدین و چگونگی تحول این موضوع در سنت اسلامی و فهم عالمان مسلمان از این موضوع توسط گوردن نیکل مورد بررسی قرار گرفته است. بنگرید به:

Gordon Nickel, Narratives of Tampering in the Earliest Commentaries on the Qraān (Liden: Brill, 2011).





به عنوان مثال درباره ترجمه های عربی عهدین (تورات و انجیل) که در میان جماعت های یهودی و مسیحی ساکن در سرزمین های اسلامی تداول داشته، هر چند به ظاهر اطلاعات چندانی در دست نباشد، اما توجه به نقل قولهایی که در سنت اسلامی از عهدین می شده، می تواند برای پاسخ دادن به این پرسش کمک کند. از اواخر قرن دوم و اوایل قرن سوم توجه به سنت اهل کتاب برای یافتن شواهدی دال بر نبوت پیامبر اسلام، مسلمانان را به جستجوی میراث آنها واداشت و به دلیل در دسترس بودن ترجمه های عربی از عهدین، کار برای متکلمان مسلمان برای جستجو و یافتن شواهد در کتاب مقدس (عهد عتیق و جدید) تا حدی هموار شد و از سوی دیگر برخی از اهل کتاب گرویده به اسلام نیز سعی کردند تا با آشنایی خود با سنت پیشین، در این کار مدد کار مسلمانان شده و با نگارش آثاری این جنبه از دانش مسلمانان از عهدین را فزونی بخشند که کهنترین نمونه از این آثار کتاب الدین و الدولة علی بن ربین طبری و اعلام النبوة ابن قتیبه است.

روند مذکور و تحولات آن، مطالب مورد استناد و اساسا فهم متداول از آیات عهدینی مورد استناد در سنت اهل کتاب و تفاوت فهم آنها با تفسیری که مفسران مسلمان ارایه می داده اند، البته محل تأمل و گفتگو است. توجه به یافتن مطالبی از عهدین دال بر نبوت پیامبر، مورد توجه عالمان زیدی نیز بوده و ابوالحسین احمد بن حسین بن هارون بطحانی (متوفی ۴۱۱) عالم و فقیه نامور زیدی که همراه با برادرش ابوطالب یحیی بن حسین بن هارون بطحانی (متوفی ۴۲۴) به اخوان شهرت دارند، کتابی به نام النبوات نگاشته و در آن به نقل برخی مطالب عهدینی دال بر نبوت پیامبر اسلام پرداخته است. اشمیتکه که اهمیت چنین نقل قولهایی را در چند مقاله مورد توجه قرار داده، و در مقاله ای جداگانه در صدد تحلیل و بررسی نقل های آمده از عهدین در کتاب النبوات بوده و به دنبال پاسخ دادن به این پرسش است که منبع ابوالحسین هارونی چه بوده و بر اساس تطبیق ترجمه ها با برگردان های مشابه آیات عهدینی آمده در کتاب النبوات با کتاب اعلام النبوة و الدین و الدولة ابن ربین طبری در صدد نشان دادن وجود ترجمه های متعدد عربی از عهدین است.^۱

1 Sabine Schmidtke, "Biblical Predictions of the Prophet Muhammad among the Zaydīs of Iran," Arabica 2012) 59), pp. 266-218.

اشمیتکه در تکمیل مقاله خود به بررسی میراث زیدیان یمنی پرداخته و آثار کلامی آنها را از حیث توجه به عهدین و بهره گرفتن از آنها برای یافتن شواهدی دال بر نبوت پیامبر اسلام را مورد بررسی قرار داده و با تکیه بر کتاب التحصیل فی التوحید و العدل تألیف حسن بن محمد رصاص (متوفی ۵۸۴) عالم نامور زیدی و شاگرد قاضی جعفر بن احمد بن عبدالسلام مسوری (متوفی ۵۷۳) و سنتی که پس از وی در میان متکلمان زیدی در توجه به مطالب عهدینی شده را پی گرفته است.^۱ کتاب التحصیل متن متداول در نسل پس از رصاص بوده و شروح مختلفی بر آن نوشته شده است. فرزند او احمد بن حسن رصاص (متوفی ۶۲۱) اثر مختصری در شرح التحصیل با عنوان کتاب التذکرة لفوائد التحصیل نوشته که از نگارش آن در ۲۸ ذو الحجة ۶۱۹ فراغت حاصل کرده که چند نسخه از آن باقی است از جمله نسخه در کتابخانه آمبروزیانا (نسخه های عربی E ۲/۲۰۶ موجود است. شرح دیگر نوشته شده بر کتاب التحصیل، اثری است با عنوان الاکلیل فی شرح معانی التحصیل یا الاکلیل علی کتاب التحصیل تألیف حسین بن مسلم تهامی که از معاصران امام زیدی عبدالله بن حمزه (متوفی ۶۱۴) بوده و شاگرد شهاب الدین ابوالقاسم بن حسین بن شهاب تهامی شاگرد حسن رصاص بوده است. سومین شرح شناخته شده بر کتاب التحصیل، کتاب التفصیل لجمل التحصیل تألیف سلیمان بن عبدالله خراشی (زنده در ۶۱۰) است که متن نسخه برگردان آن توسط مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران در سال ۱۳۹۰ منتشر شده است.^۲

1 Sabine Schmidtke, "Biblical predictions of the Prophet Muḥammad among the Zaydīs of Yemen (6th/12th and 7th/13th centuries)" *Orientalia Christiana Analecta* 2013) 293), pp. 240-221.

برای اهمیت و نقش حسن بن محمد رصاص در ترویج مکتب بهمشیه و تطور کلام زیدیه بنگرید به: احمد بن صالح بن ابی رجال، مطلع البدور و مجمع البحور، تحقیق عبدالرقيب مطهر محمد حجر (صعده، ۲۰۰۴/۱۴۲۵)، ج ۲، ص ۱۰۳-۱۰۸؛ Jan Thiele, "Propagating Mu'tazilism in the VIth/XIIth century Zaydiyya: The Role of al-Ḥasan al-Raṣṣās," *Arabica*, 57, 2010 v-vi more, pp.558-536.

۲ درباره شروح کتاب التحصیل و اهمیت آنها بنگرید به:

Jan Thiele, "Theological Compendia in Late 6th/12th and Early 7th/13th Century Zaydism: al-Ḥasan al-Raṣṣās's *K. al-Taḥṣīl* and Its Commentaries," *Theological Rationalism in Medieval Islam: New Sources and Perspectives*. Eds. Lukas Mühlethaler and Gregor Schwarb (moreLeuven, forthcoming).





موارد جالب از چنین تفاوت‌هایی در فهم مطالب عهدینی را عدنان مقرانی در کتاب نقد الأدیان عند ابن حزم الأندلسی (هرندن: المعهد العالمی للفکر الإسلامی، ۲۰۰۸/۱۴۲۹) مورد بررسی قرار داده است. گاه عالمان مسلمان به دلیل ناآشنایی با تاریخ اهل کتاب در نقد خود مطالبی بیان می‌کرده‌اند که ارتباطی با واقعیت تاریخی شناخته شده مسئله نداشته، اما از حیث نوع تلقی مسلمانان از مسئله مذکور جالب توجه است. به عنوان مثال متکلمان مسلمان در نقد تاریخی خود نسبت به تدوین تورات، اطلاعات جسته و گریخته‌ای داشته‌اند.

ابوعلی محمد بن خلاد بصری، شاگرد برجسته ابوهاشم جبائی (متوفی ۳۲۱) اثری به نام کتاب الاصول داشته که خود شرحی بر آن نوشته و در سنت معتزلیان و زیدیان بعدی نیز اثری متداول و مورد توجه بوده و شروحنی بر آن نیز نوشته شده است، از جمله کتاب زیادات شرح الاصول از الناطق بالحق یحیی بن حسین هارونی بطنحانی (متوفی ۴۱۱) و شرح دیگری که در دو نسخه خطی باقی است و احتمال دارد که کتاب شرح اصول الکبیر از علی بن حسین بن محمد دیلمی سیاه سربجان (شاه سربجان) باشد که دو بخش از آن در دست است و بخش مهمی از آن بر اساس نسخه‌ای موجود در مکتبه شرقیه جامع کبیر صنعاء به شماره ۵۴۱ سالها پیش با عنوان فی التوحید توسط محمد عبدالهادی ابوریده (قاهره، ۱۹۶۹) منتشر شده است. در یکی از دو نسخه متن اخیر (کتابخانه بریتانیا، نسخ شرقی، ۸۶۱۳، برگ‌های ۶۹-۸۵ ب) بحثی با عنوان «باب الکلام علی الیهود فی امتناعهم من نسخ الشرائع» آمده است و نویسنده در جایی از بحث خود به موضوع عدم تواتر عهد عتیق پرداخته و داستانی را در خصوص تدوین مجدد تورات نقل کرده است.

به نوشته ابن خلاد زمانی که بخت نصر که پادشاهی از پادشاهان مجوس (ملوک المجوس) بوده، به دمشق وارد شده بود و در آنجا خونی را می‌بیند که در غلیان و جوشش است (دماً یغلی) و از علت آن می‌پرسد. به وی گفته می‌شود که خون مذکور، از آن پیامبری به نام یحیی بن زکریا است که در آن مکان کشته شده و گفته می‌شود که باعث مرگش زنی زناکار بوده است که از یحیی در خصوص او پرسش شده بود و یحیی نیز حقیقت او را بیان کرده بود و آنها یحیی را با اره (منشار) تکه تکه کرده بودند. بخت نصر چون چنین شنید، دستور داد تا

در آنجا هفتاد هزار نفر (سبعین ألفاً) از آن مردمان را (یعنی یهودیان دمشق که در قتل یحیی دست داشته اند) به قتل برسانند، تا آنکه خون یحیی از جوشیدن باز ایستاد. همچنین گفته شد که بخت نصر دستور داده بود تا آنچه که از تورات در اختیار آنها بوده نیز سوزانده شود، آنگونه که از متن تورات چیزی باقی نماند (حتی لم یبق لهم توراة). یکی از همان مردمان از قتل نجات یافته، در بعد بیان داشته بود که پدرش به او گفته بود که در آن حادثه، نسخه ای از تورات که در اختیار داشته را در کوزه ای نهاده و در تاکستانی پنهان کرده بود. پس از آن، کسان دیگری نسخه مذکور را یافته و از روی آن به کتابت تورات پرداخته بودند. در میان یهودیان همانند مسلمانان کسانی که حافظ تورات باشند، وجود نداشته اند جز عزیر.

پادشاه مذکور او را به همراه گروهی از علماء یهود زندانی کرده بود و چون عزیر از زندان رها شد، به دلیل طولانی شدن زمان حبس او، مردمانی که او را می شناختند، درگذشته بودند و تنها فرزندان یا فرزندان فرزندان افرادی که عزیر را می شناختند، در قید حیات بودند که آنها نیز خود عزیر را نمی شناختند. یهودیان در مواجهه با عزیر به او گفتند که اگر وی به راستی شخصی است که ادعا دارد، تورات را از حفظ بر آنها بخواند. عزیر پس از خواندن تورات از حفظ از سوی آنها مورد توجه قرار گرفت و به او لقب پسر خدا را دادند. با نقل چنین داستانی، در متن شرح الاصول منسوب به سیاه / شاه سرببیجان، مسئله تواتر تورات مورد تردید قرار گرفته است. مشخص است که حکایت فاقد اصالت تاریخی است یهودیان اما بر اساس برخی مطالب افواهی و برخی مستندات قرآنی تدوین شده است.^۱

حسن بن محمد رصاص عالم نامور زیدی یهودیان علیرغم سن اندکش در هنگام مرگ یعنی ۳۸ سال، شخصیت اثر گذاری در سنت زیدیان یمنی است و بعدها فرزند و نواده وی

1 See: Sabine Schmidtke and Camilla Adang, "Mu'tazilī Discussions of the Abrogation of the Torah: Ibn Ḥallād (4th/10th century) and His Commentators," Arabica 2013) 60), pp.36-35. کتاب الاصول خلاد برای عالم و متکلم قرآنی ابویعقوب یوسف البصیر (متوفی حدود ۴۳۱) شناخته شده بوده و او در کتاب المحتوی خود به آن اشاره کرده و از ردیه بر مطالب وی توسط سامونل بن هوفنی بزرگ یهودیان ربانی (گائون / راس المشیبة) اشاره کرده است. بخش های مهمی از کتاب نسخ الشرع سامونل بن هوفنی در میان نسخه های مجموعه فرکویج باقی مانده و دیوید اسکالر (David Sklare) به تحقیق آنها مشغول است. بنگرید به: Sabine Schmidtke and Camilla Adang, "Mu'tazilī Discussions of the Abrogation of the Torah: Ibn Ḥallād (4th/10th century) and His Commentators," p.703.





نقش مهمی در ترویج آثار معتزلیان بهشمی در یمن داشته اند. اشمیتکه سنت توجه به نقل مطالب عهدینی در میان زیدیان یمنی را با تکیه بر آثار رصاص و شرح فرزندش بر کتاب التحصیل او یعنی کتاب التذکرة الفوائد التحصیل فی التوحید و العدل احمد بن حسن بن محمد رصاص و کتاب التفصیل لجمل التحصیل سلیمان بن عبدالله خراشی (زنده در ۶۱۰) که او نیز به نقل مطالب عهدینی توجه داشته، مورد بررسی قرار داده است. همانگونه که اشمیتکه نشان داده اوج توجه به مطالب عهدینی در سنت زیدیان یمنی، در کتاب المحجة البيضاء نوشته عبدالله بن زید عنسی (متوفی ۶۶۷) عالم نامور زیدی قابل مشاهده است.

مطالعه درباره ادیان دیگر ساکن در تمدن اسلامی و اهمیت آن، نگارنده را به پژوهش درباره یکی از فرق یهودی شکل گرفته در تمدن اسلامی به نام قرائیم، کشاند و آنچه که به دنبال کردن این روند تشویق کرد، سنت نگارش به زبان عربی در میان این جماعت بود که برخی از آثار چهره های برجسته آنها نیز باقی مانده است. قرائیم و اهمیت آنها، هر چند در سنت اسلام شناسی از دیرباز مورد توجه و مطالعه بوده، در میان پژوهشگران مسلمان چندان توجهی را به خود جلب نکرده است. قرائیم نحله ای در سنت یهودی است که در قرن دوم هجری در عراق شکل گرفته و در تعامل با سنت اسلامی بسط و گسترش یافته است. در واقع همین مسئله اخیر - یعنی تعامل قرائیم با سنت اسلامی - است که می تواند انگیزه ای برای محققان مسلمان برای تحقیق و پژوهش درباره آنها گردد. مقاله «کلام اسلامی و تأثیر آن بر کلام یهودی: مطالعه موردی قرائیم»، گامی در این جهت است و سعی شده تا ضمن بحثی در خصوص فرقه مذکور و چهره های شاخص آنها، تعامل و تأثیر پذیری آنها از سنت اسلامی و اهمیت مطالعه درباره آنها را نشان دهد. همچنین در این مقاله سعی شده تا آثار اصلی و مقالات مهم نوشته شده درباره قرائیم معرفی شود، تا خوانندگان علاقه مند برای پژوهش های بیشتر بتوانند از آنها استفاده کنند. توجه عالمان یهودی به نحو عام به سنت اسلامی و استنساخ برخی آثار اسلامی در میان جماعت های مختلف یهودی، این اهمیت را برای شناخت و تصحیح متون اسلامی دارد که گاه برخی از آثار اسلامی که اینک در سنت اسلامی باقی مانده، در سنت یهودی حفظ شده و یا ترجمه های عبری از آن آثار در دست است، که این مسئله درباره آثار ابن سینا، غزالی و ابن رشد اهمیت دارد.^۱

۱ برای فهرست تقریباً جامعی از مؤلفات عربی که با حروف عبری کتابت شده بنگرید به: أحمد شحلان، ابن رشد و الفكر العبري

کتیبه ها و ساجات موجود در اُوال و قطیف

در جزیره اُوال کتیبه های فراوانی باقی مانده که موضوع بحث های لودیک کالوس در چند مقاله و تک نگاری با عنوان کتیبه های عربی بحرین (پاریس، ۱۹۹۰) بوده که بسیار مهم است، هر چند در قرائت متن کتیبه ها اشتباهاتی نیز گاه رخ داده است.^۱ در کتیبه های باقی مانده - ۴۹ مورد - به وضوح می توان باورهای شیعی، همچون نحوه یاد کرد از ائمه یا حتی ذکر ناد علی را مشاهده کرد. متون نوشته شده بر کتیبه های یافت شده از حیث بحث های مردم شناسی و بررسی باورهای متداول اهمیت فراوانی دارد. بحث کالوس در کتاب اخیرش با کتیبه های مسجد ذو منارتین یا مسجد الخمیس در البلاد القديمة (سوق الخمیس) آغاز شده است. بخش بلاد قدیم که در گذر زمان از یکپارچه شدن چند منطقه، به یکی از مهمترین مراکز علمی، فرهنگی و سیاسی در جزیره اُوال تبدیل شده است و آنچه که اکنون از محلات این منطقه به شمار می آید، در گذشته روستاهای نزدیک به آن بوده که مشهورترین آنها مؤیلمه، زنج، جماله، صالحیه و خمیس است.^۲

بلاد قدیم دست کم از قرن ششم هجری مرکز سیاسی جزیره اُوال بوده است. مهمترین بنای تاریخی کهن که در این منطقه باقی مانده، در بخش خمیس است و مسجدی با کتیبه های از ابتدای قرن ششم هجری است. مسجد اخیر که با نام های مسجد یا مشهد ذو منارتین یا به دلیل واقع شدن در بخش خمیس در ادوار متاخر، به مشهد الخمیس نیز شهرت یافته، کتیبه های مختلفی دارد که در ادوار مختلف تاریخی توسط واقفان بر مسجد یا کسانی که

الوسیط، ج ۱، ص ۱۴۷-۱۶۵ (آشنایی با منبع اخیر، حاصل تذکر دوست گرامی آقای اسماعیل باغستانی است). شحلان در کتاب خود (ص ۲۶۹-۴۸۵) به تفصیل آثار موجود ابن رشد در سنت یهودی را فهرست کرده و فهرستی نیز از شروح نوشته بر آثار ابن رشد (شحلان، ج ۲، ص ۶۹۸-۷۰۵) و مؤلفانی که از آثار ابن رشد در تألیف کتابهایی خود بهره برده اند (شحلان، ج ۲، ص ۷۰۶-۷۰۷) را نام برده و معرفی کرده است). شحلان (ج ۱، ص ۲۱۷-۲۲۶) فهرستی از آثار ترجمه شده از غزالی در سنت یهودی را آورده است. در میان این آثار قصیده ای با عنوان قل لایحوان است که در سنت اسلامی اشاره ای به آن در دست نیست. متن عربی قصیده ای دیگر منسوب به غزالی که در آن مطالب آمده در رساله المعارف العقلیه به نظم کشیده شده، بر اساس تنها نسخه شناخته شده از آن محفوظ در مجموعه فرکویچ منتشر شده است. بنگرید به:

Y. TZVI LANGERMANN, "A JUDAEO-ARABIC POEM ATTRIBUTED TO ABU HĀMID AL-GHAZALI," BIBLID (2003) 52, pp. 183-200.

1 Ludvik Kalus, Inscriptions arabes des îles de Bahrain: Contribution à l'histoire de Bahrain entre les XIe et XVIIe siècles (Ve-Xie de l'Hégire). (Geuthner, Paris, 1990).

۲ درباره توسع بخش بلاد قدیم و منضم شدن روستاهای اطراف به آن بنگرید به: عبدالخالق بن عبدالجلیل جنبی، تاریخ التشیع لاهل البیت فی اقلیم البحرین القدیم، ص ۱۳۲، ۱۲۷-۱۳۶، ۱۵۴-۱۵۶، ۱۶۲-۱۶۳، ۲۰۲-۲۰۳.





مسجد را توسعه داده اند، در آنجا نصب شده است. کهن ترین کتیبه های یافت شده در این مسجد، کتیبه های موجود در بخش غربی مسجد، بر دو مناره بلند و کوتاه است. در ابتدای قرن ششم، به علت کوچک بودن مکان مسجد، بخش غربی به آن افزوده شده و در دو کتیبه نصب شده بر دو مناره بخش غربی به تاریخ و زمان ساخت مناره ها اشاره شده است.

کالوس متن کتیبه ای که در دوران امیر قدرتمند عیونی، ابوسنان محمد بن فضل بن عبدالله بن علی عیونی (متوفی ۵۳۹) بر بخش غربی و مناره بلند آن افزوده شده را آورده است اما متن عربی کتیبه را آشفته و نادرست نقل کرده، هر چند در ترجمه فرانسوی آن، عبارت ها به شکل صحیحی ترجمه شده است. در متن کتیبه مورد بحث، فردی به نام معالی بن حسن بن علی بن حماد که خود را بنده و کارگزار ابوسنان عیونی معرفی کرده، ضمن بیان شهادتین، نام دوازده امام را نیز یاد کرده است و از انجام یافتن توسعه مسجد در روزگار ابوسنان عیونی سخن گفته است. متن آمده در کتیبه مورد بحث شاهد صریح و قطعی در خصوص تشیع امامی عیونیان نیز هست و متن آن را بر اساس قرائتی که استاد عبدالخالق جنبی در کتاب خود تاریخ التشیع لأهل البيت فی إقليم البحرين القديم آورده، چنین است:

«بسم الله الرحمن الرحيم، لا إله إلا الله محمد رسول الله // علي ولي الله هذا من فضل ربي ليلوني أشكر أم أكفر مما أمر ببناءه // معالي بن الحسن بن علي بن حماد العبد المطيع الفقير إلى الله سبحانه // محمد و علي و فاطمة و الحسن و الحسين و علي و محمد و جعفر و موسى // و علي و محمد و علي و الحسن و الحجة القائم صلى الله عليهم إلى يوم // الدين الخالق (؟) له في أيام الملك العادل المؤمن بالله محمد بن الفضل بن عبدالله //... المنارة»^۱

بر مناره کوچک بخش غربی، متنی کوتاهتر آمده است و تنها از زمان ساخت مناره در ایام ابوسنان عیونی سخن رفته است: «بسم الله الرحمن الرحيم //.. هذه المنارة في أيام الملك العادل // دل بن الملك العالم درة الملك // أبي سنان محمد بن الفضل بن عبدالله»^۲. چند وقفیه به صورت

۱ برای تصاویری از کتیبه مورد بحث و قرائت صحیح آن بنگرید به: عبدالخالق بن عبدالجلیل الجنبی، تاریخ التشیع لأهل البيت فی إقليم البحرين القديم، ص ۵۵۲-۵۵۳، ۶۲۹-۶۳۱؛ همو، الديوان المصور لشعر علی بن المقرب، ص ۹۶.
۲ برای تصاویری از کتیبه مورد بحث و قرائت صحیح آن بنگرید به: عبدالخالق بن عبدالجلیل الجنبی، تاریخ التشیع لأهل البيت فی إقليم البحرين القديم، ص ۶۳۳.

کتیبه در خصوص مسجد الخمیس باقی مانده، از جمله کتیبه ای نوشته شده در سال ۷۷۶ که یکی از تجار برای مسجد اختصاص داده است. متن این کتیبه آن گونه که کالوس خواننده چنین است:

«بسم الله الرحمن الرحيم، امر بعمارة هذا المسجد المبارك صاحب المعظم خواجه جمال الدين علي بن المرحوم منصور بن محمود کرد زيد تعظيمه قربة الى الله تعالى ووقف على مصالحه جميع السرمر والملک المعروف بقولیان من البلد القديم مع نصف الملك المعروف بمكان من حویص عالي على ان يلوث (؟) ويبقى ستمائة مناً ثمان كل من يحضر لقراءة القرآن كل يوم ... رمضان ومائة وخمسون مناً ثناً لقيمته ومائة مناً ثناً لقيمته ثمن سراجہ بهما وباقي لمصالحه من فروش ورم وغيرهما تقبل الله حسابه واعلى درجاته في سابع عشرين صفر سنة ست وسبعين وسبعائة هجرية».

متن وقف نامه اشاره به چند مکان وقفی دارد که از درآمد آنها می بایست به فرد یا افرادی که در ماه رمضان در مسجد به قرآن خواندن مشغول می شدند، وجهی داد و دیگر موارد برای تأمین هزینه روشنایی مسجد و امور دیگر اختصاص یافته است. متأسفانه درباره واقف اطلاعی نداریم، اما به نظر می رسد که باید از تجاری باشد که برای تجارت به جزیره اُوال و البلاد القديم رفت و آمد داشته است و شاید هم از تجار اُوالی باشد. کالوس در ادامه، دیگر وقف نامه های باقی مانده از مسجد اُوال را مورد بحث قرار داده است.

در کنار مسجد الخمیس، قبرستان (جبانة) مشهور ابو عنبره قرار دارد و نقوش مختلفی از سنگ قبرها که به ساجات مشهور است، در جریان حفاری ها در این بخش یافت شده است. موضوع ادامه بحث کالوس در ذیل مسجد الخمیس، سخن از برخی از این ساجات است. کالوس در فصل بعدی، از افرادی که به دستور آنها نقوش یافت شده حکاکی شده، سخن گفته است، کما اینکه در فصل بعدی این مطلب را در خصوص ساجات مورد بررسی قرار داده است. بحث های آخر کتاب به جمع بندی اختصاص یافته است. توجه به کتیبه ها و ساجات در منطقه جزیره اُوال به سال ۱۹۸۴ باز می گردد، که گروه شناسان فرانسوی به سرپرستی مونیک کروان برای انجام چنین کاری در بحرین به فعالیت پرداخته بودند و همو در مقاله ای نسبتاً مبسوط یافته های خود در حفاری از مسجد الخمیس را منتشر کرده است.^۱

1 Monik Kervran, "La mosquée al-Khamis à Bahrain: son histoire et ses inscriptions," *Archeologie Islamique*, 1 (1990), pp.7-52.





کالوس بعدها در مقاله‌ای از پانزده کتیبه دیگر که بعدها یافت شد، سخن گفته است.^۱ به تازگی سلمان محاری و دو محقق دیگر، تحقیق مفصلی نیز در خصوص ساجات و کتیبه‌های جزیره اُوال منتشر کرده اند.

سانسور در سده‌های میانه و برخی موارد آن

از نکات قابل بحث در سنت تاریخنگاری قرن اول، خاصه حوادثی که صحابه در آن نقش داشته اند، مسئله سانسور و یا از میان رفتن متون ناظر به حوادث مورد بحث می باشد. در واقع یکی از دلایل از میان رفتن تک نگاری‌های ناظر به احداث قرن اول هجری، اشمال آنها بر مطالبی بوده که در سنت بعدی اعتقادی اهل سنت مطالب ناپسند تلقی شده و با ترک روایت آنها آرام آرام به حذف آنها انجامیده است. حتی برخی از متون ناظر به احداث قرن اول که در قرن سوم تألیف شده، با حذف مطالب مذکور به دست ما رسیده است.

به عنوان مثال نمونه‌ای مهم از این متون، کتاب الموفقیات زبیر بن بکار (متوفی ۲۵۶) است. مطالب متعددی از این کتاب از بخش‌های مختلف، در سنت متاخر، روایت آن حذف شده است که بخشی از آنها را مصحح کتاب در انتهای کتاب آورده است. ابن ابی الحدید مطالب گسترده فراوانی از بخش‌های حذف شده کتاب آورده که حتی مصحح کتاب برخی از آنها را در بخش «الضائع من الموفقیات» از قلم انداخته است. ابن حجر عسقلانی نیز نسخه‌ای از کتاب را در اختیار داشته که آن نیز مشتمل بر اخباری بوده که در نسخه‌های فعلی کتاب موجود نیست. در هر حال کتاب الموفقیات نمونه‌ای است از روند سانسور متن در ادوار گذشته، که نشانگر آن است که چگونه متون مشتمل بر اخبار ناظر به منازعات صحابه به دلیل پذیرش عدالت صحابه، مورد دستبرد قرار می گرفته و مطالبی از آن حذف شده است. مثال دیگر از سانسور مطالب، مطالبی است که راغب اصفهانی در کتاب محاضرات الادباء و محاورات الشعراء و البلغاء در ضمن شرح حال معاویه که با عنوان «نُبد مما طعن فیه» آورده است. بخشی از مطالب در نسخه‌های مختلف کتاب که مشتمل بر تعریض صریح

1 Ludvik Kalus, "Nouvelles inscriptions arabes de Bahrain," *Archeologie Islamique*, 5 (1995), pp.133-161.

به معاویه است، توسط کاتبان حذف شده است (بنگرید به: محاضرات الادباء، تحقیق ریاض عبدالحمید مراد (بیروت: دار صادر، ۲۰۰۴/۱۴۲۵)، ج ۴، ص ۲۷۸، پانویس ۳، ص ۲۷۹، پانویس ۱، ص ۲۸۰، پانویس ۵). کاتب نسخه ای که مطالب حذف شده در دیگر نسخه، در آن آمده در پایان بخش اخیر متذکر شده است:

«و أنا أستغفر الله العظيم مما جرى به قلبي في هذا الباب وغيره من أبواب الكتاب، من المناكير التي تباین منهج الصواب، وتطعن في دين معتقده، وتضله عن جادة الهدى وجدده، وأسأله التوفيق لما يجب ويرضى والإغضاء على ما لم يأت مني من الذنب وما مضى، إنه ولي الطّوال والإينعام وأن يصلي على سيدنا محمد وآله وعليهم أفضل الصلاة والسلام»^۱.

نمونه ای مهم از دخل و تصرف و حذف مطالب در میان زیدیه که با سنت های رسمی آنها تعارض داشته، اخباری درباره جانشینان امام زید، الهادی الی الحق یحیی بن حسین بن قاسم بن ابراهیم (متوفی ۲۹۸) است. مهمترین مسئله مشکل ساز در شرح حال امامت فرزندان الهادی، کناره گیری المرتضی محمد و به دست گیری قدرت توسط الناصر احمد بن یحیی است. نکته جالب توجه اشاره آملی (تتمة المصابیح، ص ۵۹۰-۵۹۲) به نحوه جانشینی المرتضی محمد است که به نقل از سیره الهادی که عباسی تألیف کرده، آورده که الهادی او را به امامت بعد از خود، در وصیت نامه ای که نگاشته منصوب کرده است، هر چند ظاهراً به دلیل نامتعارف بودن این مطلب در سنت امامت زیدیه، در نسخه های موجود از سیره الهادی این مطلب حذف شده است. مطالب مربوط به کناره گیری المرتضی محمد و خطبه او در هنگام اعلام کناره گیری، مطالبی است که آملی (تتمة المصابیح، ص ۵۹۲-۵۹۷) آن ها را به نقل از سیره الناصر که عبدالله بن عمر همدانی نگاشته، نقل کرده است. مطلب مذکور مورد تأیید مسلم لحنی نیز قرار گرفته است. وی در تاریخ خود که هنوز متن کامل آن منتشر نشده است، در اشاره به مسئله جانشینی و وصیت الهادی الی الحق در مورد المرتضی لدین الله نوشته است:

۱ محاضرات الأدباء، ج ۴، ص ۲۸۳، پانویس ۹. مصحح کتاب نیز مطالب مشابهی پس از این یادداشت آورده است.



«... عن العباس الخيواني، رجل من شيوخ الزيدية وذوى الفضل منهم، قد أدرك الصدر الأول من المشائخ الصالحين نحو علي بن محفوظ، شيخ الزيدية في عصره بالبون، ... عن مشائخه، عن من أدرك الهادي ... أن رجلا من شيعته كان له محل، يقال له أحور (؟)، سأله ذات يوم عن الخليفة بعده والقائم بالأمر بعد وفاته، فأبطأ عليه في الجواب، ثم أعاد السؤال، فقال: يا وحي محمد، يعني ابنه، قال: ثم من؟ قال: يا وحي أحمد، ابنه الناصر، قال ثم من؟ قال: حسبك إن عمرت عمر ثلاثة أئمة، في كلام من نحو هذا»^۱. حذف خبر مذکور از سیره الهادی به دلیل تعارض آن با نظریه امامت زیدیه امری طبیعی است.

ابن شدقم و گزارش او درباره سادات اسماعیلیه

دوران پس از مرگ المستنصر بالله (متوفی ۴۸۷) مرحله جدیدی را در تاریخ اسماعیلیه گشود، جانشین وی یعنی نزار توسط برادرش المستعلی به قتل رسید، اما گروهی از اسماعیلیه همچنان به نزار وفادار ماندند؛ در میان این گروه ها، اسماعیلیه ایران مهمترین گروه هستند. رهبران جامعه اسماعیلی ایران یک چندی امامت نزار را پذیرفتند و حتی در سکه های که ضرب کرده اند، از او به عنوان امام نام برده اند، با این حال در بعد اعقاب رهبران اسماعیلی ایران که از فرزندان کیا بزرگ امید رودباری (حکومت ۵۱۸-۵۳۲) بودند، ظاهرا مسئله نزار را به دست فراموشی سپرده و خود ادعای امامت کرده اند و از روزگاری به بعد حتی سلسله نسب خود را به امامان فاطمی مصر نسبت داده اند.^۲

متأسفانه اطلاعات درباره جامعه اسماعیلیه ایران بسیار اندک است و آنچه که بیشتر بدست ما رسیده، نوشته های مخالفان آنها می باشد. با مرگ خورشاه بدست مغولان در ۶۵۵ ق، میان فرزندان او بر سر امامت و جانشینی اختلاف افتاد و دو فرزند او به نام های محمد و قاسم هر یک ادعای امامت برای خود کردند. در ابتدا محمد که پیروانش به محمد شاهی

۱ نقل شده در علی محمد زید، معتزلة الیمن و دولة الهادی و فکرة، ص ۱۰۷-۱۰۸. علی محمد زید (همان، ص ۱۰۸) در این خبر تردید کرده است اما گزارش آملی خبر اخیر را تأیید می کند.

۲ بر پشت سکه های ضرب شده جانشینان بزرگ امید رودباری، عبارت های «علی ولی الله» و «المصطفی لدین الله نزار» نقش بسته است. بر دو سکه از روزگار محمد بن بزرگ امید رودباری (حکومت ۵۳۲ - ۵۵۷) که عبارت های اخیر بر ظهر آنها آمده و تاریخ ضرب سکه ها نیز کرسی دیلم و سالهای ۵۴۲ و ۵۵۷ ذکر شده، بنگرید به: بهرام علاء الدینی، سکه های ایران از طاهریان تا خوارزمشاهیان (مشهد: انتشارات فرهنگسرای میردشتی، ۱۳۹۴ش)، ص ۴۱۱-۴۱۲.



یا مؤمن شاهی شهرت یافتند، در اکثریت بودند و رقیبان وی یعنی قاسم شاهی در اقلیت. دربارهٔ جامعهٔ محمد شاهی و رهبران آنها که حتی توانسته بودند بر الموت در ادواری تسلط یابند و در نواحی دیلم و رودبار زعامتی داشته باشند، اطلاعات اندک اما قابل توجهی توسط ظهیر الدین مرعشی در کتاب تاریخ گیلان و دیلمستان آمده است و همو نزاع آنها با آل کیا فرمانروایان زیدی را بیان کرده است. دشواری های پیش آمده برای اسماعیلیان محمد شاهی باعث مهاجرت رهبران آنها از به مناطق دیگر شد. اطلاع خوبی در خصوص اسماعیلیان ایران را می توان در یادداشتی کوتاه اما مهم، علی بن قاسم موسوی نسابه (زنده در ۸۸۵) یافت که خود رهبر اسماعیلی گروه محمد شاهی را در سال ۸۶۵ ق به نام شاه طاهر، در سمنان دیده و در اشاره به او و مراکز اسماعیلیه چنین نوشته است:

«من ولد إسماعیل مذهب، خون محمد بخراسان رأیت منهم جماعة یقال لهم الخوندیة، فرقة ترون إمامة ولد إسماعیل من دون ولد علی × و یجلون ما یحرم الله فی کتابه، منهم فرقة بالری، رأیت منهم جماعة فرقة بالسلطانیة أولهم شاه حاکم رأیت شاه طاهر وکان فی سمنان یضیع وقته، شارب الخمر، لم یتزوج، فرقة کیلان فی موضع یدسی کسکر خون محمد، هناك رأیتهم سنة خمسة وستین وثمانمائة».^۲

به صراحت نمی توان بر اساس مطلب نقل شده بیان کرد که آیا علی بن قاسم موسوی از انشقاق میان جامعهٔ اسماعیلیه خبر داشته یا خیر، اما در هر حال سخن وی از شاه طاهر به عنوان امام اسماعیلی، اهمیت خاص خود را دارد. شاه طاهر رهبر اسماعیلیهٔ محمد شاهی

۱ خواننده یا خواننده صورت تعریب شدهٔ خداوند، لقب امامان نزاری ایران است و در متون تاریخی به عنوان شهرت سادات اسماعیلی به کار رفته است. میرسید شریف راقم سمرقندی (تاریخ راقم، ص ۱۲۴) نیز تاریخ درگذشت شاه طاهر دکنی را ۹۵۲ آورده است. سمرقندی در اشاره به شاه طاهر دکنی نوشته است: «تاریخ وفات شاه طاهر دکنی؛ شاه طاهر از جماعت خاوندیان است. اول در ولایت کاشان متوطن بوده، به تقریبی متوجه ملک هندوستان شده، در ولایت دکن مقام کرده. در تاریخ ۹۵۲ طوطی ناطقه اش در شکرخایی منقار بست و بلبل روحش از قفس قالب پرواز کرده به شاخسار سدره المنتهی آشیان کرد. اکثر قضاید حکیم انوری را تتبع کرده. این مطلع ازوست:

محمل مهر چو آید به شبستان حمل لاله فانوس برافروزد و نرگش مشعل».

گفتهٔ مورخان ادوار بعدی که معنی کلمه را ندانسته و تصور کرده اند در انتساب به روستای به نام خند یا خوند در اطراف قزوین می باشد، همانگونه که موری موتو اشاره کرده، بی اساس است. بنگرید به پی نوشت بعدی.

۲ برای بحث از اهمیت عبارت علی بن قاسم موسوی و تقطن به گزارش وی دربارهٔ جماعت خواننده بنگرید به: Kazuo Morimoto, "A Mid-Fifteenth-Century Attestation of the Muhammad Shahi Isma'ilis: Between Khudawand Muhammad and Shah Tahir Dakani," *Orient* 2018(53), pp.107-95.



است و نوۀ او شاه طاهر دکنی در عصر صفویه مجبور به ترک ایران و مهاجرت به احمد نگر شد. در همین دوران امامان قاسم شاهی به روستای انجدان نزدیک اراک مهاجرت کرده و آنجا را مقر و پایگاه خود ساخته بودند، آنها در عصر صفویه توانستند در ایران همچنان حضور داشته باشند. نکته جالب توجه درباره امامان محمد شاهی این است که آنها تبار و سلسله خود را به امامان فاطمی مصر از طریق نزار متصل کرده بودند. ضامن بن شدقم که باید اطلاعات خود درباره آنها را، از مشجره شاه طاهر دکنی، که نزدیکی از اعقاب او دیده، اخذ کرده باشد، در اشاره به سلسله نسب آنها چنین نوشته است:

«عقب أبي محمد عبدالله نزار؛ فأبو محمد عبدالله نزار خلف ابنين: أبا عبدالله محمداً الهادي لدين الله وأبا عبدالله حسيناً ... عقب أبي عبدالله محمد الهادي ... عقب حسن، فحسن خلف جلال الدين حسيناً، ثم جلال الدين خلف علاء الدين صاحب اقليم المغرب ... عقب جلال الدين حسين بن علاء الدين محمد، فجلال الدين حسين خلف علاء الدين محمداً، ثم علاء الدين محمد خلف ركن الدين خورشاه - در چاپی حاروشاه که تصحیف خورشاه است -، ثم ركن الدين خورشاه خلف محمداً، ثم محمد خلف حسناً، ثم حسن خلف محمد شاه، ثم محمد شاه خلف طاهراً، ثم طاهر خلف علياً، ثم علي خلف شاه طاهر الشهير بالدكني»^۱.

مهاجرت شاه طاهر دکنی به احمد نگر باعث رواج تشیع امامی در آنجا شد؛ ماجرای که مورد اشاره عبدالقادر بن محمد انصاری جزیری حنبلی (متوفی ۹۷۷) قرار گرفته است که به دلیلی نزدیکی به زمان وقوع ماجرا با اهمیت است، و باید جزیری حنبلی اطلاعات خود در باب نظام الملک را از عالمان سنی هندی که برای انجام حج به مکه آمده اند، اخذ کرده باشد. او به نحو مختصر درباره تشیع برهان نظام شاه (متوفی ۹۶۱) نوشته است:

«... وتوفي نظام الملك صاحب الدكن وكان رافضياً أظهر شعار الرفض بذلك القطر وأهان أهل السنة ... فوصل إليه شخص من الأرفاض يقال له شاه طاهر فحسن له مذهب الشيعة، فترفض وأظهر شعار الرفض بذلك القطر وأذى أهل السنة ...»^۲.

۱ ضامن بن شدقم حسینی مدنی (زنده در ۱۰۹۰)، تحفة الازهار و زلال الانهار، تحقیق و تعلیق کامل سلمان جبوری (تهران: دفتر نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۸ش/۱۴۲۰)، ج ۲، قسم دوم، ص ۸۶.
 ۲ عبدالقادر خزرچی، کتاب الدرر الفراند المنظمة فی أخبار الحاج و طریق مكة المعظمة، تحقیق محمد حسن محمد حسن

نسخه های خطی نفیس ایران صفوی از هدایا تا غنائم

روابط میان صفویه و عثمانی را می توان از زاویه نسخه های خطی نیز مورد بررسی قرار داد. هنر تذهیب نسخه و نگارگری هنرمندان ایرانی در عصر صفویه و نسخه هایی که هنرمندان ایرانی تهیه می کردند، شهرت بسزایی داشتند، لذا بخشی از هدایایی که دربار صفویه گاه به باب عالی می فرستاد، مشتمل بر نسخه های نفیس هنری مُدَّهَب بود که همراه با نگاره ها و تصاویر زیبا، به عنوان نفایسی ارزشمند مورد توجه بود. تداول زبان فارسی و علاقه و شیفتگی به ادبیات فارسی باعث توجه فراوان جامعه کتاب دوست عثمانی به آثاری چون شاهنامه فردوسی، خمسه نظامی، آثار سعدی، جامی، عطار، دیوان حافظ، عجائب المخلوقات قزوینی، مجالس العشاق و ترجمه تاریخ طبری شده بود.^۱

کتابدوستی و توجه اعیان صفوی و عثمانی به جمع آوری کتاب، که عموماً با ساخت مدارس توسط آنها و وقف کتابها بر آن مدارس همراه بود، به رواج تولید کتاب در آن دوران کمک می کرده است. خوشبختانه تعداد زیادی از این دسته نسخه ها در کتابخانه های ترکیه باقی مانده و موضوع تحقیق و پژوهش های متعددی بوده که از میان آنها می توان به مقالات و تحقیقات فلیز چاغمان^۲، زرن تانندی^۳ و لاله اولوچ^۴ اشاره کرد که در خصوص نسخه های اخیر و اهمیت هنری آنها، که حاصل کار استادان برجسته نگارگر و خطاط عصر صفویه بوده اند و از اهمیت نسخه های اخیر به عنوان مدارکی برای بحث از تاریخ روابط میان صفویه و عثمانی سخن گفته اند. لاله الوچ به رسم هدیه دادن کتابها توسط فرستادگان عثمانی، اشاره

اسماعیل (بیروت: دار الکتب العلمیة، ۲۰۰۲/۱۴۲۲)، ج ۱، ص ۵۷۷.

۱ کتابخانه های شهید علی پاشا (متوفی ۱۱۲۸) وزیر اعظم و داماد احمد ثالث در پی فرمان سلطان و پیش از مرگش و در پی صدور فتوایی از سوی شیخ الاسلام مصادره شد. همین گونه کتابخانه داماد ابراهیم پاشا (متوفی ۱۱۴۳) پس از قتل وی توسط بنی چریها که او نیز صدر اعظم و داماد احمد ثالث بود، مصادره شد. بنگرید به:

Lale Uluç, "Ottoman Book Collectors and Illustrated Sixteenth Century Shiraz Manuscripts," p.89.

در خصوص اموال مصادره شده، فهرستی تهیه می شد که مشتمل بر سیاهه اموال بود. به عنوان مثال محمد پاشا بیگریگی روملی در روزگار سلطان مراد سوم، پس از آنکه در جریان شورش بنی چریها در ۹۹۷ کشته شد، کتابخانه اش مصادره شد که فهرست آن موجود است و مشتمل بر شماری از آثار فارسی است.

2 Filiz Gağman
3 Zeren Tanindi.
4 Lale Uluç.





کرده و متذکر شده که چنین امری را در نگاره های برخی آثار تألیف شده در دربار عثمانی نیز می توان دید.

لاله الوج به نگاره های آمده در خصوص شاه قلی خان، فرستاده دربار صفوی به نزد سلیم دوم، در نزهت الاسرار الاخبار در سفر سگتوار احمد فریدون پاشا و شاهنامه / شهنامه سلیم خان که سید لقمان تألیف کرده، اشاره کرده و تصویر نگاره های مورد بحث را نیز آورده است. احمد فریدون پاشا همچنین در ضمن هدایایی فرستاده شده توسط دربار صفوی به نسخه ای از کتاب شاهنامه فردوسی اشاره کرده است. در شاهنامه سید لقمان همچنین ماجرای فرستاده دیگری از دربار صفوی به باب عالی یعنی تقی خان آمده است. اندکی بعد از به تخت نشستن مراد سوم، تقی خان توسط شاه طهماسب، به دربار عثمانی برای تهنیت به تخت نشستن وی فرستاده شده بود. تقی خان در ضمن هدایایی که برای سلطان مراد سوم آورده بود، نسخه ای از شاهنامه و بیش از شصت دیوان شاعران فارسی زبان را به همراه برده بود.^۱

چاغمان و تاندی در مقاله ای به تعدادی نسخه های خطی نفیس، مذهب و دارای نگاره های هنری هنرمندان صفوی موجود در توپقاپی سرای اشاره کرده اند، که ظاهراً بخشی غنائم جنگی و بخشی دیگر باید به احتمال بسیار، نسخه هایی باشند که در دربار صفوی همراه با سفراء خود به باب عالی فرستاده است.

از نسخه هایی که محتملاً به عنوان غنائم جنگی به توپقاپی راه یافته، نسخه ای بسیار نفیس با نگاره های بسیار زیبا به شماره H ۱۲۳۳ از کتاب اسرار مظفر، مثنوی در شرح حال پیامبر اکرم | است. در مقدمه نسخه توپقاپی از کتاب اسرار مظفر، نویسنده کتاب، سلطان حسین بایقرا را مورد ستایش قرار داده و سپس کتاب را به خواجه سیف الدین مظفر بیتکچی^۲،

۱ برای بحث از نگاره های آمده در آثار مورخان عثمانی که در آنها رسم هدیه آوردن فرستادگان صفوی مورد اشاره قرار گرفته، بنگرید به:

Lale Uluç, "Ottoman Book Collectors and Illustrated Sixteenth Century Shiraz Manuscripts," *Revue des mondes musulmans et de la Méditerranée: Livres et Lecture dans le monde ottoman*, [REMMM], 87-88 (1999), p.90-93.

۲ بیتکچی یا بتکچی، کلمه ای ترکی - مغولی و به معنی مأمور مالیات، محاسب، حسابرس، منشی جمع و خرج و از اصطلاحات دیوانی عصر ایلخانی است. بنگرید به: شمیم شریک امین، فرهنگ اصطلاحات دیوانی دوره مغول (تهران: فرهنگستان ادب و هنر ایران، ۱۳۵۷ش)، ص ۶۶-۶۹؛ عزیز دولت آبادی، فرهنگ واژه های ترکی و مغولی در متون فارسی (تبریز، ۱۳۸۶ش)، ص ۷۲-۷۳. از سیف الدین مظفر بتکچی دو طغراء به تاریخ های ربیع الاول ۹۱۹ و هفتم ربیع الاول ۹۲۰ در خصوص وقف



از اعیان و اشراف خراسان که فرزندش محمد صالح بیتکچی (متوفی ۹۴۵) نیز یک چندی حاکم شهر مهم استرآباد بوده، تقدیم کرده است.^۱ کار کتابت و آماده سازی نسخهٔ اخیر در ذوالقعدة ۹۷۵ ق توسط محیی کاتب هروی به پایان رسیده و کتاب مشتمل بر تعدادی نگاره های بسیار زیبا در موضوعات مورد بحث کتاب و کار محمدی نقاش نامور خراسانی است. نسخهٔ مزبور محتملاً جزء آثاری است که برای سلطان ابراهیم میرزا فراهم شده است.^۲ بخش دیگری از نسخه‌های خطی نیز، به عنوان غنائم جنگی در جریان حملات متعدد عثمانی به قلمرو صفویه گردآوری شده است. ترکان عثمانی نسبت به مصادره و گردآوری نسخه‌های خطی در بخش‌های اشغال شدهٔ توجه ویژه ای داشته اند.^۳ علی بن نوح افندی مشهور به حکیم اوغلو از دولتمردان عثمانی که در جریان حملهٔ عثمانی به تاریخ صفر ۱۱۳۷ همراه با والی حلب کوپرولوزاده عبدالله پاشا (متوفی ۱۱۴۸) او را همراهی می کرد، پس از فتح تبریز در ۳ صفر ۱۱۳۸ به سرعسگری و والی گری تبریز منصوب شد. او علاقهٔ فراوانی به کتاب داشت و بخش مهمی از نسخه‌های خطی کتابخانه‌های تبریز و نسخه‌های بقعهٔ شیخ صفی الدین اردبیلی را گردآورد و با خود به عثمانی برد. او در شوال ۱۱۴۲ به والیگری همدان منصوب شد و در ۱۵ رمضان ۱۱۴۴ توسط سلطان محمود اول (متوفی ۱۱۶۸) به سمت صدر اعظمی ارتقا یافت اما در ۲۳ صفر ۱۱۴۸ از مقام خود عزل شد و به ۱۱۴۹ به والیگری بوسنی

روستاهای استرآباد در دست است که میکروفیلم آنها در دانشگاه تهران به شماره های ۲۴۱-ف و ۳۸۵۳-ف موجود است. بنگرید به: فنخا، ج ۳۴، ص ۵۳۵.

۱ دربارهٔ محمد صالح بیتکچی و سرکوب او توسط شاه طهماسب بنگرید به: قاضی احمد قمی، خلاصة التواریخ، ج ۱، ص ۲۸۲-۲۸۶. نسخه ای دیگر از کتاب اسرار مظفر با تاریخ فراغت از کتابت اول رجب ۹۷۴ در کتابخانهٔ چستریتی موجود است که در آن مؤلف فردی به نام ناظم ذکر شده و زمان تألیف کتاب نیز ۹۲۲ ذکر شده است. نسخهٔ اخیر به شمارهٔ ۲۳۵ نسخه‌های فارسی در کتابخانهٔ چستریتی موجود است.

2 Filiz Çağman and Zeren Tanindi, "Remarks on some manuscripts from the Topkapi Palace Treasury in the context of Ottoman-Safavid relations," *Muqarnas*, 13, 1996, pp.132-148.

از جمله دیگر نسخه‌های نفیس و هنری موجود در کتابخانهٔ توپکاپی سرا، نسخه ای از دیوان حافظ به شمارهٔ اچ ۹۸۶ است که به جهت سلطان سلیمان تهیه شده است. سلطان سلیمان خلیفه بن سهراب خلیفهٔ ترکمان (متوفی ۱۰۰۲) و داماد مرتضی قلی خان شاملو حاکم مشهد است. سلطان سلیمان خود یک چندی حاکم تون و طیس در روزگار سلطان محمد خدابنده بوده است. حسین بن قاسم تونی کار کتابت نسخهٔ اخیر را در ۲۰ رمضان ۹۸۹ به پایان برده و کار تهذیب آن را عبدالله مُدَّهَب شیرازی انجام داده است.

۳ بنگرید به: ایمن فواد سید، «دَوْرُ ترکیا العثمانیة فی حفظ التراث العربی»، مجلة معهد المخطوطات العربیة، المجلد ۴۴، الجزء الثاني، شعبان ۱۴۲۱/نوامبر ۲۰۰۰، ص ۱۴۱-۱۵۱.



گماشته شد. در ۱۵ صفر ۱۱۵۵ برای بار دوم به مقام صدرات رسید و بعد از آن نیز عهده دار مقامات مهمی در عثمانی بود. وی در نهم ذی الحجه ۱۱۷۱ در کوتاهیه درگذشت و بنابر وصیت خودش در مسجدی که در شهر استانبول ساخته بود، به خاک سپرده شد. وی نسخه هایی را که در جریان زندگی خود گردآوری کرده بود، در ۱۱۵۱ وقف کرد. بخش مهمی از نسخه های فارسی کتابخانه او، نسخه های کتابخانه شیخ صفی الدین اردبیلی است.^۱ نسخه های نفیس و مُدَّهَب توسط بازرگانان عصر صفویه به عنوان یکی از کالاهای گرانبها خرید و فروش می شده است، جز آنکه متاسفانه اطلاعات مربوط به چنین مسئله ای کمتر در متون عصر صفویه انعکاس یافته است. محمد طاهر نصر آبادی (زنده در ۱۰۹۹) از ملاقاتی میان خود و نقاش نامور عصر صفوی، صادقی بیگ افشار سخن گفته و اشاره نموده در آن دیدار اشعاری در ستایش صادقی بیگ سروده بود و چون آنها را برای او خوانده بود، صادقی بیگ افشار پیش از تمام شدن اشعارش برخاسته و «مُسَوِّدَه از این فقیر گرفته، گفت: حوصله ام بیش از این تاب شنیدن ندارد و برخاسته بعد از لحظه ای آمد، پنج تومان به دستاری بسته، با دو صفحه کاغذ که خود از سیاه قلم طرحی کرده بود، به من داد و گفت، تَجَّار، هر صفحه طرح مرا به سه تومان می خرنند که به هندوستان برند. مبادا ارزان بفروشی و عذر بسیار خواسته ...»^۲.

متاسفانه اطلاعات در خصوص تجارت کتاب چندان در منابع انعکاس نیافته، اما حس کتاب دوستی به عنوان ارزشی عام در میان اعیان، اشراف، امراء و علماء، طبعا باید باعث شده باشد که تجار به کتابها خاصه کتابهای ارزشمند با خط مؤلفان یا کتابهای هنری، به عنوان کالای مهم در تجارت نظر داشته باشند.

نکاتی درباره گواهی تملک و خرید و فروش بر نسخه ای از کتاب مصباح السالکین

گواهی تملک در نسخه های خطی فراوان است، اما گواهی در خصوص خرید نسخه و یا قیمت نسخه، کمتر در نسخه های خطی دیده می شود. در کتابخانه آیت الله بروجردی شهر قم به

۱ برای شرح حال حکیم اوغلو و توصیف از نسخه های فارسی مجموعه او بنگرید به: سید محمد تقی حسینی، فهرست دستنویس های فارسی کتابخانه حکیم اوغلو- استانبول (تهران: منشور سمیر، ۱۳۹۳ش).
۲ محمد طاهر نصرآبادی، تذکره نصر آبادی، به کوشش احمد مدقق یزدی (یزد: انتشارات دانشگاه یزد، ۱۳۷۸ش)، ص ۵۵-۵۶.

شماره ۵۸۹ که مشتمل بر یک دوره سه جلدی مصباح السالکین ابن میثم بحرانی می باشد، گواهی تملک و بیع چند تن از بزرگان اوالی و قطیفی دیده می شود. نسخه نخست در تملک شیخ یاسین بن احمد بن حسین بحرانی سترآوری بوده است: «هو الله سبحانه؛ من فضل الله تعالى وكرمه صار هذا الكتاب ملكاً لفقير الله تعالى ياسين بن احمد بن حسين البحراني السراوي». سپس نسخه را در قطیف، عالم نامور آنجا شیخ محمد بن حسین بن احمد بن عبد الجبار در ۲۴ ذی القعدة ۱۱۸۳ به قیمت ده فلس محمدیه حویزا خریده و در چند جای نسخه این مطلب را متذکر شده است: «بسم الله، ثم من بعده تملكه الفقير لله محمد بن حسين بن احمد بن عبد الجبار بالبيع البتي بعشر فلس محمدية حویزا في القطفيف ۲۴ ذی القعدة سنة ۱۱۸۳».

بر اساس این یادداشت، نسخه مدتی در قطیف و میان خاندان آل عبد الجبار بوده است. مالک بعدی نسخه شیخ عبدالله بن مبارک بن حمیدان خطی است که نسخه را در حدود ۱۲۱۷ خریداری کرده و یادداشت کوتاه در زیر یادداشت های قبلی در خصوص تملک نسخه نوشته است: «بسم الله، ثم دخل في حوزة احقر اهل الايمان المضطر الفقير ربه المعطي عبدالله بن مبارک بن علي بن عبدالله بن ناصر بن حسين بن حميدان الخطي بالبيع البتي الشرعي في حدود سنة ۱۲۱۷». سه یادداشت اخیر در پایان جزء اول آمده است. در برگ بعد از جزء اول که تماماً بیاض است، دو یادداشت تملک نسخه از دو مالک اخیر آمده که در زیر هم نوشته شده است. نخست محمد بن حسین بن عبد الجبار در اشاره به خرید نسخه همان مطلب پیشین را تکرار کرده و نوشته است:

«هو، في ملك الفقير لله محمد بن حسين بن احمد بن عبد الجبار بالبيع البتي في القطفيف الثمن عشر فلس محمدية حویزا ۲۴ ذی القعدة سنة ۱۱۸۳».

و در زیر عبارت اخیر عبدالله بن مبارک نیز یادداشت کوتاه پیشین خود در تملک نسخه در حدود ۱۲۱۷ را تکرار کرده است.

برای جلوگیری از بروز هر شبهه در خصوص تملک نسخه، مالکان در هر مکانی از نسخه که یادداشتی بوده، یادداشت جدیدی در خصوص تملک خود بر نسخه می نوشته اند که اگر بخش هایی از نسخه جدا شد بعدها مشکلی در خصوص تملک نسخه وجود نیارد، این





نکته در تمام عبارت های تملک نسخه ۵۸۹ کتابخانه آیت الله بروجردی قابل مشاهده است. اشاره به مکان خرید نسخه و یا قیمت آن که در این نسخه آمده، یکی از مواردی معدودی است که نگارنده تا کنون در بررسی نسخه های بحرین قدیم دیده و جالب توجه است. در پایان جزء دوم، تنها عبارت های تملک از شیخ یاسین سترای بحرانی و شیخ عبدالله بن مبارک خطی آمده است. عبارت شیخ یاسین همان عبارت پیشین است، اما عبارت تملک شیخ عبدالله بن مبارک خطی به شکلی متفاوت چنین آمده است:

«بسم الله؛ ثُمَّ مَنَّْ به الملك الكريم القادر على عبده الفقير القاصر غريق بحار التقصير والعصيان الاقل الاحقر عبدالله بن مبارک بن علي بن عبدالله بن ناصر بن حسين آل حميدان الاحسائي اصلاً والخطي مولداً ومنشأً بالناقل الصحيح الشرعي باحد شهور سنة ۱۲۱۷».

در برگ بعد از برگ اخير که بياض است، دو يادداشت تملک در زير هم آمده، نخست تملک محمد بن حسين بن آل عبدالجبار و سپس تملک شيخ عبدالله بن مبارک خطی که چنین است:

«بسم الله في ملك المفتقر لعفو الملك الغفار محمد بن حسين بن احمد بن عبدالجبار بالبيع ۲۴ ذي القعدة سنة ۱۱۸۳»؛ «بسم الله؛ ثُمَّ دخل في حوزة العبد الآثم المخطي، عبدالله بن مبارک بن علي بن عبدالله بن ناصر بن حسين بن حميدان الخطي بالبيع البتي الشرعي في حدود سنة ۱۲۱۷».

تملكات در آخر جزء سوم نیز قابل مشاهده است که از حيث عبارت تفاوت هايی با تملكات نوشته شده در بخش های پیشین دارد و در کنار تملكات، در مواردی مهر افراد نیز دیده می شود. در کنار انجامه جزء سوم، سه يادداشت تملک از مالکان نسخه درج شده که چنین است: «بسم الله، من فضل الله تعالى وكرمه صار هذا الكتاب في ملك الفقير الى الله تعالى ياسين بن احمد بن حسين البحراني الستراوي» همراه با مهری که سجع آن سلام علی یاسین است؛ «بسم الله؛ ثُمَّ بعد برهة من الازمان مَنَّْ به الملك الحنان على عبده المعترف له بالتقصير والعصيان الأحسائي اصلاً والخطي مولداً ومنشأً بالناقل الصحيح الشرعي في حدود سنة ۱۲۱۷ هجرية». بر خلاف دیگر موارد يادداشت های تملک که محمد بن حسين بن آل عبدالجبار در باب تملک در کنار دو تملک اخير نوشته است، در اینجا با يادداشت تملکی از مالکی

دیگر که در سال ۱۲۴۰ نسخه در تملک او بوده، روبرو هستیم که در یادداشت نسبتاً بلندی در خصوص تملک خود بر نسخه چنین نوشته است:

«بسم الله، ثم ساقه القدير وجاءت المقادير به باذن اللطيف الخبير الى نوبة الحقير الفقير الى ربه الغني الكبير فصار في حوزة الجاني المعترف بالتقصير محسن بن محمد بن ادریس بن محسن بن حسن الموسوي الجزائري (اصلاً: مشطوب) مولداً ومنشأً وذلك في سنة ... والمأين والالف من الهجرة النبوية على مهاجرها الف صلاة وتحية بالشراء الشرعي والله ولي التوفيق سنة ۱۲۴۰».

در چند برگ آخر نسخه که محتمل است جابه جا شده باشند و در اصل در ابتدای نسخه بوده اند، چند یادداشت تملک آمده است. مالک نخستین نسخه، فردی به نام ابراهیم بن یاسین که به نظر فرزند مالک نسخه باشد، در چند سطر و بسیار زیبا، یادداشتی در خصوص تملک نسخه توسط شیخ یاسین درج شده است: «ثم انتقل لنوبة الاوحد الانجل الانبل الجامع بين العلم والعمل الاجل الامين الشيخ ياسين بن الشيخ احمد بن حسين البحراني الستراوي وكتب الاقل ابراهيم بن ياسين بن شيخ احمد حامداً مصلياً مسلماً مستغفراً».

سپس مالک بعدی نسخه، محمد بن حسین بن عبدالجبار، یادداشتی درباره تملک خود بر بالای نسخه نوشته که چنین است: «هو، من ملك الاقل محمد بن حسين بن احمد بن عبدالجبار بالبيع البتي الثمنه عشر فلس محمدية ۲۴ سترای به این عبارت نوشته است: ذی القعدة سنة ۱۱۸۳».

یکی از شاگردان شیخ محمد بن عبدالجبار نیز یادداشتی در خصوص تملک نسخه توسط استادش به خطی زیبا نوشته و مکان نگارش یادداشت را ام الحمام از شهرهای نزدیک قطیف ذکر کرده که به نظر می رسد علت نگارش یادداشت توسط او، در امانت بودن نسخه نزدش باشد. یادداشت فرد اخیر چنین است:

«بسم الله، لعمري قد انتظم هذه الكتاب في سلک ملك الاجل الاوحد الجاني من المين، شيخنا الشيخ محمد بن الشيخ حسين بن احمد بن عبدالجبار القطيفي الخطي وكتب خادم علماء الفرقة

۱ نسبت سترای در انتساب به جزیره ستره سومین جزیره بزرگ اطراف اوال است که عالمان ناموری امامی متعددی را از آن می شناسیم. بنگرید به: عبدالخالق جنبی، تاریخ التشیع لاهل البيت فی اقليم البحرين القديم، ص ۱۲۱-۱۲۳.





الامامية الاثني عشرية فقير ربه الغني احمد بن محمد بن علي بن محمد بن علي نزيل ام الحمام عفي عنهم».

چنین یادداشت‌های مختلف درباره تملک نسخه در بخش‌های مختلف نسخه، اشاره به قیمت نسخه و زمان خریداری آن، یکی از نکات جالب توجه است و تقریباً در بیشتر نسخه‌های کتابت شده در بحرین قدیم که نگارنده تاکنون دیده، رویت نشده است.

نسخه ای نفیس از کتاب الفهرست شیخ طوسی به کتابت عالمی از اوال

در میان نسخه‌های مختلفی که از کتاب الفهرست شیخ طوسی وجود دارد، نسخه ای که صالح بن یوسف بن محمد بن یوسف اوالی بحرانی مَقْشَاعی کتابت کرده، نسخه ای است که از لحاظ کهن بودن و دارا بودن اجازات و انهاءات، مهم بوده است.^۱ بررسی و دقت در نسخه‌های مختلف کتاب الفهرست شیخ طوسی، نشانگر دست کم سه سنت از کتابت آن در میان شیعیان است: نسخه ای که شهید ثانی مقابله و تصحیح کرده و این نسخه تقریباً مادر بسیاری از نسخه‌های آن در قرن دهم به بعد است.^۲ دسته ای دیگر از نسخه‌های کتاب الفهرست، نسخه‌هایی هستند که طریق روایت آن را به روایت جعفر بن غیداق دیلمی^۳ دارند و سرانجام نسخه حاضر که سنتی دیگر از انتقال کتاب الفهرست در میان امامیه را نشان می‌دهد. هر چند این مطالب در حد بررسی نگارنده و نسخه‌هایی از کتاب الفهرست است که موفق به بررسی

۱ از مناطق نزدیک به قطیف که اکنون به واسطه یکی شدن روستاهای متعدد در اطراف آن با ام الحمام به شهری بزرگ در قطیف تبدیل شده است. بنگرید به: عبدالخالق جنبی، تاریخ التشیع لاهل البیت فی اقلیم البحرین القديم، ص ۸۲. مطالب مورد بحث درباره نسخه ۵۸۹ کتاب مصباح السالکین به شکلی مختصر در فهرست مورد اشاره قرار گرفته است. بنگرید به: سید احمد حسینی اشکوری، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مؤسسه حضرت آیه الله العظمی بروجردی، دفتر دوم، ص ۳۷۱-۳۷۲.

۲ درباره نسخه‌های کتاب الفهرست شیخ طوسی بنگرید به: مصطفی درایتی، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فناخ)، ج ۲۴، ص ۵۶۷-۵۷۲.

۳ نسخه ای که توسط شهید ثانی مقابله و تصحیح شده است به شماره ۲۱۳/۱ مجموعه مرحوم علی اصغر حکمت در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. از جمله نسخه‌هایی که از روی این نسخه مستقیم یا با واسطه کتابت شده باید به نسخه ۸۷۵۶ کتابخانه آیت الله مرعشی اشاره کرد.

۴ درباره این عالم امامی که راوی کتاب الفهرست شیخ طوسی می‌باشد و قرائت صحیح نامش در سنت متأخر امامی محل بحث و گفتگو بوده است، استاد ارجمند حسین واتقی ضبط صحیح نام او را در مقاله ای مورد بحث قرار داده است. بنگرید به: حسین واتقی، «الفقیه الصالح رشید الدین ابوالبرکات الغیداق بن جعفر الدیلمی المدائنی»، مخطوطاتنا، السنة الرابعة، العدد السابع، ص ۱۵-۲۰، ۲۰۱۸/۱۴۴۰.

آنها شده ام. نسخه مورد بحث متعلق به مرحوم سید محمد علی روضاتی بوده و یکی از چند نسخه اساس تصحیح کتاب الفهرست توسط مرحوم سید عبدالعزیز طباطبائی بوده است. در مقدمه کتاب الفهرست تصحیح شده توسط مرحوم سید عبدالعزیز طباطبائی، توضیحات بیشتری در خصوص نسخه اخیر آمده است. در انجامه نسخه الفهرست که صالح بن یوسف مقشاعی اوالی کتابت کرده، چنین آمده است:

«تمّ الزبير بعون الله مفيض الجواد وواهب الكمال لكل موجود، في العشر الأخير من شهر جمادي الآخرة سنة خمسين وسبعمئة هجرية على صاحبها السلام والتحية وعلى آله الكرام المطهرين عن الذنوب والآثام. وكان في آخر المنتسخ منه: وكتب محمد بن منصور بن أحمد بن إدريس بن شاذي بن إدريس العجلي حامداً لله سبحانه ومصلياً على خيرته من بريته محمد والأصفياء من عترته سنة إحدى وسبعين وخمسائة، فرحم الله من دعا له بالمغفرة، بلغ قراءة على سيدنا، السيد الأجل، نظام الشرف، أبي الحسن بن العريضي أيده الله ودام علوه، قابلت هذه النسخة من نسخة عليها خط المصنف رحمه الله وأرضاه، قراءة لصاحبها وبذلت وسعى في ضبط أسماء أسماء (كذا) الرجال، فرحم الله من وقف عليه ولم يغير فيه شيئاً وكتب محمد بن إدريس.

والناسخ امتثل دمره، ونقل ما وجده مسطوراً، وما أحدث فيه تبديلاً وتغييراً واحتدى على مثاله نقيراً وقمطيراً، تعمده الله برحمته، أفاض على روحه الزكية سجال مغفرته وكان فراغ قلم المرتهن بعمله، الخايض في تجاوز (كذا) ألمه، الباكي من تراكم الخطايا والذنوب، الملتجئ لستر علام الغيوب، صالح بن يوسف بن محمد بن يوسف ابن سعيد الأوالي البحراني المقشاعي مولداً ومحتداً، لعصر يوم الأربعاء تقريباً، ثالث شهر ربيع الأول من سنة تسعين وتسعمائة هجرية نبوية، على مهاجرها أفضل الصلوات والتحيات والحمد لله رب العالمين وصلى وعفا الله عنهم وعن المؤمنين أجمعين وصلى الله على خير خلقه محمد النبي وآله وأصحابه».

کاتب نسخه، ظاهراً نسخه خود را بنسخه ای دیگر مقابله کرده باشد که در خصوص آن نوشته است: «قلت: قابلت هذه النسخة بنسخة أخرى عليها ما هذه صورته: قرأ عليّ السيد العالم الزاهد أبو الحسن علي بن خليفة بن علي الحسيني الشجري أدام الله تأييده هذا الكتاب من أوله إلى آخره وأجزت له أن يروي هذه الكتب والأصول كلها عني عن مصنفه رضي الله عنه عن





شیوخه کیف شاء وأحب، کتبه عبدالجبار بن عبدالله بن عل، المقرء، بخطه ف، التاسع من جمادي سنة تسعين وأربعمائة والحمد لله وحده وصلى الله على النبي وآله».

نسخه در تملک یکی از افراد خاندان آل شدقم، احتمالاً سید بدر الدین حسن بن علی بن شدقم (متوفی ۹۹۸) بوده و یادداشت تملکی توسط وی بر نسخه آمده است: «حرره مالکه ... شدقم الحسینی المدنی ... علی أولادی حسبما موجود فی ...»^۲.

صالح بن یوسف مقشاعی آثار دیگری را نیز کتابت کرده و به احتمال بسیار علاوه بر آنکه خود از عالمان اوالی بوده، از راه کتابت نسخه نیز زندگی خود را می گذرانده است. او ظاهراً دوره ای کامل از کتاب مسالک الافهام شهید ثانی را کتابت کرده که بخشی از آن مشتمل بر پاره ای از کتاب ارث تا دیات آن به شماره ۴۱۸۷ در کتابخانه مجلس موجود است. تاریخ فراغت از کتابت نسخه ۹۷۴ ذکر شده است. وی در انجامه نوشته است:

«... وتعلیقه مصنفه العبد الفقیر الی عفو الله تعالی وکرمه زین الدین بن علی بن احمد الشامی العاملی منتصف نهار الاثنین من شهر ربیع الآخر عام اربع وستین وتسعمائة تقبل الله تعالی عمله وعفی الله حامداً مصلياً مسلماً ... فرغ من هذا الكتاب العبد الفقير المعترف بالخطاء والتقصير اقل ... تراب اقدام فقراء المؤمنین صالح بن یوسف بن محمد بن یوسف ... الأوالی البحرانی المقشاعی منشاء ومسکناً منتصف نهار الاثنین الثاني والعشرين من شهر ربیع الاول سنة ۹۷۲ غفر الله له ولوالديه وللمؤمنین انه غفور رحیم والحمد لله ... وصلى الله على سيدنا وحبیب قلوبنا وشفیع ذنوبنا محمد وآله الطیبین الطاهرین وسلم كثيراً برحمتک یا ارحم الراحمین».

نسخه اخیر از جمله نسخه های مرحوم سید نصر الله تقوی بوده و فهرست نگار، شهرت مقشاعی آمده در انجامه کاتب را در معرفی آن ذکر نکرده است.^۳ صالح بن یوسف بن محمد بن یوسف، نسخه هایی دیگری نیز کتابت کرده، از جمله نسخه ای از کتاب قواعد المرام فی علم الکلام ابن میثم بحرانی، که اصل آن در کتابخانه کاشف الغطاء نجف است و تصویری

۱ درباره ابوالوفاء عبدالجبار بن عبدالله بن علی مقرئ نیشابوری بنگرید به: افندی، ریاض العلماء، ج ۳، ص ۶۶-۶۹.
۲ درباره کتابخانه سید حسن بن علی بن شدقم حسینی بنگرید به: حسین وائقی، اعلام المدینة المنورة من بنی شدقم و غیرهم، ص ۷۹-۸۶.
۳ بنگرید به: احمد منزوی، فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، ج ۱۱، ص ۱۹۲، ۴۴۳. در صفحه اخیر برگ انجامه نسخه نیز آمده است.



از آن به شماره ۱۸۸۵ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی موجود است و تاریخ فراغت از کتابت یکشنبه دوازدهم جمادی الاولی ۹۷۲ ذکر شده است.^۱

نسخه ای نیز از کتاب الانتصار علم الهدی به شماره ۶۵۶ در کتابخانه وزیری یزد موجود است که صالح بن یوسف بن محمد بن یوسف بحرانی از کتابت آن در روز یکشنبه محرم ۹۲۰ فراغت حاصل کرده و نسخه به سال ۹۸۴ توسط محمد عبدالقادر حسینی مرعشی در شهر گلکنده با نسخه ای دیگر دو بار مقابله شده است. تاریخ ۹۲۰ به احتمال بسیار باید تاریخ نسخه ای باشد که مقشاعی نسخه خود را از روی آن کتابت کرده، یا فهرست نگار در خواندن آن مرتکب خطا شده است. در کتابخانه مرکز احیاء به شماره ۳۶۴۰، نسخه دیگری از کتاب الانتصار موجود است که صالح بن یوسف بن محمد بن یوسف مقشاعی اوالی بحرانی از کتابت آن در روز یکشنبه هجدهم محرم ۹۹۱ فراغت حاصل کرده است.^۲ شهرت مقشاعی به خطا مقامی خوانده شده است. به لطف دوست عزیزم آقای سید محمد رضا اشکوری آصف آگاه، به برگ انجامه نسخه اخیر دسترسی پیدا کردم. مقشاعی در انجامه نوشته است:

«... و فرغ من تنمیق حروفه و الفاظه قلم الفقیر الحقییر العاصی کثیر الخطا و الزل، المرتجی ...

الاجل تراب اقدام فقراء المؤمنین صالح بن یوسف بن محمد بن یوسف المقشاعی الأوالی البحرانی مولد و مسکناً عصر یوم الاحد الثامن عشر شهر محرم الحرام سنة ۹۹۱ هجرية علی مهاجرها اکمل الصلوة والسلام تمّ».

نسخه ای نیز از کتاب غایة المراد به شماره ۲۸۹۸، در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی موجود است که صالح بن یوسف بن محمد بن یوسف مقشاعی عصر روز یکشنبه بیست و چهارم جمادی الآخرة سال ۹۷۷ از کتابت آن فراغت حاصل کرده است:

«فرغ من تعلیقه العبد الفقیر الجانی الضعیف المحتاج الی رحمة و رضوانه المعتصم بعظمة ربه الامجد صالح بن یوسف بن محمد بن یوسف المقشاعی عفی الله له و لوالديه و لجمیع المؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات الاحیاء منهم و الاموات عصر یوم السبت رابع العشرین من

۱ بنگرید به: سید جعفر حسینی اشکوری و سید صادق حسینی اشکوری، فهرست نسخه های عکسی مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۵، ص ۳۴۶-۳۴۷.

۲ فنخا، ج ۴، ص ۹۶۷.



جمادی الآخرة سنة سبع وسبعين وتسعمائة هجرية نبوية على مهاجرها الصلوة...» و متذکر شده که نسخه را برای کتابخانه سید هاشم بن علی بن مرتضی کتابت کرده است: «الخزانة المولا الاعظم الاكرم السيد الجليل النبيل مركز الحكم والقضى سيدنا هاشم بن علي بن مرتضى ائده الله توفيقه انه جواد كريم...».

سید هاشم بن علی بن مرتضی بن علی بن ماجد حسینی بحرانی، پدر سید ماجد بحرانی (متوفی ۱۰۲۸) است^۱ و عبارت اخیر دلالت بر این دارد که سید هاشم عهده دار مقام شیخ الاسلامی در بحرین بوده است.

در کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۳۷۰۱ نسخه ای از کتاب الفهرست شیخ طوسی موجود است که صالح بن یوسف بن محمد بن یوسف بن سعید بن یوسف اوالی بحرانی مقشاعی در روز چهارشنبه سوم ربیع الاول ۹۹۰ از روی نسخه ابن ادريس کتابت کرده است. نسخه ای که در اختیار ابن ادريس بوده، نسخه ای کتابت شده توسط نظام الشرف ابی الحسن العریضی بوده که نسخه خود را با نسخه شیخ طوسی مقابله کرده است. مقشاع از روستاهای اوال است.^۲

برخی مطالعات اخیر انجام شده درباره بحرین قدیم بر پایه نسخه های خطی
در سالیان اخیر امکان دسترسی بیشتری به منابع خطی فراهم شده و بر اساس آنها می توان چشم انداز های تازه ای در تاریخ تشیع گشود و در خصوص مناطق شیعه نشین که روزگاری شاهد حضور بیشتری از عالمان امامیه بوده ایم، تحقیق نمود. تحقیق بسیار ارزشمند استاد گرامی سید حسین مدرسی طباطبائی درباره خاندان فتحان قمی و یا پژوهش های استاد ارجمند حسین واثقی درباره حضور شیعیان در مکه و مدینه از نمونه ای از چنین تحقیقاتی است که می توان مشابه آنها کارهای ارزشمندی درباره تاریخ تشیع در مشهد، کربلا، نجف و منطقه شام و جبل عامل ارایه نمود. اطلاعات بسیار فراوانی در خصوص شهر های مذکور در نسخه های خطی وجود دارد و نگارنده در تحقیق های مفصل خود درباره شهید ثانی، حسین

۱ برای شرح حال سید ماجد بحرانی بنگرید به: ریاض العلماء، ج ۵، ص ۵، ۶-۷.

۲ بنگرید به: عبدالخالق بن عبدالجلیل الجنبی، تاریخ التشیع لأهل البيت فی إقليم البحرين القديم، ص ۱۹۸.

بن عبدالصمد حارثی پدر شیخ بهایی، با بهره گیری از همین منابع ابعاد تازه ای از زندگی و حیات دو عالم مورد بحث را بررسی کرده ام.^۱

بررسی درباره خاندان های علمی بحرین قدیم و روابط آنها و اهمیت میراث مکتوبی که این خاندان ها تألیف کرده اند، موضوعی است که نیازمند بررسی و تحقیق است. دو تک نگاری ارزنده ای که استاد ارجمند محمد علی حرز به تازگی با عنوان های أسرة آل ابی مجلی الخطی الفرعی العلمیة فی وادی الفرع بالمدينة المنورة (۲۰۲۰/۱۴۴۲) و الشیخ منصور بن سبى الأحسانی (حدود ۱۰۱۰هـ - بعد ۱۰۸۹هـ) و مشروع المكتبة المتنقلة (بی جا: دار السحیمیة للنشر، ۲۰۲۱/۱۴۴۲) منتشر کرده، الگوهای خوبی از چگونگی تحقیق درباره خاندان ها و شخصیت های مهم احسانی است که مبتنی بر آثار کتابت شده و اسناد و مدارک شرعی باقی مانده از عالمان و خاندان های احسانی می باشد.

استاد ارجمند محمد علی حرز، همچنین مقالاتی درباره خاندان های مهم علمی احساء نوشته اند که از جمله آنها می باید به دو مقاله از ایشان یعنی مقاله ای درباره خاندان آل مرتبط از خاندان های احسانی که اکنون نشانی از آنها نیست و منقرض شده اند («آل مرتبط... أسرة علمية أحسائية منقرضة»، الساحل، العدد الرابع والأربعون، السنة الثالثة عشرة، شتاء ۲۰۱۹م، ص ۷-۳۲) و مقاله ای درباره شیخ علی بن عبدالمحسن لویمی، فرزند شیخ عبدالمحسن لویمی که در حدود ۱۲۱۷ به ایران مهاجرت کرده و در شهر سیرجان ساکن شده با عنوان «الشیخ علی بن عبدالمحسن اللویمی» که در مجله الساحل، العدد الخامس والأربعون، السنة الرابعة عشرة، ربیع ۲۰۲۰م، ص ۱۸۱-۲۰۳ منتشر کرده اند، اشاره کرد. مسئله مهاجرت عالمان احسانی و اهمیت آن، موضوع تک نگاری کتابی توسط استاد حرز با عنوان احسائیون مهاجرون (بیروت: دار المحجة البيضاء، ۱۴۳۱هـ/۲۰۱۰م) نیز بوده است.

۱ مراجعه به نسخه های خطی برای شناخت عالمان امامیه که گاه شناخت درستی از آنها وجود ندارد، بسیار سودمند و مفید است. دوست گرامی میثم سویدان حمیری در مقاله ای که در خصوص عالم کمتر شناخته شده امامی محمد بن حردان مشهور به خلف غطاوی حلی نجفی (زنده در ۱۰۷۷) بر اساس نسخه کتابت شده از کتاب تسلیة العالم فی شرح المعالم وی در کتابخانه مجلس به شماره ۴۴۸۲ نشان داده که وی از عالمان امامی قرن دوازدهم است و خطاهای رخ داده در شرح حال وی را اصلاح کرده است. بنگرید به: میثم سویدان حمیری حلی، «الکشف والبیان عن حال الشیخ محمد بن حردان المشتهر بخلف الغطاوی الحلی أصلاً، النجفی مسکناً (حياً سنة ۱۰۷۷هـ)»، تراث الحلة، السنة الثانية، المجلد الثاني، العدد الرابع، ۲۰۱۷/۱۴۳۸، ص ۲۹۹-۳۴۲.





همچنین ایشان مقالاتی در خصوص کتابخانه های مهم عالمان احسانی دارند که مفصل ترین کار ایشان درباره کتابخانه سید خلیفه احسانی نجفی در مجله الخزانة، العددان الخامس و السادس، السنة الثالثة، صفر ۱۴۴۱هـ/تشرين الأول ۲۰۱۹م، صفحات ۵۰۵-۵۹۶ با عنوان «من خزائن الكتب الأحسائية: خزانة السيد خليفة الموسوي الأحسائي النجفي» منتشر شده است. همچنین مقاله ای درباره وقف بر مساجد و اهل علم در احساء نگاشته اند و برخی اسناد مربوط به وقف در منطقه احساء را مورد بررسی قرار داده اند.^۱

استاد ارجمند وسام عباس السبع نیز حرکت های علمی و تاریخ حوزه های علمیه در جزیره اُوال را مورد بررسی قرار داده و مقالات متعدد و تک نگاری های مهمی در معرفی تاریخ جریان های علمی جزیره اُوال تألیف کرده که از میان آنها کتاب مآذن و نخیل فی تاریخ و تراث البحرين الثقافي، مشتمل بر شماری از مقالات او نیز هست.^۲ نوشته بسیار مهمی از شیخ محمد مکی جزینی عاملی در دست است که در آن، وی گزارش سفر خود به بحرین قدیم میان سالهای ۱۱۵۹ تا ۱۱۶۲ را در آن شرح داده است. متأسفانه کتاب اخیر تنها در یک نسخه باقی مانده و اندکی از آغاز افتادگی دارد و دقیقاً دانسته نیست که نویسنده خود چه نامی را بر آن نهاده است. کتاب اخیر منبع بسیار مهمی از حیات علمی منطقه بحرین قدیم در نیمه دوم قرن دوازدهم است.

محمد مکی جزینی در کتاب خود، از عالمانی که در مناطق مختلف بحرین قدیم از احساء، قطیف و جزیره اُوال که بیشترین ایام اقامت خود را در آنجا سپری کرده، سخن گفته است. متن اخیر توسط شیخ بشار العالی البحرانی با عنوان لؤلؤة الجزین (بیروت، ۲۰۱۷) منتشر شده است. محمد مکی جزینی خود شخصیت قابل تأملی است و لازم است تا تحقیقی جداگانه درباره او انجام شود؛ عمده شهرت او در سنت تراجم نگاری متأخر شیعه،

۱ بنگرید به: محمد علی حرز، «الوقف علی المساجد و طلاب العلم فی الأحساء»، الساحل، العدد السادس عشر، السنة الرابعة، خریف ۲۰۱۰م، ص ۶-۲۲.

۲ برای مثال بنگرید به: وسام السبع، «الأدوار الاجتماعية للحوزات العلمية فی البحرين»، الساحل، العدد التاسع و العشرون، السنة العاشرة، ربیع ۲۰۱۶م، ص ۱۱۳-۱۱۶؛ همو، «السید محسن الأمين و الإرث الثقافي للبحرین»، الساحل، العدد الرابع و الثلاثون، السنة الحادية عشرة، صیف ۲۰۱۷م، ص ۸۷-۹۰؛ همو، «الشاعر و الأديب مغامس بن داغر (ت ۸۵۰هـ)»، الساحل، العدد الثاني و العشرون، السنة السادسة، ربیع ۲۰۱۲م، ص ۱۷۶-۱۸۰؛ همو، «الأهمية التاريخية لإجازات علماء البحرين: إجازة الشيخ السماهيجي نموذجاً (۱-۲)»، الساحل، العدد السادس و العشرون، السنة التاسعة، صیف ۲۰۱۵م، ص ۷۷-۹۹.

تملکات گسترده‌ای او بر نسخه‌های خطی مختلف است. اطلاعاتی که او در کتاب خود درباره‌ی عالمان منطقه‌ی بحرین قدیم آورده، در کنار اسناد شرعی باقی مانده از عالمان مورد بحث، می‌تواند تصویر روشنتری از جامعه‌ی علمی منطقه‌ی بحرین قدیم در نیمه‌ی دوم قرن دوازدهم در اختیار ما قرار دهد.

به عنوان مثال جزینی^۱ از عالمی به نام علی بن عبدالحسین بن عاشور بحرانی احسانی (زنده در ۱۱۸۴) که او را در ۱۱۶۰ دیده سخن گفته و متذکر شده نزد او زبدة الاصول شیخ بهایی و کتاب من لا یحضره الفقیه را خوانده است. علی بن عاشور بحرانی از جزیره‌ی اوال به روستای جبیل احساء مهاجرت کرده و سرانجام در شهر هفوف اقامت گزیده است. نام وی بر وثائق شرعی فراوانی باقی مانده است. کهن‌ترین وثیقه‌ی شرعی بدست آمده از وی در احساء، تاریخ ۲۴ رجب ۱۱۴۸ را دارد. وی با زادگاهش جزیره‌ی اوال ارتباط داشته است. از وی اجازه ای به جزینی در دست است که در آن وی مشایخ خود را برشمرده است. بر اساس گفته‌ی او، که از شیخ روایت و استادش سید نصر الله بن حسین موسوی حائری در کربلاء سخن گفته، می‌توان دریافت که مدتی در آنجا به تحصیل مشغول بوده، کما اینکه شیخ دیگر او شیخ یاسین بن صلاح الدین بن علی بلادی است که در بلاد قدیم اقامت داشته و علی بن عاشور بخشی دیگر از تحصیلات خود را در بخش بلاد قدیم، مهم‌ترین مرکز علمی جزیره‌ی اوال به انجام رسانده است.^۲ از جمله آثار وی کشکولی است که نسخه‌ی ناقصی از آن به شماره ۲۵۳۸ در کتابخانه‌ی آیت الله حکیم در نجف موجود است.^۳

بررسی اسناد مختلف موجود از عالمان قطیفی و شناسایی آنها، موضوع مورد اهتمام دوست گرامی نزار آل عبدالجبار است و او در صدد گردآوری تمام اطلاعات موجود در این زمینه است و مقالاتی نیز منتشر کرده که از جمله آنها می‌باید بحث او درباره‌ی شیخ شرف الدین یحیی بن محمد بن عبدعلی بن علی بن یحیی عوامی بحرانی (زنده در ۱۱۱۲) اشاره

۱ لؤلؤة الجزین، ص ۲۱۵

۲ لؤلؤة الجزین، ص ۲۷۱ - ۲۷۳.

۳ دوست گرامی استاد محمد علی حرز مقاله‌ی او در دست تألیف دارد که تحریری از آن را در اختیارم قرار داد. اسناد شرعی مربوط به او را استاد احمد البدر گردآوری کرده است.





کرد که تقریباً عمده دانسته‌های ما درباره او در کنار نکاتی که شاگردانش در اشاره به وی آورده‌اند، اسناد مختلف شرعی موجود در قتیف است.^۱

تدوین و گردآوری اسناد شرعی و شرح حال عالمان احساء، همچنین موضوع مورد توجه استاد احمد البدر بوده و امید است که با انتشار آنها بتوان بحث درباره تاریخ تشیع در احساء شتاب بیشتری یابد.^۲ همین‌گونه اسناد و مدارک موجود در میان خاندان آل رمضان، خاصه آنچه که مرحوم شیخ جواد رمضان گردآوری کرده، مشتمل بر اطلاعات ناب و منحصر به فردی درباره خاندان‌ها و اسناد شرعی عالمان احساء است که باید چشم به راه نشر آنها بود که اکنون در تملک استاد حسین رمضان است و ایشان تلاش‌هایی جهت نشر آنها در دست انجام دارد. با این حال هنوز کارهای بسیاری درباره میراث علمی عالمان بحرین قدیم، کتابخانه، شناسایی افراد و تحقیق درباره خاندان‌های علمی آنها باقی است که با در دسترس قرار گرفتن نسخه‌های خطی، اسناد شرعی و خانوادگی باید امید داشت که در آینده مورد بررسی قرار گیرند.

همچنین تصحیح و انتشار برخی آثار باقی مانده از میراث فقهی فقیهان امامی احسائی در سالیان اخیر، مورد توجه قرار گرفته که می‌توان به انتشار کتاب خلاصة التنقیح فی المذهب حق الصریح از احمد بن فهد بن ادریس احسائی (زنده در ۸۰۶) اشاره کرد که شرحی استدلالی در شرح کتاب ارشاد الأذهان علامه حلی است که از تألیف آن ۲۳ رمضان ۸۰۶ فراغت حاصل کرده و در دو جلد منتشر شده است (قم، ۱۴۲۲هـ/۲۰۰۲). آقابزرگ نسخه‌ای جلد دو کتاب اخیر را در عراق دیده که زمانی در تملک عالم نامور امامی سید حسین بن حیدر حسینی کرکی (متوفی ۱۰۴۱) بوده است.^۳

۱ بنگرید به: نزار آل عبدالجبار، «الشیخ یحیی العوامی: من أعلام القرن الثاني عشر الهجري»، الساحل، العدد الحادی عشر، السنة الثالثة، صیف ۲۰۰۹م، ص ۱۵۷-۱۷۶. اندک بودن اطلاعات درباره تراجم علماء و فرهیختگان بحرین قدیم و مسئله تعدد نام‌ها، یکی از مشکلات فرا روی محققان است. به عنوان مثال درکنار ابن مقرب عیونی مشهور، عالم و شاعر دیگری را به نام علی بن مقرب می‌شناسیم، جز آنکه تحقیقات جدید نشان از این دارد که وی فردی از اهالی احساء و عالمان قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم است. بنگرید به: عبدالغنی عرفات، «ابن المقرب الثاني... المفتاح والحل»، الساحل، العدد الحادی عشر، السنة الثالثة، صیف ۲۰۰۹م، ص ۳۷-۴۶؛ عبدالخالق بن عبدالجلیل جنبی، ملحقات شرح دیوان ابن المقرب علی بن مقرب العیونی: دراسة تاريخية لسيرته و شعره، ص ۲۲۷-۲۳۹.

۲ برای گزارشی از تلاش‌های استاد احمد البدر بنگرید به مقاله ایشان با عنوان «بعض المحاولات الأحسانیة فی کتابة أنساب أسر الأحساء»، الساحل، العدد السابع، السنة الثانية، صیف ۲۰۰۸م، ص ۸-۱۶.

۳ بنگرید به: الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۷، ص ۲۲۲-۲۲۳. همچنین بنگرید به: مقاله «الشیخ أحمد بن فهد بن ادریس الأحسانی»، الساحل، العدد السابع، السنة الثانية، صیف ۲۰۰۸م، ص ۱۶۹-۱۷۵.

روستای های از میان رفته در منطقه احساء، موضوعی است که کمتر به آن پرداخته شده اما از مقالات ارزنده در این خصوص باید به نوشته استاد عبدالله رستم با عنوان «بنی نحو... قرية غیبها التاريخ»، الساحل، العدد الخامس، السنة الثانية، شتاء ۲۰۰۸ م، ص ۶-۳۶ اشاره کرد. همچنین درباره روستای از میان رفته سُحیمیه، اطلاعات خوبی بر اساس چند نسخه خطی عالمی که اهل این روستا بوده، اکنون در دست است، که در کتاب حاضر از آن بحث شده است. بحث استاد خالد نزر نیز درباره روستای بنی معن و مناطق اطراف آن نیز، از نمونه کارهای خوب درباره روستاهای کهن احساء می باشد که برخی وثائق و اسناد شرعی نیز به همراه آن منتشر شده است.^۱

توجه به اسناد شرعی و دیگر آثار باقی مانده از خاندان های قطیفی، برای شناخت برخی چهره های مهم تاریخی، اما کمتر شناخته شده قطیف و احساء اهمیت فراوانی دارد. از جمله این افراد، شیخ ناصر قطیفی از وزراء خاندان بنو خالد^۲ در اواخر عصر صفویه است که از خاندان های مهم قطیفی آل محسن است و از رهگذر اسناد باقی مانده از خاندان آل محسن، شناخت شخصیت او میسر شده و شیخ عبدالزهراء عویناتی در تک نگاری از او و نقش وی در حمایت از شیعیان ایرانی برای انجام حج، بحث کرده و آنچه که درباره او در منابع یافت می شده است، را در تک نگاری تدوین کرده است.^۳

کتابخانه های عالمان بحرین قدیم و حتی گاه افرادی که نسخه های خطی برای آنها کتابت شده و از چهره های مهم و اعیان عصر خود بوده اند، عموماً هنوز چهره های شناخته شده نیستند. به عنوان مثال در کتابخانه آستان قدس به شماره ۴۸۳۳ نسخه ای از شرح دیوان

۱ بنگرید به: خالد النزر، «قرية بنی معن و ما حولها»، الساحل، العدد الرابع، السنة الأولى، خريف ۲۰۰۷ م، ص ۸-۵۹.

۲ درباره خاندان بنو خالد بنگرید به: عبدالکریم وهبی، «استیلاء بنی خالد علی السلطنة فی الأحساء»، الساحل، العدد الثامن و العشرون، السنة التاسعة، شتاء ۲۰۱۵ م، ص ۸-۴۱. پژوهش بسیار مهم عبدالکریم بن عبدالله المنیف الوهبی درباره ایالت احساء میان سالهای ۹۵۴ تا ۱۰۸۲ و سيطرة عثمانی بر آن بسیار مهم و ارزشمند که با عنوان العثمانیون و شرق شبه الجزيرة العربية «ایالة الحساء» ۹۵۴-۱۰۸۲ هـ/ ۱۵۴۷-۱۶۷۱ م (ریاض العلماء، ۲۰۰۴/۱۴۲۵) است.

۳ از دیگر مقالات شیخ عبدالزهراء عویناتی، می توان به مقاله ای درباره صاحب رمانه که ماجرا و نقش او در منازعه میان وزیر سنی حاکم بحرین را مجلسی در بحر الانوار (ج ۵۲، ص ۱۷۸-۱۸۰) آورده، می توان اشاره کرد. بنگرید به: همو، «ابن العاقل المعروف بصاحب الرمانة: من أعیان القرن العاشر الهجری»، الساحل، العدد الحادی و الثلاثون، السنة العاشرة، خريف ۲۰۱۶ م، ص ۱۸۹-۲۰۱.





ابن مقرب موجود است که محمد بن علی بن محمد الحساوی در روز سوم ربیع الاول ۹۶۳ از کتابت نسخه به جهت کتابخانه ابراهیم بن حسن بن زهیر فراغت حاصل کرده است. در انجامه نسخه وی نوشته است:

«والحمد لله رب العالمین وصلی الله علی سیدنا محمد النبی وآله الطیبین الطاهرین، فرغ من تسوید بیاض (کذا) دیوان، دیوان الفاضل الکامل التقی النقی ابن مقرب تغمدہ الله بالرحمة علی ید أقل عباد الله الفقیر الحقیر الراجی من الله أن یغفر له الوزر الکبیر محمد بن علی بن محمد بن علی بن محمد بن علی بن ابراهیم بن محمد بن علی بن داود النجار الحساوی محتده غفر الله له ولوالدیه ولجميع المؤمنین والمؤمنات آمین، وكان ذلك فی تاریخ الثالث من شهر ربیع الأول سنة ثلاث وستین وتسعمائة لحزانة المؤدی الفرض والسنن الطائع لربه فی السر والعلن آمنه الله فی الوطن سبحان ذو الفضل والمنن الفقیر ابراهیم بن حسن بن زهیر أیده الله بعنايته إنه علی کل شیء قدیر إنه غفور رحیم»^۱.

متاسفانه درباره کاتب که تنها می دانیم نسخه ای دیگر هم کتابت کرده و ظاهراً از همین راه نیز امرار معاش می کرده، اطلاع روشنی نداریم؛ حتی فردی که کاتب در انجامه خود از وی با عنوان ابراهیم بن حسن بن زهیر یاد کرده و متذکر شده که نسخه را به جهت کتابخانه او کتابت کرده، شخص شناخته شده ای نیست، اما مشخص است که فردی از اعیان و بزرگان و علاقه مند به کتاب بوده است. در هر حال باید امید داشت گردآوری اطلاعات پراکنده در نسخه های خطی و از سوی دیگر چاپ و نشر آثار جدید و کتابهای تراجم، پرتوی بیشتری بر تاریخ منطقه بحرین قدیم بیفکند.

استاد ارجمند شیخ اسماعیل گلدارای با بهره گیری از نسخه های خطی کتابت شده توسط

۱ این نسخه اساس تصحیح شرح دیوان ابن مقرب توسط دوست و سرور گرامی عبدالخالق جنبی قرار گرفته است و هم‌اکنون از سر لطف بخشی از مقدمه شرح دیوان ابن مقرب که توضیحات مربوط به نسخه در آن آمده را برای بنده فرستادند که جای تشکر دارد (برای گزارش از نسخه ۴۸۳۳ شرح دیوان ابن مقرب آستان قدس رضوی که اساس کتابت نسخه ۵۲۵ کتابخانه مجلس از شرح دیوان ابن مقرب توسط ابراهیم بن محمد رضا بن محمد علی بن محمد حسینی سبزواری در ۱۹ ذی الحجه ۱۲۴۸ بوده است، بنگرید به: عبدالخالق بن عبدالجلیل جنبی، ملحقات شرح دیوان ابن المقرب علی بن مقرب العیونی: دراسة تاریخیة لسیرته و شعره، ص ۲۷۴-۲۹۳، ۲۹۵-۳۰۱). همچنین ایشان در اشاره به شهرت ناسخ دیوان ابن مقرب به برادرزاده وی نیز اشاره کرده و نوشته اند: «بیدو آنه من أسرة اشتهرت بالخط، فمن ضمن المخطوطات الموجودة فی المكتبة الرضویة نسخة من کتاب طریق الوصول إلى علم الأصول للعلامة الحلی کتبت بخط جعفر بن محمد بن علی بن محمد بن علی بن ابراهیم بن داود الشهیر بالنجار الأحسانی وتاریخ نسخها سنة ۱۰۱۳ للهجرة. نقلاً عن کتاب مكتبة العلامة الحلی للسید عبدالعزیز الطباطبائی الصفحة ۱۱۱. ویدو أن هذا الناسخ یكون عما لناسخ مخطوطتنا هذه».



عالم‌ان اُوالی، مقالات ارزشمندی در معرفی رجال عموماً ناشناخته جزیره اُوال و میراث باقی مانده از آنها نگاشته، که از جمله آنها می‌توان به مقالات «الشیخ أحمد بن محمد البحرانی اُوالی المعروف بالرُّبان»، الساحل، العدد السابع و الثلاثون، السنة الثانية عشرة، ربیع ۲۰۱۸م، ص ۱۹۱-۲۰۱، درباره کاتب نسخه ای کهن از نهج البلاغه که در سال ۷۰۳ کتابت شده و اکنون به شماره ۳۷۴۱ در کتابخانه آیت الله مرعشی نگهداری می‌شود؛ «خط الشیخ علی بن میثم البحرانی فی مخطوطة نفیسة»، الساحل، العدد الرابع و الثلاثون، السنة الحادية عشرة، صیف ۲۰۱۷م، ص ۹۱-۹۹ که بر روی نسخه ای کهن از نهج البلاغه کتابت شده در ۵۵۶ موجود در کتابخانه موزه ملی عراق به شماره ۳۷۸۴ و یا مقاله ایشان با عنوان «من تاریخ نهب الکتب فی البحرین»، الساحل، العدد السادس و العشرون، السنة التاسعة، صیف ۲۰۱۵، ۶۵-۷۶ که درباره نسخه ای از تفسیر مجمع البیان است که بعد از حمله خوارج عمان، بدست عالمی متشرع از اهل عمان افتاده و او یادداشتی در خصوص لزوم بازگشت نسخه به صاحب آن یا پرداخت بهای شرعی آن، بر ظهر آن نوشته است. مقاله گلداری درباره چند شخصیت علمی و گمنام اُوالی، که نام و نشان آنها در مجموعه ای کتابت شده در کتابخانه صدر بازار اصفهان به شماره ۳۶۷، اثری دیگر است که نشان می‌دهد، بررسی نسخه های کتابت شده توسط عالمان اُوالی، برای شناخت رجال اُوال در قرن دهم، تا چه حد اهمیت دارند و چرا باید برای تحقیق در خصوص تاریخ تشیع در جزیره اُوال، که از نظر علمی جایگاه ممتازی در منطقه بحرین قدیم داشته، باید به سراغ نسخه های خطی کتابت شده توسط عالمان اُوالی رفت.^۱

چنین رویکردی در معرفی نسخه ها و برخی آثار منحصر به فرد باقی مانده از تراث بحرین قدیم، یکی از اهداف ثابت مجله الساحل و لؤلؤة البحرین است که هر دو مقالات مختلفی را در این زمینه تاکنون منتشر کرده اند. مجموعه های ادبی یکی از مهمترین منابع

۱ برای تصاویر انهاء هایی مذکور بنگرید به: سید جعفر حسینی اشکوری، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مدرسه صدر بازار (اصفهان-ایران) (قم، ۱۳۸۴ش/۱۴۲۶)، دفتر دوم، ص ۲۵۸-۲۶۱. از دیگر مقالات دوست گرامی شیخ اسماعیل گلداری با چنین رویکردی برای بحث از تراجم و شرح حال عالمان اُوالی بنگرید به: همو، «إجازة السيد عبدالصمد بن عبدالقادر البحرانی للشیخ صالح بن الشیخ جار الله الضمیری»، الساحل، العدد الخامس و الثلاثون، السنة الحادية عشرة، خریف ۲۰۱۷م، ص ۱۲۸-۱۳۴.



برای تحقیق در تاریخ ادبیات و شناخت شاعران منطقه بحرین قدیم است که گاه به صورت اجمالی، توسط فهرست نگاران معرفی شده اند و نکات مهمی در معرفی آنها از قلم افتاده است. این موضوع توجه برخی محققان را به خود جلب کرده و شاهد نگارش مقالاتی در معرفی چنین مجموعه‌هایی هستیم، که از میان آنها می‌توان به مقاله استاد عبدالغنی العرفات در معرفی مجموعه‌ای مشتمل بر مرثی کهن منطقه بحرین قدیم با عنوان «المراثی العتیقة»، الساحل، العدد الثامن، السنة الثانية، خریف ۲۰۰۸م، ص ۱۶۹-۱۸۴ و مقالات و تحقیقات دوست و استاد گرامی عبدالعزیز آل عبدالعال، در معرفی مجموعه ۱۸۳۹۶ و یا معرفی شاعران منطقه بحرین قدیم خاصه شیخ حسن دمستانی اشاره کرد.^۲ استاد عبدالعزیز آل عبدالعال سالها مشغول گردآوری مطالب مختلف درباره اوست که از میان اشعار دمستانی، مربعه او در رثای حضرت ابا عبدالله × شهرت فراوانی در منطقه بحرین قدیم دارد.

همچنین از میان مقالات در معرفی تراث بحرین قدیم، می‌باید اشاره ای نیز به مقالات دوست و سرور ارجمند سید علی باقر موسی موسوی نمود. ایشان مقاله ای درباره سید ماجد بحرانی نگاشته و درباره این عالم احسانی المولد، که بعدها به جزیره اُوال مهاجرت کرده اند سخن گفته و در ضمن آن، به متن وقف نامه مهمی که سید ماجد انشاء کرده، اشاره کرده اند و از برخی دیگر وابستگان خاندان ابن ماجد بحرانی، بر اساس اطلاعات مهم نسخه شناسی و تملکات آنها بر نسخه‌ها سخن گفته و در تکمیل آن، مقاله ای درباره شرح حال سید ماجد تألیف کرده اند.^۳ ایشان همچنین مقاله ای درباره کتاب معدن العرفان فی فقه مجمع البیان لعلوم القرآن نگاشته اند، که تنها تاکنون یک نسخه از آن یافت شده و نویسنده آن عالمی احسانی به نام شیخ ابراهیم بن حسن دراق قطیفی است. همین گونه مقاله ای ارزشمند در

۱ درباره مجموعه المراثی العتیقة همچنین بنگرید به توضیحات استاد عبدالخالق جنبی در کتاب ملحقات شرح دیوان ابن المقرب علی بن مقرب العیونی: دراسة تاریخیة لسیرته و شعره، ص ۴۸۶-۴۹۹ که به شکل دقیقتری مجموعه مورد بحث را معرفی کرده اند.

۲ بنگرید به: عبدالعزیز علی آل عبدالعال، «الشیخ لطف الله بن محمد بن لطف الله السماهیجی»، الساحل، العدد الأربعون، السنة الثانية عشرة، شتاء ۲۰۱۸م، ص ۱۷۹-۲۰۲.

۳ بنگرید به: السید علی باقر الموسی، «السید ماجد البحرانی»، الساحل، العدد التاسع والعشرون، السنة العاشرة، ربیع ۲۰۱۶م، ص ۱۷۳-۱۹۵؛ همو، «السید ماجد البحرانی ... السیرة و المسیرة»، الساحل، العدد الثاني والثلاثون، السنة العاشرة، شتاء ۲۰۱۶م، ص ۱۷۸-۲۰۲.



معرفی نسخه منحصراً به فردی در طب به نام کتاب الرحمة و الحكمة فی الطب أو ترتیب الخاققی از احمد بن علی بن ابراهیم بن ابی جمهور احسانی نوشته اند.^۱

نسخه معدن العرفان در کتابخانه دانشگاه لس آنجلس به شماره M1061 موجود است، که کاتب آنها شخصی به نام عطاء الله بن امیر السلام است و مشتمل بر دو کتاب کنز العرفان فی فقه القرآن فاضل مقداد سیوری (نستعلیق، نیمه روز شنبه ۲۰ ذی القعدة ۹۶۷) و معدن العرفان فی فقه مجمع البیان لعلوم القرآن تألیف ابراهیم بن حسن دراق است. عطاء الله بن امیر سلام از کتابت کتاب اخیر در روز سه شنبه ۱۷ جمادی الثانی ۹۶۷ فراغت حاصل کرده است.

کتاب معدن العرفان در یک مقدمه، دارای شش فن است و سپس به ترتیب ابواب فقهی از کتاب الطهارة تا کتاب الجنایات نگاشته شده و نسخه حاضر که ظاهراً منحصراً به فرد نیز می باشد، کامل است.^۲ چند نسخه خطی که ابراهیم بن حسن دراق کتابت کرده، باقی مانده که برای فهم علت شهرت او به دراق، می تواند به ما کمک کند. وی از جمله ساکنان قطیف بوده است و به این نکته در نسخه الايضاح علامه حلی - که خود کتابت کرده و به شماره ۴۲۲۸/۲ (برگ های ۹۳-۱۱۹ پ) در کتابخانه مرکز احیاء موجود است - اشاره نموده است. تاریخ فراغت از کتابت نسخه الايضاح، دهم جمادی الاولی ۹۰۴ ذکر شده است. ابراهیم بن حسن اشاره کرده که نسخه را برای خود کتابت کرده و در انجامه نوشته است:

«... وفرغ منه لنفسه إِبْرَاهِيمَ بْنِ الْحَسَنِ الدَّرَاقِ لَيْلَةَ الْإِثْنَيْنِ مِنْ شَهْرِ جُمَادِي الْأُولِ عَاشِرَةَ مِنْ سَنَةِ أَرْبَعٍ وَتِسْعِمِائَةٍ هَجْرِيَّةً بِالْقَطِيفِ حَمَاهَا الْمَغِيثُ اللَّطِيفُ بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ».

دیگر اثر شناخته شده که ابراهیم بن حسن کتابت کرده، نسخه ای از کتاب نهیة الاحکام فی معرفة الاحکام علامه حلی است که به شماره ۱۹۲۸ در کتابخانه ملک موجود است و مشتمل بر کتاب طهارت تا بیع است. تاریخ فراغت از کتابت نسخه شنبه دهم صفر ۸۸۳ ذکر

۱ بنگرید به علی باقر الموسی، «مخطوطة طبية أحسانية نفيسة من القرن العاشر الهجري»، الساحل، العدد الثلاثون، السنة العاشرة، صیف ۲۰۱۶م، ص ۸۵-۹۳.

۲ برای گزارشی از مجموعه اخیر بنگرید به: محمد تقی دانش پژوه، «فهرست نسخه های خطی عربی دانشگاه لس آنجلس»، نسخه های خطی: نشریه کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، دفتر یازدهم و دوازدهم، خرداد ماه ۱۳۶۲، ص ۷۰۸-۷۰۹؛ علی باقر موسی، «مخطوطة معدن العرفان فی فقه مجمع البیان لعلوم القرآن»، الساحل، العدد الرابع و الثلاثون، السنة الحادية عشرة، صیف ۲۰۱۷، ص ۱۰۰-۱۱۱.



شده است. در فهرست کتابخانه ملک (ج ۱، ص ۷۸۰) و از آنجا در فنخا (ج ۳۳، ص ۸۷۷)، نام وی به خطا ابراهیم بن حسین دراق آمده است در حالی که مراجعه به نسخه، نشانگر آن است که نام صحیح او ابراهیم بن حسن دراق است. ابراهیم بن حسن دراق، در انجامه نسخه نهایی الاحکام کتابخانه ملک، نکته مهمی را آورده و از سفر خود به عینا و کتابت نسخه در آنجا سخن گفته است. عبارت اخیر نشانگر اهمیت علمی جبل عامل در آن روزگار است. ابراهیم دراق در انجامه نهایی الاحکام در اشاره به مکان کتابت نسخه توسط خود نوشته است: «... فرغ من کتابته العبد المذنب الفقیر إلى الغنی الرازق ابراهیم بن حسن الدراق یسر الله الانتفاع به و سائر العلوم الدینیة بمحمد وآله و کان ذلک عصر یوم السبت لعشرین خلت من شهر صفر لسنة ثلاث وثمانین وثمانمئة هجرية بقرية عینا من الشام والحمد لله وحده». (با تشکر از دوست گرامی قیس العطار برای قرائت کامل متن).

در برگ‌های آغازین نسخه عبارتی دال بر وقف نسخه آمده که متن آن چنین است: «وان المجموع انتهى زمان الصالح العالم من غده وقفه علی بن جعفر بن عبدالله بن منصور، فی العشر الاخری من الفطر الاول من سنة عشر وتسعمائة و صلی الله علی محمد وآله». قرائت بخش آغازین اخیر به دشواری صورت گرفت و به لطف فاضل ارجمند، ارکان رفیق المنهلاوی عبارت تقریباً محو شده در حاشیه نسخه خوانده شد. علی بن جعفر که نامش در اینجا آمده از مشایخ اجازة شیخ ابراهیم قطیفی است. قطیفی در اجازة خود به خلیفه شاه محمود در بیان طرق خود نخست از جماعتی از ثقات نام برده و نوشته است: «... رويت عن جماعة ثقات أوثقهم شیخی ابراهیم بن الحسن الدراق^۱ مشافهة وعن جماعة عنه أوثقهم الشيخ علی بن جعفر بن أبي سمیط عن الشيخ ابراهیم بن الحسن الدراق عن الشيخ الأجل علی بن هلال...».

نسخه نهایی الاحکام زمانی در تملک شیخ بهایی بوده و در کنار عبارت انجامه، مهر گلابی شکل شیخ بهایی، دال بر وقف کتابهایش بر طلبه امامیه، به تولیت برادر زاده اش عبدالصمد نیز موجود است.

دوست و سرور گرامی عبدالخالق جنبی، درباره شهرت دراق که در نگاه نخست ممکن

۱ در متن چاپ شده بحار کلمه اخیر به الذراق تصحیف شده است.

۲ بحار الانوار، ج ۱۰۵، ص ۸۷.

است ذهن را به «فاکهة الدراق» ببرد، متذکر شدند:

«لا أرى أن الدراق هنا هي نسبة إلى بائع الدراق، فأهل القطيف لا يسمون فاكهة الدراق بهذا الاسم، وإنما يطلقون عليه اسم الخوخ عامة أو العُوج لبعض أنواعه وأما الدراق الواردة في نسب هذا الناسخ، فالأقرب أنها مأخوذة من الدَرَق، وهو ضرب من الدروع المصنوعة من الجلود؛ الواحدة دَرَقَة، ويقال لصانعها دَرَّاق. وقد اشتهرت القطيف بصناعة آلة الحرب من القديم الزمان، ومن ذلك القنا الخطي والرمح الرديني».

در کتابخانه مدرسه علمیه امام عصر شیراز به شماره ۱۴۳ نسخه ای از کتاب تهذیب الاحکام شیخ طوسی موجود است که از ابتدای کتاب الصوم تا آخر کتاب التجارة را شامل بوده و توسط افراد مختلفی کتابت شده است. فراغت از کتاب حج در روز جمعه شعبان ۸۹۱ ذکر شده و کاتب خود را علی بن حسن بن ابراهیم دراق معرفی کرده است، که محتملاً فرزند حسن بن ابراهیم دراق مورد بحث باشد. کتاب لقطه را شخصی دیگر به نام یحیی بن علی بن ابراهیم بن علی الاشرم کتابت کرده است.^۱



۱ کتاب در تملک احمد بن عبدالله بن منصور بن حسن بن عبدالمحسن در قرن نهم بوده و بعدها نسخه به تملک علی بن حسین بن محمد بن یوسف بلادی اوالی به سال ۱۱۹۳ و سید محمد بن سید عبدالنبی بن سید علی در آمده، که گواه تملک او را شخصی به نام حسین بن علی بحرانی به سال ۱۲۱۳ نوشته است. برای گزارشی از نسخه بنگرید به: محمد برکت، فهرست نسخه های خطی مدرسه امام عصر # شیراز، ج ۱، ص ۲۴-۲۵. در کنار توجه به تراث و تاریخ بحرین قدیم، مقالات و تحقیقات خوبی درباره تاریخ اجتماعی، جُزف، عقاید و باورهای عامیانه و مسائل زبانی بحرین قدیم و گاه برخی محلات کهن شهرهای بحرین قدیم، نیز انجام شده که از میان آنها می توان به این آثار اشاره کرد: علی الدروره، «صناعة الموازين التقليدية في القطيف»، الساحل، العدد الثالث عشر، السنة الرابعة، شتاء ۲۰۱۰م، ص ۵۹-۶۶؛ حسین الجمري، «عيون المياه في البحرين»، الساحل، العدد الثالث عشر، السنة الرابعة، شتاء ۲۰۱۰م، ص ۶۷-۷۹؛ حاج محمد بن حسین الشیخ علی الرمضان، أمثال و أقوال من عامية الأحساء (بيروت: دار الجوانا للنشر و التوزيع، ۱۴۳۷هـ/۲۰۱۶م)؛ محمد جواد خرس، «مهنة خياطة البشوت في واحة الأحساء»، الساحل، العدد الثامن عشر، السنة الخامسة، ربيع ۲۰۱۱م، ص ۲۰-۴۸؛ خالد نزر، «فريج العتبان في الأحساء»، الساحل، العدد الحادي عشر، السنة الثالثة، صيف ۲۰۰۹م، ص ۲۲-۳۶ درباره محله فريج العتبان شهر مبرز در احساء. استاد گرامی احمد عبدالهادی المحمد صالح، مقالات متعددی درباره فرهنگ شعبی و تقالید اجتماعی احساء دارند که از جمله آنها می باید به مقاله «نشأة الاحتفالات الدينية في الأحساء بصورتها الحديثة»، الساحل، العدد الثاوثون، السنة العاشرة، صيف ۲۰۱۶م، ص ۹۴-۱۰۱؛ همو، «الوثيقة الأحسانية ... خصائصها وأنواعها و متطلبات التعامل معها»، الساحل، العدد الرابع والثلاثون، السنة الحادية عشرة، صيف ۲۰۱۷م، ص ۸-۳۷ و مقاله «الأسواق الشعبية في الأحساء»، الساحل، العدد السادس، السنة الثانية، ربيع ۲۰۰۸م، ص ۶-۴۳ درباره اشکال مختلف بازارها در احساء و یا مقاله «من الألعاب الشعبية في الأحساء»، الساحل، العدد الثالث، السنة الأولى، صيف ۲۰۰۷م، ص ۷-۳۵ درباره بازهای محلی میان اهالی احساء اشاره کرد.



نکته پایانی نقش تجار و علماء اُوالی در رواج تشیع در عمان است؛ مطلبی که چندان در خصوص او دانسته نیست، اما علیرغم روابط خصمانه در برخی ادوار تاریخی قرن یازدهم و دوازدهم، تجار و علماء شیعه توانسته بودند جایگاهی در عمان پیدا کنند و از همین طریق جامعه کوچکی از شیعیان را در آنجا به وجود آورده اند. در کتابخانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی عمان به شماره ۲۸۴۱ نسخه ای از دیوان ابن مقرب عیونی موجود است که محمد بن حسن بن احمد بن یحیی بن ابراهیم از کتابت آن در روز دوشنبه ۳۰ رمضان ۱۱۸۹ فراغت حاصل کرده است. کاتب که ظاهراً از اهالی عمان است در انجامه نسخه چنین نوشته است:

«وافق الفراغ من هذا الديوان في ختام شهر رمضان يوم الإثنين المبارك، والحمد لله علي جزیل نعمه حمداً كثيراً طیباً مبارکاً، وصلی الله علی محمد وآله وسلم، ولا حول ولا قوة إلا بالله العلی العظیم، کتبه لنفسه الراجی للطف ربه وعفوه محمد بن حسن بن أحمد بن یحیی بن ابراهیم»^۱.

تعبیر نقل شده در ستایش اهل بیت x، با توجه به رویکرد جامعه اباضی مذهب عمان در قرون دوازدهم و سیزدهم، تنها دلالت بر تشیع کاتب می تواند داشته باشد. در کتابخانه وزارت فرهنگ و ارشاد عمان به شماره ۱۳۶۴ نسخه ای دیگر از دیوان ابن مقرب موجود است که کاتب آن حسین بن احمد بکری است، که نسخه را از روی نسخه ۲۸۴۱ همان کتابخانه به جهت محمد بن احمد بن سیف بن محمد البوسعیدی در روز یکشنبه ۲۲ صفر ۱۲۸۲ کتابت کرده است. انجامه وی چنین است:

«وافق الفراغ من نساخة هذا الديوان يوم السبت ۲۲ خلون من شهر صفر سنة ۱۲۸۲ بقلم الفقير إلى ربه الغني حسين بن أحمد بن بکري بيده وکتبه للسید محمد بن أحمد بن سیف بن محمد البوسعیدی رزقه الله حفظ معانیه إنه ولي ذلك، والقادر علیه، والحمد لله أولاً و آخراً باطناً وظاهراً، ولا حول ولا قوة إلا بالله العلی العظیم».

تفاوت میان دو انجامه و عدم اشاره به اهل بیت پیامبر می تواند نشانی از اباضی مذهب

۱ برای گزارشی از نسخه اخیر و سخن از تشیع کاتب آن، بنگرید به: عبدالخالق بن عبدالجلیل جنبی، ملحقات شرح دیوان ابن المقرب علی بن مقرب العیونی: دراسة تاریخیة لسیرته و شعره، ص ۵۰۰-۵۰۶ و پانویس ۴۷۰ در صفحه ۵۰۰.

بودن کاتب و کسی که نسخه به جهت او کتابت شده، باشد.^۱ باید امیدوار بود که اطلاعات بیشتری در خصوص جامعه شیعه مذهب عمان و چگونگی شکل آن و نقش عالمان بحرین قدیم خاصه اوالی ها یافت.

نسخه های واسطه ای در سنت کتابت و اهمیت آنها

مطلب مهمی که در بررسی نسخه های خطی قابل توجه می باشد؛ نسخه های از میان رفته ای است که زمانی در تملک عالمی برجسته بوده، یا توسط وی کتابت شده است. این دسته از نسخه ها، که می توان آنها را نسخه های مفقود یا واسطه ای نامید، در مواردی در سنت کتابت قرار گرفته و از روی آنها نسخه هایی فراهم شده است. در حالی که نسخه مادر از میان رفته، اما نسخه هایی که از روی آنها کتابت شده، باقی مانده است. به عنوان مثال در کتابخانه دانشگاه قدیس یوسف / سنت ژوزف به شماره ۳۷۷ نسخه ای از کتاب الشفاء ابن سینا موجود است که توسط فردی به نام عبدمصطفی بن یحیی در هفتم ذوالحجۀ ۱۱۸۳ کتابت شده است. نکته مهم در خصوص این نسخه آن است که کاتب به احتمال بسیار، نسخه ای از کتاب الشفاء ابن سینا که علامه حلی کتابت کرده یا تصحیح کرده، را در اختیار داشته است. کاتب نسخه اخیر بعد از نقل مطلبی، در باب آن متذکر شده است:

«..کذا وجد من نسخة العلامة الحلي وكتب عليها لا يوجد في بعض النسخ صح صح»^۲

به واقع یکی از دلایل لزوم بررسی نسخه های متاخر، همین مطلب است که گاه برخی از آنها، از روی نسخه هایی کهن و مصحح کتابت شده اند؛ هر چند این نکته به معنی صحیح بودن چنین نسخه هایی نیست، چرا که معلوم نیست کاتب در چنین مواردی چه مقدار دقت

۱ بنگرید به: عبدالخالق بن عبدالجلیل جنی، ملحقات شرح دیوان ابن المقرب علی بن مقرب العیونی: دراسة تاریخیة لسیرته و شعره، ص ۵۰۷-۵۰۸.

۲ برای گزارشی کوتاه از این نسخه بنگرید به: Silvia Di Vincenzo, "Traces of 'Allāma al-Hillī's Copy of Avicenna's Sifā in Ms. Beirut, Bibliothèque orientale, 377," Mélanges de l'Université Saint-Joseph, vol., LXVII, 2017-2018, pp.499-503.

علامه حلی در اجازه کبیره خود به بنوزهره (مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۶۲، ۶۵-۶۶) به خواندن برخی متون فلسفی و منطقی نزد برجسته ترین عالمان متبحر در این دو حوزه عصر خود، چون خواجه نصیر الدین طوسی و شمس الدین کیشی اشاره کرده است.





در کتابت به خرج داده و ارزش مندی چنین نسخه‌هایی برای تصحیح کتابها، تنها با مقابله و بررسی نسخه با نسخه‌های دیگر امکانپذیر است. نسخه‌های از این دست، یعنی نسخه‌هایی که از روی نسخه‌ی اصل مؤلف نوشته شده و اکنون نسخه‌های اساس و مادر در دست نیستند، برای تصحیح نسخه‌ها در صورتی که کاتب در کتابت نسخه‌ها دقت کرده باشد، بسیار اهمیت دارند. به عنوان مثال، در کتابخانه لایدن به شماره ۹۵ نسخه‌های شرقی، نسخه‌ای کامل از شرح خواجه نصیر الدین طوسی بر کتاب الاشارات و التنبيهات ابوعلی سینا موجود است، که کاتب در اول ذوالحجۀ ۶۷۲ از کتابت آن فراغت حاصل کرده و و متذکر شده که نسخه خود را از روی نسخه‌ی اصل مؤلف کتابت کرده است: «... نقلته من نسخة المصنف شکر الله سعیه و قدس الله روحه العزیز و قرأت علیه هذا الخط اضعف عباد الله واحوجهم الی رحمته محمد بن علی بن الحکیم البیهقی اصلح الله شأنه و صانه عما شأنه و تمت من انتساخه غرة ذي الحجة سنة اثنین و سبعین و ستمائة هجرية بدار الرزقا بمدينة السلام حماء الله تعالى عن الآفات». دسته‌ای دیگر از نسخه‌های با اهمیت، نسخه‌های هستند که فرد آنها را نزد مؤلف خوانده و اجازه روایت آن را دریافت کرده است. به عنوان مثال در همان نسخه‌ی کتاب شرح اشارات خواجه نصیر الدین طوسی، در کتابخانه لایدن به شماره ۹۵، تملکی از فردی به نام جمال الدین محمد بن مطهر حلّی موجود است، که گفته نسخه تحت تملک خود را با خواجه نصیر الدین طوسی مقابله کرده و کتاب را بر او خوانده و در اشاره به این مطالب در برگ ۹۵ ب نسخه چنین نوشته است:

«دخل في نوبة افقر عباد الله جمال الدين محمد بن المطهر الحلبي وقابلته بكتاب المصنف قدس سره و قرأت علیه مرة و سمعت منه اخرى ... نفعنا الله به و جميع المسلمين بالحق واليقين آمين رب العالمين».

محمد بن علی بن ناصر عینقانی؛ عالمی ناشناخته از شاگردان ابن فهد حلّی
در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، نسخه‌ای از کتاب کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد علامه حلّی به شماره ۱۸۶۵ موجود است که محمد بن علی بن ناصر عینقانی، اهل روستای عین قانا جبل عامل، در آخر رمضان ۸۵۱ کتابت کرده و نسخه مقروء است. مراجعه به نسخه

و بررسی آن شاید مشتمل بر نکات دیگری نیز باشد. عینقانی در انجامه نسخه اخیر چنین نوشته است:

«...و فرغ من اكمالہ اضعف العباد واحوجهم الى رحمة الله محمد بن علي بن ناصر العینقانی عفا الله عنه وعمن نظر فيه ودعا له بالمغفرة وسائر المؤمنين وذلك في سلخ شهر رمضان المعظم من شهور سنة ۸۵۱ احد وخمسين وثمان مائة هجرية نبوية على مشرفها افضل الصلاة والسلام. ايها الناظر في ... رسم خطي اعذروني ... ليس بخطي ...»^۱

از دیگر آثاری که عینقانی کتابت کرده، مجموعه ۸۴۱۸ کتابخانه مجلس است که مشتمل بر الموجز الحاوی لتحریر الفتاوی ابن فهد و کتاب السهو فی الصلاة از هموست. در پایان رساله دوم، تاریخ فراغت از کتابت سوم ذی الحجة ۸۵۰ ذکر شده و کاتب در انجامه رساله اخیر چنین نوشته است:

«..تمَّ بحمد الله وحسن توفيقه عند العصر من الشهر ذي الحجة الحرام سنة خمسين وثمانين هجرية نبوية على مشرفها أفضل الصلاة والسلام بقلم العبد الأضعف الكاتب لنفسه محمد بن ناصر العینقانی محتداً ومولداً».

در پایان کتاب الموجز، انهایی از علی بن علی بن محمد بن طی به کاتب آمده و تاریخ نگارش انها ۱۱ شوال ۸۵۱ ذکر شده است:

«أنها أحسن الله توفيقه ... قراءة ومجتاً وسؤالاً واستشراحاً واثبت له ذلك بحسب الجهد وذلك في مجالس آخرها يوم السبت حادي عشر من شهر شوال من شهور سنة إحدى وخمسين وثمانمائة لدي العبد الفقير علي بن علي بن محمد بن طي عفى الله عنهم».

اطلاع اخیر نشانگر آن است که عینقانی از شاگردان علی بن علی بن طی عاملی بوده است. نسخه اخیر بعدها در اختیار عالمی از احساء به نام محمد بن علی بن حسن شعبی قرار گرفته و ظاهراً همراه با دیگر کتابهای کتابخانه او، از جمله کتابهای وقفی او در روستای قرین احساء بوده است. کتاب را برای مدتی شیخ احمد بن زین الدین احسانی از کتابخانه شیخ

۱ برای تصویر انجامه نسخه بنگرید به: محمد تقی دانش پژوه، فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۸، ص ۴۷۲-۴۷۳.





محمد شعبی، امانت گرفته و در یادداشتی بر برگ نخست نسخه در باب امانت بودن کتاب در نزدش چنین نوشته است:

«استعرت هذا الكتاب من كتب الشيخ محمد بن علي بن حسين الشعبي وأنا الأقل أحمد بن زين الدين بن إبراهيم».

شیخ احمد احسائی مدتی در روستای مطیرفی، پیش از اقامت در شهر هفوف، اقامت داشته و نزدیکی روستای مطیرفی به روستای قرین، این امکان را به او داده که از کتابهای کتابخانه شیخ محمد بن علی شعبی استفاده کند؛ تاریخ ذکر شده در نسخه اخیر یعنی ۱۱۹۸، نشان از زمان اقامت وی در روستای مطیرفی دارد و شیخ احمد در حدود ۱۲۰۴ به شهر هفوف نقل مکان کرده بود.^۱

نسخه اخیر شاهی از اهتمام عالمان احسائی به نسخه های کهن شیعه و نگهداری آنها می باشد. متأسفانه کتابخانه محمد بن علی شعبی در گذر زمان از میان رفته و اکنون شمار اندکی از نسخه هایی کتابخانه او را می شناسیم. در کتابخانه آیت الله حکیم نجف به شماره ۳۲۵۲ مجموعه ای مشتمل بر شرح الجواد علی الزبده و شرح الهدایة الحکمیة از ابهری موجود است که محمد بن علی شعبی از کتابت شرح الجواد در ۱۰ ربیع الثانی ۱۰۷۰ فراغت حاصل کرده است. وی بر برگ نخست نسخه، یادداشتی درباره وقف مجموعه بر علماء قرین و طلاب اهل علم آنجا نوشته که متن آن چنین است:

«هو؛ مما وقفه الشيخ محمد بن علي الشعبي على علماء أهل القرين ومتعلميهم وبعدهم على علماء الشيعة ومتعلميهم وفقاً مؤيداً حتى يرث الله الأرض ومن عليها وإليه المصير».

۱ شهرت عینقانی توسط فهرست نگار محترم، عسقانی خوانده شده است. برای گزارشی از نسخه ۸۴۱۸ و تصاویری از آن بنگرید به: سید جعفر حسینی اشکوری، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸ش)، ج ۲۸، ص ۲۳-۲۶.

نسخه هایی از کتاب الناسخ و المنسوخ ابن عتائقی منسوب به یکی از عالمان احساء

درباره کتاب الناسخ و المنسوخ ابن عتائقی که آن را در سال ۷۶۰ تألیف کرده، این نکته را بیفزایم که یکی از عالمان احسائی قرن دوازدهم به نام منصور بن سنی احسائی که در ایران اقامت داشته، نسخه ای از کتاب ابن عتائقی را برای خود کتابت کرده، که بعدها از روی آن نسخه هایی استنساخ شده و به خط کتاب ابن عتائقی به او نسبت داده شده است، از جمله در نسخه ۱۸۵۷۸ کتابخانه آستان قدس رضوی، که تاریخ فراغت از کتابت ۱۴ شعبان ۱۰۴۵ ذکر شده است. نام منصور بن سنی احسائی به خط توسط فهرستنگار منصور بن بستی لحسائی خوانده شده است.^۱ آنچه که فهرستگار محترم را به چنین خطایی انداخته است، عبارت منصور بن سنی در انجامه است که چنین نوشته است: «... فهذا ما اردنا ذكره، فرغ من تسويدها جامعها الفقير الى الله الغني منصور بن سني لحسائي وذلك يوم الرابع عشر من شهر شعبان سنة الف وخمس واربعون» (با این حال در معرفی نسخه، تاریخ فراغت از کتابت نسخه، سیزدهم ذی الحجه ۱۰۷۹ ذکر شده است. تاریخ اخیر در ضمن مجموعه ای که منصور بن سنی احسائی برای خود کتابت کرده، آمده است. برای بنده مراجعه به نسخه میسر نشد تا بتوانم درباره دو تاریخ اخیر در نسخه آستان قدس نظر بیشتری بدهم). تعبیر جامعها اشاره به مطلب دیگری دارد. منصور بن سنی مجموعه ای تدوین کرده که در آن رسائل و آثار مختلفی را کتابت کرده است. نسخه اصل و استنساخی متاخرتر از آن در کتابخانه مجلس موجود است. ظاهراً فردی که یکی از دو نسخه اخیر مجلس را در اختیار داشته، رساله الناسخ و المنسوخ را از روی آن که منصور بن سنی جامع و تدوین کننده کل مجموعه بوده، کتابت کرده است و تعبیر آمده در انجامه را حفظ کرده است. همچنین ابن عتائقی خود در نسخه اصل خود در انجامه چنین نوشته است:

«..فرغ من تسويدها جامعها عبدالرحمن بن محمد العتائقي وذلك سنة ستين وسبعمائة هجرية»

تاریخ اخیر در نسخه ۸۹۴۰/۲ کتابخانه مجلس، که غیاث الدین بن عبدالسمیع بن فیاض

۱ بنگرید به: براتعلی غلامی مقدم، فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی (مشهد: سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ۱۳۸۲ش)، ج ۲۲، ص ۴۵۸-۴۵۹.



اسدی در روز جمعه ۲۵ جمادی الثانی ۹۱۷ کتابت کرده، یا نسخه ۱۲۳۳ کتابخانه مجلس آمده است، جز آنکه در معرفی نسخه اخیر، شهرت ابن عتایقی به خطا توسط فهرستنگار عبدالرحمن بن محمد الصایفی خوانده شده است. سوای توجیه نخست، منصور بن سنی، تعبیر ابن عتایقی در انجامه را حفظ کرده و تنها نام او را حذف کرده و از خود در ادامه مطلب یاد کرده است، چرا که وی تدوین کننده و جامعه مجموعه بوده، اما این کار باعث شده تا این گمان پدید آید که وی مؤلف الناسخ و المنسوخ است. بی اطلاعی از این مطلب باعث شده تا این تصور پدید آید که وی مؤلف نسخه کتابت شده ۱۸۵۷۸ آستان قدس باشد.^۱

سید حیدر بن محمد بن علی الواعظ الحسنی

از جمله عالمان امامی قرن هشتم که آقا بزرگ درباره آنها سخن گفته^۲، شخصی است به نام سید حیدر بن محمد بن علی مشهور به الواعظ الحسنی که شهرت او در متن چاپ شده، الحسینی آمده که ظاهراً باید الحسنی صحیح باشد. آقا بزرگ به نسخه ای از کتاب کشف الغمة که او کتابت کرده و تاریخ فراغت از استنساخ، دهم جمادی الثانی ۷۸۴ ق بوده اشاره کرده و گفته که نسخه اخیر زمانی در تملک محقق کرکی بوده است. شاگرد محقق کرکی، برهان الدین ابراهیم بن زین الدین علی بن جمال الدین یوسف خوانساری از روی نسخه اخیر، نسخه ای برای خود کتابت کرده که در سال ۹۲۳ از آن فراغت حاصل کرده و اجازه روایت کتاب را در سال ۹۲۴ از محقق کرکی دریافت کرده است. نسخه ای که ابراهیم خوانساری کتابت کرده، ظاهراً موجود نباشد، اما چند نسخه کتابت شده از روی آن را می شناسیم، یعنی نسخه های ۱۰۳۱۹ کتابخانه آیت الله مرعشی؛ ۸۷۰ کتابخانه وزیری یزد و نسخه ۵۴۲ مرعشی که با واسطه از روی نسخه خوانساری کتابت شده است.

اما نسخه حیدر بن محمد بن علی حسنی، که در اختیار محقق کرکی بوده، اکنون به شماره ۲۱۲۴ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است. نسخه اخیر در حقیقت بخشی

۱ همچنین برای نسخه های الناسخ و المنسوخ ابن عتایقی در کتابخانه های ایران بنگرید به: فنخا، ج ۳۲، ص ۷۳۲-۷۳۳.

۲ الحقائق الراهنة، ص ۷۱.

از یک مجموعه بوده، که تمام آن به خط سید حیدر حسنی بوده، اما زمانی در کتابخانه آستان قدس که تصمیم به جداسازی مجموعه و تفکیک آنها از یکدیگر گرفته شده، باعث شده تا بخش های دیگر این مجموعه از هم جدا شوند و همین امر باعث شده تا رساله های دیگر کتابت شده توسط سید حیدر حسنی، که در انجامه آنها نام خود را ذکر نکرده، مجهول الکاتب معرفی شوند. اقدام اخیر یعنی تفکیک مجموعه ها و دادن شماره های متفاوت به آنها و نه حتی کنار هم، آسیب جدی به نسخه هایی که مشتمل بر چند رساله بوده اند، وارد کرده و ظاهراً به راحتی نتوان این مجموعه را شناسایی کرد. خوشبختانه تاریخ کتابت چند اثر دیگر مجموعه مورد بحث و مشابهت خطوط آنها و یادداشتی بر ظهر رساله اول مجموعه، که نام دیگر آثار موجود در مجموعه را ذکر کرده، این امکان را می دهد تا بدانیم مجموعه ای که سید حیدر حسنی کتابت کرده، شامل چه رساله های بوده است. یکی از مالکین مجموعه سید حیدر حسنی، در برگگی از ابتدای نسخه در اشاره به اینکه مجموعه مشتمل بر چه کتابهایی می باشد، این یادداشت را نوشته است:

«هو؛ صورت کتب و نسخ شریفه مطبوعه که در این مجموعه است؛ نهج البلاغه سید رضی؛ غرر و درر سید مرتضی؛ تنزیه الانبیاء و الأئمة؛ کشف الغمة فی معرفة الأئمة؛ نهج الحق و کشف الصدق و شرح قصاید سبعة علویه».

دوست گرامی رسول جزینی که نکته اخیر حاصل تظنن اوست، شماره های آثار فوق بعد از تفکیک را چنین ذکر کرده است: نهج البلاغه به شماره ۲۱۸۲ که در انجامه نام کاتب ابوالحسن حیدر بن محمد بن علی حسنی و تاریخ فراغت از کتابت ۱۲ ربیع الثانی ۷۸۵ آمده است؛^۱ غرر الفوائد به شماره ۱۵۲۸ بدون ذکر نام کاتب و تاریخ فراغت اول ربیع الثانی ۷۸۶؛ تنزیه الانبیاء شماره ۳۹۳ بدون ذکر نام کاتب و تاریخ فراغت از استنساخ محرم ۷۸۷؛ کشف الغمة شماره ۲۱۲۴ که تاریخ فراغت از جزء اول ۱۰ جمادی الآخرة ۷۸۴^۲ و جزء دوم ۴ ذی

۱ «نجز کتاب نهج البلاغه من کلام امیر المؤمنین و امام المتقین علیه سلام رب العالمین و علی عترته المعصومین و محبیه الصادقین و شیعتیه المخلصین فی ثانی عشر ربیع الآخر من سنة خمس و ثمانین و سبع مائة علی یدی اعجز خلق الله و افقرهم الیه ابی الحسن حیدر بن محمد بن علی الحسینی تاب الله علیه و غفر له و لوالدیه بحق المصطفی و البتول و المرتضی و ولدیة حامداً و مصلياً و مسلماً و مستغفراً لجميع المؤمنین و المؤمنات...». تعابیر آمده در انجامه به وضوح تشیع امامی او را نشان می دهد.

۲ «...و فرغ من انتساخه اصغر عباد الله تعالی جرماً، و اکبرهم جرماً المتوسل إلى الملك الغني بمحبة أهل بيت النبي أبو الحسن





الحجۀ ۷۸۴؛ نهج الحق به شماره ۹۵۰ بدون نام کاتب و تاریخ فراغت از کتابت جمادی الاول ۷۸۷ و آخرین رسالهٔ مجموعه نیز در بررسی فهرس منتشر شده، یافت نشده است. دربارهٔ دقت سید حیدر حسنی و اهمیت مجموعهٔ کتابت شده توسط او، دوست گرامی علی فاضلی در مقدمهٔ تصحیح خود از کتاب کشف الغمه ضمن بهره بردن از نسخهٔ کتابت شدهٔ سید حیدر حسنی، نوشته اند:

«هذه النسخة كتبت في نهاية الدقة، وهي أدق النسخ وأهمها، وكل ما مدحتها فإني لم أف بتأدية حقوق كاتبها، ولله درّ كاتبها ومقابلتها...».

بنظر می رسد همین وصف دربارهٔ دیگر بخش های کتابت شده که از قضا نام وی در انجامه های آن نیامده، جاری باشد؛ متأسفانه تفکیک مجموعه حاضر باعث شده تا در فهرست نویسی رساله های مختلف مجموعه که نام کاتب نیامده، نسخه ها مجهول الکاتب معرفی شوند. آقابزرگ نسخه ای از جوامع الجامع کتابت شده در ۷۴۳ را نیز دیده که تملک وی بر آن بوده است (ابی الحسن حیدر بن محمد بن علی الحسنی الواعظ) و یادداشتی دال بر بخشش نسخه به فرزندش روح الدین باقر أطلال الله فی تحصیل العلوم عمره در سوم جمادی الاول ۷۹۴ که نشان از حیات او تا تاریخ اخیر دارد. 'دقت و تلاش سید حیدر حسنی در کتابت نسخه ها و مقابله آنها با نسخه های صحیح دیگر را، می توان از مطالبی که در انجامه جلد دوم کشف الغمة ذکر کرد، دریافت. او در انجامه جلد دوم کشف الغمة در خصوص تصحیح نسخه توسط خود و دقت در کتابت چنین نوشته است:

«.... وقد اتفق الفراغ لكاتبه لنفسه رزقه الله ما يتمناه وأصلح حاله في دنياه وعقباه في رابع شهر الله الحرام ذي الحجة أربع وثمانين وسبعمائة وقد نقله هو أيضاً من نسخة غير مصححة، مجتهداً

حیدر بن محمد بن علی الحسنی، أحسن الله عواقب اموره ونور قلبه من فيوض نوره، وغفر له ولسائر المؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات وقت العصر من يوم الأربعاء عاشر شهر التوبة جمادى الآخرة من شهر سنة أربع وثمانين وسبعمائة حامداً لله على نعمه، ومصلياً على نبيه ووليه وآله ومحبيه من شيعته وخدمه، ومستغفراً عن خطاياهم، راجياً نجاح مآولاته في اولاه وآخرها».

۱ مرحوم غلامعلی عرفانیان در خصوص یکی از دیگر مجموعه هایی خطی که در جریان تفکیک رساله های آن جدا شده، به سه نسخه شماره های ۵۰۴۱ اطعمة المرضی؛ ۵۰۴۳ الاغذية و الاشرية و ۵۱۲۳ اشاره کرده که جملگی به خط یک تن است. بنگرید به: غلامعلی عرفانیان، فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ص ۱۹-۲۰، ص ۳۲، پانویس ۲، ص ۴۱۶، پانویس ۱.

في تصحيح ما يصل إلى تصحيحه فكره، معلماً المواضع التي قُصِرَ عن إصلاحها ذهنه، منتظراً
لتحصيل نسخة أخرى، لنقابله إياها وندرك من ألفاظها معناها والله المستعان وعليه الاعتماد
والتكلان، والحمد لله أولاً وآخراً والصلاة والسلام على نبيه باطناً وظاهراً»^١.

سید حیدر حسنی در حاشیة قصیده مشهور دعبل، مطلبی را از قول «المرتضى العالم الزاهد،
جلال الملة والدين إبراهيم الحسيني المدني سلمه الله وعافاه وأدام سيادته وبلغه مناه» نقل کرده
است. متاسفانه در حال حاضر هویت فرد اخیر را نمی شناسم.^٢

علی بن ابی المیامین علی بن احمد بن علی بن امینا

در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۱۳۸۰۰ بخشی از کتاب کافی مشتمل بر فروع
موجود است، که در چند جای آن تاریخ فراغت از کتابت آمده است؛ پایان بخش الاطعمة
رجب ۶۷۴؛ کتاب الاشرية، ذی قعدة ۶۷۴ و آخر کتاب المعیشة، ربیع الاول ۶۷۵. نکته
جالب توجه محل کتابت نسخه است: شهر واسط. کاتب نسخه، که آن را برای خود کتابت
کرده، در انجامه بخش الاشرية چنین نوشته است:

«... تمّ کتاب الاشرية من کتاب الکافی لابی جعفر محمد بن یعقوب الکلینی رضی الله عنه کتبه
لنفسه قرابة الى الله تعالى علي بن ابي الميامين علي بن احمد بن علي بن امينا في ذي القعدة من سنة
اربع وسبعين وستمائة الهلالية والحمد لله رب العالمين. اللهم صلي على خاتم النبيين وسيد المرسلين
محمد المصطفى وآله الطاهرين ائمة الهدى الراشدين المعصومين وسلم واختم بالخير برحمتك في
طاعتك؛ عدد اوراقه اربع وعشرون ورقة؛ عدد ابوابه سبعة وثلاثون باباً، يتلوه كتاب المعیشة».
در انجامه کتاب المعیشة نیز کاتب در عباراتی مشابه ضمن تاکید بر این نکته که نسخه را
برای خود کتابت کرده، نوشته است:

«.. هذا آخر كتاب المعیشة من كتاب الکافی لابی جعفر محمد بن یعقوب الکلینی رضی الله عنه،
کتبه لنفسه قرابة الى الله تعالى، العبد الفقير الى رحمة ربه علي بن ابي الميامين علي بن احمد بن علي

١ این نسخه را بدقت و با ذکر جزئیات بیشتر، دوست گرامی علی فاضلی معرفی کرده اند. بنگرید به: کشف الغمة فی
معرفة الأئمة، تحقیق علی آل کوثر، تقدیم علی الفاضلی (قم، ۱۴۲۶)، ج ۱، ص ۱۳۶-۱۳۸.
٢ بنگرید به: کشف الغمة فی معرفة الأئمة، تحقیق علی فاضلی، ج ۳، ص ۴۵۰-۴۵۱، پانویس ۶.

بن امینا بواسط فی شهر ربیع الاول من سنة خمس وسبعین وستمائة الهلالية للهجرة النبوية؛ اللهم صلی علی خاتم النبیین وسید المرسلین محمد النبی المصطفی وآله الاوصیاء المرضیین ائمة الهدی حجج الله علی عباده وامنائہ علی وحیہ وسلم واختم بالخیر برحمتک فی طاعتک؛ عدد اوراقہ ثلاث وتسعون ورقة؛ عدد ابوابہ مائة وتسعة وخمسون باب، يتلوه فی ... کتاب الزي والتجمل».

تعايير کاتب در اشاره به ائمه جای تردیدی در شیعه بودن او نمی گذارد، همین گونه تصریح او به کتابت کتاب کافی برای خود شاهد دیگر بر تشیع اوست.

شیخ طوسی و کتاب الفهرست ابن ندیم

کتاب فهرست کتب الشیعة و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب الاصول شیخ الطائفة محمد بن حسن طوسی (متوفی ۲۶۰)، یکی از چهار کتاب کهن شیعه، در فن فهرست و رجال نویسی است. مباحث مختلفی در خصوص کتاب الفهرست شیخ طوسی، قابل طرح و بررسی است که از میان آنها مسئله چگونگی تألیف کتاب الفهرست موضوعی است که مورد توجه و بحث بوده است. مطلبی که برخی محققان در خصوص کتاب الفهرست شیخ طوسی بیان کرده اند این است که شیخ طوسی فهرست کهنتری را روزآمد و کامل کرده است. این مطلب به نحو مجمل بیان شده، اما اکنون شواهد روشنی در تأیید آن می توان ارایه کرد. توجه به مسئله اخیر، بر برخی مطالب مورد بحث و مناقشه رجالی و فهرستی بر اساس کتاب الفهرست شیخ طوسی می تواند پرتوی دیگر بیفکند. به واقع شیخ طوسی بر اساس اعتماد به برخی منابع، اطلاعاتی را از آنها اخذ و به کتاب الفهرستی که اساس کارش بوده افزوده و این، باعث راه یابی برخی اشکالات به تحریر جدید وی شده است. این نکته که شیخ طوسی فهرست کهنتری را تکمیل کرده، از مقایسه تطبیقی با کتاب الفهرست ابن ندیم و تأمل در برخی مطالب دیگر افزوده شده، چون اجازة شیخ طوسی در روایت ثبت یا مرویات ابن عقده و منابع دیگر، قابل نشان دادن است. در میان فهارس متداول اصحاب در عراق، فهرست ابن عبدون که خود از استادان شیخ طوسی بوده، فهرستی است که نگارنده گمان دارد شیخ طوسی همین فهرست را تکمیل و روزآمد کرده است. در اینجا از میان موارد متعدد که در جایی دیگر از آنها سخن گفته ام، تنها به بررسی شرح حال علی بن یقطين در کتاب الفهرست شیخ

طوسی و ابن ندیم اکتفا کرده و تفصیل مطلب را به وجیزه ای در دست تألیف احاله می دهند. شیخ طوسی تمام مطلب ابن ندیم در شرح حال علی بن یقطین را، به فهرست اساس کار خود افزوده و چند مورد خطا به همین سبب به کتابش راه یافته است. بهتر است تا نخست مقایسه ای میان شرح حال علی بن یقطین در کتاب الفهرست ابن ندیم، که ذیل آل یقطین از وی سخن گفته، با شرح حال علی بن یقطین در کتاب الفهرست شیخ طوسی داشته باشیم.

«كان یقطین من وجوه الدعاة، وطلبه مروان فهرب. وابنه علي بن یقطین ولد بالكوفة سنة أربع وعشرين ومائة، وهربت أم علي به وبأخيه عبید بن یقطین إلى المدينة. فلما ظهرت الدولة الهاشمية ظهر یقطین وعادت أم علي بعلي وعبید. فلم یزل یقطین في خدمة أبي العباس وأبي جعفر، ومع ذلك یرى رأى آل أبي طالب ويقول بإمامتهم وكذلك ولده. وكان یحمل الأموال ألى جعفر بن محمد بن علي والألطف. وثُمَّ خبره إلى المنصور والمهدي، فصرف الله عنهم كیدهما.

وتوفى علي بن یقطین بمدينة السلام سنة اثنتین وثمانین ومائة وسنه سبع وخمسون سنة، وصلی علیه ولي العهد محمد بن الرشید. وتوفى أبوه بعده في سنة خمس وثمانین ومائة. ولعلي بن یقطین کتاب ما سئل عنه الصادق من أمور الملاحم وکتاب مناظرته للشاک بحضرة جعفر (الفهرست، ج ۲، بخش اول، ص ۸۱).

علي بن یقطین رحمه الله، ثقة، جلیل القدر، له منزلة عظيمة عند أبي الحسن موسى x، عظیم المكان في الطائفة و كان یقطین من وجوه الدعاة، فطلبه مروان فهرب، وابنه علي بن یقطین ولد بالكوفة سنة أربع وعشرين ومائة، وهربت أم علي به وبأخيه عبید بن یقطین إلى المدينة. فلما ظهرت الدولة الهاشمية، ظهر یقطین وعادت أم علي بعلي وعبید. فلم یزل یقطین في خدمة أبي العباس وأبي جعفر المنصور، ومع ذلك كان یتشیع، ويقول بإمامة وكذلك ولده. وكان یحمل

۱ درباره نیای خاندان یعنی یقطین و ارتباط او با ائمه تردید جدی وجود دارد. ظاهراً مطلبی که ابن ندیم آورده باید از جمله مطالبی باشد که پس از شهرت علی بن یقطین و اعقاب وی رواج یافته باشد. به عنوان مثال جبرائیل بن احمد فاریابی (کسبی، اختیار معرفة الرجال، ص ۴۳۲، خبر شماره ۸۱۲) از قول محمد بن عیسی بین عبید که از موالی آل یقطین بوده خبری را درباره دو برادر نقل کرده که ظاهراً نمونه ای از اخبار رواج یافته در بعد در خصوص آل یقطین باید باشد (سمعت مشایخ اهل بیتی یحکون). برای بحث از عدم تشیع یا تردید جدی در تشیع یقطین بنگرید به: کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۳؛ شوشتری، قاموس الرجال، ج ۷، ص ۶۱۴-۶۱۵؛ مدرسی طباطبائی، میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، دفتر اول، ص ۲۵۱-۲۵۲.





الأموال ألی جعفر بن محمد علیهما السلام والألطف. وُثِّمَ خبره إلى المنصور والمهدي، فصرف الله عنهم كیدهما وتوفی علی بن یقطین بمدينة السلام سنة اثنتین وثمانین ومائة وسنه سبع وخمسون سنة، وصلى علیه ولي العهد محمد بن الرشید. وتوفی أبوه بعده فی سنة خمس وثمانین ومائة. ولعلی بن یقطین کتاب، منها: ما سُئِلَ عنه الصادق × من أمور الملاحم وکتاب مناظرته للشاک بحضرتہ × وله مسائل عن أبي الحسن موسى × وأخبرنا بکتابه ومسائله أبو عبد الله محمد بن محمد بن النعمان والحسین بن عبید الله عن محمد بن علی بن الحسین عن أبيه و محمد بن الحسن عن سعد بن عبد الله و الحمیری و محمد بن یحیی و أحمد بن إدريس کلهم عن أحمد بن محمد عن الحسن بن علی بن یقطین عن أخیه الحسین بن علی عن أبيه علی بن یقطین. ورواه محمد بن علی بن الحسین عن الحسن بن أحمد المالکی عن أحمد بن هلال عن علی بن یقطین (الفهرست، ص ۲۷۰-۲۷۱).

مقایسه دو عبارت نشانگر آن است که در فهرست اساس کار شیخ طوسی، تنها خبری کوتاه در حد دو سطر از زندگی علی بن یقطین آمده و در ادامه نیز طریقی به روایت کتاب المسائل وی ذکر شده است. اما شیخ طوسی که مطالب ابن ندیم را جالب توجه می دیده، تمام آن را به متن افزوده است. همچنین شیخ طوسی، طریق نویسندۀ فهرست اساس که احتمالاً ابن عبدون باشد را نیز حذف کرده و طریق دیگری که در میان مشایخ عراق متداول بوده را ذکر کرده است، یعنی روایت کتاب المسائل به طریق شیخ مفید (متوفی ۴۱۳) و حسین بن عبید الله غضائری از شیخ صدوق (متوفی ۳۸۱).

شیخ طوسی چند تغییر جزئی نیز در تعبیر ابن ندیم به هنگام نقل داده است. ابن ندیم از کتاب المسائل علی بن یقطین نام نبرده، که اثری بسیار مشهور در میان امامیه بوده و کلینی و شیخ طوسی هر کدام نسخه ای از کتاب را در اختیار داشته و مطالبی از آن نقل کرده اند.^۱ به جای آن از دو کتاب دیگری به نام های کتاب مسائل عنه الصادق من امور الملاحم و کتاب مناظرته مع الشاک بحضرة جعفر که احتمالاً ابن ندیم آن ها را از روی فهرستی دیده و محتمل است که در اصل هر دو کتاب از تألیفات یونس بن عبدالرحمان باشد که از جمله موالی علی

۱ درباره کتاب المسائل علی بن یقطین و نقل های باقی مانده از آن بنگرید به: سید حسین مدرس طباطبائی، میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، دفتر اول، ص ۲۵۴-۲۵۵.

بن یقظین بوده،^۱ و ابن ندیم خود جداگانه از او سخن گفته و در اشاره به آثارش نوشته است:
 «من أصحاب موسى بن جعفر × من موالی آل یقظین؛ علامة زمانه، کثیر التصنیف والتالیف
 علی مذاهب الشیعة وله من الكتب...»^۲.



۱ برای توضیحات بیشتر در خصوص دو کتاب مورد بحث بنگرید به: سید حسین مدرسی طباطبائی، میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، دفتر اول، ص ۲۵۳. مرحوم شوشتری (قاموس الرجال، ج ۷، ص ۶۱۵-۶۱۷) از اشکالاتی که در عبارت ابن ندیم وجود دارد، سخن گفته و متذکر این مطلب که مطالب نقل شده در کتاب الفهرست شیخ طوسی برگرفته از ابن ندیم است، نیز شده است و به برخی نکات اشاره کرده، اما در خصوص دو کتابی که ابن ندیم به عنوان تألیف علی بن یقظین از آنها سخن گفته، مطلبی بیان نکرده و ظاهراً حتی از شکل نوع استدلال ایشان در بحث، به نظر می رسد که هر دو کتاب را به عنوان آثار علی بن یقظین صحیح می دانسته است (قاموس الرجال، ج ۷، ص ۶۱۸).

۲ نجاشی (فهرست أسماء مصنفی الشیعة، ص ۲۷۳) مطالب شیخ طوسی درباره علی بن یقظین را با حذف مواردی که مشکل دار و از نظرش نادرست بوده، نقل کرده است. درباره عبید برادر علی بن یقظین، در منابع امامی سخن روشنی نیست، حتی کشتی (اختیار معرفة الرجال، ص ۴۳۲) روایتی را نقل کرده که هر دو برادر به خدمت امام صادق × رسیده بودند، اما امام تنها علی را مورد تقدیر قرار داده بود. بر اساس مطلبی که احمد بن سهل رازی در کتاب اخبار فخر آورده، دانسته که عبید در جریان سرکوب قیام حسین بن علی فخری در سال ۱۶۹ کشته شده بود و از هواداران عباسیان بوده است. دلیل عدم اشاره یا سخن از وی در منابع امامی نیز ظاهراً همین باید باشد. بنگرید به: احمد بن سهل رازی، أخبار فخر و خبر یحیی بن عبدالله و أخیه إدريس بن عبدالله، تحقیق ماهر جرار (بیروت: دار الغرب الاسلامی، ۱۹۹۵)، ص ۱۴۴-۱۴۵.

اسرار دماوندیه

نگاهی به کتاب «مفتاح اسرار الحسینی» مولی عبدالرحیم دماوندی

علی صدرایی خوبی *

چکیده

این مقاله مروری است بر کتاب مفتاح اسرار الحسینی نوشته عبدالرحیم دماوندی (قرن ۱۲) که در سال ۱۱۶۰ ق نوشته و برخی از مطالب مرتبط با امام حسین X را به شیوه عرفانی به زبان فارسی توضیح داده است. نگارنده علاوه بر برخی از شهودات مؤلف کتاب، اساتید، شاگردان، شرح حال علمی، جایگاه دماوندی نزد دانشوران و کتابهای او را گزارش می کند. آنگاه موضوعات مطرح شده در کتاب مانند توحید و نقد برخی از صوفیه و تفسیر پاره ای از عقاید شیعی بر مبنای مفاهیم عرفانی را بیان می دارد و نسخه های خطی و چاپی کتاب را می شناساند.

کلیدواژه ها

مفتاح اسرار الحسینی (کتاب)؛ دماوندی، عبدالرحیم؛ امام حسین X - آثار مرتبط؛
آثار عرفانی - قرن دوازدهم؛ عالمان شیعه - قرن دوازدهم.

* کتابشناس، نسخه شناس و پژوهشگر در حوزه متون کهن.



درآمد

مولی عبدالرحیم دماوندی، از عارفان شیعی سده دوازدهم هجری ایران زمین است. چند دهه اول عمر او، در اواخر عهد صفوی، در اصفهان سپری شده، و او در این شهر نزد عارف نامی ملا محمد صادق اردستانی، درس تعلیم عرفان و حکمت آموخته است. با دگرگون شدن اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران زمین بعد از سقوط صفویه در سال ۱۱۳۵ق، او از اصفهان کوچیده و در جوار بارگاه ملکوتی حضرت سید الشهداء \times در کربلا رحل اقامت افکند و تا آخر عمر، امام جماعت آن آستان عرش مقام را بر عهده گرفته و از عنایات بی انتهای آن امام همام، قدح معرفت نوشید. او بعد از لبریز شدن پیمانانه معرفتش، دست به قلم برد و آنچه از اسرار دریافتی از حضرت سید الشهداء \times را - که امکان بیان و اظهار آن ممکن بود - در مفتاح اسرار الحسینی^۱، برای جویندگان معارف راه، بیان نمود.

دماوندی در مقدمه کتابش عنوان می‌کند که بنا دارد در این کتاب بخشی از آنچه را که از عنایات مرشدش امام حسین \times ، نصیبتش شده، اظهار نماید و حجاب از روی اسرار دریافتی از آن حضرت بگشاید. باید گفت که او به خوبی از عهده وعده‌اش بر آمده و مطالبی از مکاشفات و الهامات بیان نموده و حقایقی از سیر و سلوک و دریافت‌های معنوی و عرفانی خود را ذکر کرده، که در کمتر اثری، این‌گونه اسرار دریافتی از اهل بیت [^]، بدین صراحت لهجه و فاش گویی، بیان شده است.

این نوشته نظری دارد بر کتاب مفتاح اسرار الحسینی، با تاملی از یافته‌های جدیدی که در احوال دماوندی در طی چند دهه بعد از انتشار اول این اثر، از طریق نسخه‌های خطی، به دست آمده است.

۱ کتاب مفتاح اسرار الحسینی، تألیف عبدالرحیم دماوندی (متوفای بعد از سال ۱۱۶۱ق)، اول بار با تحقیق و تصحیح استاد سید جلال الدین آشتیانی در ضمن جلد سوم کتاب منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران (چاپ اول، دانشگاه مشهد، ۱۳۵۵ش، ص ۵۷۵-۷۹۰؛ چاپ دوم: قم، ۱۳۷۸ش، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ص ۶۹۹-۹۲۳)؛ و بار دوم با تحقیق و تصحیح اینجانب، به صورت کتابی مستقل، از سوی انتشارات آیت اشراق (قم، پاییز ۱۳۹۸ش، ۴۸۰ ص، قطع وزیری)، منتشر شده است. ارجاعات این نوشتار به کتاب مفتاح به همین تصحیح اخیر خواهد بود.



مفتاح اسرار الحسین

در اسرار سیر وسلوک

عنايت شده از سال ۱۳۰۷ هجری قمری حضرت سید الشهدا علیه السلام

پدید آورنده:

مولی عبد الرحیم بن یونس دماوندی رحمته الله
(درگذشته در کربلا بعد از سال ۱۱۶۱ هجری قمری)

تصحیح و تحقیق و تقدیم
علی صدرايي خويي

تصویر جلد نسخه چاپ شده کتاب مفتاح اسرار الحسینی



۱) عبدالرحیم دماوندی عارف شیعی

۱/۱) نام و نام پدر

دماوندی در مقدمه اغلب آثارش، خود را «عبدالرحیم بن محمد یونس دماوندی»، معرفی نموده است. و تردیدی در باره نام او و نام پدرش و نیز انتسابش به شهر دماوند، وجود ندارد. بنابر این یادداشت نایب الصدر شیرازی، که در طرائق الحقائق، نام پدر دماوندی را «یوسف» درج نموده، صحیح نیست.^۱

۲/۱) تاریخ و محل تولد

تاریخ تولد دماوندی معلوم نیست، او در آثارش هیچ اشاره‌ای به تاریخ تولد خود نکرده است، ولی در همه مواردی که از خود یاد کرده، خود را «دماوندی» معرفی نموده، که نشانگر انتساب وی به شهر دماوند است. روشن نیست که آیا خود «عبدالرحیم» در دماوند متولد شده، یا انتسابش به آن شهر به جهت دودمانش بوده که اصالتاً از «دماوند» بوده اند. از اجداد وی در دماوند نیز اطلاعی در دست نیست.^۲

۳/۱) تاریخ درگذشت

تاریخ ارتحال دماوندی، مانند تاریخ تولد وی نیز مضبوط نیست، ولی بر اساس اینکه دماوندی، کتابش مفتاح اسرار الحسینی را در سال ۱۱۶۱ق به پایان رسانده، تاکنون تاریخ درگذشت او را بعد از این تاریخ ذکر نموده اند. اخیراً نسخه‌ای از مفتاح اسرار الحسینی، شناسایی گردیده، که محمد بن نور الدین محمد اصفهانی، آن را در روز جمعه ۱۳ جمادی الثانی ۱۱۶۲ ق، به پایان رسانده و در ترقیمه، از دماوندی با دعای (دام ظلّه) یاد می‌کند، بنابر این دماوندی تا تاریخ مذکور - یعنی ۱۳ جمادی الثانی ۱۱۶۲ق - در قید حیات بوده و درگذشتش قطعاً بعد از این سال اتفاق افتاده است.

۱ ر.ک: طرائق الحقائق، نایب الصدر شیرازی، ج ۳، ص ۱۶۳.

۲ برای اطلاع از جغرافیای تاریخی و طبیعی شهر دماوند، به دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۸، ص ۹۵-۹۹، مدخل «دماوند»، نوشته علیرضا شاه حسینی رجوع شود.

۴/۱) رشد و بالندگی

در باره تحصیلات علمی و رشد و بالندگی دماوندی، اطلاعاتی اندکی در دست است. آثار دماوندی مشحون از تحقیقات فلسفی و عرفانی است. او در آثارش در موارد متعدد از ملا محمد صادق اردستانی (م ۱۱۳۴ق)، حکیم معروف اواخر عهد صفوی به عنوان استاد خودش یاد کرده است. بنابر این دماوندی حکمت و عرفان را در اصفهان - قبل از محاصره آن شهر توسط افغانه - فرا گرفته است. او در این شهر علاوه بر اردستانی از محضر ملا خلیل قائنی اصفهانی و حکیم میرزا حسن لاهیجی (م ۱۱۲۱ق)، استفاده نموده و بعد از سقوط اصفهان در سال ۱۱۳۵ق، این شهر را ترک و ساکن کربلا گردیده است. او تا آخر عمرش ساکن کربلا بوده و در همان شهر دار فانی را وداع گفته است. سید عبد الله جزایری که دماوندی را در کربلا ملاقات نموده و با وی گفتگوی علمی داشته، در باره دماوندی می گوید که: «وکان امام الجماعة فی المسجد» امام جماعت مسجد بود. ولی نام مسجد را ذکر نکرده است. به احتمال زیاد عبارت صحیح «وکان امام الجماعة فی المشهد» است که در نسخه چاپی به «المسجد» تصحیف شده و منظور آن بوده که وی امام جماعت مشهد حسینی یعنی بارگاه ملکوتی حضرت سید الشهداء × بوده است.

دماوندی در کربلا جلسه درس داشته و از جمله شاگردان او شهید نصر الله مدرس حائری (شهادت حدود ۱۱۶۸ق) می باشد که در دیوانش، عبدالرحیم دماوندی را به عنوان استادی که از محضرش کسب علم نموده، ستوده است.^۱

۵/۱) گرایش عرفانی دماوندی

در باره گرایش عرفانی دماوندی و وابستگی او به سلسله های عرفانی، نظر واحدی وجود ندارد. نایب الصدر شیرازی، دماوندی را از «اکابر مشایخ سلسله نوربخشیه»، معرفی نموده، ولی سند متقنی برای گفته خود، ذکر نکرده است.^۲ استاد سید جلال الدین آشتیانی در مقدمه مفتاح اسرار الحسینی در باره گرایش عرفانی دماوندی می نویسد:

۱ طبقات اعلام الشیعة، الکواکب المنتشرة فی القرن الثانی بعد العشرة، آقا بزرگ طهرانی، ص ۴۲۷.

۲ طرائق الحقائق، ج ۳، ص ۱۶۳.





«عبدالرحیم بن یونس دماوندی رازی، یکی از تلامذ حدوزه درس مولانا محمد صادق اردستانی است، که ظاهراً به مسلک تصوف گروید و از مشایخ ذهبیه عصر خود بوده است». استاد آشتیانی نیز دلیلی برای انتساب دماوندی به ذهبیه ذکر نکرده اند.

عبد الرزاق محدث اصفهانی (م ۱۳۸۳ق) در یادداشتی در آغاز نسخه ای از مفتاح اسرار، دماوندی را از مشایخ سلسله نوربخشیه معرفی نموده است.^۱ به نظر می رسد که این اظهار نظر را وی از کتاب طرائق الحقائق اخذ نموده است.

دماوندی در مفتاح اسرار، از استادش، اردستانی یاد نموده، ولی عنوان نکرده که چه علمی را نزد او تحصیل کرده، ولی به احتمال زیاد اردستانی استاد فلسفه و مرشد عرفانی اش بوده است.

دماوندی در مفتاح، مکرراً از حضرت سید الشهداء × با عبارت «مرشدم» یاد کرده و شاید این به دلیل آن بوده که او نمی خواسته خود را وابسته به سلسله های عرفانی معرفی کند و از آن اجتناب داشته است. به نظر می رسد، اختلاف اساسی بین گفته صاحب طرائق و نظر استاد آشتیانی، به همین دلیل است که اساساً دماوندی به هیچ سلسله عرفانی وابسته نبوده است. زیرا نوربخشیه سلسله ای جداگانه از ذهبیه است و شیخ سلسله نوربخشیه، نمی تواند از مشایخ ذهبیه باشد.

۲) مکاشفات دماوندی

آنچه توجه علاقمندان را به آثار دماوندی، خصوصاً مفتاح اسرار الحسینی جلب نموده، تهور او در هتک پرده استار اسرار عرفانی بوده است. او در این کتاب به صراحت اعلام می کند که مرشدش، حضرت سید الشهداء × عنایات ویژه ای به او داشته و در خواب و بیداری، درهای اسرار را برایش گشوده است. او هیچ ابایی از به قلم آوردن این اسرار ندارد و در موارد متعدد، با تمام جزئیات آنها را بیان کرده است. برای آشنایی با روحیه عرفانی دماوندی، برخی از یافته های عرفانی او، ذکر می گردد:

۱ این نسخه، بعد از این معرفی خواهد شد.

۱/۲) نوشیدن شراب محبت از دست صاحب الزمان

دماوندی در این مورد می نویسد:

«فقیر بعد از آنی که از دست مبارك خلیفة الرحمن، صاحب الزمان صلوات الله علیه، شراب محبت نوشیدم و شبی برای نماز از خواب بیدار شدم و در خواب در اثنای بیدار شدن، فقره دعایی می خواندم که در لیالی ماه رمضان آن دعا را می خواندم و بس، و این دعا از جمله دعاهایی نبود که ورد کرده باشم، و عجیب تر آن که قریب به هفت ماه از ماه رمضان گذشته بود و به هیچ وجه آن دعا به خاطر من مانده بود و به خاطر آن آوردم که آن دعا را ورد نمایم، روزی يك مرتبه آن دعا را پیش مرشدم و مرشد الكونین ابی عبد الله الحسین × بخوانم و از توجه آن جناب توفیق یافتم. تا روزی با خشوع و حضور قلب برابر آن مرشد الصدیقین ایستاده ام و همان دعا را می خوانم و چون به این فقره رسیدم که: «ومن كل سوء یا اله الا انت فنحننا»، ناگاه جناب حق جل و علا تجلی نمود در قلب این فقیر و مائی من را از من گرفت، محو و بین خود شدم. (شعر)

خود از درون و برون جلوه کرد و من ز میان

چو سایه محو شدم کز دو سو چراغ بر آمد

و حق را در قلب خود می بینم و ملاحظه می نمایم خود را که من نیستم؛ و جناب حق به قوتی تجلی نموده که امکان رفع ندارد، الحمدلله کما هو اهل و مستحقه»^۱.

۲/۲) تاثیر نحوه نشستن در مکاشفه

دماوندی در مفتاح چهاردهم، درباره مکاشفه ای که در باره نحوه نشستن خود در حال ذکر، برایش رخ داده، چنین می نویسد:

«و واقعه ای که به این فقیر روی نموده و مناسب مقام بود، نقل می شود. چون در حال ذکر نحوی از جلوس را اختیار نموده و راحت و محظوظ بودم و آن به این نحو بود که پای راست را بر روی ران چپ می گذاشتم و مشغول مطالعه و ذکر بودم. روزی عنایت ازلی شامل حال شده به همان هیئت که رو به قبله مشغول ذکر بودم، تجلی حق تعالی روی نمود - که از بیان

۱ مفتاح اسرار الحسینی، ص ۱۱۵.





آن عاجزم - در آن حال دوزانو به ادب نشستم و محو بودم و از فضل حق سبحانه و تعالی، این حال استمراری به هم رسانید ... و از آن وقت ترك نمودم آن طور جلسه را. و گاهی بر سبیل سهو تا اراده می نمایم که به آن هیئت بنشینم دفعه آن حال عود می کند. الحمدلله کثیراً کما هو اهله و مستحقه»^۱.

۳/۲) مکاشفه ای برای صحت سند دعا

مؤلف در مفتاح دوازدهم می گوید که در اوایل سلوکش به مناجاتی مشغول بوده و بعداً در واقعه ای، صحت آن مناجات و فوایدش بر وی کشف شده است. او می نویسد:
«و در اوایل عمل به آن مناجات، واقعه ای دیدم که در آن واقعه کشف شد بر این فقیر صحت آن مناجات و فوایدش و آن این است:

اللَّهُمَّ هذا، اول العدد وصاحب الأبد، ونورك الذي قهرت به غواسق العدم وبواسق الظلم، وجعلته منك وبك واليك دالاً دليلاً، روحه نسخة الأحذية في اللاهوت، وجسده صورة معاني الملك والملكوت، وقلبه خزانة الحي الذي لا يموت، طاووس الكبرياء وحمّام الجبروت»^۲.

۴/۲) مشاهده تاثیر لقمه شبهه ناک

در مفتاح هیجدهم، دماوندی مکاشفه ای را در باره لقمه مشکوکی که خورده و اثر آن را در واقعه دیده، قلم فرسایی نموده، بیان وی چنین است:

«مرد با غیرتی بود، و از هر کسی سؤال نمی کرد؛ مرا به خاطر رسید که به او التماس کنم و به خبّاز حواله ای نمایم که هر قدر نان می خواهد، از خبّاز بگیرد؛ بعد از التماس قبول نمود؛ ما به خبّاز حواله نمودیم و بعد از چند یوم از خبّاز پرسیدم که طلب شما چه قدر شد؟ گفت: فلان قدر؛ ما رفتیم و از شخصی همان قدر قرض کردیم و به خبّاز دادیم. و بعد از دو ماه شخصی مبلغی خمس و مبلغی زکات به ما داد که به مصارف برسانیم. خمس را به اهل خمس، و زکات را به اهل زکات رسانیدیم و به خاطر رسید که مرا چیزی نیست، به قدر آن مبلغی که قرض کردم و به خبّاز دادم؛ از آن زکات به آن قرض دادم و در آخر شب در واقعه می

۱ همان، ص ۱۶۳-۱۶۴.

۲ همان، ص ۱۴۵.

بینم که فضله انسان می خورم و بعد از واقعه در تعجب ماندم و فکرم به جایی نرسید؛ آمدم به زیارت مرشدم حسین بن علی (صلوات الله علیهما) و بعد از زیارت به عقب قبر مبارک ایستادم و می خواهم که نماز بکنم. جناب احدیت به برکت آن سرور به قلبم انداخت سبب آن واقعه را و سببش آن بود که جمعی میهمان ما بودند، یک روز اتفاق افتاد که در خانه ما نان پخته نشد؛ رفتم پیش خبّاز و از او نان گرفتم و گفتم که قیمت این نان را با قیمت آن نان که به آن مرد می دهی، حساب مکن... و خبّاز قیمت نانی که گرفتم را با آن نانی که به آن مرد فقیر می داد، یک جا حساب کرد و گفت: فلان قدر است و ما آن قدر از جایی قرض کردیم و به خبّاز دادیم، و از زکات به آن قرض دادیم و از آن نان ما چاشت کردیم؛ تا این به قلبم افتاد، همان ساعت از مال خود مبلغی به مؤمنی دادم. و در شب دیگر در واقعه می بینم که در مسجدی به کنار آب صافی روانی نشسته ام، و آن فضله که خورده بودم قی می کنم و از دهن و دماغ من آن نجاست می آید؛ بیدار شدم و حمد الهی نمودم. آنچه به این فقیر وارد می شود، محض عنایت مرشدم حضرت سید الشهداء × است.^۱

۵/۲) شهود مرشد کامل

در مفتاح نوزدهم در باره مشخصات مرشد، به شهود خود استناد می کند، وی می نویسد: «و شهود این فقیر شده است که هر قدر مرشد کامل تر است، خلاص از تفرقه بیشتر است تا به مرشد کلّ حضرت مولی الموالی مولانا علی بن ابی طالب × برسد».^۲

۶/۲) ملاقات با شیطان

در مفتاح بیست و دوم، درباره دیداری که با شیطان داشته، چنین نوشته است: «مرا در واقعه اتفاق افتاد ملاقات با شیطان شده است؛ مرد پیر با وقار دیدم و اعوجاجی در پهلوی راست او بود، هر چند نورانی نمود خود را، اما نورش مخلوط به کدورت و ظلمت بود. از او سؤال کردم ابتداء خلقتش را و جواب گفت و این جا جای آن جواب نیست. و این علامات که ذکر کردیم، ارباب شهود نقل نموده اند تا سالک او را بشناسد».^۳

۱ همان، ص ۱۸۸.

۲ همان، ص ۲۰۳.

۳ همان، ص ۲۲۸.



۷/۲ واردات قلبیه مولف

در انتهای مفتاح بیست و دوم، در باره نقش تربیتی انبیا و اولیا، چنین می نویسد:
«و آنچه از واردات قلبیه این حقیر است که از حق تعالی وارد شده است بر قلبم، نه از افکار دماغیه، و آن وارد این است که:

انبیاء و اوصیاء مرّبی اهل ارض اند باذنه تعالی، و بعضی نفوس نزدیک شده اند که به مقام خود برسند و موتِ مرّبی وقت در رسد و آن مرّبی بعد از فوت متوجّه آن نفوس است در این مدت، و منتهی مدت چهل روز است و مرّبی زنده را به آن نفوس رجوعی نیست و هر چند آن نفوس در امور و احکام ظاهر رجوع به مرّبی زنده دارند؛ اما در تکمیل باطن، آن مرّبی که به حسب ظاهر از این عالم رحلت نموده اند، متوجه تربیت است، به اعتبار آن که این تتمه کار خود ایشان است»^۱.

۸/۲ ولایت قبله عارفان است

در مفتاح بیست و نهم، در باره شهودی که برایش در باره مقام ولایت و ولی مومنان رخ داده، چنین می نویسد:

«ای عزیز: و آنچه بر این فقیر کشف شده، بیان می نمایم: روزی به حضور قلب، قرآن تلاوت می کردم، خدای تعالی الهام نمود به قلبم معنی آیه ای که بیان نمی توانم نمود و بعد از آن در واقعه دیدم که داخل مسجد کوفه شدم از راه باب الفیل و در محراب مبارک ولیّ کل × در برابر من پیدا شده است و جبرئیل × از طرف مشرق به مغرب می رود، و در ما بین سماء و ارض و محاذی سمت الرأس من رسید، روی به من کرد و قال: قبلتک هذا، یعنی امیر المؤمنین و قبله موسی و عیسی و یونس و یوسف و ایوب و ... و اسامی انبیاء × می شمردند تا به آخر و از طرف مغرب غروب فرمودند. و مراد از قبله در این مقام، قبله قلوب است»^۲.

۳) دماوندی از نگاه دیگران

با توجه به اهمیت اندیشه و شخصیت عبدالرحیم دماوندی، در چند مصدر از وی یاد شده، بدین عبارت ها:

۱ همان، ۲۵۳.

۲ همان، ۳۰۴.



۱/۳ دیدگاه سید عبد الله جزایری

سید عبد الله جزایری، تنها مولفی است که دماوندی را ملاقات نموده و در کتابش از او یاد کرده است. جزایری، فصل چهاردهم از کتابش الاجازة الکبيرة را به عالمانی اختصاص داده که آنها را ملاقات نموده است. او در این فصل ترجمه مختصر شصت و شش شخصیت را که ملاقات نموده، درج نموده است. از جمله دانشمندانی که وی در کربلا، ملاقات نموده، مولی عبدالرحیم دماوندی است که را به عنوان شخصیت بیست و هفتم، ذکر کرده و در باره او چنین نوشته است:

«المولى عبدالرحيم الاصبهاني المجاور بمشهد ابي عبد الله الحسين ×: كان عالماً، ذكياً، مقبولاً، رأيته بالمشهد وتفاوضنا في بعض المسائل. له رسالة في شرح حديث الحقيقة وكان امام الجماعة في المسجد. توفي عُشر الستين رحمة الله عليه»^۱

۲/۳ دیدگاه کبوتر آهنگی

محمد جعفر کبوتر آهنگی همدانی (۱۱۷۵-۱۲۳۸ق) در رساله اعتقادات خود در دو جا مطالبی را از دماوندی نقل نموده است. در مورد اول گوید:

«و فاضل محقق مولانا عبدالرحیم دماوندی در بعضی از رسایل خود آورده است، و به این فقیر سند آن مناجات به چند واسطه از عارف محقق میرزا حسن قمی رسیده، که میرزا به ترتیبی که مذکور می شود، مسند ساخته است آن را به جناب امیر المؤمنین × که در نزد قبر خاتم الأنبياء | می خواندند.

و در اوایل عمل به آن مناجات واقعه ای دیدم که در آن واقعه کشف شد بر این فقیر صحت آن مناجات با فوایدش و آن مناجات این است.»^۲

منظور کبوتر آهنگی از «بعضی رسایل دماوندی» کتاب مفتاح اسرار الحسينی است و مطلبی را که نقل نمود در مفتاح دوازدهم آن کتاب، بعینه موجود است.

در مورد دوم، کبوتر آهنگی باز در رساله اعتقاداتش، چنین می نویسد:

۱ الاجازة الکبيرة، سید عبد الله جزایری، ص ۱۴۴.

۲ رسائل مجذوبیه، محمد جعفر کبوتر آهنگی همدانی، ص ۱۴۵. مناجاتی که مجذوب آن را نقل نموده، همان است که در بالا در ذکر مکاشفات دماوندی در مکاشفه سوم، نقل گردید.





«و رساله مولانا عبدالرحیم دماوندی که مسمی است به تحفة الحسینیة و در این کتاب نوشته بود که: مبتدی سزاوار است که صورت صاحب اجازه (مرشد) را در نظر داشته باشد تا از تفرقه و وسواس شیطان خلاص بشود و آن اشاره این است: كما قال الصادق x: من لم یکن له قرین مرشد استمکن عدوه من عنقه.»^۱

مطلبی که کبودر آهنگی از «تحفة الحسینیة» نقل نموده، در مفتاح نوزدهم، کتاب مفتاح اسرار الحسینی است بعینه موجود است و پس از این خواهیم گفت که این کتاب، نام دیگری از مفتاح اسرار الحسینی است.

کبودر آهنگی در رساله مرآت الحق خود نیز در سه جا از مفتاح اسرار، مطالبی به تفصیل نقل نموده است. بار اول در فصل دوم، که فقط از دماوندی و رساله مفتاح اسرار الحسینی وی یاد کرده^۲، بار دوم در فصل هفتم، ضمن نقل کامل مقدمه کتاب مفتاح، چنین می نویسد: «و مولانا المحقق الکاشف عبدالرحیم دماوندی که در اواخر ایام نادرشاه در عتبات عالیات حیات داشته و مجاور بوده» و در انتهای نقل خود در باره دماوندی چنین می نویسد:

«ضعیف مسکین عرض می نماید که: از این رساله و بعضی رسائل دیگر او را، که عارف خبیری ملاحظه تعریف نماید، علم قطعی به جلالت قدر مصنف و کامل بودن او در مراتب سیر و سلوک و جمیع علوم نظریه می نماید و تتبع کامل داشتن او از احادیث ائمه اطهار صلوات الله علیهم».^۳

و بار سوم در فصل چهاردهم، مطالب مفصلی را از مفتاح اسرار، نقل نموده است. از این نقل ها معلوم می شود که کبودر آهنگی، به تحقیقات دماوندی اعتقاد کامل داشته و نظرات وی را به عنوان شاهد بر مطالب و عقاید خود، مورد استفاده و نقل قرار می داده است.

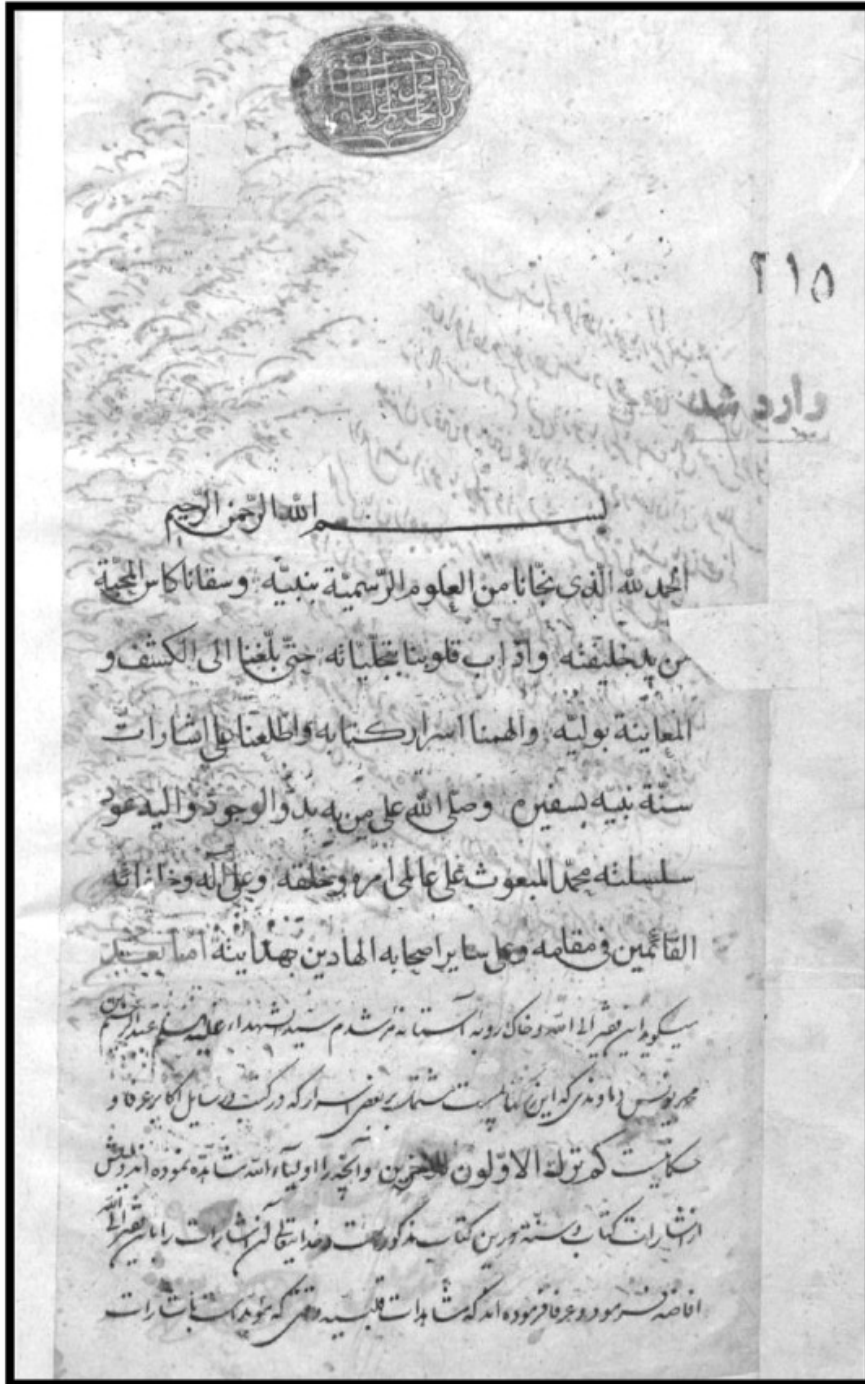
۳/۳ دیدگاه نایب الصدر شیرازی

نایب الصدر محمد معصوم شیرازی (م ۱۳۴۴ق) در طرائق الحقائق، که آن را در سال ۱۳۱۳ق، به چاپ رسانده، در باره دماوندی چنین می نویسد:

۱ همان، ۱۵۴.

۲ مرآت الحق، محمد جعفر کبودر آهنگی همدانی، ص ۵۲.

۳ همان، ص ۱۸۲-۱۹۳.



۱. صفحه اول نسخه «الف» با مهر محمد بن مهدی بحر العلوم



«عبدالرحیم دماوندی: و دیگر مولانا عبدالرحیم بن یوسف^۱ الدماوندی است. از اکابر مشایخ سلسله نور بخشیه و مولف کتاب مفتاح اسرار الحسینی و عدد این حروف تاریخ اتمام کتاب گردیده، هزار و یک صد و شصت و این کتاب مشتمل بر سی و هفت مفتاح است»^۲. چنانچه قبلاً ذکر شد، صاحب طرائق الحقائق، در این ترجمه دچار چند خطا گشته و به اشتباه نام پدر دماوندی را «یوسف» ذکر نموده، در حالی که صحیح آن «محمد یونس» می باشد و او را از مشایخ نوربخشیه، معرفی نموده که درست نیست.

۴/۳) دیدگاه استاد جلال الدین آشتیانی

استاد عظیم الشان فیلسوف گرانقدر سید جلال الدین آشتیانی (قدس سره) - که در روز چهارشنبه سوم فروردین ۱۳۸۴ ش، در مشهد رضوی، رخت به سرای باقی کشید و در جوار بارگاه امام رئوف x، آرام گرفت - در اثر سترگ خود، منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران از عصر میر داماد و میر فندرسکی تا زمان حاضر، دماوندی را به عنوان نوزدهمین حکیم الهی ایران زمین، عنوان کرده و برای اولین بار این عارف شیعی را به جامعه علمی معرفی نمود. استاد آشتیانی برای معرفی اندیشه های دماوندی - چنانچه قبلاً ذکر شد - کتاب مفتاح اسرار حسینی او را با مقدمه کوتاهی، منتشر نمود. به دلیل اهمیت مقدمه ایشان، ابتدا نصّ مقدمه ایشان درج، و بعد از آن توضیحاتی پیرامون آن ذکر می شود.

استاد آشتیانی می نویسند:

«ملا عبدالرحیم دماوندی رازی: عبدالرحیم بن یونس دماوندی رازی، یکی از تلامیذ حوزه درس مولانا محمد صادق اردستانی است، که ظاهراً به مسلک تصوف گروید و از مشایخ ذهبیه عصر خود بوده است. حقیق اگر چه با صاحبان سلاسل در تصوّف - به خصوص متأخران از صوفیه و به اصطلاح دراویش - چندان میانه خوب ندارد، چون اقطاب این سلاسل اغلب صاحبان دگه و کم سواد، منغم در دنیا و متعلقات آن می باشند؛ ولی ملا عبدالرحیم شخص استاد دیده

۱ قبل از این ذکر شد که صاحب طرائق الحقائق در اینجا دچار اشتباه شده و نام پدر دماوندی را «یوسف» ذکر کرده که صحیح آن «یونس» است.

۲ طرائق الحقائق، ج ۳، ص ۱۶۳.

و زحمت کشیده است، لذا به چاپ این اثر جزء منتخبات فلسفی اقدام نمودم. از مؤلف شرح حال مفصل در دست نیست؛ برخی از تذکره نویسان از او به اجمال یاد نموده اند و او را از تلامیذ اردستانی دانسته اند و خود او نیز در این اثر، بارها از استاد خود یاد نموده است. نام این رساله مفتاح اسرار حسینی در شرح اسماء الهیه است؛ یکی از شاگردان دانشکده الهیات مشهد، فارغ التحصیل فوق لیسانس در فلسفه، این اثر نفیس را جداگانه با شرح حال مفصل از ملا عبدالرحیم چاپ خواهد نمود. مؤلف گویا تا سال يك هزار و صد و پنجاه، بلکه شاید تا سال های بعد از يك هزار و صد و هفتاد در قید حیات بوده است و مدتها در کربلای معلی و نجف اشرف و بغداد سکونت داشته است و به هند و شام نیز سفر نموده است.

این رساله مشتمل است بر مباحث عالییه از تصوّف، با قلمی روان که حکایت از خُبرگی مؤلف در مباحث الهی می نماید. مشهد مقدس رضوی، ۲۶ ذی حجة الحرام، سنه ۱۳۹۶ من الهجرة النبویة، سید جلال الدین آشتیانی».

ایشان، صفحه عنوان کتاب را چنین نوشته اند:

«شرح اسرار اسماء حسنی یا اسرار حسینی تألیف عبدالرحیم دماوندی رازی»^۱.

در مقدمه استاد آشتیانی، چند نکته قابل ملاحظه است:

یکم) استاد آشتیانی، در این مقدمه دماوندی را «از مشایخ ذهبیه عصر خود»، دانسته، ولی چنانچه قبلاً ذکر شد، ایشان سندی بر این مدعا نکرده و در هیچ ماخذی، هم شاهدی بر آن وجود ندارد.

دوم) نوشته اند: «مؤلف گویا تا سال يك هزار و صد و پنجاه، بلکه شاید تا سال های بعد از يك هزار و صد و هفتاد در قید حیات بوده است»، باز سندی بر آن نداده اند - و چنانکه قبل از این ذکر شد - آخرین خبری که از حیات دماوندی در دست است جمادی الثانی سال ۱۱۶۲ق است و در هیچ ماخذی ذکر نشده، که وی تا بعد از ۱۱۷۰ق در قید حیات بوده باشد.

۱ منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج ۳، چاپ اول ص ۵۷۸-۵۷۹؛ چاپ دوم، ص ۷۰۱-۷۰۲. شایان ذکر است که در چاپ اول این اثر، استاد آشتیانی تاریخ اتمام مقدمه را، در آخر مقدمه «مشهد مقدس رضوی، ۲۶ ذی حجة الحرام، سنه ۱۳۹۶ من الهجرة النبویة، سید جلال الدین آشتیانی» ذکر نموده، ولی در چاپ دوم ان، ناشر این تاریخ را از آخر مقدمه حذف و در آخر رساله، آورده است.



سوم) استاد نوشته اند: «نام این رساله مفتاح اسرار حسینی در شرح اسماء الهیه، است.» معلوم نیست استاد آشتیانی پسوند «در شرح اسماء الهیه» را بر چه اساسی در ادامه نام کتاب، اضافه نموده اند. زیرا موضوع این کتاب عرفان نظری و عملی و بیان مکاشفات است و بحثی در باره اسماء الهی در آن به چشم نمی خورد و در هیچ يك از نسخه های این کتاب، این قید توضیحی، دیده نمی شود.

۵/۳ دیدگاه شیخ آقا بزرگ تهرانی

کتاب پژوهش سترگ شیخ آقا بزرگ تهرانی در طبقات اعلام الشیعة، تحقیقی در خور ستایش از احوال دماوندی ارائه نموده است:

«عبدالرحیم الدماوندي: (م نیف و ۱۱۵۰) هو ابن محمد یونس الاصفهانی الحکیم العارف الصوفي من تلامیذ الملا صادق الاردستاني (م ۱۱۳۴ق) الذي طرد من اصفهان لتطرفه في الفلسفة، فهاجر التلمیذ الى كربلا وجاور الحائر. قال عبدالله الجزائري في الاجازة الكبيرة: كان عالماً ذكياً مقبولاً، رایته بالمشهد وتفاوضنا في بعض المسائل، له رسالة في شرح حدیث الحقیقة وكان امام الجماعة في المسجد وتوفي عشر السنين (ای الستينات).

اقول: هو مولف «شرح كلام الامير X في العالم العلوي» و«الفيوضات الحسينية» المدرجة جميعه في اللجنة الاولى من «الجتان المدهامتان» المطبوع نقلاً عن نسخة کتابتها سنه ۱۱۷۱ق، واحال فيه الى شرحه لكلام الامير X يعني حدیث الحقیقة وحاشيته على تفسير الصافي. وصفه بعض تلامیذه بقوله: الخبر الملی المبرز للحقائق، استادي وعلیه استنادي. وقال انه علم الاخ الرشید آقا محمد حسین كيفية صلاة الليل على النحو الماثور. وله مفتاح اسرار حسینی ورايت في سفري بطهران سنه ۱۳۸۰ ق رسالته في حدوث العالم ذاتاً وقدمه زماناً ومعه رسالته في القضاء والقدر ذكر في اواخرها ان لرشید الدين بن شهر آشوب (م ۵۸۸ ق) شرح للخطبة المعروفة بخطبة البيان وكذلك لابي الفتح محمد بن عبدالکريم الشهرستاني (۴۷۹-۵۴۸ق) شرح للخطبة. ويظهر من نقله وجودهما عنده. رایتهما في طهران سنه ۱۳۸۰ق وتاریخ کتابتهما ۱۲۶۹ق!.

۱ طبقات اعلام الشیعة، الكواكب المنتثرة في القرن الثاني بعد العشرة، آقا بزرگ تهرانی، ص ۴۲۵-۴۲۶.

۶/۳ دیدگاه ذکاوتی قراگزلو

آقای علیرضا ذکاوتی قراگزلو در مدخل کوتاهی در دایرة المعارف تشیع، دماوندی را چنین معرفی نموده اند:

«دماوندی، عبدالرحیم بن محمد یونس، از علما و عرفای شیعه در قرن دوازدهم هجری. وی شاگرد محمد صادق اردکانی و صاحب کتابی در عرفان شیعی به نام مفتاح اسرار حسینی است که در کربلا نوشته است. کبوتر آهنگی در مرآت الحق و العقاید المجذوبیة (اعتقادات) از آن نقل می کند، تاریخ تالیف کتاب ۱۱۴۹ ق و درگذشت مولف بعد از ۱۱۵۰ ق است. از کلمات اوست که سالک باید در بدو حال برای جمع شدن خاطر باید صورت شیخ را در نظر بگیرد و مشغول سلوک گردد. منابع: بستان السیاحة، ص ۳۱۳ و ۴۱۳؛ الذریعة ج ۲۱، ص ۳۱۶»^۱

در این نوشته کوتاه، دو سهو صورت گرفته:

نخست آنکه نام «محمد صادق اردستانی» اشتبهاً «محمد صادق اردکانی ذکر شده، دوم آنکه تاریخ تالیف کتاب مفتاح اسرار حسینی، سال ۱۱۴۹ ق ذکر شده، در حالی که سال ۱۱۶۰ ق صحیح است.

۷/۳ دیدگاه عبدالله صلواتی

آقای عبدالله صلواتی در دانشنامه جهان اسلام در مدخل «دماوندی، عبدالرحیم بن محمد یونس»، گزارشی از احوال و آثار دماوندی را در یک ستون دانشنامه نگاشته است. این گزارش اغلب برگرفته از آثار دماوندی است.^۲

۸/۳ در تراجم الرجال

استاد معظم آقا سید احمد اشکوری مدّ ظلّه العالی، در اثر ارزشمند خود تراجم الرجال، در دو جا از دماوندی یاد کرده، بار اول در ضمن احوال سید حسن بن محمد امین موسوی حائری، که دماوندی رساله شرح حدیث «صورتہ عاریة عن المواد»، را به نام او نگاشته است.^۳

۱ دایرة المعارف تشیع، ج ۷، ص ۵۷۹.

۲ دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۸، ص ۱۰۳.

۳ تراجم الرجال، سید احمد حسینی اشکوری، ج ۱، ص ۲۵۱.





بار دوم در ذیل احوال استادش محمد صادق اردستانی، ولی برای خود عبدالرحیم دماوندی، عنوانی منعقد نکرده است.^۱

۴) آثار دماوندی

دماوندی عارفی است که دوست داشته، یافته هایش را به قلم آورد. لذا او آیات و روایات را بر اساس یافته‌های درونی و باورهای فلسفی اش، شرح و تفسیر می‌کند. اثر عمده دماوندی کتاب مفتاح اسرار الحسینی است که تمامی باورها و یافته هایش را در آن درج نموده است. او علاوه بر این کتاب، چند رساله کوتاه، در بیان توحید به روش عرفانی و شرح برخی روایت های عرفانی نگاشته است که در مفتاح اسرار از آنها یاد کرده است.

برخی از آثار دماوندی، به دو نام خوانده شده و متأسفانه در فهرس، هر نام، به عنوان رساله ای جداگانه تلقی شده است. عنوان های مشترك در آثار دماوندی چنین است:

- رساله فیوضات حسینی که به نام تفضیل الانسان علی القرآن نیز نامیده می‌شود.
 - رساله حلّ رموز رضویه که با نام شرح حدیث راس الجالوت نیز خوانده شده است.
 - مفتاح اسرار الحسینی که به نام تحفه حسینی نیز خوانده می‌شود.
- بر اساس تفحص انجام شده، تاکنون یازده اثر از دماوندی شناسایی شده، که نسخه های خطی نه اثر موجود است. عنوان و مشخصات این نه اثر عبارتند از:

۱/۴) تحفه حسینی

محمدجعفر کبودر آهنگی در رساله اعتقادات خود، مطلبی را از رساله تحفه الحسینیة عبدالرحیم دماوندی نقل نموده است.^۲ همچنین نسخه ای از منتخب تحفه حسینیة عبدالرحیم دماوندی، در ضمن جنگ نفیس فلسفی و عرفانی عماد الدوله بدیع میرزا قاجار، تحریر شده است. این منتخب در فهرست مجلس چنین معرفی شده است:

منتخب تحفه حسینیة (ص ۹۷۰-۱۰۴۱): منتخبی است از رساله عبدالرحیم بن محمد یونس دماوندی (قرن ۱۲) با عناوین «مفتاح - مفتاح»؛ می‌دانیم که دماوندی اثری دارد موسوم

۱ همان، ج ۳، ص ۳۷۶.

۲ رسائل مجذوبیه، محمدجعفر کبودر آهنگی، ص ۹۶-۹۷.

به مفتاح اسرار حسینی و نیز فیوضات حسینیة از همین دماوندی در فهرستواره کتاب های فارسی (ج ۶، ص ۲۰۵) معرفی شده است:

آغاز: بسمله. منتخب از رساله موسومه بتحفة الحسینیة میرزا عبدالرحیم دماوندی علیه الرحمة. فصل اول فی اثبات الصنایع (کذا) شیخ اشراق قدس سره این نوع ... انجام: ... برای افضل خلق است که سید ما باشد و لهذا موسی × ممنوع شد از آن در این نشئه. شانزدهم.^۱

مطلب نقل شده از تحفه حسینیة توسط کبودر آهنگی، در مفتاح نوزدهم مفتاح اسرار حسینی، بعینه موجود است. همچنین مشخصات ذکر شده برای منتخب تحفه حسینیة، با مشخصات مفتاح اسرار مطابقت کامل دارد، لذا می توان با اطمینان کامل گفت که «تحفه حسینیة»، نام دیگری برای مفتاح اسرار الحسینی است و اثری جداگانه ای نمی باشد.

۲/۴) حاشیه تفسیر صافی

حاشیه بر تفسیر صافی ملا محسن فیض کاشانی. دماوندی در رساله اش فیوضات حسینیة از این حاشیه یاد کرده، ولی تاکنون نسخه ای از آن شناسایی نشده است.^۲

۳/۴) حل رموز رضویة (= شرح حدیث رأس الجالوت)

شرحی است فلسفی بر جمله منسوب به حضرت امام رضا × که فرموده: «بینا انت انت صرنا نحن نحن». دماوندی در این شرح از احادیث و اشعار عرفا و گفته های ملاصدرا استفاده نموده است. او این شرح کوتاه را به التماس بعضی از برادران ایمانی نگاشته شده و در آن حل رموز حدیث را می نماید. تاکنون از این رساله پنج نسخه شناسایی شده است.^۳

۴/۴) رساله در حدوث عالم

شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذریعة و طبقات، عنوان نموده که نسخه این اثر را - که تحریر سال

۱ فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۴۴، ص ۱۷۰-۱۷۸، نسخه ش ۱۵۹۸۲
۲ الذریعة، آقا بزرگ تهرانی، ج ۴، ص ۲۸۱، با عنوان: «تفسیر المولی عبدالرحیم الدماوندی» و ج ۶، ص ۴۵ با عنوان: «حاشیة تفسیر الصافی».
۳ فنخا، مصطفی درایتی، ج ۱۹، ص ۴۶۰.



۱۲۶۹ق بوده - در تهران، به همراه رساله قضا و قدر دماوندی در ضمن يك مجموعه، ملاحظه نموده است. آقا بزرگ می افزاید که این رساله را دماوندی در روز پنج شنبه در هفتم ماه صفر ۱۱۳۷ ق به پایان رسانده و آغاز آن چنین است:

آغاز: الحمد لله الدال علی وجوده بخلقه و علی قدمه بحدوث خلقه...^۱

۵/۴) شرح حدیث عاریه عن المواد عالیة عن القوة و الاستعداد

این شرح را دماوندی به درخواست سید حسن بن محمد امین موسوی حائری، در کربلا تالیف نموده و در مفتاح اسرار حسینی از آن یاد کرده است. این حدیث را آمدی در غر الحکم، نقل نموده است. بر اساس آن شخصی از امام علی × در باره عالم علوی سوال نموده، و امام در جواب وی فرموده‌اند که:

«صورت عاریه عن المواد، عالیة عن القوة والاستعداد، تجلی لها فاشرت...».

این شرح به شیوه فلسفی برگزار شده، و تاکنون نه نسخه از آن شناسایی گردیده است.^۲

۶/۴) شرح دعاء السمات

تاکنون يك نسخه از این اثر شناسایی گردیده است. این نسخه در کتابخانه وزیری یزد، در ضمن مجموعه شماره (۴۰۳۸)، قرار دارد. شرح دعای سمات رساله سوم این مجموعه است که تحریر آن در سال ۱۲۲۷ق صورت گرفته است.^۳

۷/۴) شرح حدیث معرفت نفس «خلق الانسان ذا نفس ناطقة...»

شرح حدیث مفصلی است که به حدیث معرفت نفس کامل معروف است و کامل در آن از علی × در باره معرفت نفس و اقسام آن پرسیده و حضرت پاسخ داده است. علامه مجلسی متن کامل این حدیث را در بحار، نقل نموده است.^۴

دماوندی شرحی بر این حدیث نوشته و در مفتاح اسرار الحسینی نیز از آن یاد کرده است و شرحش را چنین وصف نموده:

۱ الذریعة، ج ۲۶، ص ۲۷۲؛ طبقات اعلام الشیعة، الکواکب المنتشرة فی القرن الثانی بعد العشرة، ص ۴۲۶.

۲ فنخا، ج ۱۹، ص ۴۷۱.

۳ فنخا، ج ۱۹، ص ۶۵۶، به نقل از نشریه نسخه های خطی دانشگاه تهران: دفتر سیزدهم، ص ۳۵۷.

۴ بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی اصفهانی، ج ۵۸، ص ۸۵.

«و فقیر رساله ای علیحده در شرح این حدیث نوشته ام، کسی خواسته باشد رجوع به آن نماید که فواید عظیمه در آن جا هست».

تاکنون يك نسخه از این اثر در کتابخانه آیت الله گلپایگانی، شناسایی شده است.^۱

۸/۴) فیوضات حسینیہ (= تفضیل الانسان علی القرآن)

دماوندی این اثر را در کربلا، به درخواست میرزا ابوالقاسم درویش، و به فارسی نگاشته است. او در این اثر به تفضیل اهل بیت × بر قرآن کریم قائل شده و با استشهاد به روایات و گفته های فلاسفه متأخرین، مدعای خود را اثبات نموده است. این رساله کوتاه در کتابشناسی ها به دو نام: «فیوضات حسینیہ» و «تفضیل الانسان علی القرآن»، معرفی شده و عالم جلیل القدر شیخ علی اکبر نهاوندی، متن کامل آن را در کتابش جنتان مدهامتان در ضمن «الجنة الاولى» درج نموده است. تاکنون سه نسخه از این رساله شناسایی گردیده است.^۲

۹/۴) قضاء و قدر

رساله مختصر و مفیدی است در قضا و قدر، که ناظر بر حدیث «لا جبر و لا تفویض بل امر بین الامرین» نگاشته شده است.

او پس از ایراد نظریات اشاعره، به نقض گفتار آنها پرداخته و جبر را باطل کرده و به کلام خواجه نصیر طوسی از تجرید الاعتقاد و گفتار شارح کشف الحق نیز استشهاد جسته است. تاکنون دو نسخه از این رساله: نسخه اول در کتابخانه دانشکده ادبیات مشهد و نسخه دوم در کتابخانه آیت الله گلپایگانی^۳ در قم، شناسایی شده است.^۴

۱۰/۴) مفتاح اسرار الحسینی

این اثر مهم ترین و مفصل ترین تالیف دماوندی است و در ادامه این نوشتار، به تفصیل معرفی خواهد شد.

۱ کتابخانه آیت الله گلپایگانی، قم، نسخه خطی مجموعه شماره ۲۱۸/۶/۱۶۶۸، برگ «۱۲-۲۲ر».

۲ فنخا، ج ۲۴، ص ۶۶۷، که در آن دو نسخه از این رساله با عنوان فیوضات حسینیہ و ج ۸، ص ۹۰۱، که يك نسخه دیگر از آن با عنوان تفضیل الانسان علی القرآن، معرفی شده است.

۳ فنخا، ج ۲۵، ص ۲۵۱.

۴ مجله تراثنا، ش ۹۳، ص ۳.





۱۱/۴) وحدة الوجود و الموجود لاینافی المذهب الحق

موضوع این رساله اثبات واجب الوجود است. مؤلف در ضمن آن با استناد به احادیث و گفته‌های عرفا و فلاسفه، در صدد آن است تا اثبات کند که وحدت وجود مورد نظر صوفیه و عرفا، منافات با توحید ندارد. تعداد پنج نسخه از این اثر شناسایی شده است.^۱

۱۲/۴) چند رساله منسوب به دماوندی

در کتابخانه ملک تهران، جنگی فلسفی و عرفانی، نگهداری می‌شود که در اثنای آن، چند مطلب کوتاه، تحریر گردیده، بدین ترتیب:

۱. احادیث فی طریق المعبود (۵۲-۵۳ر)؛ ۲. احادیث فی التوحید (۵۴-۵۵پ)؛ ۳. احادیث فی المومن و علاماته و صفاته (۵۶-۵۷ر)؛ ۴. احادیث متفرقه (۵۸-۶۰ر)؛ ۵. تحقیق و تاویل و شرح احادیث و آیات (۶۴-۷۶ر).

در فهرست آن کتابخانه این مطالب به عنوان پنج رساله معرفی و به عبدالرحیم دماوندی، نسبت داده شده است.^۲ اظهار نظر قطعی در مورد مولف این رساله‌ها، نیازمند به رویت نسخه و بررسی محتوای آنها دارد، که امید است در اثر بعدی - که با عنوان «مجموعه رسائل دماوندی» عرضه خواهد شد - این امر میسر گردد.

۱۳/۴) اشعار دماوندی

اینکه دماوندی شعر می‌سروده یا نه، در مصادر مطلبی در این مورد نقل نشده است. ولی او ابیات و اشعار متعددی را در لابلای کتابش، برای استشهاد درج کرده است. او اغلب این اشعار را، از مثنوی معنوی، گلشن راز، و چند شاعر دیگر نقل نموده، ولی در برخی موارد ابیات مندرجه وی، در هیچ مصدری یافت نشده است. گمان می‌رود این اشعار بدون ماخذ، سروده خود دماوندی باشد.

۵) اساتید

مواد درسی خوانده شده توسط دماوندی و اساتیدی که در نزد آنها تحصیل نموده، به درستی روشن نیست. ولی او در لابلای آثارش، نام چند استادش را ذکر نموده، که عبارتند از:

۱ فنخا، ج ۳۴، ص ۳۲۶.

۲ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ملک، ج ۵، ص ۳۵۰. مجموعه شماره ۱۷۳۲، برگ‌های ۵۲ تا ۷۶.

۱/۵ محمد صادق اردستانی

دماوندی در در چند مورد از کتاب مفتاح اسرار حسینی، از مولی محمد صادق اردستانی (م ۱۱۳۴ ق) به عنوان استادش یاد کرده است. اردستانی از عارفان و فیلسوفان تاثیرگذار اواخر عهد صفوی است که در سال سقوط صفویه، چهره در نقاب خاک کشیده است. متأسفانه در دایرة المعارف بزرگ اسلامی و دایرة المعارف تشیع و دانشنامه دانش گستر، مدخلی برای شرح احوال و اندیشه های اردستانی، اختصاص نیافته است. تفصیل احوال وی در دانشنامه تخت فولاد، ج ۱، ص ۱۵۶-۱۶۰، به همراه تصویر مزار وی، به قلم دوست گرامی و دانشمند محمد حسین ریاحی و مرتضی شفیع اردستانی، قابل دسترسی است. در آنجا آمده که وی در سال ۱۰۵۴ ق در چشم به جهان گشوده و در سال ۱۱۳۵ ق هنگام محاصره اصفهان دارفانی را وداع گفته و مزار او هم اکنون در تخت فولاد، زیارتگاه مومنان است.

در فنخا از اردستانی، سه اثر معرفی شده، با این عنوان ها:

۱. رساله در جعل^۱؛

۲. مراسله در جعل^۲؛

۳. گواهی قرائت گوهر یگانه توسط محمد حسین^۳ که نسخه آن را در کتابخانه مجلس به شماره ۱۰۱۰۴، معرفی کرده اند.

در دانشنامه تخت فولاد، برای اردستانی، دوازده اثر گزارش شده، که برخی عنوان ها تکراری است، که با حذف مکررات، هشت اثر برای اردستانی در دانشنامه تخت فولاد یاد شده است:

۱. رساله حکمت صادقیه؛ ۲. رساله جعل؛ ۳. رساله در وحدت وجود (عربی)؛ ۴. رساله در تفسیر آیه نور؛ ۵. حاشیه شفا؛ ۶. رساله تباشیر در عرفان؛ ۷. اختیارات الایام و الساعة (فارسی)؛ ۸. کلید بهشت. از هشت عنوان یاد شده، به جز رساله جعل - که قطعاً تالیف اردستانی است و ملا عبدالرحیم دماوندی در چند جا در مفتاح اسرار حسینی از آن یاد نموده - انتساب بقیه آثار به اردستانی محل تردید است.

۱ فنخا، ج ۱۰، ص ۱۲۵.

۲ فنخا، ج ۱۰، ص ۱۲۶.

۳ فنخا، ج ۲۷، ص ۱۷۳.



رساله جعل اردستانی

مهم‌ترین اثری که از اردستانی تاکنون شناخته شده رساله جعل وی است. در این رساله کوتاه، اردستانی مساله مهم و فلسفی یعنی نحوه جعل اشیاء از سوی باری تعالی را بحث، و نظر خود را بیان کرده است. از ملا محمد صادق اردستانی دو رساله در جعل و هر دو به فارسی در دست است.

اولی رساله کوتاهی است به فارسی که اردستانی آن را در پاسخ پرسش خاکسار علی حسینی نگاشته است. که تصویر دو نسخه از آن در کتابخانه فقیر به شماره (۵۷۳ و ۵۷۴) موجود است.

دیگری رساله ای به نام رساله در جعل به فارسی و باز از اردستانی است که نسخه ای از آن در مجموعه شماره ۵۰۹۳ کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است و دماوندی متن کامل آن را در مفتاح دوم کتاب حاضر درج نموده است.

۲/۵ حکیم میرزا حسن (لاهیجی) قمی

دماوندی در مفتاح دوازدهم از کتابش، چنین می نویسد:

«و به فقیر مناجاتی از جناب امیر المؤمنین × رسیده است که مشتمل بر این مطلب عالی است و فواید بیشمار به برکت آن جناب به این عاجز رسیده و می رسد، ان شاء الله و آن مناجات را بعضی عرفا مثل حافظ رجب برسی (قده)، متفرق در کتاب خودش نقل نموده و به این فقیر سند آن مناجات به چند واسطه از عارف محقق میرزا حسن قمی قدس سره رسیده، که میرزا به ترتیبی که مذکور می شود، مسند ساخته است آن را به جناب امیر المؤمنین × که در نزد قبر خاتم الأنبیاء | می خواندند»^۱

مرحوم استاد سید جلال الدین آشتیانی در تعلیقه بر این موضع، چنین مرقوم نموده اند: مراد او شاید صاحب شمع الیقین فرزند صاحب شوارق باشد.

حکیم میرزا حسن لاهیجی قمی (م ۱۱۲۱ق) فرزند حکیم نامی میرزا عبدالرزاق لاهیجی، و نوه دختری ملا صدرا می باشد. از این عبارت معلوم می شود که دماوندی این دعا را از میرزا

۱ مفتاح اسرار الحسینی، عبدالرحیم دماوندی، ص ۱۴۴.

بشد که هر مشت که خند خیال یافت تبتیکت در بار زرتشت اول است و اینجا
 نه شسته است نه از آنکه خدا نظر جمیع کلین را به مقام در منزل که خود مقدر زرتشت
 برساند بخیر و آدر بتلاک تو اخذ نا ان لسینا او اخطانا ربتنا و
 لا تحمل علينا اصراکم كما حملته علی الذین من قبلنا ربتنا
 ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به واعف عنا و اغفر لنا و اجنا
 انت مولنا فانصرنا علی القوم الکافرین و الحمد لله
 رب العالمین و الصلوة و السلام علی محمد خاتم النبیین و
 علی آله الطاهیرین و الخلفاء الهادین المهتدین المومنین
 فی غرض کتاب مقصود اصحاب صنفان از تصنیف و تالیف در تبتیکت است که
 یکا بر شد که اگر زرتشت را در نظر خود بخواند بشکرت از آنکه تبتیکت تصنیف کرده که جمیع روزها
 یا در روز نیک و گوید در رحمت حق باشد و علامت بر او که چنین نماز را که موجب و ایت طلبنا
 معارف قیمتی اندر در ملک تالیف در زرتشت و بدو از زرتشت زده بمقدار تراست اعلام
 ساکنان و عافان ابن زرتشتین محمد و علی و حسن و حسین و آل محمد است یا
 عزیز گویم رحمت بر او باد که در وقت تبتیکت از آنکه از آنکه اشتهای نیت
 انظر یوم الجمعة ثلث عشر شهر جماد الثانی من شهر سنه ثانی و ستین و مائة بعد الف
 فی غنیمة العلیة سید شهید علیه الرحمة و الشفاء برستان تو ادر سار است
 اگر قبول ترافته زرتشت است الحمد لله الذی هدانا لهذا وما
 كنا لنهتدی لولا ان هدانا الله

میراث شهاب

اسرار دماوندیه



حسن به چندین سند اخذ نموده است.

یعنی میرزا حسن لاهیجی، چند سند نقل به دعای یاد شده داشته و همه را به صورت اجازه ذکر و قرائت دعا، به دماوندی عطا نموده است.

۳/۵) آقا خلیل اصفهانی

آقای عبد الله صلواتی در مقاله ارزشمند شان که با عنوان «دماوندی؛ عبدالرحیم بن محمد یونس» در دانشنامه جهان اسلام، نوشته اند، آقا خلیل اصفهانی را از اساتید دماوندی ذکر نموده ولی ماخذی برای آن ذکر نکرده اند.^۱

گویا منظور از خلیل اصفهانی، ملا خلیل بن محمد اشرف قائنی الاصفهانی (م ۱۱۳۶ق) است که شیخ آقا بزرگ تهرانی در طبقات، شرح حال وی را آورده است.^۲

۶) شاگردان

به استناد برخی مصادر، چند شخصیت را می توان به عنوان شاگرد دماوندی قلمداد نمود. اسامی آنها عبارت اند از:

۱/۶) شهید نصرالله مدرس حائری (شهادت حدود ۱۱۶۸ق)

شیخ آقا بزرگ تهرانی در طبقات اعلام الشیعة، چنین می نویسد:

«عبدالرحیم: من اجلّ اساتذة نصرالله المدرس الحائري الشهيد حدود سنة ۱۱۶۸ق، ولنصرالله هذا مدحٌ جميل لاستاذه الاجلّ صاحب الترجمة موجود في ديوانه».^۳

گویا منظور از عبدالرحیم، همین شخصیت مورد بحث ما، یعنی عبدالرحیم دماوندی است. زیرا دماوندی سالها مقيم كربلا بوده و عاقبت در این شهر در گذشته است و سید نصرالله مدرس حائری، در كربلا از محضر او استفاده نموده است. متأسفانه دیوان نصرالله مدرس، در دسترس نبود تا اطلاعات بیشتر در این زمینه درج گردد.

۱ دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۸، ص ۱۰۳.

۲ طبقات اعلام الشیعة، الكواكب المنتثرة، ص ۲۴۳.

۳ طبقات اعلام الشیعة، الكواكب المنتثرة، ص ۴۲۵.

۲/۶) محمد اصفهانی

محمد بن نورالدین محمد اصفهانی، نسخه ای از مفتاح اسرار حسینی را در کربلا در زمان حیات مولف تحریر نموده و در روز جمعه ۱۳ جمادی الثانی ۱۱۶۲ ق، به پایان رسانده است. او در ترقیمه خود از دماوندی با دعای «دام ظلّه العالی» یاد می کند. همچنین در یک مورد در حاشیه آن نسخه، حاشیه ای را با نشان «منه دام ظلّه» از مولف نقل می کند که از آن احتمال شاگردی وی نزد دماوندی، استشمام می گردد.

۳/۶) سید عبد الله جزایری

سید عبد الله جزایری، دماوندی را در کربلا ملاقات نموده است. او در کتابش الاجازة الکبيرة از دماوندی یاد نموده و می گوید: «رایتّه بالمشهد و تقاوضنا فی بعض المسائل». او را در مشهد (کربلا) دیدم و با هم در بعضی مسائل گفتگو کردیم.^۱

۴/۶) محمد حسین و برادرش

شیخ آقا بزرگ در طبقات، یکی از شاگردان دماوندی، را ذکر کرده و گفته که او استادش دماوندی را ستوده و گفته که استادم دماوندی، به برادرم محمد حسین نماز شب را یاد داده است. نصّ شیخ چنین است:

«وصفه (عبدالرحیم الدماوندي) بعضُ تلامیذه بقوله: الخبر الملی المبرز للحقایق، استادی وعلیه استنادی. وقال انه علم الاخ الرشید آقا محمد حسین کیفیة صلاة اللیل علی النحو الماثور»^۲

۷) عنوان کتاب حاضر و سبب تالیف

چنانچه شد که مفصل ترین اثر دماوندی، کتاب ارزشمند وی مفتاح اسرار حسینی است. این اثر شامل تمامی اندیشه های عرفانی فلسفی دماوندی است. دماوندی قبل از تالیف این اثر، برای بیان برخی اندیشه های خود، اقدام به تالیف رساله های مختصری نموده بود. او در این اثر خلاصه و چکیده رساله های قبلی خود را، به همراه مطالب زیادی از مکاشفات و یافته های فلسفی و عرفانی، درج نموده است و این اثر آینه تمام نمای، آرای دماوندی می باشد.

۱ الاجازة الکبيرة، سید عبد الله جزایری، ص ۱۴۴.

۲ طبقات اعلام الشیعة، الکواکب المنتثرة، ص ۴۲۵-۴۲۶.



۱/۷) عنایات امام حسین ×

دماوندی نام کتابش را مفتاح اسرار الحسینی، نهاده است. منظور وی از پسوند «الحسینی» در عنوان کتابش آن است که اسراری را که در این کتاب، به قلم آورده، عنایاتی است که از طریق امام حسین × نصیب او گردیده است. چون او مجاور حرم حسینی بوده و در کتابش هم از امام حسین × به عنوان مرشد خود، مکرر یاد کرده است. پس او تمامی اندیشه های عرفانی و همچنین مکاشفاتی را که در این کتاب، بر کلك قلم جاری ساخته، همه را از گوشه نظر و عنایت آن حضرت می داند.

استاد آشتیانی در مقدمه خود بر مفتاح اسرار، نام آن را «مفتاح اسرار حسینی در شرح اسماء الهیه»، ذکر کرده، که قبل از این گفته شد که اضافه نمودن این پسوند درست نیست و موضوع این کتاب عرفان نظری و عملی و بیان مکاشفات است و بحثی در باره اسماء الهی در آن به چشم نمی خورد، چنانچه خود تصریح می کند:

«در واقع این کتابی است مشتمل بر بعضی اسرار که در کتب و رسائل اکابر عرفا و حکما نیست، کم ترك الاولون للآخرین، و آنچه را اولیاء الله مشاهده نموده اند، دلیلش از اشارات کتاب و سنت در این کتاب مذکور است، و خدای تعالی آن اشارات را به این فقیر الی الله افاضه فرموده اند، که مشاهدات قلبیه وقتی که مؤید است به اشارات کتاب و سنت، نور علی نور است آن مشاهدات؛ و جمیع مراتب و مقامات در کتاب و سنت است، طوبی لمن لقیها.»

۲/۷) نام و تاریخ تألیف

دماوندی در مقدمه خود بر مفتاح گوید که:

«و مسمی شده است به مفتاح اسرار الحسینی، موافق تاریخ اتمامش.»

از این عبارت روشن می شود که دماوندی نام کتابش را «مفتاح اسرار الحسینی»، نهاده است. و الف و لام در اول کلمه «حسینی»، جزء نام کتاب است. زیرا که دماوندی نام کتابش را، ماده تاریخ اتمام آن قرار داده و تاریخ تألیف کتاب قطعاً سال ۱۱۶۰ ق است که با عبارت «مفتاح اسرار الحسینی» موافق است. و اگر الف و لام داخل اسم نباشد، عدد سی و یک باید از ۱۱۶۰ ق کسر گردد، که می شود ۱۱۲۹ ق، که درست نیست. زیرا دماوندی در اثنای کتابش



از مکاشفات خود در سال ۱۱۵۴ق یاد کرده است. پس سال تألیف این اثر ۱۱۶۰ق، موافق اعداد ابجدی نام آن «مفتاح اسرار الحسینی»، می باشد.

۳/۷) مدت تألیف مفتاح اسرار

آنچه از بررسی نسخه های کتاب به دست می آید، این است که مولف این اثر را در طول چندین سال نوشته و همیشه به استناد مکاشفات و وقایع عرفانی که برایش رخ می داده، در مطالب کتابش تجدید نظر می کرده است.^۱

۸) محتوای کتاب

دماوندی بنا داشته در این اثر، آخرین یافته های عرفانی و سیر وسلوکی خود را برای استفاده سالکین، به قلم آورد. او ابتدا مسائل و اعتقادات توحیدی را که پایه و اساس اصلی سیر وسلوکی صحیح است، بیان می کند تا سالک با داشتن اعتقاد صحیح و درست، قدم در وادی سیر و سلوکی بگذارد. او پس از آن برخی خطاهایی را که عده ای از سالکین گرفتار آن شده اند، بیان می دارد. دماوندی در ادامه مهمترین مسائل عرفانی را که اطلاع از آنها برای سالکین لازم است، به تفصیل به قلم آورده، و کتابش را در یک مقدمه و سی و هفت مفتاح و یک خاتمه، تنظیم نموده است. در اینجا برای اطلاع خوانندگان از ساختار محتوایی کتاب، توضیحات کوتاهی در باره موضوعات مطرح شده در کتاب، ذکر می گردد.

۱/۸) توحید باری تعالی

دماوندی هشت مفتاح اول کتابش را به توحید باری تعالی و نفی تشبیه و تجسیم اختصاص داده است، تا سالکان، سلوکی عرفانی خود را بر پایه و اساس توحید صحیح، برگرفته از آیات قرآنی و روایات اهل بیت \times ، بنا نهند و از خطاها و لغزهای اعتقادی مصون مانند. او در این مفتاح ها، برای تبیین مطالب، در مفتاح دوم متن کامل رساله جعل استادش محمد صادق اردستانی، را درج نموده، که تاکنون، تنها اثر منتشر شده از اردستانی به شمار می رود. همچنین در مفتاح هفتم، به شرح حدیث علوی موسوم به حدیث حقیقت که کمیل از امیر المؤمنین \times نقل نموده، می پردازد.

۱ برای توضیحات بیشتر در این زمینه به مقدمه کتاب مفتاح اسرار الحسینی رجوع شود.



۲/۸ نقد عقاید باطله برخی صوفیه

در مفتاح نهم، مؤلف افکار باطله عده‌ای از مدعیان سلوک را در باره توحید، نقد می‌کند و افکار آنها را در توحید، مانند افکار نصاری می‌داند.

۳/۸ یافته‌های عارفان

دماوندی در مفتاح دهم تا سیزدهم، به توضیح یافته‌های عرفا در سیر و سلوک می‌پردازد. او در این مفتاح‌ها، به مرتفع شدن حجاب تعین در نظر شهود عارف، باقی بودن حکم حجاب و بیان فناء فی الله، تفاوت بین فرق و جمع، تفاوت فصل و وصل و حرکت و سکون، می‌پردازد و در مفتاح دوازدهم به مراعات مقام، توصیه می‌کند و در مفتاح سیزدهم، متذکر می‌شود که حضرت احدیت و حقیقت اشیاء، برای احدی، غیر حق تعالی ظهور نمی‌کند.

۴/۸ رؤیت حق تعالی

مفتاح چهاردهم، به تحقیق رؤیت حضرت حق و انواع تجلیات الهیه، اختصاص یافته و در مفتاح پانزدهم، درباره به تحقیق طلب رؤیت از سوی حضرت موسی \times ، پرداخته و در مفتاح شانزدهم چگونگی رؤیت حضرت حق را، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

۵/۸ فرق وحی و الهام و ...

دماوندی در مفتاح هفدهم تا بیستم، به بیان موضوع علوم و فرق میان وحی و الهام، متحمل شدن اسرار ولایت توسط کُمَّل اولیاء و مرشد شناسی، پرداخته و در ادامه آیه نور را شرح و تفسیر نموده است.

۶/۸ در دیدن حضرت پیامبر | در روایا

دماوندی مفتاح بیست و یکم را، به تفسیر و شرح روایت «من رانی فی المنام فقد رآنی» اختصاص داده و بحث‌های کلامی مبسوطی در این باره آورده، و تحقیقات گسترده‌وی در این موضوع، موجب گشته که این مفتاح، از بخش‌های مهم و جذاب این کتاب، باشد. دماوندی در ادامه این بحث، به کاوش درباره عالم مثال و اجساد مثالیّه پرداخته، و قائلین به عدم آنها را ردّ نموده است.

در مفتاح بیست و سوم، دماوندی رؤیای حضرت فاطمه زهراء (س) را نقل و بررسی می‌کند. بر اساس آن خواب، حضرت زهراى اطهر (س) پدر بزرگوارشان را در خواب می‌بیند که از دنیا رفته است. بر این اساس سوال پیش می‌آید که در حالی که حضرت زنده بوده اند چگونه دخترشان در خواب، ایشان را به آن حالت دیده است. مولف مدعی می‌شود که علما تاکنون در حلّ مشکل این خواب در مانده بودند و من به عنایت روحی حضرت فاطمه زهراء (س) توانستم، این معضل را حلّ نمایم.

۷/۸) اختلاف مراتب نفوس

مفتاح بیست و چهارم به بیان اختلاف مراتب انسان‌ها از نظر خلقت و رشد درجه ایمان، اختصاص یافته و مولف معتقد است که این مساله از جمله مسایل «مفروغ عنها» و از مسایل بدیهی است. بعد از آن در بیان طبقات مردم، ابتدا از بیانات قرآن کریم آغاز می‌کند که انسانها را به سه دسته: مقربین، اصحاب یمین و اصحاب شمال، تقسیم کرده است. بعد از آن به تقسیماتی که در روایات شیعی در کتاب کافی ذکر شده پرداخته که بر اساس آن ایمان مومنان دارای مراتبی است.

دماوندی سپس به تقسیمات دیگری که در روایات شیعی برای مراتب انسانها بیان شده می‌پردازد. که در آن برخی از نفوس را ملکوتی و برخی را فوق ملکوتی، یعنی جبروتی و در مقابل آن دو، نفوسی را ملکی یعنی خاکی و دنیایی دانسته اند و در پایان به «اول ما خلق الله» می‌پردازد که واسطه آفرینش نفوس مذکور است و آن را عقل می‌داند.

۸/۸) صادر اول و انسان کامل

در ادامه دماوندی، سه مفتاح: مفتاح بیست و پنجم و بیست و هفتم و بیست و هشتم را، به بحث درباره تطابق عوالم وجود، تحقیق در باره صادر اول و اوصاف انسان کامل، اختصاص داده است.

۹/۸) حضرت امام زمان

نویسنده مفتاح بیست و هشتم را به بحث درباره حضرت مهدی # اختصاص داده و در آن





بدون اشاره صریح به نظرات مخالفین، به ردّ شبهات آنان پرداخته است. به دلیل اهمیت و جایگاه این موضوع در عرفان و سیر و سلوک، دماوندی در مفتاح بعدی، به بیان ختم ولایت، پرداخته و اثبات نموده که مصداق آن حضرت امام # هستند.

۱۰/۸ شرح احوال عرفانی مؤلف

مفتاح سی ام را دماوندی به بیان سیر و سلوک خود اختصاص داده است. این بخش از ویژگی‌های مهم این کتاب است، زیرا که عارفان کمتر به بیان حالات معنوی و عرفانی رخ داده در اثنای سیر و سلوک شان پرداخته‌اند. ولی دماوندی واردات و حالات روحی خود را با ذکر تاریخ دقیق آنها و نیز حال ظاهری اش در هنگام ورود واردات معنوی بیان نموده، و این فاش‌گویی، موجب شده که این بخش از بخش‌های جذاب این اثر باشد.

۱۱/۸ عرفان و سیر و سلوک

هفت مفتاح آخر کتاب به مباحث متعلق به عرفان و سیر و سلوک، اختصاص یافته، و در آنها پیرامون موضوعاتی چون: شراب عرفانی اولیای الهی، ریاضات ارباب حقایق، تحقیق عشق و انواع آن، محاسبه نفس، سیر و سلوک و مراتب آن و بیان منامات و واقعات و مراقبه، تحقیق کشف و قلب و مجاهده نفس، مباحث مهمی مطرح شده است.

دماوندی در مفتاح سی و ششم بیان می‌کند که اولیای الهی انوار را با چشم بصیرت مشاهده می‌نمایند و مفتاح آخر کتابش را - مفتاح سی و هفتم - به بحث توبه سالک و مشغول شدن سالک به ذکر و عبادات، با ارشاد مرشد کامل، پرداخته و در پایان بحث اطوار هفت‌گانه قلب را پیش کشیده است.

۱۲/۸ مصادر مؤلف

دماوندی دانشمندی کتاب شناس و متتبع بوده و در تدوین این اثر از منابع متعدد و مصادر مختلف، استفاده نموده است. مصادر مورد استفاده دماوندی تنوع زیاد داشته و مصادر تفسیری، روایی، فلسفی، عرفانی و ... را در بر می‌گیرد. تعدادی از مصادر مورد استناد وی هنوز منتشر نشده و به صورت مخطوط یا چاپ سنگی، باقی مانده است.

۹) نسخه های خطی کتاب

از مفتاح اسرار الحسينی نسخه های متعددی در دست است. در فهرست دنا تعداد بیست و يك نسخه^۱، و در فنخا با حذف نسخ تکراری معرفی شده در دنا، تعداد نوزده نسخه از مفتاح اسرار معرفی شده است.^۲ بعد از فنخا هم تعداد سه نسخه دیگر از مفتاح اسرار، شناسایی شده است.^۳ بدین ترتیب تعداد نسخه های شناسایی شده از این اثر، به بیست و دو نسخه بالغ شده است.

۱/۹) نسخه تصحیحی استاد آشتیانی

چنانچه قبلاً ذکر شد، استاد سید جلال الدین آشتیانی، برای اولین بار کتاب مفتاح اسرار الحسينی را در مشهد، تحقیق و تصحیح نموده و در ۲۶ ذی حجة الحرام ۱۳۹۶ هجری قمری، به پایان رسانده است. متأسفانه استاد هیچ مشخصاتی از نسخه یا نسخه های خطی کتاب مفتاح اسرار، که تصحیح را از روی آن انجام داده، به دست نداده است. ولی در نسخه چاپی استاد، چهار نوع پاورقی به چشم می خورد، که نشانه استفاده از چند نسخه کتاب است، بدین ترتیب:

۱. اختلاف نسخه هایی با رمز (م)؛

۲. اختلاف نسخه هایی با رمز (ز)؛

۳. اختلاف نسخه هایی بدون علامت؛

۴. تعلیقات توضیحی و تحلیلی که استاد آشتیانی نوشته اند و در انتهای برخی از آنها

امضای «جلال» به چشم می خورد ولی اغلب آنها بدون نام هستند.

از این پاورقی ها معلوم می گردد که استاد، حداقل از سه نسخه خطی مفتاح اسرار استفاده

نموده، ولی مشخصات این نسخه ها معلوم نیست.

۱ دنا، ج ۹، ص ۱۰۲۰.

۲ فنخا، ج ۳۰، ص ۷۶۹.

۳ این سه نسخه عبارتند از: ۱. آستان قدس رضوی، نسخه ش ۱۱۳۰۰؛ ۲ و ۳. کتابخانه مجلس، نسخه ش ۶۷۲ و ش ۱۹۱۰۷.





۲/۹) نسخه‌های استفاده شده در تصحیح جدید

در تصحیح مجدد مفتاح اسرار الحسينی - که با تصحیح اینجانب و از سوی نشر آیت اشراق منتشر شده - نه نسخه کهن و مهم، از این اثر، مورد استفاده قرار گرفته است.^۱

۱۰) نسخه‌های موجود در کتابخانه آیت الله مرعشی

از تعداد بیست و دو نسخه خطی مفتاح که ذکر شد، تعداد چهار نسخه آن، در بزرگترین گنجینه جهان اسلام، یعنی کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی - قدس سره العالی - نگهداری می‌شود. یکی از این نسخه‌ها، کهن‌ترین نسخه این اثر است، که در حضور مولف در کربلا کتابت شده است. مشخصات و ویژگیهای این چهار نسخه، عبارتند از:

۱/۱۰) نسخه محمد اصفهانی شاگرد مولف

این نسخه به شماره (۱۵۹۹۱) در کتابخانه آیت الله مرعشی نگهداری می‌شود^۲ و کهن‌ترین نسخه شناخته شده از این کتاب است. این نسخه نفیس را محمد بن نورالدین محمد اصفهانی، به خط نسخ و نستعلیق زیبا تحریر و در روز جمعه ۱۳ جمادی الثانی ۱۱۶۲ ق، به پایان رسانده است. این نسخه در قطع پالتویی به عرض ۱۳/۵ و طول ۲۳/۵ سانتی متر و دارای ۲۲۲ صفحه، ۱۹ سطری است. اندازه متن نوشته شده در صفحه‌ها، به عرض ۸ و طول ۱۸ سانتی متر، می‌باشد.

کاتب عنوان مفتاح‌ها را به شنگرف و در چند مورد با زنگار و خط جلی نوشته و متن کتاب را به نستعلیق و آیات و ادعیه را به نسخ جلی تحریر نموده است. اصفهانی این نسخه را در کربلا - در محضر مولف - نگاشته و در ترقیمه از مولف با دعای «دام ظلّه العالی» یاد می‌کند. همچنین در یک مورد (برگ ۸) حاشیه‌ای منقول از مولف، با نشان «منه دام ظلّه» تحریر نموده، که در نسخه‌های دیگر این مطلب در متن کتاب قرار گرفته، و از آن معلوم می‌شود که این مطلب را بعداً اضافه نموده، و این نسخه، اساس نسخه‌های دیگر بوده است. متن ترقیمه کاتب در این نسخه چنین است:

۱ برای مشخصات و ویژگی‌های، این نه نسخه، به مقدمه مفتاح اسرار الحسينی، ص ۴۴-۵۱، مراجعه شود.
 ۲ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی، ج ۴۰، ص ۴۴۵-۴۴۶.

«چون غرض کلی و مقصود اصلی مصنفان از تصنیف و تألیف و ترتیب کتاب آن است که یادگاری باشد که اگر عزیزی و طالبی بخواند به شکرانه آن نعمت مصنف - دام ظلّه العالی - به ذکر جمیل و دعای خیر یاد آوری نماید و گوید که رحمت حق - جلّ و علا - بر او باد، که چنین معانی را که موجب هدایت طالبان معارف یقینی اند، در سلك تالیف در آورده و بعد از آن این ذره بی مقدار تراب اقدام سالکان و عارفان، ابن نور الدین محمد محمد اصفهانی را، (شعر)

غرض ز این جمله آن تا گر کند یاد

عزیزی گویدم رحمت بر او باد

قد فرغت من كتابة هذه الرسالة الشريفة في وقت الظهر يوم الجمعة ثالث عشر شهر جمادى الثاني من شهور سنة اثنين و ستين و مائة بعد الالف (١١٦٢) في عتبة العليّة سيد الشهداء - عليه التحية و الثنا - (شعر):

بر آستان تو آید سر ارادت ما

اگر قبول تو افتد زهی سعادت ما

قبل از شروع کتاب در صفحه اول آن، یادداشتی به فارسی در اوصاف شیعه تحریر شده و در صفحه دوم این نسخه در بالای صفحه عنوان، مهر بیضوی بزرگ با نقش: «محمد بن مهدی بحرالعلوم الحسینی ۱۱۹۶». دیده می شود که گویا متعلق به علامه سید محمد مهدی طباطبایی مشهور به بحر العلوم است. بعد از اتمام کتاب در دو صفحه، ترجمه فارسی حدیث عنوان بصری - بدون نام کاتب و تاریخ کتابت - تحریر شده است.

این نسخه در حضور مولف تحریر شده و تاریخ تحریر آن ۱۳ جمادى الثاني ۱۱۶۲ق، است و این آخرین تاریخ مضبوط، از اواخر عمر مولف بوده و درگذشتش بعد از این تاریخ اتفاق افتاده است.

۲/۱۰ نسخه ابراهیم رضوی

این نسخه به شماره ۳۵۲۲ در کتابخانه آیه الله مرعشی، نگهداری می شود و آن را ابراهیم

۱ فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی، ج ۳۶، ص ۴۰۰-۴۰۱.



رضوی^۱ به خط نسخ زیبا و خوانا تحریر و پنجم رمضان ۱۳۳۱ق، به پایان رسانده است. این نسخه دارای ۲۳۶ صفحه، ۱۷ سطری، به طول ۲۲ و عرض ۱۸ سانتی متر است. در حواشی این نسخه نشان «مقابله شد» به چشم می خورد.

از روی این نسخه، نسخه شماره ۵۶۰۶ دانشگاه تهران، کتابت گردیده است. این نکته را کاتب نسخه دانشگاه، حسین بن احمد گرجی، که در سال ۱۲۷۲ق نسخه اش را تحریر نموده، در آخر نسخه خود متذکر شده است.^۲

۳/۱۰ نسخه علینقی بن محمد جعفر کبوتر آهنگی

این نسخه در ضمن مجموعه شماره ۹۸۱۸ در کتابخانه آیت الله مرعشی قرار گرفته، که دارای چهار رساله عرفانی است^۳، با این عنوان‌ها:

۱. شرح حدیث انا اصغر من ربی بستین، از ملا محمد جعفر بن صفرخان همدانی کبودر آهنگی (م ۱۲۳۹) (پ-۷پ)؛
۲. مفتاح اسرار الحسینی، تحریر ۱۲۷۰ق (پ-۹-۱۰۰پ)؛
۳. جامع کلیات، از دختر قطب الدین نیریزی متخلص به دعا (۱۰۱-۱۴۵پ)؛
۴. مجمع البحار، از مظفر علی کرمانی (م ۱۲۱۵ق) (پ-۱۴۷-۱۸۹ر)؛
۵. دو نسخه پزشکی به نامه های «معجون الفلاسفه» و «حب مشهی هاضم مقوی المعدة» (۱۹۰ر).

این مجموعه دارای ۳۸۰ صفحه و سطور صفحه‌ها بین ۱۵ - ۱۹ در نوسان است. اندازه نسخه هم به طول ۲۱ و عرض ۱۵ سانتی متر می باشد. رساله اول این مجموعه (شرح حدیث انا اصغر من ربی بستین) را فرزند مولف، علینقی بن محمد جعفر کبوتر آهنگی کتابت نموده، ولی تاریخ کتابت را ذکر نکرده است. باقی رساله‌های مجموعه به خطی مغایر با خط علینقی تحریر شده و کاتب نامش را ذکر نکرده، و تاریخ تحریر آنها ۱۲۷۰ ق است. در فهرست مرعشی همه رساله‌های مجموعه به خط علینقی، معرفی شده، که صحیح نیست.

۱ نام کاتب این نسخه در فنخا، ابراهیم بن علی اکبر رضوی، آمده ولی در خود نسخه، ابراهیم رضوی، نوشته است.
 ۲ ر.ک: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشگاه تهران، ج ۱۶، ص ۴۵.
 ۳ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی، ج ۲۵، ص ۱۴۵-۱۴۶، که در آن فقط سه اثر از این مجموعه - رساله اول و دوم و چهارم - معرفی شده، و رساله سوم (جامع کلیات) معرفی نشده است.

۱۰/۴) نسخه شماره ۱۴۷۴ کتابخانه آیت الله مرعشی^۱

کاتب، این نسخه را به خط نسخ زیبا تحریر نموده و بنا داشته عنوان ها را با شنگرف مشخص کند و تا آغاز مفتاح ششم، این کار را انجام داده، ولی بعد از آن جای عنوان ها خالی مانده است. این نسخه در اواخر مفتاح چهاردهم، به پایان می رسد، با توجه به ناتمام ماندن نسخه، نام کاتب و تاریخ کتابت، در این نسخه موجود نیست ولی به قرینه خط و کاغذ، نسخه تحریر آن در اوایل سده سیزده هجری صورت گرفته است. این نسخه، به عرض ۱۵ و طول ۲۱ سانتی متر و دارای ۵۰ صفحه ۲۳ سطری است.

منابع

الاجازة الكبيرة، سید عبد الله جزائری، تحقیق محمد سمایی حائری، قم کتابخانه مرعشی، ۱۴۰۹ ق.

تراجم الرجال، سید احمد اشکوری، بغداد، دار الکفیل، ۱۴۳۹ ق، چاپ ۴، ۴ ج. دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۸، مدخل «دماوندی»، نوشته علیرضا ذکاوتی قراگزلو. دایرة المعارف تشیع، جلد ۷، مدخل «دماوندی»، نوشته عبد الله صلواتی.

دنا (فهرستواره دستنوشته های ایران)، به کوشش مصطفی درایتی، تهران، کتابخانه مجلس، ۱۳۸۹ ش، ۱۲ ج.

طبقات اعلام الشيعة (الروضة النضرة في علماء المائة الحادية عشرة)، شیخ آقا بزرگ طهرانی، قم، اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۳۶۷ ش.

طرائق الحقائق، محمد معصوم نایب الصدر معصوم علیشاه شیرازی، به کوشش محمد جعفر محبوب، تهران، ۱۳۵۲-۱۳۴۹ ش، ۳ ج.

فنخا (فهرستگان نسخه های خطی ایران)، به کوشش مصطفی درایتی، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۳-۱۳۹۱ ش، ۴۵ ج.

فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی

۱ همان، ج ۴، ص ۲۶۶-۲۶۷.



نجفی، ج ۴۲ و ۴۴.

مرآت الحق، محمد جعفر کبودر آهنگی همدانی، با تصحیح و مقدمه دکتر جواد نوربخش، تهران، خانقاه نعمت الهی، ۱۳۵۳ ش.

مفتاح اسرار الحسینی، عبد الرحیم دماوندی، با تحقیق و تصحیح و مقدمه علی صدرایی خویی، قم، انتشارات آیت اشراق، پاییز ۱۳۹۸ ش، وزیری، ۴۸۰ ص.

منتخباتی از آثار حکمای الهی از میر داماد تا زمان حاضر، سید جلال الدین آشتیانی، چاپ اول، دانشگاه مشهد، ۱۳۵۵ ش، ۴ ج.



فهرست دستنوشته های استاد علی خاقانی

(نسخه شماره ۳۰۰ کتابخانه فاتیح استانبول)

امیرالله شجاعی *

چکیده

شرح حال شیخ علی خاقانی دانشور شیعه عراقی (۱۳۳۰ - ۱۳۹۹ ق) و معرفی آثار او که عمدتاً شرح حال شاعران عراقی و تحقیق دیوان شعری برخی از آنها است، نیمی از این مقاله است. آثار او در حوزه کتاب شناسی و نسخه شناسی که برخی تا کنون چاپ نشده، نیز در این مقاله معرفی شده است. آنگاه فهرست دست نوشته ها و استنساخ های او که به ۸۵ نسخه می رسد، بر اساس گزارش خودش در کتاب شعراء الغری، به ترتیب الفبای عنوان آمده است.

کلیدواژه ها

خاقانی، علی؛ عالمان شیعه - عراق؛ عالمان عراق - قرن چهاردهم؛ شاعران عراق - شرح حال؛ شاعران عراق - دیوان؛ نسخه های خطی - فهرست؛ شعراء الغری (کتاب).

* پژوهشگر حوزوی در عرصه کتابشناسی و نسخه شناسی



استاد علی خاقانی از بزرگترین تاریخ نگاران، ادیبان، روزنامه نگاران و نسخه شناسان معاصر عراق می باشد.

نام او علی بن عبد علی بن علی بن موسی آل عزّوز الفتلاوی معروف به خاقانی می باشد. ایشان در ۱۵ شعبان سال ۱۳۳۰ قمری در یک خاندان ریشه دار علمی و فرهنگی در نجف اشرف بدنیا آمد و در همان جا رشد کرد، مقدمات علمی از ادبیات و علوم شرعی را از اساتیدی مثل شیخ محسن جصانی و شیخ ناجی خمّیس و شیخ محمد طاهر خاقانی و اصول فقه را از شیخ عباس مظفر و سیدحسن حکیم و شیخ محمدجواد جزائری و فقه را در نزد سید حمود حلی و سید محمد علی صائغ فرا گرفت.

دروس خارج و عالی حوزه را نیز از علامه شیخ محمد حسین کاشف الغطاء اخذ کرد و از علامه شیخ آقا بزرگ طهرانی نیز اجازه دریافت کرد.

در ۳۵ سالگی یعنی در ۱۳۶۵ قمری روزنامه نگاری را آغاز کرد و مجله ای بنام «بیان» را از ۱۹۴۶ تا ۱۹۵۱ میلادی منتشر کرد که مورد استقبال زیادی واقع گردید، مقالات وی در این مجله و همچنین در سایر مجلات و روزنامه های عراقی منتشر گردید. وی مورخ و تاریخدانی جامع بود که به مناطق و کشورهای زیادی برای دستیابی به اطلاعات کتابخانه های آنها مسافرت کرد و در بسیاری از انجمن های ادبی و فرهنگی در نجف شرکت فعال داشت.

سرانجام به بغداد رفته و در آنجا ساکن گردید و کتابخانه مهمی را در آنجا تأسیس کرد که محل اجتماع بزرگان علم و ادب در این شهر بود و فعالیت های فرهنگی خود را تا آخر عمر ادامه داد و نقش بسیاری در تأسیس اتحادیه روزنامه نگاران و انجمن های فرهنگی عراق داشت.

وی جزء اولین مدافعین حقوق زنان در روزنامه های عراقی و جزء حامیان جدی فرهنگ بومی عراقی محسوب می گردید و در این راه نشان های فرهنگی مختلفی را دریافت کرد، از جمله آنها نشان فرهنگی کانادا به سال ۱۹۵۸ میلادی و نشان فرهنگی شاعر عراقی «معروف رصافی» به سال ۱۹۶۰ میلادی.

وی سرانجام در سال ۱۳۹۹ ق/ ۱۹۷۹ م وفات نمود.

این محقق بزرگ با همتی سترگ توانست بسیاری از شاعران عراقی را با تحقیقی میدانی و گسترده و با دسترسی به منابع شفاهی و کتبی معتبر، گردآوری کند و کاری که می‌بایست توسط یک موسسه یا سازمان انجام گیرد، با همت مخلصانه به تنهایی انجام داد. او در این کار با بررسی زندگینامه شاعر و نقاط حساس و مهم زندگی وی و ارائه نمونه ای از شعر وی، اثری بی‌بدیل را به یادگار گذاشت و بدرستی از سوی بعضی به لقب «یاقوت عراق» دست یافت. از ویژگی های آثار وی، وسعت تتبع و جستجو، تحقیق میدانی و چهره به چهره و شجاعت نقد و قدرت ادبی می‌باشد.^۱

آثار علمی و تحقیقاتی ایشان عبارت اند از:

- ۱- أبطال القرون الهجرية، در ۳ جزء که در آن علمای مشهور ۱۴ قرن اخیر را گردآوری کرده است.
- ۲- تحقیق کتاب اخبار الحمقى و المغفلين از ابن جوزی، چاپ شده در بغداد و به سال ۱۹۶۷ میلادی.
- ۳- الأدب المنسى یا أدب العراق فی القرون المظلمة، در ۳ جزء که دربرگیرنده ۱۳۴ ترجمه و زندگینامه شعرای قدیم و جدید عراقی که گمنام مانده اند، می‌باشد.
- ۴- تاریخ الصحافة فی النجف، چاپ شده در بغداد به سال ۱۹۶۹ میلادی.
- ۵- دليل الآثار المخطوطة فی العراق، در ۴ جزء. که در ۲۷ موضوع آن را تقسیم بندی کرده است. وی بخاطر این کتاب مسافرت های بسیاری را به کشورهای مختلف مثل سوریه، ترکیه و ایران انجام داد.

۱ برای بررسی بیشتر در زندگینامه و آثار استاد خاقانی می‌توانید به این مصادر مراجعه فرمایید: معجم المؤلفين و الكتاب العراقيين ۳۹۰/۵، معجم المؤلفين العراقيين ۴۱۸/۲ - ۴۱۹، موسوعة أعلام العراق فی القرن العشرين ۱۴۴/۱، معجم رجال الفكر و الأدب فی النجف ۴۷۱/۲ - ۴۷۲، المنتخب من أعلام الفكر و الأدب: ۳۲۹، معجم مورخی الشيعة ۶۰۹/۱ - ۶۱۱، شعراء الغربی (از خود مولف) ۴۹۲/۱۲ - ۴۹۳، فهرس الذريعة ۱۵۵۳/۲، الذريعة ۴۰۲/۲ و ۲۵۶/۸، ۲۶۵ و ۵۶/۹، ۱۳۲، ۲۴۸، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۶۸، ۲۶۹، ۳۴۲، ۳۶۸، ۵۸۷، ۷۵۲، ۸۹۴، ۹۷۶، ۹۷۸، ۹۸۴، ۱۰۳۱، ۱۰۵۴، ۱۰۶۷، ۱۱۲۱ و ۱۰۵/۱۰ و ۱۳۶ و ۲۷۸/۱۱ و ۲۹۳، و ۲۲۳/۱۳ و ۱۱۷/۱۴ و ۱۹۴، ۱۹۳، ۱۹۴ و ۱۶۵/۱۷ و ۵۳/۱۹ و ۵۸/۲۵ و ۱۲۵ و ۱۱/۲۶، ۳۵، معجم المطبوعات النجفية: ۱۷۳ - ۱۷۴، ۱۷۵، ۲۲۳، جمع پريشان ۵۴۹/۲ - ۵۵۱.



- ۶- شاعر الشعب محمد صالح بحر العلوم.
- ۷- شاعرات في ثورة العشرين، بغداد، مطبعة التضامن، ۱۹۷۱ م، ۳۲ ص.
- ۸- شعراء الأسرة المالكة، دو جلد در تاريخ عراق و شعراى خاندان حسنى در ۱۰۰۰ صفحه.
- ۹- شعراء البصرة، ۳ جلد.
- ۱۰- شعراء بغداد، ۲۵ جلد که از اواسط دهه ۶۰ میلادی به چاپ رسیده است.
- ۱۱- شعراء الحلة، ۵ جلد چاپ شده به سال ۱۳۷۰ ق/۱۹۵۱ م و ۱۹۵۴ میلادی.
- ۱۲- شعراء الغرّی، ۱۲ جلد، که در نجف مطبعة الحیدریه به سال ۱۳۷۳ ق/۱۹۵۴ میلادی چاپ و در قم توسط کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، به سال ۱۴۰۸ ق چاپ افست گردید. این کتاب را محسن عقیل تلخیص کرده و به نام الکوکب الدرّی فی شعراء الغرّی در بیروت، نشر دار المحجّة البيضاء، به سال ۱۴۲۲ ق در ۸۳۹ صفحه به چاپ رسانده است.
- ۱۳- شعراء كربلا یا الحائریات، در ۲ جلد.
- ۱۴- شعراء الموصل، در ۴ جلد.
- ۱۵- شعراء واسط، در چند جلد.
- ۱۶- العلامة الصادق الهندی فی ذکراه الاولى.
- ۱۷- فنون الأدب الشعبي، ۱۲ جزء، بغداد، ۱۳۸۶ ق.
- ۱۸- مخطوطات المكتبة العباسية فی البصرة، در ۲ جزء.
- ۱۹- تحقیق و مقدمه کتاب «مشاهداتی فی الثورة العراقية» از محمد علی کمال الدین، چاپ شده به سال ۱۹۶۹ میلادی در بغداد.
- ۲۰- وفيات الرجال یا حوادث السنین، ۱۴ جزء که به ترتیب سالهای هجری قمری نگاشته شده است از سال اول هجری تا سال ۱۳۶۵ قمری و در هر سال فوت شدگان آن سال را نوشته است.
- ۲۱- منتخبات الابوذیات الحسينية الكبرى، چاپ شده.
- ۲۲- منتخبات الابوذیات الكبرى فی الغزل و النسیب، چاپ شده.

۲۳- تحقیق کتاب استقصاء النظر از علامه حلی، چاپ شده در نجف، مطبعه الراعی به سال ۱۳۵۴ ق، ۱۰۹ + ۴ ص.

۲۴- تحقیق دیوان «صالح التیمی»، چاپ شده در نجف، مطبعه الزهراء به سال ۱۳۶۷ ق در ۱۸۰ ص.

۲۵- تحقیق کتاب «نهاية الأرب» قلقشندی، چاپ شده است.

۲۶- ثمرة العارفين فی سيرة العلماء الربانيين، اولین کتابی است که به سال ۱۳۴۷ قمری به نگارش در آورده و بسیار به آن دل بسته بود.

۲۷- وحی البیان، مجموعه ای از مباحث علمی و دینی و سیاسی و اجتماعی که به صورت مقاله نوشته یا منتشر کرده یا به شکل سخنرانی بیان شده است، که بسیاری از این مقالات در مجله های «العزی» و «البیان» و «الاستقلال» و «العراق» و «الیقضة» و «الطریق» به چاپ رسیده است.

۲۸- آراء حرّة، که نظرات علمی سیاسی اجتماعی خود را در آن بیان داشته و اکثر آن در مجله «البیان» به چاپ رسیده است.

۲۹- موشحات منسیة، بحثی تاریخی در ادبیات عرب از شاعران مختلف، که تاکنون به چاپ نرسیده است.

۳۰- البنود و تاریخ ظهورها فی الأدب العربی.

۳۱- رأیت فی المنام.

۳۲- شعراء الحسین × یا أدب الطف، که در آن صدها شاعر حسینی را در ضمن ۴ جلد بزرگ معرفی کرده است.

۳۳- رحلتی الی الخلیج، سفرنامه وی در سال ۱۳۷۱ قمری به کشورهای حوزه خلیج فارس به ویژه بحرین و کویت و ملاقاتهای وی با سران و بزرگان آن کشورها.

۳۴- تاریخ البحرین قدیماً و حدیثاً، در ۲ جزء.

۳۵- الکویت: ماضیها و حاضرها.

۳۶- التحقیق و تقدیم رسائل الثعالبی أو نثر النظم و حل العقد از ابی منصور عبد الملک

الثعالبی (و ۴۲۹ ق) بغداد، مکتبه دار البیان، ۱۹۷۲ م، ۵۸ ص.



- ۳۷- تحقیق دیوان سید عبد المطلب الحلی.
- ۳۸- عقود حیاتی.
- ۳۹- تحقیق دیوان الشیخ محمد علی الاعسم.
- ۴۰- تحقیق دیوان الشیخ عبد الحسین الاعسم.
- ۴۱- تحقیق دیوان الشیخ عبد الحسین محبی الدین.
- ۴۲- تحقیق دیوان الشیخ عباس الملاعلی.
- ۴۳- تحقیق دیوان الشیخ محمد رضا النحوی چاپ شده در مطبعه حیدریه نجف به سال ۱۳۷۲ قمری.
- ۴۴- جولة فی الافطار الاسلامیة.
- ۴۵- النجف بالأمس و الیوم.
- ۴۶- تحقیق و شرح دیوان سید حیدر الحلی، ۲ جلد، چاپ شده در بغداد، ۱۹۸۵ م (چاپ جدید) و در نجف، مطبعة الحیدریه به سال ۱۳۶۹ ق/ ۱۹۵۰ م در ۳۱۹ ص.

آثار استاد خاقانی در حوزه فهرستنگاری

استاد خاقانی در حوزه فهرستنگاری و تدوین نسخه های خطی، دو اثر مهم بوجود آورده است:

الف) یکی از آنها که تاکنون به چاپ نرسیده است و زحمت زیادی برای تهیه آن متحمل گردیده، راهنمای نسخه های خطی موجود در عراق می باشد که با نام دلیل الآثار المنخطوة فی العراق در ۴ جلد ضخیم و در ذیل ۲۷ موضوع گردآوری شده است:

- ۱- التراجم و الرجال
- ۲- التاريخ
- ۳- الأدب و الشعر
- ۴- التجوید
- ۵- الحکمة و الکلام
- ۶- المنطق

- ۷- الحدیث و الاخبار
- ۸- الأنساب
- ۹- الرياضیات
- ۱۰- الهيئة و الفلك
- ۱۱- الهندسة
- ۱۲- الطب
- ۱۳- الجغرافية
- ۱۴- النحو و الصرف
- ۱۵- علوم البلاغة
- ۱۶- الدلائل و المسائل
- ۱۷- المراسلات و المناظرات
- ۱۸- تاريخ الاديان
- ۱۹- الادعية
- ۲۰- الكتب المقدسة
- ۲۱- الفقه الاسلامی
- ۲۲- اصول الفقه
- ۲۳- الاخلاق
- ۲۴- النقود و الردود
- ۲۵- المتنوعات
- ۲۶- التفسير
- ۲۷- اللغة

ب) دومین اثر استاد، در حوزه فهرستنگاری و توصیف نسخه های خطی، کتاب مخطوطات المكتبة العباسية في البصرة می باشد، این اثر با تلاش بی وقفه ایشان در بیش از دو ماه گشت و گذار در بصره و نواحی آن، در ۳۲۲ صفحه تهیه گردید و دو بخش از آن به چاپ رسید.





کمال یوسف الحوت با استناد به این فهرست، استدراکات و اضافاتی به آن ملحق کرده و با نام *مخطوطات المكتبة العباسية في البصرة*، در بیروت، توسط انتشارات عالم الکتب و به سال ۱۴۰۷ ق به چاپ رسانده است. وی غیر از ترتیب فهرست خاقانی، بعضی از نقائص و اشتباهات آن را نیز برطرف کرده و در آخر آن فهرست اسامی مولفین و کتابها را اضافه نموده است.^۱

فهرست دست نوشته های استاد خاقانی

غیر از این دو اثر یاد شده، که در حوزه نسخه شناسی و فهرستنگاری دست نوشته های خطی در عراق می باشد، استاد خاقانی به دلیل علاقه و ذوق شخصی، موفق به گردآوری تعدادی از دست نوشته ها گردید و بعض دیگر را خود با خط خود استنساخ کرده، مجموعه ای از استنساخات خود و دیگران را فراهم آورد. وی در شرح حال خود که در جلد آخر کتابش *شعراء الغری*، ذکر شده، در تشریح علت گردآوری چنین مجموعه با ارزشی می نویسد:

«بعد از آنکه کتاب حاشیه ملا عبد الله در منطق را خواندم، فهمیدم که انسانی که میخواهد برای خود موقعیتی در محیط های علمی باز کند، می بایست دارای ویژگی برجسته ای در میان همگنان خود باشد، از این جهت به نوشتن مجموعه ای از کتابهای کمیاب خطی روی آوردم و این کار بین سالهای ۱۳۴۶ ق تا ۱۳۷۶ ق (به مدت بیست سال) صورت پذیرفت، چنانچه تاریخ های نسخه ها را در آخر آنها ثبت کرده ام».^۲

نکاتی راجع به دستنوشته های ایشان

- ۱- در کتاب *شعراء الغری*، ۸۶ نسخه، شماره خورده است، در صورتی که ۸۵ نسخه صحیح است، چرا که شماره ۷۶ در فهرست ایشان اشتبهاً جا افتاده است.
- ۲- برخی از نسخه ها را ایشان دوبار و بعضی را سه بار استنساخ کرده است. (مثل شماره های ۲۱ و ۲۴ و ۲۹ و ۴۵ و ۷۱ و ۷۷)
- ۳- برخی از نسخه ها از روی نسخه اصلی یا نسخه نادر کتابت شده و از این جهت دارای ارزش فرهنگی فراوانی است. (مثل شماره ۲۶ و ۳۳ و ۴۰ و ۶۸)

۱ مقدمه *مخطوطات المكتبة العباسية في البصرة*، ص ۵-۶
۲ همان، ج ۱۲، ص ۵۰۷

۴- بر بعضی نسخه ها، مقدمه ای در شرح حال مولف و کتاب نوشته است و حتی آن را مرتب کرده و گاه حاشیه یا شرحی بر توضیح مقاصد آن نوشته و در مواردی به مقابله نسخه هم پرداخته است. (مثل شماره ۲۸، ۳۱، ۸۱، ۸۴)

۵- برخی از نسخه ها منحصر بفرد و نادرند، که به ادعای ایشان، که خود نسخه شناس ماهر و مجموعه داری صاحبنام بودند، نسخه ای جز نسخه اصل وی از آن موجود نمی باشد (مثل نسخه شماره ۲۹ و ۴۰)

۶- گاه بواسطه عاریه گرفتن نسخه اش از طرف برخی از علماء و عدم رجوع آن، مجبور شده است نسخه دیگری را کتابت کند (شماره ۴۰)

۷- یکی از نسخه هایش را که خود کتابت کرده، به مستشرق آلمانی «هلموت ریتز»، برای چاپ داده است. (شماره ۴۵)

۸- چاپ بعضی کتابها براساس نسخه ایشان صورت گرفته است. (مثل نسخه شماره ۶۳)

۹- متأسفانه از سرنوشت نسخه های ایشان، جز اندکی که در حاشیه متذکر شده ایم اطلاعی در دست نداریم و بالطبع یا باید نزد وارثان ایشان باشد یا در کتابخانه های مختلف عراق پراکنده شده باشد.

۱۰- بعضی از نسخه ها را از وی دزدیده اند. (نسخه ۲۴)

برای سهولت بیشتر، فهرست ایشان براساس ترتیب الفبائی قرارداد شده است.

(۱)

الإبانة عن مذهب اهل العدل بحجج القرآن و العقل

تالیف الوزير کافی الکفاة، اسماعیل بن أبی الحسن عباد الدیلمی القزوینی الشهید

بالصاحب المتوفی ۳۸۵ هـ

فرغت من کتابته عام ۱۳۵۴ هـ

(۲)

إجازة الشهيد الثاني إلى والد الشيخ البهائي

فرغت منها عام ۱۳۵۳ هـ، وفي هذه الإجازة عرض لمختلف الاعلام.



(٣)

إجازة محمد الأشعري إلى ابن الامام الغزالي
مبسطة توقفك على أسماء أعلام الرواة و المحققين، فرغتُ منها عام ١٣٥٣ هـ.

(٤)

استقصاء النظر في البحث عن القضاء و القدر
للعلامة الحلبي الحسن بن المطهر المتوفى ٧٢٦ هـ.
نشرته مرتين عام ١٣٥٤، مستقلاً و ضمن كتاب انقاذ البشر للمرتضى.

(٥)

احكام النساء

للشيخ المفيد [محمد بن محمد بن النعمان].

(٦)

اصل زيد الزراد

و فيه تقف على أخذ الحكم من الإمام مباشرة.

(٧)

اصل علاء بن رزين

برواية محمد بن مسلم عن الامام الصادق ×. فرغتُ منه عام ١٣٥٥ هـ.

(٨)

الأشراف

تأليف الشيخ المفيد [محمد محمد بن النعمان].

(٩)

الافصح في اثبات امامة امير المؤمنين ×

للشيخ المفيد [محمد بن محمد بن النعمان]

فرغتُ منه عام ١٣٥٥ هـ، نشرته المطبعة الحيدريه مرتين.

ميراث

فصلنامه تخصصي كتابخانه‌ي زنجنه‌ي شامي
سال بيست و نهم | شماره ٩٩ | بهار ١٣٩٩



(١٠)

الإعلام فيما اتفقت عليه الامامية و اختلف عنه العامة في الفقه الاسلامي
تأليف الشيخ المفيد [محمد بن محمد بن النعمان].

(١١)

الزام النواصب بامامة علي بن أبي طالب ×
ينسب للشيخ مفطح الصميري
وقد طبع قديماً على الحجر بايران و فقد.

(١٢)

انقاذ البشر

[للسيد المرتضى علي بن حسين]

عنيث بنشره و تصحيحه و التعليق عليه عام ١٣٥٤ هـ.

(١٣)

ايقاظ الراقدين^١

مجهول المؤلف

تضمن حكماً و اخلاقاً و امثال سائرة مرتب على الحروف المعجمة.

(١٤)

ايمان أبي طالب

تأليف علي بن حمزة التميمي البصري الكوفي الحنبلي

بحث فيه شخصية أبي طالب والد الامام × مع شواهد من شعره و كلامه و قد قال فيه:

«و كل من زعم أن اباطالب مات كافراً فهو يبغض ابنه علياً» يوجد بمكتبة الآثار القديمة

بيغداد، مع خمسة عشر مخطوطاً لي، بعثها علي الأب انستاس الكرملي عام ١٣٥٤ هـ.

١ اين نسخه فعلاً در موزه عراق نکه داری ميشود. مشخصات کامل نسخه در مخطوطات الأدب في المتحف العراقي ص ٥٧ اينگونه آمده است:

ايقاظ الراقدين، عبد الرحيم بن محمد علي (محمد حسين) بن عبد الكريم التستري النجفي، هي رسالة جمع فيها المؤلف جملة من الحكم والمواعظ والمنظومات والكلام البليغ رتبها على حروف الهجاء وأورد في كل حرف اثني عشرة جملة ومنظومه، فرغ منها المؤلف سنة ١٢٧٠ هـ، نسخة جيدة، كتبها علي الخاقاني سنة ١٣٤٧ هـ الرقم ١٨٠٢/١٧٩٥ ص.

(١٥)

بشارة المصطفى لشيعه المرتضى

تأليف عماد الدين محمد بن أبي القاسم بن محمد الطبرى المتوفى ٥٨٦ هـ
يقع فى سبعة عشر جزءاً وقفنا على أربعة منها فرغْتُ منه عام ١٣٥٣ هـ.

(١٦)

بلغة الرجال

تأليف الرجالى المعروف الشيخ سليمان الماحوزى الأوالى المتوفى ١١٢١ هـ،
ضبط فيه أسماء الثقات من الرجال

(١٧)

تتمه المقالات

للسيد الشريف المرتضى علم الهدى
سأل بها أستاذه المفيد وضمها الى سابقتها. فرغْتُ منها فى عام ١٣٥٦ هـ.

(١٨)

التذكرة للأصول الخمسة

تأليف الوزير صاحب بن عباد
فرغْتُ منه فى عام ١٣٥٤ هـ.

(١٩)

تشریح الأفلاک

للشيخ البهائى المتوفى ١٠٣٠ هـ.

(٢٠)

تفسير العياشى

[محمد بن مسعود العياشى]

وهى القطعة الموجودة فى مكتبتى آل الصدر وكاشف الغطاء.

مكتبة
ميرزا محمد

فصلنامه تخصصی کتابخانه‌شناسی و نسخه‌شناسی
شماره ٩٩ | بهار ١٣٩٩ | سال بیست و هشتم



(٢١)

التقىة فى علم المنطق^١

[محمد بن أبى الحسن الموسوى الرضى]

كتاب صغير الحجم، تجاوز ١٥٠ ص بقطع الربع نسخته مرتين

(٢٢)

جامع الأحاديث

تأليف أبى محمد جعفر بن أحمد بن على نزيل الرى

رتبه على الحروف، فرغت من كتابته ١٣٥٥ هـ.

(٢٣)

حياة الشاه عبد العظيم الحسنى

للووزير صاحب [بن عباد]

فرغت سنه بتاريخ ١٣٥٤ هـ.

(٢٤)

الحجج القوية فى إثبات الوصية

مجهول المؤلف

وهو من رجال القرن السابع الهجرى، نسخته مرتين، الأولى موجودة فى مكتبة الآثار، و

الثانية سرقها منى [...].

(٢٥)

ديوان التميمى

للشيخ صالح بن درويش بن الشيخ زينى التميمى المتوفى ١٢٦١ هـ.

نشرته عام ١٣٦٧ هـ مع مقدمة ضافيه و كان نشرى له بصورة سريعة و أخيراً وقفت على

عدة نسخ قابلت عليها هذه النسخة فوجدت هناك زيادات و سأقوم بنشره مرة ثانية بصورة

محققه متقنة.

١ رجوع شود به الذريعه ٤/٤٠٥ بنام «التقىة المنطقية»

(٢٦)

ديوان حجي^١

للشيخ الصالح بن مهدي بن الشيخ صالح حجي الكبير المتوفى ١٣٤٤ هـ.
كتبته عام ١٣٦٢ هـ على نسخة الشاعر، و ترجمت له في ج ٤، ص ٢٧٧-٢٩٦ من هذا
الكتاب [يعنى شعراء الغري].

(٢٧)

ديوان الحاج هاشم الكعبي

كتبته على مخطوطة الخطيب الشيخ محمد حسن الدكسن و تقع في ٤٥١ ص. نشر منه
قسم الرثاء الخاص بالامام الحسن × وأهله، في المطبعة الحيدرية في النجف.

(٢٨)

ديوان الحميري

اسماعيل بن محمد المعروف بالسيد الحميري المتوفى ١٧٣ هـ.
يقع في ٤٠٥ ص، جمعته عام ١٣٥٣ هـ و كتبت مقدمة ضافية على حياة الحميري و من
كتب عنه، رتبته على حروف المعجم، و شرحت مقاصده.

(٢٩)

ديوان الذهبي

بدر الدين يوسف بن لؤلؤ الذهبي المتوفى ٦٨٠ هـ
و هو الديوان الذي لا توجد له نسخة عند أحد غيري، كتبته مرتين و علقت عليه و هيأته
للطب مع مقدمة توضح الأسباب التي جهلت كتب التراجم سيرة هذا الشاعر، و توجد عندي
نسخة الأصل المكتوبة في عصر الشاعر.

١ ابن ديوان فعلاً در موزه عراق می باشد. مشخصات کامل آن در مخطوطات الأدب في المتحف العراقي ص ٢٥١
اينگونه آمده است:

ديوان صالح حاجي الشيخ صالح حاج الصغير. يتضمن مجموعة من قصائد التي قبلت في مختلف الاغراض كالرثاء والتنهائي
والغزل ورتبها على حروف الهجاء، منها قصيدة في تهنئة هادي بن حسين الصانع وابن عمر جمواد بن الشيخ راضي وموسى
القريش وحسين بن علي الحكيم وغيرهم. كتبها علي الحاقاني الحميري في النجف الاشراف سنة ١٣٦٢ هـ، الرقم ٢٨٦٤، ص ٧٤.

(٣٠)

ديوان السيد حيدر الحلبي

يقع في جزئين، كتبته مرتين وقلبته من الرحوف الى الأبواب مع تحقيق و مقابلات لنسختي الشاعر و الشيخ جاسم الملا، نشرتُ الجزء الأول بصورة متقنة جاءت آية في الإبداع و الضبط.

(٣١)

ديوان السيد صادق الفحام المتوفى ١٢٠٥ هـ

يقع في جزئين، الأول في الفصيح و الثاني في الركباني، علّقتُ عليه و وضعتُ على هوامشه كثيراً من حياة أعلامه و هو الآن في طريقه الى المطبعة الحيدرية.

(٣٢)

ديوان السيد عباس شبر

قاضى البصرة، نشرتُ الكثره في مجلتي «البيان»، فرغتُ من كتابته ١٣٦٢ هـ.

(٣٣)

ديوان الشيخ حسين نجف المتوفى ١٢٥١ هـ

كتبته على نسخة الاصل الموجودة عند الشيخ موسى نجف، و لا أدري بعد وفاته موجودة أم لا؟

(٣٤)

رسائل الهمداني

ميرزا محمد بن عبد الوهاب بن داود الهمداني الكاظمي كتبها على نسخة معالي للأستاذ صادق كمونة و هي بخط الهمداني نفسه.

(٣٥)

رجال البرقي

تأليف: أحمد بن خالد بن علي البرقي المتوفى ٢٧٤ هـ
رتبه على أصحاب النبي و الأئمة (عليهم السلام) و عقد في الخاتمة منه فصلاً عن محضر السقيفة و ما دار فيها من شجار و حوار، كتبته بتاريخ ١٣٥٠ هـ



(٣٦)

رجال الغضائرى (قسم الضعفاء)

تأليف أبى الحسين أحمد بن حسين بن عبد الله الغضائرى المتوفى ٤١١ هـ
فرغَتْ من كتابته عام ١٣٥٣ هـ.

(٣٧)

رسالة أبى غالب الزرارى

أحمد بن محمد أبى طاهر محمد بن سليمان
أوصى بها إلى حفيده محمد بن عبد الله بن أبى غالب أحمد، فرغَتْ من كتابتها عام
١٣٥٣ هـ وهى رسالة جليله تشرح سيرة أهالى القرن الثالث للهجرة وشيئاً من تاريخ الكوفة
وعدداً من كتب آل أبى غالب.

(٣٨)

رجال الطوسى

تأليف أبى جعفر محمد بن الحسن الطوسى المتوفى ٤٦٠ هـ.
ضبط فيه اصحاب الرسول الاعظم و عددهم (٢٥٢) بضمنهم الصحابات ٣٩ امرأة، و
استمر فى ضبط اصحاب الأئمة عليهم السلام، فبدأ بأصحاب الامام اميرالمؤمنين على × و
عددهم (٤٣٨)، ثم بأصحاب الحسن × و عددهم (٤١)، ثم بأصحاب الحسين × و عددهم
(١٠١)، ثم بأصحاب على بن الحسين × و عددهم (١٧١)، ثم بأصحاب محمد الباقر ×
و عددهم (٤٦٦)، ثم بأصحاب الامام الصادق × و عددهم (٣١٩٥)، ثم بأصحاب موسى
الكاظم × و عددهم (٢٥٧)، ثم بأصحاب على الرضا × و عددهم (٣٠٥)، ثم بأصحاب
محمد الجواد × و عددهم (١١٥)، ثم بأصحاب على الهادى × و عددهم (١٨٦)، ثم
بأصحاب الحسن العسكرى × و عددهم (١٠٠)، ثم ختم الكتاب بفصل طويل فيمن لم
يروعن الأئمة ورتبه على حروف المعجم. فرغَتْ من كتابته عام ١٣٥٢ هـ.

(٣٩)

شرح عقائد الصدوق

تأليف أبي عبد الله محمد الشيخ المفيد
فرغَتْ منه عام ١٣٥٦ هـ.

(٤٠)

شرح خطبة الشقشقيه للامام على ×

مجهول المؤلف

كتبته على نسخة نادرة بها الشيخ محمد جواد الجزائري من فلاحية الاهواز من كتب آل المشعشع، و بعد الفراغ منه استعاره منى بعض الأعلام و لم يرجعه رغم المطالبة، فاضطرتُ إلى نسخه مرة ثانية.

(٤١)

صحيفة الامام الرضا ×

تأليف أبي القاسم عبد الله بن أحمد بن عامر الطائى
فرغَتْ منها عام ١٣٥٣ هـ. و قد اختلف فى نسبتها لعبدالله أو لأبيه احمد، و الذى يظهر ان الكتاب لأبيه و الراوى هو.

(٤٢)

علم التجويد

مجهولة المؤلف

بحث فيه اصول القراءآت و طريقة الترجيح فى الصوت. فرغَتْ منه عام ١٣٥٣ هـ و
بضمته مثلثات قطر بالنحوى.

(٤٣)

علم الحساب

للخواجه نصير الدين الطوسى المتوفى ٦٧٢ هـ

(٤٤)

عقود الأعداد

تأليف: السيد أحمد اليمنى

وضع فيه طريقة جديد، بالنسبة لعصره - القرن الثاني عشر - وهو من النوادر.

(٤٥)

فرق الشيعة

لأبى محمد الحسن بن موسى النوبختى المتوفى ٣١٠ هـ.

نسخته ثلاث مرات. و بعد فراغى من الثالثة عام ١٣٥٤ هـ أهدها إلى ناشره المستشرق الألمانى "هلموت ريتير" مطبوعاً بمطبعة الدولة فى استانبول ضمن سلسلة مطبوعات الاسلاميه.

(٤٦)

الفرق و التواريخ

ينسب للإمام الغزالى محمد بن محمد

و قد كتب على نسخة الأصل منه، غير أن الصحيح و ما جاء فيه يعرب عن أنه ليس للغزالى. فقد نقل حوادث تتأخر عن وفاته بسبعين سنة، و انما هو لرجل يمانى اسمه محمد بن محمد و يعرف بالغزالى.

تبسط فى ذكر الفرق و عقائدها و خاصة فى الاسماعيلية، فقد استوعب ذكرهم ثلث الكتاب، و فيه حوادث و عرض للوقائع و منها وقعة القرامطة و وصف غاراتهم على البصرة و العراق. و كانت نسخة الأصل المخطوطة فى القرن السابع، بحيازة الإمام السيد أبو الحسن الاصفهانى و قد نسخ عليها صاحب الحصون و على الأخيرة رسمنا مخطوطتنا، غير أن نسخة الأصل باعها بعد موته، ولده آغا حسين الاصغر ضمن كتب والده، على جلاله شاه ايران محمد رضا بهلوى و الشاه بدوره و صفها فى مكتبة خراسان و وقفتُ عليها و قابلتُ مخطوطتى عند زيارتى لخراسان عام ١٣٧٥ هـ، و أخيراً أخذت عليها صورة فوتوغرافية.

(٤٧)

فهرست الطوسي

لأبي جعفر الطوسي [محمد بن الحسن]

ضبط فيه أسماء المصنفين وكتبهم من الأصول. فرغ من كتابة النسخة الأولى عام ١٣٤٨ هـ وهي موجودة في مكتبة الآثار القديمة ببغداد. أما الثانية فهي بتاريخ ١٣٥٠ هـ وموجودة ضمن كتبي. وقد سبق أنه طبع في كلكتا ثم بعد هذا التاريخ طبع في المطبعة الحيدرية في النجف.

(٤٨)

في الرد على من جَوَز السهو على النبي |

تأليف الشيخ المفيد [محمد بن محمد بن نعمان]

(٤٩)

في الرد على من يقول بأن شهر رمضان لا ينقص أبداً

تأليف [الشيخ] المفيد [محمد بن محمد بن نعمان]

(٥٠)

فهرست منتجب الدين القمي

في الرجال، وضعه كذيل على معالم العلماء لابن شهر آشوب.

(٥١)

كتاب أبي سعيد عباد العصفري

من الأصول الإسلامية برواية موسى بن بن هارون التلعكبري.

(٥٢)

كتاب جعفر بن محمد بن شريح الحضرمي

بروايته عن حميد بن شعيب السبعي، و عبد الله بن طلحة النهدي وأبي الصباح الكتاني و ذريح بن يزيد المحاربي، و الجميع برواية أبي محمد هارون بن موسى التلعكبري فرغ منه عام ١٣٥٥ هـ.

(٥٣)

كتاب حسين بن عثمان بن شريك

بروايته عن الامام الصادق × وهو من الاصول الاربعمأه. فرغْتُ من كتابته عام ١٣٥٥ هـ.

(٥٤)

كتاب خلاد السندی

من الأصول الاسلامية التي رجع اليه كافة الرواة.

(٥٥)

كتاب زيد النرسی

برواية هارون التلعكبري وهو من الاصول الاسلامية التي وجهت رجال الحديث وأوقفتهم على صحاح الاخبار وصادق الرواية.

(٥٦)

كتاب سلام بن أبي عميرة

ايضاً من الأصول، فرغْتُ منه عام ١٣٥٥ هـ.

(٥٧)

كتاب عاصم بن حميد الحنات

برواية أبي القاسم حميد بن زياد بن هوار وهو من الاصول الاربعمأه، فرغْتُ منه ١٣٥٥ هـ.

(٥٨)

كتاب عبد الله بن يحيى الكاهلي

من الأصول الاسلامية.

(٥٩)

كتاب عبد الملك بن حكيم

احد مراجع رجال الحديث.

(٦٠)

كتاب المثنى بن الوليد الحنات

ايضاً من الأصول المهمة.

(٦١)

كتاب محمد بن المثنى الحضرمي
من الأصول الأربعة، مبسط.

(٦٢)

متشابه القرآن

للمحافظ ابن شهر آشوب المازندراني (محمد بن علي)
يقع في جزئين ضخمين، وضعته علي الطريقة التي طبعوه عليها أخيراً في إيران و اعترافاً
بما جناه من ثمر أهدي الناشر إلى نسخة موقعة بالاعتراف.

(٦٣)

المبسوط

تأليف: الشيخ عبد النبي الجزائري المتوفى ١٠٢٠ هـ
ووضع له مقدمة في حياة المؤلف و وصف الكتاب، و قد وقف عليه الأستاذ محمد كاظم
الكتبي، فنشره طبق المخطوطة و الوضع عام ١٣٧٢ هـ.

(٦٤)

مجموع أدبي

[مؤلف مجهول]

سجلت فيه طائفة الأعلام الشعراء مع تراجمهم و نوادر شعرهم، من المتقدمين و المتأخرين
فرغ من عام ١٣٤٩ هـ.

(٦٥)

مختصر سيرة للأمين المأمون

تأليف: محمد بن محمد بن محمد اليعمرى المعروف بسيد الناس.

(٦٦)

المسألة الكافية في توبة الخاطية

للشيخ المفيد [محمد بن محمد بن نعمان]

و هو مفقود عثرنا على قطعة كبيرة منه و فيها تتمه الكتاب السابق [وقفه الجمل].

(٦٧)

المسائل العكبرية

الشيخ المفيد [محمد بن محمد بن نعمان]

أجاب بها الحاجب على أسئلة بعث بها إليه من عكبرا وفيها أمور كلامية جدلية مهمة.

(٦٨)

المسائل المهتائيات

و هي التي سأل بها المهتأ بن سنان بن عبد الوهاب، استاذ جمال الدين أبي منصور الحسن بن يوسف بن علي بن المطهر المعروف بالعلامة الحلبي المتوفى ٧٢٨ هـ. فرغ من الإجابة عليها سنة ٧١٧ هـ وفي ضمنها اسئلته لولده فخر المحققين وأجوبتها، وفرغ من كتابته عام ١٣٥٤ هـ على نسخة مخطوطة في عصر العلامة، يملكها السيد محمد باقر حفيد السيد كاظم اليزدي وقد باعها في حينها بالقاهرة.

(٦٩)

المسائل الميفارقيات

[للسيد مرتضى علم الهدى]

أجاب فيها على أسئلة وردت إليه من ميفارقين^١ وهي تخص الدين وفلسفة التشريع.

(٧٠)

مصادفة الأخوان

تأليف الشيخ الصدوق، محمد بن علي بن موسى بن بابوية القمي المتوفى ٣٨١ هـ. في الأخلاق والتوجيه النفسي، فرغ من كتابته ١٣٥٤ هـ.

(٧١)

معالم العلماء

تأليف الحافظ محمد بن علي الشهير بابن شهر آشوب المازندراني المتوفى ٥٨٨ هـ.

١ ايشان خود در اينجا اين حاشيه را نگاشته اند: مدينة بديار بكر، قال ياقوت في معجم البلدان ج ٨، ص ٢٦٤: قالوا سميت بميا بنت لأنها اول من بناها وفارقين هو الخلاف بالفارسية، يقال له بارجين، لأنها كانت احسنت خندقها، وقيل ما بني منها بالحجارة فهو بناء انوشروان بن قياز، وما بني بالأجر فهو بناء الرولر.



نَسَخَتْهُ ثلاث مرّات، وصفه كذيل على فهرست الشيخ الطوسي. فرغَتْ عام ١٣٥٢ هـ من
النسخة الثالثة، وقابلتها على ثمانية نسخ.

(٧٢)

معرفة المهر

للشيخ المفيد [محمد بن محمد بن نعمان].

(٧٣)

مغالطة الجذر الأصم

للمحقق ملا جلال الدواني المتوفى ٩٠٧ هـ.

بناءً على قاعدة من قال: كل كلامي كاذب فهو اخبار، هذا صادق فيه أم كاذب، نادر
الوجود.

(٧٤)

المقالات في الفرق ما بين الفرق

تأليف محمد بن محمد بن نعمان العكبري المعروف بالشيخ المفيد البغدادي المتوفى
٤١٣ هـ

وهو كتاب جليل يصور تقدم الرأي عند المؤلف، غير أن للعقيدة أثر كلي في هذه الآراء.
فرغَتْ منه عام ١٣٥٦ هـ.

(٧٥)

المقدمة في الاصول

تأليف الشريف المرتضى [علي بن حسين علم الهدى]

فرغَتْ منه عام ١٣٥٤ هـ.

(٧٦)

المقنع

تأليف علي بن الحسين الشريف المرتضى المتوفى ٤٣٦ هـ.

فرغَتْ من كتابته عام ١٣٥١ هـ، بحث فيه موضوع الامامة على ضوء العقل و النقل، صنعه

للوزير المغربي الحسين المتوفى ٤١٨ هـ.

(٧٧)

منيع الحياة في جواز تقليد حجة المجتهد من الأموات

للسيد نعمة الله الجزائري المتوفى عام ١١١٢ هـ.

نسخته بمرتين، و من الصدف عندما فرغتُ من كتابة النسخة الثانية قامت معركة بين الأخباريين والأصوليين في البصرة، عام ١٣٤٨ هـ. طبع على اثرها ببغداد بمطبعة النجاح.

(٧٨)

منظومة الشيخ محمد الحر العاملي المتوفى ١١٦٢ هـ

في النبي و الأئمة للاثني عشر عليهم السلام في اكثر من ألقى بيت. فرغتُ منها عام ١٣٤٩ هـ.

و قد ضبط فيها النصوص التاريخية بمختلف للروايات.

(٧٩)

منظومة في علم الشطرنج

لناظمها الشاعر السيد مهدي ابوطالب البغدادي المتوفى ١٣٢٩ هـ.

و قد نشرتها ضمن ترجمتي له في هذا الجزء [شعراء الغرّ ج ١٢ ص ١٧]

(٨٠)

منظومة في الموارث

[تأليف الشيخ الحر العاملي محمد بن حسن]

و فيها أجاد في توضيح النصوص الشرعية.

(٨١)

ميزان العقول في علم المنطق

تأليف محمد بن يونس الحميدى الربعي المتوفى ١٢٣٥ هـ.

ترجمتُ له في ج ١٠، ص ٢٥٨ - ٢٨٤. شرح فيه حاشية ملا عبد الله، يقع في جزئين،

الجزء الأول في ٤٦٥ ص و الثاني ٤٨٣ ص. فرغتُ عام ١٣٤٨ هـ عند ما كنت أناقش في

الحاشية.

(٨٢)

نوادير الأثر في علي خير البشر

تأليف أبي جعفر ابن قولويه القمي^١، نسخته مرتين، عام ١٣٥٣ هـ.

(٨٣)

نوادير علي بن أسباط

وهو من الاصول الاربعمئة

(٨٤)

نسمة السحر فيمن تشيع و شعر

تأليف ضياء أبي اسحاق يوسف بن يحيى الصنعاني اليماني المتوفى ١١٢١ هـ. يقع في مجلدين، كتبت الأول منه عام ١٣٥٦ هـ مع تعليقات وضعت عليه، أما الثاني فلم يتح لي الظرف فرصة، حيث قمت بحل مشاكل زراعيه لوالدي، استمرت أربع سنوات فقدت اكثر زمانها. رتبته علي حروف المعجم، ابتداء في الاول من الهمة الى آخر الضاد المعجم.

(٨٥)

وقعة الجمل المسمى ب (النصرة لسيد العشرة في حرب البصرة)

تأليف الشيخ المفيد [محمد بن محمد بن النعمان].

وهو أبرز كتاب في الإسلام تبسط في وصف هذه الواقعة و أثبت نصوصها و ما دار بين الفريقين من زجل و رجز. فرغت منه عام ١٣٥٥ هـ. نشرته المطبعة الحيدرية مرتين.

منابع

جمع پریشان، رضا مختاری، قم، نشر دانش حوزه، ١٣٩١.

الذريعة الى تصانيف الشيعة، شيخ آقا بزرگ تهراني، تهران، كتابخانه اسلاميه، ١٣٨٧ ق،

ج ٢٦.

شعراء الغري، علي خاقاني، قم، كتابخانه آيت الله مرعشي نجفي، ١٤٠٨ ق.

١ نام صحيح وي "جعفر بن احمد بن علي القمي الرازي" است. (مراجعه شود به : الذريعة ج ٢٤، ص ٣٤٣)

فهرس اعلام الذريعة الى تصانيف الشيعة، علينقى منزوى، تهران، دانسگاه تهران، ١٣٧٧،
٣جلد.

منخطوطات المكتبة العباسية فى البصرة، كمال يوسف الحوت، بيروت، عالم الكتب،
١٤٠٧ق.

معجم رجال الكفر و الأدب فى النجف، دكتر محمدهادى امينى، نجف، ١٣٨٤ ق.
معجم المطبوعات النجفية، محمدهادى امينى، نجف، مطبعة الاداب، بى تا.
معجم المؤلفين العراقيين، كوركيس عواد، بغداد، مجمع العلمى العراقى، ١٩٦٩ م.
معجم المؤلفين و الكتاب العراقيين، صباح نورى المرزوك، بيت الحكمة للاعلام والنشر،
٢٠٠٢ م.

معجم مورخى الشيعة، عبدالحميد صائب، قم، مؤسسة دائرة معارف الفقه الاسلامى،
١٣٨٢.

المنتخب من اعلام الفكر و الأدب، كاظم العبود الفتلاوى، بيروت، ١٤١٩ ق.
موسوعة اعلام العراق فى القرن العشرين، حميد المطبعى، بغداد، دارالشئون الثقافية
العامة، ١٩٩٥ م.

معرفی نسخه‌های خطی

کتاب‌های منسوب به سلیم بن قیس

کاظم استادی *

چکیده

نگارنده ۴۹ نسخه خطی کتاب سلیم بن قیس (از متون حدیثی قرن اول هجری) را بر اساس تعداد احادیث و سند آنها به هشت گروه تقسیم کرده و آنگاه نسخه شناسی آنها را ارائه می‌کند. ویژگی‌های نسخه‌ها، گاهی بر اساس فهرس کتابخانه‌های مربوط، گاه بر اساس مشاهده عکس نسخه و گاهی مشاهده اصل نسخه است. نسخه‌ها به ترتیب زمان قطعی یا تخمینی کتابت یاد شده و از سال ۹۱۸ تا ۱۳۸۵ قمری را در بر دارد.

کلیدواژه‌ها

کتاب سلیم بن قیس؛ نسخه‌های خطی؛ نسخه‌شناسی؛ متون حدیثی - قرن اول.



درآمد

روشن است که نسخ خطی کتاب‌های قدیمی، معمولاً اختلافاتی کم و زیاد با هم دارند؛ ولی غالباً ساختار آنها در این نسخه‌ها دگرگون نیست. اما نسخه‌های خطی کتاب سلیم، بسیار متغییر و پیچیده هستند و به راحتی نمی‌توان سره را از ناسره آن تشخیص داد.

مدل‌های نسخه‌های خطی منسوب به سلیم بن قیس را، می‌توان بر اساس چیزهای مختلفی دسته‌بندی نمود؛ مثلاً: بر اساس متن، بر اساس تعداد احادیث، بر اساس سند و ...

جناب آقای محمد باقر انصاری، محقق تحقیق سه جلدی کتاب سلیم، نسخه‌ها محدودی که در اختیار داشته را بر اساس اسناد نسخه‌ها دسته‌بندی نموده و چهار مدل حقیقی و دو مدل فرضی از آنها استخراج نموده است. اما از آنجایی که نسخه‌های خطی منسوب به سلیم، از نظر اسناد دستکاری شده و برخی نیز دارای چند سند متفاوت هستند؛ دسته‌بندی نسخه‌ها بر اساس سند، درست نیست و ما را به تحلیل‌های اشتباه درباره مدل نسخه‌های خطی منسوب به سلیم رهنمون می‌کند.

بهترین دسته‌بندی مدل‌های نسخه‌های خطی کتاب‌های سلیم، بر اساس ساختار و الگوی چینش و ترتیب احادیث، و البته احادیث آغاز و پایان آنها است؛ که البته لازم است در این روش، توجه به افتادگی‌های برخی نسخه‌ها نیز داشت.

فعلاً و در این سال (۱۳۹۹ش) حدود هشت مدل نسخه خطی از کتاب سلیم قابل شناسایی است (که البته هر کدام از نسخه‌های یک گروه مدل نیز، اختلافاتی در میان خود دارند). در این میان، برای اجتناب خوانندگان و محققین از سردرگمی، و نیز شناسایی بهتر مدل‌ها و تطبیق بهتر آن‌ها با مدل‌هایی که محقق سه جلدی کتاب سلیم، از آن‌ها یاد کرده‌اند؛ مدل‌های هشت گانه جدید را با هماهنگی نام‌گذاری مدل‌های ایشان^۱ بیان می‌کنیم:

یکم: گروه ج، شامل دو مدل:

۱- مدل حدود ۷ حدیثی، که این نسخه‌ها بی‌سند هستند و بدون تاریخ نسخه مادر می‌باشند؛ اما همراه نسخه‌های مدل بعدی، یک کاسه و پشت هم نسخه‌برداری شده‌اند.

۱ دو مدل پنج و شش از نسخه‌های خطی که جناب آقای انصاری بیان نموده‌اند؛ غیر واقعی و فرضی هستند؛ بنابراین برای اینکه مدل پنج تا هشت ما با آنها مخلوط نگردد، به جای استفاده از حروف ابجد رایج، از کلمات برای آنها استفاده نموده‌ام: گروه مجهول، گروه درهم.

۲- مدل حدود ۳۲ حدیثی، که این نسخه‌ها نیز بی‌سند هستند؛ ولی فقط یک نسخه از آن، منسوب به کاتبی به نام محمد الرمانی می‌باشند؛ و با تاریخ ادعایی کلی، مطرح شده‌اند. یعنی، ادعا شده که این نسخه‌ها از روی نسخه قدیمی به تاریخ ۶۰۹ ق الرمانی (یا الریحانی) نسخه‌برداری شده‌اند.

دوم: گروه ب، شامل سه مدل:

۳- مدل حدود ۲۲ حدیثی، با سند محمد بن صبیح؛ که ساختار ترتیب احادیث و نوع احادیث آن خاص خودشان می‌باشند.

۴- مدل حدود ۴۲ (۲ + ۴۰) حدیثی، با سند «حسن بن ابی یعقوب الدینوری» یا سند «محمد بن صبیح بن رجا»، و یا هر دو سند نسخه‌نویسی شده‌اند و ساختار، ترتیب احادیث و نوع احادیث آن با مدل قبلی متفاوت می‌باشند.

۵- مدل حدود ۴۷ (۵ + ۴۲) حدیثی، با سند «حسن بن ابی یعقوب الدینوری» یا سند «محمد بن صبیح بن رجا»، و یا هر دو سند نسخه‌نویسی شده‌اند و ساختار، ترتیب احادیث و نوع احادیث آن با مدل قبلی، هماهنگ است؛ و تنها ۵ حدیث از نسخه‌ای یافته شده در محروسة اصفهان به آنها اضافه شده است.

سوم: گروه «X» (مجهول)، شامل فقط یک اطلاع:

۶- این مدل، در دسترس نیست؛ یعنی هیچ نسخه خطی از آن وجود ندارد؛ فقط بر اساس مدل قبل که ۵ حدیث اضافه شده و بیان شده که نسخه‌ای در محروسة اصفهان وجود داشته که جدای از دیگر احادیث احتمالی، این ۵ حدیث را اضافه بر نسخه‌ها و مدل‌های قبلی داشته است؛ فرض می‌گیریم که نسخه‌هایی که از آن با عنوان «مجهول» یاد می‌کنیم، در دوره مجلسی در اختیار بوده است.^۱

چهارم: گروه الف، شامل یک مدل:

۷- مدل حدود ۴۸ حدیثی، با سند منسوب به شیخ طوسی؛ که ساختار ترتیب احادیث و نوع احادیث آن جدید و خاص خودشان است؛ به این معنی که ترتیب احادیث و مقدار و حجم احادیث این مدل

۱ هر چند که بعید است چنین نسخه‌ای وجود داشته باشد؛ زیرا در دوره مجلسی، به دستور یا خواست ایشان، نسخه‌های مختلف کتاب‌های منسوب به سلیم، نسخه‌برداری جدید شده‌اند.



منسوب به طوسی، با تمامی نسخه‌های خطی مدل‌های دیگر متفاوت است. (قابل توجه است؛ که این مدل، از قرن یازدهم و از دوره مجلسی ایجاد شده است؛ و پیش از آن، اثری از آن در دسترس نیست).

پنجم: گروه درهم، شامل یک مدل:

۸- مدل حدود ۹۹ حدیثی (۴۸ + ۲۲ + ۲۹)، با سند منسوب به شیخ طوسی، بعلاوه اسناد مدل‌های قبلی. این مدل نسخه، توسط آقای محمد باقر انصاری در دهه‌های معاصر طراحی و ایجاد شده است.





انواع مدل‌های نسخه‌های خطی کتاب‌های منسوب به سلیم بن قیس									
گروه ج									
ج ، مدل ۱					ج ، مدل ۲				
حدود ۷ حدیثی بی سند					حدود ۳۲ حدیثی بی سند				
-					نامشخص				
کاتب الرمانی									
گروه ب									
ب ، مدل ۳			ب ، مدل ۴			ب ، مدل ۵			
حدود ۲۲ حدیثی با ارسال طویل سند مرسل			حدود ۴۲ حدیثی ارسال طویل سند مرسل با			حدود ۴۲ + ۵ حدیثی مرسل با ارسال طویل سند			
حسن الدینوری			محمد بن صبیح			محمد بن صبیح		حسن الدینوری	
معرین راشد	عمرین اذینه	معرین راشد	عمرین اذینه	معرین راشد	عمرین اذینه	معرین راشد	عمرین اذینه	معرین راشد	عمرین اذینه
گروه X (مجهول)									
مدل ۶									
حدود ۵ + X حدیثی					نسخه ناموجود، سند نامشخص				
گروه الف									
الف ، مدل ۷					الف ، شبه مدل (بحار الانوار)				
حدود ۴۸ حدیثی سند مرسل یا ارسال طویل					حدود ۴۶ حدیثی سند مرسل یا ارسال طویل				
منسوب به طوسی بی واسطه		منسوب به طوسی با واسطه			منسوب به طوسی بی واسطه		منسوب به طوسی با واسطه		
معرین راشد	عمرین اذینه	معرین راشد	عمرین اذینه	معرین راشد	عمرین اذینه	معرین راشد	عمرین اذینه	معرین راشد	عمرین اذینه
گروه درهم (انصاری)									
مدل ۸									
۹۹ حدیثی (۲۹ + ۲۲ + ۴۸)					استاد درهم و متعدد همه نسخه‌های قبلی				
سند منسوب به شیخ طوسی			سند محمد بن صبیح			سند حسن الدینوری			
عمرین اذینه									



۱- قم مقدسه؛ کتابخانه آیت الله مرعشی (نسخه ۱)

کد دستیابی به کتاب: ۱۳۲۵۲/۱.

کاتب نسخه: ؟ + شمس الدین علی بن شمس الدین طریفی.

تاریخ کتابت نسخه: دوشنبه ۲ رجب ۹۱۸ق.

آغاز نسخه (نونویسی شده متأخر): بسمله، قال المیرزا محمد رحمة الله عليه و فی اوله ای فی اول کتاب سلیم علی ما فی نسختی هكذا: احدثنی ابوطالب محمد بن صبیح بن رجا بدمشق سنته اربع و ثلاثین و ... و شیعته الی ان قال، قال عمر بن اذینة ثم دفع الی ابان کتاب سلیم بن قیس الهمدانی ... فقال سلیم هذا حدثینا نعرفه الی آخره.

همچنین ابتدای همین نوشته، در ابتدای نسخه نیز به صورت حاشیه، اضافه شده است. انجام نسخه (تک رنگ اصلی): و یخرب جامع الکوفة و ما شیده البانی بالصرط هلك ملك الترك و یمتد الشام و یکثر الملوك و یمتد الحق و الحمد لله اولاً و آخراً و صلی الله علی خیر خلقه محمد النبی و آله (اتمام متن) فرغ من ...

مشخصات ظاهری نسخه:

خط: نسخ، کاغذ: شرقی، تعداد صفحات: ۱۰۴ برگ، ۱۱ اسطر، اندازه: ۲۰*۱۳سم.

- نسخه‌ای نفیس و کهن است؛ به عبارت دیگر، کهن‌ترین نسخه شناخته شده از کتاب‌های منسوب به سلیم است.

- نسخه مغلوط است.

- مقدمه‌ای در دو برگ قبل از برگ نخست همراه اندکی افزودگی آمده؛ که نونویس است.

- این نسخه دارای ترجمه فارسی به صورت زیرنویس است.

منبع: ملاحظه حضوری نسخه - فهرست نسخ خطی کتابخانه مرعشی، ۳۳/ ۴۶۹.

۲- تهران؛ کتابخانه مجلس شورای اسلامی (نسخه ۱)

کد دستیابی به کتاب: ۱۵۶۳۸

کاتب نسخه: نامشخص.

تاریخ کتابت نسخه: تاریخ ندارد (احتمالاً قرن ۱۱، حدود ۱۰۳۶ق).



آغاز نسخه نونویس در صفحه دوم: هذا [پارگی صفحه اول] کتاب سلیم بن قیس الهلالی (نونویسی شده: رحمة الله عليه من مختصر البصائر سعد عبدالله ... ابی خلف القمی ...
 آغاز نسخه ناقص اصلی: (افتادگی دارد) 'یحاسبون، منهم من یغفر له ویدخله الجنة بالإقرار والتوحيد ومنهم من یعذب فی النار ثم یشفع له الملائكة والأنبياء والمؤمنون فیخرجون من النار ویدخلون الجنة ...
 انجام نسخه: ... و اما الناصب انا و المعادی لنا فمشرك كافر عدو لله و العارفون بحقنا المؤمنون بنا مؤمنون مسلمون اولیاء الله. (تمام)
 سپس حاشیه نویسی جدید با خط و مرکب متفاوت دارد. (که متن آن در عنوان ویژگی‌های اثر آمده است)

مشخصات ظاهری نسخه:

خط: نسخ، جلد: مقوایی با روکش ابر و باد زیبا، تعداد صفحات، ۹۵ برگ (شامل هر دو مدل نسخه با هم)، ۱۷ سطر، اندازه: ۱۲/۹*۲۵/۵ سم.
 منبع: ملاحظه تصویر نسخه - فهرست نسخ خطی کتابخانه مجلس، ۲۰۸-۲۰۷/۴۳.

۳- نجف اشرف؛ کتابخانه حسینیہ شوشتری‌ها^۲

کد دستیابی به کتاب: ۷۵۰/۲ (کتابخانه علی محمد نجف آبادی)
 کاتب نسخه: میر محمد سلیمان بن میر معصوم بن میر بهاء‌الدین حسین نجفی تونی.
 تاریخ کتابت نسخه: ۱۰۴۸ ق یا شوال ۱۰۴۱ ق.
 محل کتابت: مدینه منوره.

آغاز نسخه سلیم (مدل اول): أولها بعد الحمد المختصر «فهذه جملة من الاخبار النبوية جمعها سلیم بن قیس الهلالی عن أمير المؤمنين x، قال سلیم: قال لنا ...

۱ شروع، حدیث ۷ (به نسبت شماره احادیث کتاب چاپی سلیم) است؛ البته، ۷ صفحه از ابتدای حدیث هفتم به نسبت متن چاپی، کسری دارد.
 ۲ حاج محمدرضا شوشتری، حسینی‌های را در نجف ساخت؛ و کتابخانه شیخ علی محمد نجف آبادی اصفهانی را پس از مرگش به این حسینی‌ها انتقال داد که با نام کتابخانه حسینه شوشتری‌ها شناخته شد و اکنون تخریب شده و برخی از کتاب‌های دیگر منتقل گشته است.

انجام نسخه: إن عذبك فبذنبك وإن تجاوز عنك فبرحمته وأما الناصب لنا والمعادي لنا فمشرك كافر عدو لله والعارفون بحقنا المؤمنون بنا مؤمنون مسلمون أولياء الله.

مشخصات ظاهری نسخه:

خط: نسخ، تعداد صفحات: (کتاب سلیم) ۳۲ برگ، اندازه: ۱۹*۲۹ سم.

- نسخه مجموعه است؛ که کتاب اول الاربعین فی اصول الدین از فخر رازی است (۱۶۰ برگ) و کتاب دوم، کتاب سلیم است. نسخه سلیم، متعلق به کتابخانه «علی محمد النجف آبادی» بوده است؛ که با تعدادی کتاب‌های خطی دیگر، وقف حسینیه شوشتری‌های نجف اشرف شده است.
منبع: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه حسینیه شوشتری‌های نجف (اسدالله اسماعیلیان و رضا استادی) - الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ۲/ ۱۵۶ و ۱۵۷.

۴- مشهد مقدس؛ آستان قدس رضوی (نسخه ۱)

کد دستیابی به کتاب: ۳۷۶۳۳ (نسخه شیخ علی حیدر)

کاتب نسخه: محمد مؤمن گلپایگانی (الجربادقانی).

تاریخ کتابت نسخه: ربیع الاول ۱۰۵۹ ق.

آغاز نسخه: بسمله، قال حدثنی ابوطالب محمد بن صبیح بن رجا بدمشق سنة اربع و ثلثین و ثلثمائة، قال اخبرنی ابوعمر و عصمة بن ابی عصمة البخاری، قال حدثنا ابوبکر احمد بن المنذر بن ...

انجام نسخه: ... فی ایدینا فضل النبوة التي ملکنا بها العرب و استعبدنا بها العجم و السلام و الله اعلم بالصواب. فرغ من تسویده و تحریره فی يوم الجمعة رابع شهر ربیع الاول سنة تسع و خمسين و الف الهجرة النبوية علی يد الضعیف المحتاج محمد مؤمن الجربادقانی عفی عنه.

مشخصات ظاهری نسخه:

خط: نسخ، کاغذ: نخودی آهار مهره، جلد: تیماج قهوه ای، تعداد صفحات سلیم: ۷۸ برگ (۷۴

۱۵۰)، سطر: ۱۵، اندازه: ۱۹/۵*۱۳ سم.

- نسخه همان نسخه «کتابخانه شیخ علی حیدر» است؛ که وقف آستانه مشهد شده است.

۱ مشهد مقدس؛ شیخ علی حیدر (مکتبه)؛ شماره نسخه: ۲۹۶/۲. آغاز نسخه: قال حدثنی ابوطالب محمد بن صبیح

واقف: رهبری (اهدایی)، تاریخ وقف: مهر ۱۳۸۶.

منبع: ملاحظه عکس نسخه - فهرست نسخ خطی آستان قدس رضوی، اهدائی رهبری، ۵۹۴/۲.

۵- قم مقدسه؛ مؤسسه آیت الله بروجردی (نسخه ۱)

کد دستیابی به کتاب: ۴۳۹

کاتب نسخه: احتمالاً نامشخص؛ (محمد صادق بن محمد یوسف قزوینی).

تاریخ کتابت نسخه: ذی القعدة ۱۰۶۶ق.

محل کتابت: طائف.

آغاز نسخه: افتادگی دارد: ^۲ من عشرين رجلا من أفاضل الحيين اللهم نعم وسكت بقيتهم فقال على عليه السلام للسكوت ما لكم سكوت فقالوا هؤلاء الذين شهدوا عندنا ثقات في صدقهم ...
انجام نسخه: ... لله فيك المشية إن عذبك فبذنبك وإن تجاوز عنك فبرحمته وأما الناصب لنا والمعادي لنا فمشارك كافر عدو لله والعارفون بحقنا المؤمنون بنا مؤمنون مسلمون أولياء الله. تمت في الطائف في شهر ...

مشخصات ظاهری نسخه:

خط: نسخ، جلد: مقوای روکش پارچه، تعداد صفحات: ۳۶ برگ (از ۹۴ برگ دو مدل کتاب سلیم)، ۱۴ سطر، اندازه: ۱۵*۱۰/۵سم.

- نسخه به نظر مجموعه می آید (یا اینکه قبلاً مجموعه بوده است) چون اضافاتی نیز در پایان نسخه سلیم دارد.

- در برخی اندک از صفحات کتاب سلیم، خط نگارش با دیگر صفحات کمی متفاوت است (از نظر ساختار و ریز و درشتی و جنس قلم).

منبع: ملاحظه حضوری نسخه - فهرست کتابخانه آیت الله بروجردی، ۲۷۷/۲.

بن رجا بدمشق سنة أربع و ثلاثين و ثلاثمائة. انجام نسخه: فی ایدینا فضل النبوة التي ملکنا بها العرب و استعبدنا بها العجم و السلام، و الله أعلم بالصواب. خط: نسخ، کاتب: گلپایگانی، محمد مؤمن، تاریخ: رابع شهر ربیع الاول ۱۰۵۹ق؛ العناوین بالاسود فی الهوامش. علی هوامشه تصحیحات و بلاغات؛ جلد: چرم زرد، تعداد صفحات: ۷۲ ظ - ۱۵۰ و، ۱۵ سطر، اندازه: ۱۳*۱۹/۵سم [مؤید: ۱-۲۶۲]

۱ کتابهای مؤسسه آیت الله بروجردی، به کتابخانه آیت الله بروجردی منتقل شده است (یعنی کتابخانه مسجد اعظم قم).

۲ چهارو نیم حدیث طبق مدل ابی محمد رمانی، افتادگی دارد (۷، ۲۷، ۴۹، ۳۸، اول حدیث ۱۱).





۶- مشهد مقدس؛ کتابخانه آستان قدس رضوی (نسخه ۲)

کد دستیابی به کتاب: ۹۷۱۹/۶

کاتب نسخه: (شاید) محمد بن محمود الطبسی.

تاریخ کتابت نسخه: شعبان ۱۰۸۰ق.

آغاز نسخه سلیم (مدل اول): افتادگی دارد: ^۱ هذه الامه و ان صاحبه عجلها و ان الله قد قضی بالفرقه و الاختلاف علی امتی من بعدی فامرنی ان اکتب ذلك الكتاب ...

انجام نسخه: ... قالوا ان بايعت كففتنا عنك [... به نسبت کتاب چاپی، افتادگی دارد] کافر عدو لله والعارفون بحقتنا المؤمنون بنا مؤمنون مسلمون أولیاء الله الی ...

مشخصات ظاهری نسخه:

خط: نسخ مایل به نستعلیق، عناوین به شنگرف، تعداد صفحات مجموعه: ۱۰۶ ورقه، تعداد صفحات کتاب سلیم: ۶۰ صفحه (دو مدل کتاب سلیم نگارش شده است)، ۲۲ سطر، ۱۹*۱۰ سم. - نسخه مجموعه است؛ مجموعه‌ای از اوراق مختلف باهم صحافی شده است؛ و ابتدای آن افتادگی دارد؛ و ابتدای موجود در نسخه، ارتباطی با کتاب سلیم ندارد. (صفحه اول نسخه، از صفحه ۱۸۴ کتاب الاربعین فی اصول الدین، ابی حامد محمد غزالی (م ۵۰۵ق) آغاز شده و سپس چند برگ پارگی دارد؛ و در ادامه احادیث و مطالب دیگری وجود دارد تا در صفحه ۷۰ (شماره‌گذاری نونویس) کتاب سلیم (البته به صورت افتادگی در اول)، آغاز شده است.

منبع: ملاحظه برخی از صفحات عکسی و فهرست.

۷- قم مقدسه؛ کتابخانه آیت الله مرعشی (نسخه ۲)

کد دستیابی به کتاب: ۱۵۶۱۲

کاتب نسخه: نامشخص.

تاریخ کتابت نسخه: رمضان ۱۰۸۱ق.

۱ یک و نیم حدیث طبق مدل ۳۱ حدیثی و دو نیم حدیث طبق مدل ابی محمد رمانی، افتادگی دارد (۷، ۲۷، اول حدیث ۴۹).

محل کتابت: کوفه (مسجد کوفه).

آغاز نسخه: حدثنا ابن أبي جيد عن محمد بن الحسن بن احمد بن الوليد و محمد بن أبي القسم الملقب بماجيلويه عن محمد بن علي الصيرفي عن حماد بن عيسى عن ابان بن ابي العباس عن سليم بن قيس الهلالي، قال قال الشيخ ابو جعفر ...
انجام نسخه: ... ابن عمه و وصيه و ابا ولده كذبتهم و رب الكعبة ما كنتم تعملون الي قتله حتى تخوف الناس أن تقع فتنة عظيمة، تم الكتاب و الحمد لله رب العالمين في مسجد الكوفة (تاريخ كتابت)

مشخصات ظاهري نسخه:

خط: نسخ، کاتب: بدون کاتب، کاغذ: شرقی، جلد: تیماج قهوه‌ای ضربی مجدول با ترنج و سرترنج، عطف: تیماج مشکی ۱۳*۱۹، تعداد صفحات: ۱۲۶ برگ، ۱۶ سطر، اندازه: ۱۵*۷ سم، افتادگی‌ها: آغاز، عنوان‌ها و نشانی‌ها: نانوشته.

- در انتهای متن کتاب، حجت الاسلام و المسلمین سید محمود مرعشی نوشته‌اند: باسمه تعالی؛ چند سطر دست چپ، خط مبارک مرحوم علامه مولی محمد باقر مجلسی صاحب بحار است. این نسخه را ایشان تصحیح نموده است. قم، سید محمود مرعشی نجفی.
- فهرست نویس کتابخانه، نوشته‌اند: نسخه‌ای است نفیس، در حاشیه به خط شریف علامه مجلسی تصحیح و با عبارت: «بسم الله الرحمن الرحيم، لقد قوبل مع نسخة مصححة سقيمة قديمة، فصح و طابق ما انتسخ منه و الحمد لله وحده و صلى الله على محمد و أهل بيته الطاهرين و لعنة الله على أعدائهم أجمعين»

منبع: ملاحظه حضوری نسخه - فهرست نسخ خطی کتابخانه آیت الله مرعشی، ۵۵۶/۳۹.

۸- مشهد مقدس؛ دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی

کد دستیابی به کتاب: ۶۰۴/۱ (۴۵۶ قدیم)

کاتب نسخه: محمد طاهر بن کمال الدین شوشتری.

تاریخ کتابت نسخه: یکشنبه رمضان ۱۰۸۲ ق.

محل کتابت: نامشخص؛ احتمالاً شوشتر.





آغاز نسخه: بسمله، قال حدثني أبو طالب محمد بن صبيح بن رجاء بدمشق سنة اربع و ثلثين و ثلثمائه قال أخبرني أبو عمرو وعصمة بن أبي عصمة البخاري قال حدثنا أبو بكر أحمد بن المنذر بن أحمد الصنعاني ...

انجام نسخه: ... فضل على بعض؟ لكن ليس أمية كهاشم ولا حرب كعبد المطلب ولا أباسفيان كأبي طالب ولا الطليق كالمهاجر ولا المنافق كالمؤمن والمبطل كالمحقق في أيدينا فضل النبوة التي ملكنا بها العرب واستعبدنا بها العجم والسلام. (تاريخ كتابت)

مشخصات ظاهری نسخه:

خط: نسخ، دارای سرلوح مرصع، عناوین شنگرف، صفحات مجدول بطلا و مشکی و لاجورد. مجموعه است و مجموعه دارای ۱۷۵ برگ می باشد [شماره ۴۵۶]؛ کتاب سلیم ۳۴ برگ از مجموعه است. جلد: تیماج آلبالویی، ۲۵ سطری ۱۱×۲۱/۵ سطر، اندازه: ۳۲*۲۰سم.

- نسخه مجموعه و شامل سه رساله می باشد: ۱- کتاب سلیم بن قیس. ۲ جامع الأخبار. ۳-

الفصول المهمة في معرفة الأئمة عليهم السلام.

- نسخه حاضر شامل تا اواسط حدیث ۳۴ (اخبار لیلۃ الہریر اشد مراحل حرب صفین) است؛

البته همین حدیث را نیز به نسبت حدیث ۳۴ کتاب چاپی ناقص دارد.

منبع: ملاحظه برخی از صفحات عکسی - فهرست نسخ خطی کتابخانه هیات مشهد، ۱ /

۳۶۲- فهرست قدیم (عبد الحمید المولوی)، ۶۵/۵.

۹- نجف اشرف؛ مکتبة آیت الله الحکیم العامة (نسخه ۱) (نسخه حر عاملی)

کد دستیابی به کتاب: ۳۱۶ / ۶.

کاتب نسخه: نامشخص.

تاریخ کتابت نسخه: یوم الثلاثاء چهارم شهر محرم الحرام ۱۰۸۷ق.

آغاز نسخه: بسمله، رب زدنی علماً أخبرنی الرئيس العفیف أبوالتقی هبة الله بن نما بن علی بن

حمدون رضی الله عنه قراه علیه بحلة الجامعین فی جمادی الأولى سنة خمس و ستین وخمسماية،

۱ در فهرست نویسی کتابخانه، تاریخ این نسخه به اشتباه یکشنبه آخر شوال ۱۰۸۲ق ذکر شده است.

قال حدثني ...

انجام نسخه: ... فلم تقدروا عليه فقتلتم ابنته بالأمس ثم؟ تريدون اليوم أن تقتلوا اخاه و ابن عمه و وصيّه و أباً ولده كذبتهم و رب الكعبة ما كنتم تعلمون الى قتله حتى تخوف الناس أن تقع عزيمة تم الكتاب سليم بن قيس بعون الله الملك الوهاب و الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد آله اجمعين في يوم الثلاثاء چهارم شهر محرم الحرام سنة ۱۰۸۷. ...

مشخصات ظاهری نسخه:

خط: نسخ، کاتب: بدون کاتب، تعداد صفحات: ۱۱۵ صفحه ۵۸ برگ، ۲۱ سطر، اندازه: ۱۸/۵*۲۵ سم.

- نسخه مجموعه است و صفحه شمار بالای نسخه، کتاب سلیم را از صفحه ۱۶۷ تا ۲۲۴ نشان می دهد.

- نسخه مغلوط است و مقابله دقیق و کامل نشده است، به نظر چون خطاط غیر عرب بوده، برخی مواقع، کلمات را نقاشی نموده است.

نکته: به نظر می رسد که نسخه به درخواست شیخ حر کتابت شده است؛ (تاریخ کتابت و ملکیت شیخ حر یکسان هستند). همچنین، جهت یادآوری، کتاب سلیم چاپ حیدریه نجف و چاپ های متعدد دیگر، از روی این نسخه متعلق به شیخ حر عاملی، منتشر شده اند.
منبع: ملاحظه تصویر نسخه.

۱۰- قم مقدسه؛ کتابخانه آیت الله مرعشی (نسخه ۳ - بحار الانوار، ج ۸)

کد دستیابی به کتاب بحار الانوار، جلد هشتم: ۱۸۶۷

کاتب نسخه: شرف الدین بن زین الدین نائینی.

تاریخ کتابت نسخه: سلخ ذی الحجّه ۱۰۹۱ق.

آغاز نسخه: اصل نسخه، کتاب بحار است؛ و آغاز نسخه ارتباطی با کتاب سلیم ندارد.

انجام نسخه: اصل نسخه، کتاب بحار است؛ و انجام نسخه ارتباطی با کتاب سلیم ندارد.

مشخصات ظاهری نسخه:

خط: نسخ، شنبه دهه دوم شعبان ۱۰۹۹ق، عناوین شنگرف، جلد تیماج قرمز، ۵۰۲ گ، ۲۵

س، ۱۸/۵ × ۲۸/۵ سم ۵۰۲



نسخه حاضر مشتمل بر کتاب الفتن است که در سلخ ذی الحجه ۱۰۹۱ بپایان رسیده، در حاشیه تصحیح شده و علامت بلاغ دارد.

نکته: چون علامه مجلسی قصد داشته تمام کتاب سلیم را در بحار الانوار ذکر کند؛ به نوعی نسخه خطی بحار، می‌تواند نسخه خطی کتاب سلیم نیز محسوب شود.

اولین شخصی که از کتاب سلیم به صورت مستقیم احادیث آن را نقل نموده، علامه مجلسی است؛ ایشان در موارد متعدد و مجلدات مختلف، از احادیث کتاب سلیم استفاده و نقل نموده است، اما به صورت اختصاصی در جلد هشتم کتاب الفتن و المحن، به نقل روایات کتاب سلیم پرداخته است، البته در کل بحار، مجلسی فقط ۴۶ حدیث از مدل ۴۸ حدیثی کتاب سلیم را ذکر نموده است. منبع: فهرست نسخ خطی کتابخانه آیت الله مرعشی، ۲۵۰-۲۴۸/۵.

۱۱- قم مقدسه؛ مرکز احیاء میراث اسلامی (نسخه ۱)

کد دستیابی به کتاب: ۲۱۹۹/۳

کاتب نسخه: نامشخص.

تاریخ کتابت نسخه: ۱۹ ربیع الاول ۱۰۹۳ ق. (پایان کتاب سوم)

آغاز نسخه: مجموعه است؛ و آغاز نسخه ارتباطی با کتاب سلیم ندارد.

آغاز نسخه سلیم: بسمله، قال حدثني أبو طالب محمد بن صبيح بن رجاء بدمشق سنة أربع و ثلاثين و ثلثمائة، قال اخبرني ابو عمر عصمة ابى عصمة البخارى، قال حدثنا ابو بكر احمد بن المنذر بن احمد الصنعاني بصنعاء ...

انجام نسخه: ... و اذا هلك ملك الترك وتميد لسبان الشام ويكثر الملوك ويظهر الحق، الحمد لله اولاً و آخراً و صلى الله على محمد و آله اجمعين و حرر في (تاريخ كتابت).

مشخصات ظاهری نسخه:

خط: نسخ، جلد: تیماج زرشکی، تعداد صفحات مجموعه: ۱۳۱گ، تعداد صفحات سلیم:

۴۲ برگ، ۳۸-۷۶ر، ۲۵ سطر، اندازه: ۱۸*۲۵سم.

در حاشیه تصحیح شده است، روی برگ اول و در برگ آخر، فهرست مطالب کتاب و مهر مربع بزرگ کتابخانه شیخ فضل الله نوری و یادداشتی از جعفر بن سید احمد موسوی خراسان بتاریخ

۱۲۹۱ مبنی بر اینکه کتاب از نوری نزد وی امانت می باشد و تملکی با مهر دائری بزرگ پاك شده و چند یادداشت متفرقه دیده میشود ، ابتدای رساله ها نام آنها به سنگرف نوشته شده است.
منبع: فهرست مرکز احیاء میراث اسلامی، ۱۱۳۱/۳.

۱۲- قم مقدسه؛ کتابخانه آیت الله مرعشی (نسخه ۴)

کد دستیابی به کتاب: ۱۲۰۴۷

کاتب نسخه: نامشخص (چند کاتب دارد، افتادگی ها کاتبان مجزا دارند)

تاریخ کتابت نسخه: بدون تاریخ، احتمالاً قرن ۱۱ ق.

آغاز نسخه: بسمله، قال حدثني أبو طالب محمد بن صبيح بن رجاء بدمشق سنة أربع و ثلاثين و ثلاثمائة، قال: أخبرني أبو عمرو عصمة بن أبي ...

انجام نسخه: (دو انجام دارد انجام اصلی و انجام تعمیری)

انجام نسخه ناقص: ... مني بمنزلة هرون من موسى و أن يشدد بك ... إلا أنه قال لا نبي بعدى

فرضیت، وسألته أن روحك (تمام)

انجام نسخه (اضافه و تعمیر شده): ... و بنو أمية و شيعتهم يعيئون يوم القيمة أشقياء جياعاً عطاشاً سوداً وجوههم (صن هذا الكتاب).

مشخصات ظاهری نسخه:

خط: نسخ خوش، عنوانها و نشانیها سنگرف، کاغذ: شرقی، جلد: تیماج قهوه ای، مجدول ضربی با ترنج عطف و گوشه ها تیماج زرشکی، اندازه ۱۸*۱۲، تعداد صفحات: ۱۱۲ برگ، ۱۵ سطر، اندازه: ۱۳*۷ سم.

- در حاشیه تصحیح شده و حاشیه نویسی با نشان ۱۲ دارد، و نیز مقابله شده با عبارت «بلغ قبالا»، دستخط مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی با عبارت: «کتاب سلیم بن قیس الهلالی؛ شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی» در برگ آغاز به چشم می خورد.

- برخی از صفحات و برگها افتادگی داشته، سپس بازنویسی شده است. برگها رطوبت و آسیب دیده، آنگاه اندکی مرمت گردیده است.

منبع: ملاحظه حضوری نسخه - فهرست نسخ خطی کتابخانه آیت الله مرعشی، ۴۲۹/۳۰



۱۳- نجف اشرف؛ مكتبة الامام الخوئی

كد دستیابی به كتاب: ۷۶/۲

كاتب نسخه: نامشخص.

تاریخ كتابت نسخه: قرن ۱۱ق.

آغاز نسخه سلیم (مدل دوم): اول النسخة (ناقص) ... يحاسبون، منهم من يغفر له و يدخله الجنة بالاقرار و التوحيد، و منهم من يعذب في النار ثم يشفع له الملائكة و الانبياء و المومنون، فيخرجون من النار و يدخلون الجنة فيسمون فيها (الجهنميين)...

انجام نسخه (مدل دوم): (افتادگی دارد) ۱ و ان وحدت الله و شهدت ان محمداً رسول الله و

اخذت بما ليس بين اهل القبلة فيه اختلاف مما...

مشخصات ظاهری نسخه:

خط: نسخ، كاتب: بدون كاتب؛ جلد: احمر، تعداد صفحات: ۶۵ برگ، (۳۰۷-۳۷۱پ)،

۱۵ سطر، اندازه: ۲۹*۱۷سم؛ العناوين كتبت بالمداد الاحمر.

- مجموعه است؛ دومین بخش مجموعه، كتاب سلیم است.

- نسخه شامل دو مدل از كتابهای منسوب به سلیم است.

- عليها كلمات نسخ البدل.

- عليها تملك ابن احمد التبریزی و ختم مربع غير مقروء.

على الثانية حاشية نصها: «صورة المنتسخة ربيع الآخر من سنة تسع و ستمائة»^۱ و هي ناقصة

الآخر مقدار صفحة واحدة.

منبع: شواهد نسخه‌های دیگر - فهرست مكتبة الامام الخوئی، ۱۵۲/۱.

۱ این تکه از انتهای حدیث افتاده است: «قد أجمعوا عليه أن الله قد أمر به ونهى عنه - وأشكل عليك موضع الإمامة والوصية والعلم والفقہ، فرددت علمه إلى الله ولم تعادهم ولم تبرء منهم ولم تنصب لهم العداوة، فأنت جاهل بما جهلت ضال عما اهتدى إليه أهل الفضل والولاية. لله فيك المشية، إن عذبتك فيذنبك وإن تجاوزت عنك فبرحمته وأما الناصب لنا والمعادي لنا فمشرك كافر عدو لله والعارفون بحقنا المؤمنون بنا مؤمنون مسلمون أولياء الله»

۲ به عنوان قدیمی ترین نسخه كتاب سلیم در مجلد قبل، رجوع کنید.



۱۴- تهران؛ کتابخانه مجلس شورای اسلامی (نسخه ۲)

کد دستیابی به کتاب: ۵۳۶۶/۳

کاتب نسخه: نامشخص.

تاریخ کتابت نسخه: نامشخص (احتمالاً قرن ۱۱ ق)

آغاز نسخه: مجموعه است و آغاز آن ارتباطی با کتاب سلیم ندارد.

آغاز نسخه: (نسخه افتادگی دارد)^۱ فی هذا الكتاب روى عن الصادق × انه قال من لم يكن عنده من شيعتنا و محبينا كتاب سلیم بن قیس الهمدانی فلیس عنده من امرنا ... بسمله، حمدله و عن سلیم قال: انی لعند ابن عباس فی بیته و...»

انجام نسخه: ... و ان تجاوز عنك فبرحمته و اما الناصب لنا و المعادی لنا فمشرک کافر عدو الله و العارفون بحقنا المومنون مسلمون اولیاء الله.

مشخصات ظاهری نسخه:

خط: نستعلیق، کاتب: بدون کاتب، عنوان شنگرف، جلد: رویه میشن عنابی، تعداد صفحات:

۱۴ برگ از ۲۰۲ صفحه مجموعه، ۱۱۰۹۶، ۱۹ سطر، اندازه: ۱۲/۱*۱۸/۴ سم.

- کتاب مجموعه است که شامل ۵ بخش است؛ و دو بخش آن دو مدل از کتاب سلیم است.

- کتاب سلیم دوم، که مشخصات آن در بالا ذکر شد، مدل ۸ حدیثی است، که ترتیب هشت

حدیث و حجم آنها و نیز برخی مطالب داخل احادیث، با دیگر مدلها متفاوت است.

منبع: ملاحظه نسخه عکسی - فهرست نسخ خطی کتابخانه مجلس شورا، ۱۶/۲۷۴.

۱۵- مشهد مقدس؛ کتابخانه آستان قدس رضوی (نسخه ۳)

کد دستیابی به کتاب: ض ۲۲۸۶۳

کاتب نسخه: شرف (یا شرفاء) بن محمد جهرمی.

تاریخ کتابت نسخه: ۱۱۰۴ ق.

آغاز نسخه: بسمله، قال حدثني ابوطالب محمد بن صبح بن رجا بدمشق سنة اربع و ثلثین و

ثلاث مائة.

۱ از حدیث ۲۷ آغاز شده است؛ یعنی به نسبت نسخ مشابه، حدیث اول یعنی حدیث شماره ۷ را ندارد.





انجام نسخه: ... و یكثر الملوک و يظهر الحق الحمد لله اولاً و آخراً... اجمعین.

مشخصات ظاهری نسخه:

خط: نسخ، کاغذ: نخودی آهار مهره، جلد: تیماج يك لای مشکی، تعداد صفحات: ۸۳ برگ،
۱۶ سطر، اندازه: ۱۹/۵*۱۴/۵ سم.

در پنجشنبه ۲۲ رمضان همان سال توسط علی بن عبدالحسین بن احمد بن سلیمان احسانی
تصحیح و مقابله شده و بار دیگر نیز توسط همو در ذی‌قعدة همان سال با نسخه اصلی مقابله شده،
واقف: عبدالباقی آیت اللهی شیرازی.

منبع: فهرست نسخ خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، ۲۶/ ۴۷۲.

۱۶- تهران؛ کتابخانه دانشکده حقوق دانشگاه تهران

کد دستیابی به کتاب: [۲۹ - د] - ۵۲۹۲۲.

کاتب نسخه: نامشخص.

تاریخ کتابت نسخه: پیش از ربیع الاول ۱۱۰۷ ق.

آغاز نسخه: (وقف نامه) بسمله، الحمد لله و سلامه علی عباده الذین اصطفی اما ...

آغاز متن کتاب: بسمله، هذا ما وجد من فضائل کتاب سلیم بن قیس الهلالی رحمه الله من
کتاب مختصر البصائر قال رواه عنه ابان بن ابی عیاش و قرأ جمیعہ علی سیدنا علی بن الحسین ×
بحضور جماعة ...

انجام نسخه: ... وانی سمعت رسول الله صلی الله علیه وآله يقول لیس من القرآن ایه إلا ولها
ظهر و بطن و لا منه حرف إلا و له جدّ و لكل حد مطلع و ان له (پایان نسخه)

مشخصات ظاهری نسخه:

خط: نسخ، کاغذ: سپاهانی، جلد: تیماج زرد درون سرخ مقوائی، تعداد صفحات دو کتاب سلیم
روی هم: ۷۴ برگ، ۱۵ س ۶×۱۲/۵ سطر، اندازه: ۱۱/۵*۱۷/۵ سم.

- دو کتاب سلیم، پشت سر هم، در یک نسخه نگارش شده است.

- محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، از درآمد گرمابه نقش جهان سپاهان وقف سلطان سلیمان،

نسخه را در ربیع الاول ۱۱۰۷ وقف کرده است.

منبع: ملاحظه عکس نسخه - فهرست نسخ خطی کتابخانه حقوق دانشگاه تهران، ۴۲۰.

۱۷- نامشخص؛ کتابخانه درویش شیخیه کرمان

کد دستیابی به کتاب: شماره ۴ در IRN-۰۲۰-۰۲۷۰

کاتب نسخه: نامشخص.

تاریخ کتابت نسخه: ۱۱۰۹ق^۱. (عکس نسخه ملاحظه شد، تاریخ ندارد)

آغاز نسخه: بسمله، أخبرنی الرئيس العفیف أبوالتقی هبة الله بن نما بن علی بن حمدون رضی الله عنه قراه علیه بدان بحلة الجامعین فی جمیدی الأولى سنة خمس وستین وخمسائة قال ...
انجام نسخه: ... فلم نقدرُوا علیه فقتلتم ابنته بالأمس، ثم أتمت تریدون الیوم أن تقتلوا أخاه وابن عمه ووصیّه وأبا ولده کذبتهم و رب الكعبة ما کنتم تعلمون إلی قتله حتی تخوف أن تقع عظیمه، تم الكتاب سلیم بن قیس بعون الله الملك الوهاب.

مشخصات ظاهری نسخه:

خط نسخ خوش، تعداد صفحات: ۲۰۵ صفحه (از ۳۸۶ تا ۵۸۷ ص) ۱۰۳ برگ.

- از آنجا که شماره صفحات درج شده در بالای نسخه زیاد است، احتمالاً نسخه مجموعه است.
- صفحه آخر وقف نام دارد، ... و قفت هذا الكتاب علی السلسلة العلیة الشیخیه ... که در انتهای

مهر و تاریخ ۱۲۸۹ خورده است.

- نسخه، مغلوط نگارش شده است.

منبع: ملاحظه عکس نسخه.

۱۸- شیراز؛ مدرسه امام عصر

کد دستیابی به کتاب: ۲۵۶/۵

کاتب نسخه: نامشخص.

تاریخ کتابت نسخه: ۲۷ محرم ۱۱۱۲ق.

آغاز نسخه: (به نسبت نسخه‌های مشابه ۲۲ حدیثی، افتادگی دارد)^۲ شروع:

ورعا و لا اجتهادا ولا أطول حزنا منه، ولا أشد خمولا لنفسه ولا أشد بغضا لشهرة نفسه منه. وأنا یومئذ ابن أربع عشرة سنة، وقد قرأت القرآن، وکنت أسأله فیحدثنی عن أهل بدر

۱ در برخی فهرست‌ها این تاریخ درج شده؛ ولی در خود نسخه تاریخی وجود ندارد.

۲ این عنوان، دستخط استاد عبدالعزیز طباطبائی است؛ و از خود نسخه نیست.



انجام نسخه: ... ثم قال: صدقت ولكن قد رأيت رأياً أخدم بها علياً طلبى إليه الشام على الموادة وهو الشئ الأول الذى ردنى عنه (تاريخ و اسم خطاط یا کلمه‌ای رمزی)
نسخه از انتها، نسبت به نسخه‌های مشابه، افتادگی دارد (۴۲ سطر از آخر حدیث ۳۴ ناقص است)

مشخصات ظاهری نسخه:

خط: در دو نوع خط نگارش یافته، تحریری عادی مایل به نسخ و نسخ، تعداد صفحات: ۶۰ برگ، ۱۳۱-۱۹۱، اندازه: ۲۳*۱۲سم، ۱۸ سطر.

- مجموعه است؛ و کتاب پنجم آن، کتاب سلیم است؛ که البته از ابتدا و انتها، به نسبت نسخه‌های مشابه ۲۲ حدیثی، افتادگی دارد. نسخه حاضر شامل تا اواسط حدیث ۳۴ (اخبار لیلۃ الهیریر اشد مراحل حرب صفین) است، البته همین حدیث را نیز به نسبت حدیث ۳۴ کتاب چاپی ناقص دارد، یعنی حدود سه صفحه از آخر ندارد.

منبع: ملاحظه برخی صفحات - فهرست نسخ خطی کتابخانه امام عصر شیراز، ۱۰۹/۱.

۱۹- قم مقدسه؛ کتابخانه آیت الله گلپایگانی

کد دستیابی به کتاب: ۳۰/۵۰-۵۹۸۰/۲

کاتب نسخه: شمس بن سلیمان طالقانی.

تاریخ کتابت نسخه: ۱۱۱۳ق.

آغاز نسخه: افتادگی دارد؛ اصلی (اصل) السلیم ابن قیس الهلالی ... یحاسبون منهم من یغفر له ویدخله الجنة بالإقرار والتوحید ومنهم من یعذب فی النار ثم تشفع له الملائكة والأنبیاء والمؤمنون فیخرجون من النار ویدخلون الجنة ... وعن سلیم بن قیس الهلالی قال أتى لعند ابن عباس فی بیته وعنده رهط من الشیعة ...

انجام نسخه: ... جهلت ضال عما اهتدی إليه أهل الفضل والولاية لله فیک المشیة إن عذبتک فبذنبک وإن تجاوز عنک فبرحمته وأما الناصب لنا والمعادی لنا فمشرک کافر عدو لله والعارفون بحقنا

۱ شروع، حدیث ۷ (به نسبت شماره احادیث کتاب چاپی سلیم) است؛ البته، ۷ صفحه از ابتدای حدیث هفتم به نسبت متن چاپی، کسری دارد.

المؤمنون بنا مؤمنون مسلمون أولياء الله. تم کتاب سلیم بن قیس الہلالی.

مشخصات ظاہری نسخه:

خط: نسخ، افتادگی‌ها: آغاز، نشانه‌ها مشکئی، جلد: مقوا، عطف تیماج قهوه‌ای، تعداد صفحات: ۳۷ برگ (شامل دو مدل از کتاب‌های سلیم است)، ۲۳ سطر، اندازه: ۲۳*۲۸ سم.
- نسخه مجموعه است و در قسمت دوم این مجموعه، دو مدل از مدل‌های کتاب‌های سلیم پشت هم نگارش شده است. در حاشیه، مختصری تصحیح شده است.
- در صفحه آخر، فهرست نگار در پایین صفحه نوشته است: از نوع خط معلوم می‌شود، تاریخ تحریر با تاریخ کتاب قبل یکسان است.
منبع: ملاحظه نسخه عکسی - فهرست نسخ خطی کتابخانه آیت الله گلپایگانی، ۳۳۰۴/۶.

۲۰- تهران؛ کتابخانه دانشگاه تهران (نسخه ۱)

کد دستیابی به کتاب: ۵۷۵/۶

کاتب نسخه: نامشخص.

تاریخ کتابت نسخه: ۱۱۶۰ ق.

آغاز نسخه: مجموعه است و آغاز آن ارتباطی با کتاب سلیم ندارد.

آغاز نسخه سلیم: بسمله، قال حدثني ابوطالب محمد بن صبيح بن رجا بدمشق سنة اربع و ثلاثين و ثلثمائة قال اخبرني ابو عمرو وعصمة بن ابي عصمة البخاري...

انجام نسخه: (افتاده و ترمیم شده است؛ البته متن ترمیمی اضافه شده نیز ناقص است): ... فاستيقنت عند ذلك انه ساحر فذكر لك ذلك بالمدينة فاجتمع رأبي و رأيك على انه ساحر فقال عمر اما هولاء. (اواسط حدیث ۳۷ چاپی)

مشخصات ظاهری نسخه:

خط: نسخ، بخش انتهایی نسخه، خط دستنویس معمولی است.

- این نسخه مجموعه است و دارای ۶ دفتر، که ششمین آن کتاب سلیم است و به همان خط ش ۲ و صفحه شماری دیگری در ۱۶۷ ص دارد و میان ص ۱۴۳ و ۱۴۴ کم دارد. پیش از آن، گفتاری است از سید نصرالله شهید در آداب خواندن قرآن گ ۳۶-ب-۴۲، به همین خط و به تاریخ ۱۱۶۰/۱.



- در آخر افتادگی با خط معمولی (دستی عمومی، یعنی غیر هنری) نوشته شده است.
 - نسخه نویس نوشته: سند آن همان سند دوم بحار می‌باشد سند این دو نسخه ما همان است که خوانساری یاد کرده و مانند نسخه دوم تهرانی می‌باشد و نسخه‌های نوری و حائری هم چنین بوده است.

منبع: ملاحظه برخی صفحات عکسی نسخه - فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشگاه تهران ۱۴۸۳/۵ - کتاب سلیم بن قیس، تحقیق محمد باقر انصاری زنجانی، ۳۴۹/۱.

۲۱- تهران؛ کتابخانه دانشگاه تهران (نسخه ۲)

کد دستیابی به کتاب: ۲۲۰۰

کاتب نسخه: حبیب الله بن محمد علی (المتخلص بقآنی).

تاریخ کتابت نسخه: ۱۲۵۲ ق.

آغاز نسخه: بسمله، قال حدثني ابوطالب محمد بن صبيح بن رجا بدمشق سنة اربع و ثلاثين و ثلثمائة، قال اخبرني ابو عمرو عصمة بن ابي عصمة البخاري قال ...

انجام نسخه: ... ثم قال: صدقت ولكن قد رأيت رأيا أخدم بها عليا طلبى إليه الشام على المواعدة وهو الشيء الأول الذي ردني عنه (تاریخ و اسم خطاط)

نسخه از انتها، نسبت به نسخه‌های مشابه، افتادگی دارد (۴۲ سطر از آخر حدیث ۳۴ ناقص است)

مشخصات ظاهری نسخه:

خط: شکسته نستعلیق (معمولی)، جدول زر و شنگرف و مشکی، سرلوح و کناره دو صفحه آغاز به زر و رنگ های دیگر آراسته، کاغذ: فرنگی، جلد: تیماج سرخ گرد سبز، تعداد صفحات: ۴۷ برگ، ۱۷ اس ۱۶×۵/۷ سطر، اندازه: ۲۲*۱۳ سم.

- در بدرقه نسخه، یادداشتی با این عبارت آمده است: این کتاب امانت نایب الوزرا آقا میرزا حسن خان پسر مرحومه ضیاء السلطنه است.

در پاراگراف بعدی این چنین آمده: (ابتدای جمله حالت پاک شدگی دارد) کتاب سلیم بن قیس العامری ثم الهاللی الذی دفعه الی ابان و هو من الاصول المعتبرة فی الحدیث.

- نسخه حاضر تا اواسط حدیث ۳۴ (اخبار لیلۃ الہریر اشد مراحل حرب صفین) است، البتہ همین حدیث را نیز بہ نسبت حدیث ۳۴ کتاب چاپی ناقص دارد، یعنی حدود سه صفحہ از آخر ندارد.

منبع: ملاحظہ عکس نسخه - فهرست نسخ خطی کتابخانہ دانشگاه تہران، ۸۸۳/۹.

۲۲- قم مقدسہ؛ مرکز احیاء میراث اسلامی (نسخہ ۲)

کد دستیابی بہ کتاب: ۱۱۶۶.

کاتب نسخه: محمد حسن بن محمد علی موسوی^۱ (اصفہانی).

تاریخ کتابت نسخه: دوشنبہ از ماہ جمادی الاول ۱۲۶۹ق.

آغاز نسخه: بسملہ، و بہ نستعلیق، قال حدثني ابوطالب محمد بن صبح بن رجاء بدمشق سنة أربع و ثلاثين و ثلاثمائة قال أخبرني ابو عمرو ...

انجام نسخه: ... فی ایدینا فضل النبوة التي ملکنا بها العرب و استعبدنا بها العجم و السلم و الله اعلم بالصواب (تاریخ کتابت و نام کاتب).

مشخصات ظاہری نسخه:

خط: نسخ مغلوط، افتادگی ها: آغاز، جلد: تیماج قهوه‌ای، تعداد صفحات: ۹۸-پ، ۱۵ سطر، اندازه: ۱۵*۵/۱۰سم.

- مجموعه است، کتاب اول، نسخ مغلوط. کاتب: محمد حسن بن محمد علی موسوی، دوشنبہ از ماہ جمادی الاول ۱۲۶۹، روی برگ اول مهر دائری «کتابخانہ ادیبہ تبریز ۱۲۴۳» دیده می شود. کتاب دوم نسخ، احمد بن حسین بن محمد بن حسین بن عبدالکریم بن محمد جواد بن عبدالله موسوی جزائری (نوه صاحب اجازه)، شب ۲۲ ذی القعدة ۱۳۱۶.

- نسخه تصحیح شده است.

منبع: ملاحظہ عکس نسخه - فهرست نسخ عکسی مرکز احیاء میراث اسلامی، ۴۰۷/۳.

۱ کاتب شناخته نشد؛ ولی برخی نسخه‌های کتاب‌های دیگر به کتابت ایشان موجود است؛ همانند: کتاب مزار، نسخ، پنجشنبه ۱۰ ذی قعدة ۱۲۶۳ق. نیز: کتاب الصلاة از تعقیبات، نسخ، یکشنبه جمادی الاول ۱۲۶۶ق. نیز: تاریخ النبی |، نسخ، محمد حسین بن محمد علی موسوی اصفہانی، شنبہ ۹ شعبان ۱۲۶۸ق. نیز: کتاب عشرت، ۱۲۷۴ق.



۲۳- تهران؛ کتابخانه ملک

کد دستیابی به کتاب: ۷۲۹

کاتب نسخه: نامشخص.

تاریخ کتابت نسخه: اربع من عشر الثالث فی جمادی الثانی (۱۲۸۲ق)

آغاز نسخه: بسمله، حمدله، عن سلیم قال انی لعند ابن عباس فی بیته و عنده رهط من الشیعه

قال فذکر رسول الله ...

انجام نسخه: ... و ان تجاوز عنک فبرحمته و اما الناصب لنا و المعادی لنا فمشرک کافر عدو الله

و العارفون بحقنا المومنون مسلمون اولیاء الله .

قد تمت النسخة الشریفه فی یوم اربع عشر الثالث فی جمادی الثانی

مشخصات ظاهری نسخه:

خط: نسخ، کاتب: بدون کاتب، کاغذ: کاغذ فرنگی آهار مهره، جلد: میسن قهوه ای ضربی،

تعداد صفحات دو مدل کتاب سلیم: ۷۴ برگ، ۱۴ سطر، اندازه: ۱۱/۱*۷/۷سم.

- دو مدل از کتاب سلیم در یک نسخه نگارش شده است.

منبع: ملاحظه برخی از صفحات عکسی - فهرست نسخ خطی کتابخانه ملک، ۱/۴۳۰.

۲۴- تهران؛ کتابخانه دانشگاه تهران (نسخه ۳)

کد دستیابی به کتاب: ۶۸۰۸

کاتب نسخه: علی بن محمد آزادانی.

تاریخ کتابت نسخه: ۲۲ ربیع الاول ۱۲۸۲ق.

آغاز نسخه: بسمله، قال حدثنی أبو طالب محمد بن صبیح بن رجاء بدمشق سنة اربع و ثلاثین و

ثلثمائه قال أخبرنی أبو عمرو عصمة بن أبی عصمة البخاری قال ...

انجام نسخه: ... و عنه عن سلیم بن قیس قال سمعت سلمان الفارسی یقول ان علیا باب فتحه

الله من دخله کان مؤمنا و من خرج منه کان کافرا (ح ۴۷ج). (تاریخ و اسم کاتب)

مشخصات ظاهری نسخه:

خط: نسخ، نشان شنگرف، کاغذ: سمرقندی، جلد: تیماج مقوایی، تعداد صفحات: ۸۳ برگ،

۱۹ س ۱۵×۸ سطر، قطع: ربعی، اندازه: ۲۱*۱۴سم.

- در صفحه بدرقه ابتدای نسخه، حاشیه‌ای بالای صفحه آمده است: ۳۲۰۰ بیت هر یکی به بهای سی شاهی، مزد نوشتن نسخه چهار قران و هشت قمری (چهار عباسی برابر با هشتصد دینار) پول کاغذ و مرکب یک قران، روی هم پنج قران و هشت قمری، با مهر محمد تقی بن محمد باقر شریف [یزدی]. در زیر نوشته بالا، با خط مجزا و ریزتر، نوشته شده: قال علامة المجلسی طاب ثراه فی البحار کتاب سلیم بن قیس فی غایة الاشتهار و قد طعن فیہ جماعة و الحق انه من الاصول ۲. جدای از اصلاحات حاشیه‌ای خود خطاط، برخی حاشیه نویسی‌ها که مقابله با نسخ دیگر است، در متن وجود دارد، کمی نیز تصحیح شده است، احتمالاً توسط سفارش دهنده و مالک نسخه، یعنی شیخ محمد تقی بن محمد باقر شریف [یزدی].

- نسخه دو قسمت اصلی و ضمیمه است و ضمیمه شامل این احادیث هستند: احادیث ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷ به شماره‌های کتاب چاپی سلیم.

منبع: ملاحظه عکس نسخه - فهرست نسخ خطی کتابخانه دانشگاه تهران، ۳۶۵/۱۶.

۲۵- اصفهان؛ کتابخانه علامه روضاتی

کد دستیابی به کتاب: ندارد (نسخه صاحب روضات)

کاتب نسخه: محمد بن زین العابدین موسوی (خوانساری).

تاریخ کتابت نسخه: ۱۲۸۸ق.

آغاز نسخه: بسمله، قال أبو طالب محمد بن صبیح بن رجاء بدمشق سنة أربع وثلاثین وثلاثمائة قال أخبرنی أبو عمرو عصمة بن أبی عصمة البخاری قال حدثنا أبو ...

انجام نسخه: ... ویخرب جامع الكوفة وما شیده البانی بالفراة ... ویکثر الملوک و يظهر الحق الحمد لله اولاً و آخر. فرع منه العبد م ح م د زین العابدین الموسوی فی ۱۱ جمیدی الأولى ۱۲۸۸.

مشخصات ظاهری نسخه:

خط نسخ، قطع رقعی (اندازه ۱۷/۵*۱۱ سم)، سطرها مختلف، ۱۱۰ ورقه (ص ۱ تا ۱۰۶ کتاب سلیم است).

- علامه محمد علی روضاتی در رساله «الدرر و اللالی فی ترجمة سلیم بن قیس الیهلالی» نوشته است که این نسخه از روی نسخه محدث نوری (کتابت ۱۲۷۰ق) استنساخ شده است. در برگ اول،



نقش مهری است با این عبارت «الراجی جلال الدین بن محمد مسیح الموسوی» و او نوه صاحب روضات است. در پشت همین برگه، سؤال و جواب سید مهنا بن سنان از علامه حلی، پیرامون سلیم و کتاب او درج شده است. در برگ دوم، مطالبی از کتاب مختصر البصائر پیرامون کتاب سلیم درج شده، و اشاره شده که از نسخه ابو محمد رمانی سنه ۶۰۹ ق نسخه نویسی شده است.

منبع: ملاحظه عکس اول و آخر نسخه - مقاله «۳۱ نکته در باب سلیم بن قیس هلالی و کتاب او» - کتاب سلیم بن قیس، تحقیق محمد باقر انصاری زنجانی، ۳۴۳/۱.

۲۶- نجف اشرف؛ مؤسسه کاشف الغطاء العامة (نسخه ۲)

کد دستیابی به کتاب: ۴۳۷۸

کاتب نسخه: نامشخص.

تاریخ کتابت نسخه: احتمالاً قرن ۱۳.

آغاز نسخه: بسمله، قال حدثنی ابوطالب محمد بن صبح بن رجا بدمشق سنة اربع وثلثین وثلثمائة قال اخبرنی ابوعمرو عصمة بن (ابی) عصمة البخاری قال حدثنا ابوبکر احمد بن المنذر بن ...
انجام نسخه: ... و اذا هلك ملك الترك وتميد (لسبان الشام و) يكثر الملوک و يظهر الحق (الحمد لله اولاً و آخراً و) صلى الله على على من لانبى ... آله و سلم تسليماً كثيراً ... (افتادگی دارد و قابل خواندن نیست)

مشخصات ظاهری نسخه:

خط: نسخ خوش، تعداد صفحات: حدود ۱۶۸ صفحه، تعداد سطرها: غالباً ۱۶ سطر.

- نسخه آسیب فراوان دیده، به طوری که برخی از صفحات بخش‌هایی افتادگی یا از بین رفتگی جزئی و کلی دارد.

- در داستان آغازین، جمله: «قال عمر بن اذينة ثم دفع الى ابان كتب سلیم» با خط نونویس مجزا و غیر هنری، به متن اضافه شده است.

- حداقل دو صفحه از نسخه، خطش با بقیه خط نسخه متفاوت است.

- دو سه مورد اندک حاشیه نویسی با خط مجزا و نونویس دارد.

منبع: ملاحظه عکس نسخه - فهرست مکتبه کاشف الغطاء العامة، ۳۳۵/۱.



۲۷- اصفهان؛ کتابخانه ضیاء الدین علامه فانی

کد دستیابی به کتاب: ۲۹/۱.

کاتب نسخه: محمد بن محمد رفیع الموتی شورستانی.

تاریخ کتابت نسخه: تاریخ ندارد؛ احتمالاً قرن ۱۳.

آغاز نسخه (مدل اول سلیم): (افتادگی دارد) یحاسبون، منهم من یغفر له ویدخله الجنة بالإقرار والتوحيد ومنهم من یعذب فی النار ثم یشفع له الملائكة والأنبياء والمؤمنون فیخرجون من النار ویدخلون الجنة ...

انجام نسخه (مدل دوم سلیم): ... فإن عرفك الله الأئمة منا الأوصياء العلماء الفقهاء فعرفتهم وأقررت لهم بالطاعة وأطعتهم فأنت مؤمن بالله وأنت من أهل الجنة فهم الذين يدخلون الجنة بغير حساب وإن وحدت الله وشهدت أن محمدا رسول الله وأخذت بما ليس بين جميع أهل القبلة فيه اختلاف مما قد (ناتمام؛ حدیث ۷۰ چاپی)

مشخصات ظاهری نسخه:

خط: نسخ، عناوین به شنگرف، از انجام افتاده، جلد: مقوایی، صفحات: «۱پ-۷۲ر»، سطور مختلف.

- مجموعه است و کتاب اول آن کتاب سلیم است.

- نسخه شامل دو مدل از کتاب‌های منسوب به سلیم است.

- در برخی مواقع، قسمت‌های کمی سفید گذاشته شده است.

- چند مورد اندک حاشیه نویسی با خط معجزا دارد؛ به عنوان نمونه، احادیثی از کلینی در حاشیه نقل شده است.

منبع: ملاحظه عکس نسخه - فهرست سه کتابخانه اصفهان، ۱۰۹ - معرفی میراث منخطوط،

۱۰۹/۵۱.

۲۸- تهران؛ کتابخانه دانشگاه تهران (نسخه ۴)

کد دستیابی به کتاب: ۶۶۹

کاتب نسخه: نامشخص (نسخه توسط بیش از ده نفر نگارش شده است)





تاریخ کتابت نسخه: احتمالاً قرن ۱۳ (و حتماً قبل از قرن ۱۲ نیست)

آغاز نسخه: (نسخه چند خطه است و آغاز هر خط متفاوت است) بسمله، قال حدثني ابوطالب محمد بن صبيح بن رجا بدمشق سنة اربع و ثلاثين و ثلثمائة، قال اخبرني ابو عمرو عصمة بن ابي عصمة البخاري قال ...

انجام ضمیمه نسخه: ... و عنه عن سليم بن قيس قال، سمعت سلمان الفارسي يقول ان عليا باب فتحه الله من دخله كان مؤمنا و من خرج منه كان كافرا (ح ۴۷ ج).

مشخصات ظاهری نسخه:

خط: چند خطه، ابتدای نسخه: نسخ تازه (که در میانه تغییر کرده) و انتهای نسخه: نستعلیق، گ ۵۲ ب ۵۵ الف، کاغذ: فرنگی، جلد: مقوا، تعداد صفحات: ۵۵ برگ، ۱۵ سطر، اندازه: ۱۷/۵*۲۲ سم.
 - نسخه بسیار مشوش، ناقص و توسط عده‌ای از افراد نگارش و بازسازی شده است، بنابر این چند خطه است و انجام هر بخش با هم متفاوت است و نمی‌توان همه آنها را معرفی نمود.
 - نسخه دو قسمت اصلی و ضمیمه (۵ حدیث اضافه) دارد، پنج حدیث ضمیمه عبارت اند از: احادیث ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷ به شماره‌های کتاب چاپی سلیم.

منبع: ملاحظه عکس نسخه - فهرست نسخ خطی کتابخانه دانشگاه تهران، ۱۴۸۶/۵.

۲۹- نامشخص؛ نسخه السيد المستنبط

کد دستیابی به کتاب: ؟

کاتب نسخه: نامشخص.

تاریخ کتابت نسخه: احتمالاً قرن ۱۳.

آغاز نسخه: (افتادگی دارد) ... منهم من يغفر له ويدخله الجنة بالإقرار والتوحيد ومنهم من يعذب في النار ثم يشفع له الملائكة والأنبياء والمؤمنون فيخرجون من النار ...

انجام نسخه: ... و اما الناصب انا و المعادي لنا فمشرك كافر عدو لله و العارفون بحقنا المؤمنون بنا مؤمنون مسلمون اولياء الله. (تمام)

خط: نسخ، نسخه شامل دو مدل از کتاب‌های منسوب به سلیم است که مدل اول آن در عنوان قبلی معرفی شد.

- این مدل نسخه (نوع ج؛ منسوب به ابو محمد رمانی) از کتاب سلیم، یکی از مدل های کتاب های منسوب به سلیم بن قیس است که جدای از کاستی های فراوان احادیث، حدود ۱۴ حدیث (جدای از احادیث مدل دوم که به دنبال مدل اول در نسخه کتابت شده است) اضافه از چند مدل دیگر (۴۰، ۴۱، ۴۸ حدیثی) دارد.

- در صفحه میانی، ما بین مدل اول و دوم کتاب سلیم، به خط محمد حسین جلالی نوشته شده: «بسمه تعالی هذه صورة الصفحة الاخرة من النسخة الاول من كتاب سلیم وقد صورتها من ملكية السيد احمد المستنيط في النجف الاشرف واما النسخة الثانية ففي كانت اصول من الاول ولم ... محمد حسین جلالی»، در طرف دیگر صفحه، مهر «محمد حسین الحسینی الجلالی» به چشم می خورد.

منبع: ملاحظه عکسی برخی از صفحات نسخه.

۳۰- کاظمین؛ مکتبة آیت الله السید حسن الصدر

کد دستیابی به کتاب: ندارد.

کاتب نسخه: نامشخص.

تاریخ کتابت نسخه: احتمالاً اواخر قرن ۱۳.

محل کتابت: عراق.

نسخه خطی، شامل دو مدل از کتاب های سلیم می باشد:

آغاز نسخه: (افتادگی دارد) ما قال ذلك الرجل ما قال وغضب رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ورفع الكتف ألا نسئل رسول الله صلى الله عليه وآله عن الذي كان أراد أن يكتب في الكتف مما لو كتبه لم يضل أحد ولم يختلف فيه اثنان ...

انجام نسخه: (افتادگی دارد) ... لقد سألت يا أبا بنی هلال فافهم إذا أتيت بولايتنا أهل البيت في الجملة وبرئت من عدونا اهل البيت في الجملة ... فعرفتهم وأقررت لهم بالطاعة وأطعتهم فأنت مؤمن بالله وأنت من أهل (ادامه را ندارد)



مشخصات ظاهری نسخه:

خط: نسخ، نسخه دو رنگ است و برخی عناوین و کلمات مشخص، با رنگ قرمز نوشته شده است، تعداد صفحات: ۱۸۴ صفحه، یعنی ۹۳ برگ (از ۹۳ برگ دو مدل کتاب سلیم)، ۱۴ سطر، اندازه: تقریباً ۱۵*۷ سم.

- در انتهای نیم صفحه از حدیث آخر (حدیث ۷۰ چاپی) افتادگی دارد.
 - در برخی مواقع، افتادگی‌ها توسط خود خطاط، در حاشیه اضافه شده است.
 - در دو سه صفحه، یادداشت کوتاهی با خط مجزا، به عنوان یادآوری ذکر شده است.
 - نسخه رطوبت دیده و در برخی صفحات ابتدا و انتها، آسیب شدید خورده است.
- منبع: ملاحظه عکس نسخه.

۳۱- نجف اشرف؛ مؤسسه کاشف الغطاء العامة (نسخه ۱)

کد دستیابی به کتاب: ۳۰۰۶

کاتب نسخه: حسون بن احمد بن حسین البراقی النجفی.

تاریخ کتابت نسخه: ۱۲۹۸ ق.

محل کتابت: نامشخص؛ احتمالاً نجف الاشرف.

آغاز نسخه: ^۱ (وجدت نسخة اخرى تعزى الى سليم رحمة الله عليه) بسمله، قال سليم و كنا جلوساً حول اميرالمومنين على بن ابى طالب صلوات الله عليه و عنده جماعة من اصحابه فقال له ...
انجام نسخه: ... وقع الفراغ من هذه النسخة الشريفة على يد اقل الناس ... حسون بن سيد احمد بن السيد حسين ابن السيد اسماعيل بن السيد زيني قدس سره الحسينى البراقى النجفى اصلاً و مولداً و مسكناً و مدفناً ان شاء الله يوم السبت عند الغروب لليلتين بقيتا من شهر صفر المظفر سنة الالف و المائتين و ثمانية و تسعين من الهجرة ... روى عن الصادق × انه قال من لم يكن عنده من شيعةنا و محبينا كتاب سليم بن قيس الهلالي فليس عنده من امرنا شىء و لا يعلم من اسبانا شيئاً و هو ابجد الشيعة و هو سرّ من اسرار آل محمد عليهم السلام.

۱ این نسخه بر عکس نسخه‌های مشابه، مدل اول در قسمت دوم و مدل دوم در قسمت اول قرار گرفته است.

مشخصات ظاهری نسخه:

خط: نسخ دستنویس عادی، تعداد صفحات: ۷۰ صفحه.

- نسخه شامل دو مدل از کتاب‌های منسوب به سلیم است. البته این نسخه بر عکس نسخه‌های مشابه، مدل اول در قسمت دوم و مدل دوم در قسمت اول قرار گرفته است.

منبع: ملاحظه عکس نسخه - دلیل المخطوطات، ۳۳۵/۱.

۳۲- تهران؛ کتابخانه مجلس شورای اسلامی (نسخه ۳)

کد دستیابی به کتاب: ۶۵۲ / ۲ س

کاتب نسخه: ابو محمد الحسن بن علی السجاد الکربلائی الحائری.

تاریخ کتابت نسخه: روز شنبه ۵ ذح ۱۳۰۶ ق.

محل کتابت: کربلا.

آغاز نسخه: بسمله، قال حدثني أبو طالب محمد بن صبيح بن رجا بدمشق سنة اربع و ثلثين و ثلثمائه، قال أخبرني أبو عمرو عصمة بن أبي عصمة البخاري، قال حدثنا أبو بكر أحمد بن المنذر ...
انجام نسخه: ... [حدیث ۴۷ چاپ] وعنه عن سلیم بن قیس، قال سمعت سلمان الفارسی يقول إن عليا باب فتحه الله من دخله كان مؤمنا ومن خرج منه كان كافرا. (تاریخ و اسم کاتب)

مشخصات ظاهری نسخه:

عنوان شنگرف، کاغذ: سفید، جلد: تیماج آلبالونی ضربی و مقوایی با ترنج و سرترنج، تعداد

صفحات ۱۴۱۱ از مجموع ۲۳۵ صفحه نسخه.

- نسخه در برخی قسمت‌ها با خط متفاوت است که به نظر بیاض بوده و نونویسی شده است، برخی محدود به تفاوت‌های نسخ اشاره شده است و به نظر می‌رسد که غلطگیری جزئی نیز شده باشد، حواشی به صورت عنوان و فهرست مطالب در نسخه به چشم می‌خورد.

- سه مهر کتابخانه سید ابو جعفر تعلقه دار سرپور سنه ۱۳۱۳ ق دارد.

- نسخه دو قسمت اصلی و ضمیمه (۵ حدیث اضافه) دارد: احادیث ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷ به

شماره‌های کتاب چاپی سلیم.

منبع: ملاحظه نسخه عکسی - فهرست نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۳۴۸/۱.



۳۳- تهران؛ کتابخانه مجلس شورای اسلامی (نسخه ۴)

کد دستیابی به کتاب: ۷۶۹۹

کاتب نسخه: محمد کاظم خوئینی زنجانی.

تاریخ کتابت نسخه: ۵ جمادی الاولی ۱۳۱۰ ق.

محل کتابت: احتمالاً زنجان.

آغاز نسخه: قال حدثني أبو طالب محمد بن صبح بن رجاء بدمشق سنة أربع و ثلاثين و ثلاثمائة
قال اخبرني ابو عمرو عصمة البخاري قال حدثنا ابو بكر احمد بن المنذر بن احمد الصنعاني بصنعاء

...

انجام نسخه: ... حکمران ایالت فخریه زنجان المتخلص بعبدی ابن النواب الاشرف الاعظم
معمد الدولة الحاج فرهاد میرزا ابن الملك الاعظم و السلطان المفخم وليعهد عباس میرزا نایب
السلطنة بهادر خان طاب ثراهما این کتاب مستطاب بتحریر و اتمام رسید فی شهر جمادی الاولی
سنة ۱۳۱۰.

مشخصات ظاهری نسخه:

خط: نسخ زیبا، جلد: تیماج مشکى مجدول، تعداد صفحات: ۷۸ برگ، ۱۴ سطر، اندازه:

۱۷/۵*۲۴ سم.

- حسب الامر عبدالعلی میرزا حکمران زنجان، متخلص به عبدی و ملقب به ظهور علی

نعمت اللهی، فرزند نواب معتمدالدوله فرهاد میرزا، نوشته شده است.

- ابتدای نسخه کتاب، یک نقش «علی» و متن نامربوط با کتاب در صفحه بدرقه اول، با دستخط

معمولی نوشته شده است.

منبع: ملاحظه عکس نسخه - فهرست نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۹۲/۲۶.

[ثبت ۲۲۴۳۱].

۳۴- زنجان؛ کتابخانه حسینی (مسجد سید)

کد دستیابی به کتاب: ۴۳/۱

کاتب نسخه: نامشخص.

تاریخ کتابت نسخه: ۱۳۱۷ق.

آغاز نسخه: بسمله، قال صاحب کتاب روضات الجنات ان سلیم بن قیس الهلالی العامری الکوفی صاحب امیر المؤمنین علیه السلام و مصنف کتاب المشهور و الذی ینقل منه ... قال مجلسی علیه الرحمه ما وجدناه فی مفتتح کتاب سلیم بن قیس و هو هذا اخبرنی رئیس العفیف ابوالنقیب هبة الله ابن نما ابن علی ابن همدان رضی الله عنه ...

انجام نسخه: ... الهی لاتعذبنی فانی + مقر بالذی قد کان منی / و ما لی حيلة الا رجائی + بعفک ان عفوت و حسن ظنی.

مشخصات ظاهری نسخه:

خط: نستعلیق، ۱۶ سطر، اندازه: ۲۱*۱۷سم.

منبع: فهرست نسخ خطی کتابخانه مسجد سید زنجان، ۱۱.

۳۵- تهران؛ دانشکده حقوق دانشگاه تهران (نسخه ۲)

کد دستیابی به کتاب: ۱۷۸/۲، ج حقوق.

کاتب نسخه: نامشخص.

تاریخ کتابت نسخه: تاریخ ندارد؛ پس از ۱۳۲۰ق.

آغاز نسخه سلیم: دو صفحه پر، با خط مجزا از خط کتاب سلیم (نونویس) پیرامون کتاب سلیم مطالبی ذکر شده؛ و عنوان مطلب (با رنگ سرخ) این است: «فائدة أودی بها حق هذا الكتاب المستطاب» سپس از نظر ابن غضائری شروع کرده ...

انجام نسخه: ... وعنه عن سلیم بن قیس قال: سمعت [خط خوردگی] سلمان الفارسی يقول إن علیا باب فتحه الله من دخله کان مؤمنا ومن خرج منه کان کافرا. (ح ۴۷ چ).

مشخصات ظاهری نسخه:

خط: نسخ، با نشانهای شنگرف، تعداد صفحات: گ ۶۹ پ ۱۳۱، مختلف السطر (۲۲ و ۲۳).

- مجموعه است، کتاب سلیم، شماره دوم دفتر است و در دو صفحه درباره اعتبار و سند این کتاب بحث شده است.

- در حاشیه آغاز نسخه آمده که از روی نسخه حاج میرزا حسین نوری نسخه برداری شده است.



- همچنین در ادامه حاشیه، یک نوع سند روایت کتاب‌های منسوب به سلیم، از دیباچه بحار مجلسی (فصل ۵) نوشته است. (برای ملاحظه سند روایت، به بخش‌های قبل، یعنی نسخه سلیم در بحار الانوار مراجعه نمایید).

- نسخه دو قسمت اصلی و ضمیمه (۵ حدیث اضافه) دارد که در انجام قسمت اصلی آمده است: احادیث ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷ به شماره‌های کتاب چاپی سلیم.
 منبع: ملاحظه عکس نسخه - فهرست نسخ خطی کتابخانه حقوق تهران، ۴۲۰/.

۳۶- نجف اشرف؛ مکتبه آیت الله الحکیم العامة (نسخه ۲)

کد دستیابی به کتاب: ۴۴۴

کاتب نسخه: عبدالرزاق السماوی.

تاریخ کتابت نسخه: جمادی الثانی ۱۳۳۵ق.

محل کتابت: نجف.

آغاز نسخه: بسمله، قال حدثني ابوطالب محمد بن صبيح بن رجا بدمشق سنة اربع و ثلاثين و ثلثمائة، قال اخبرني ابو عمرو عصمة بن ابي عصمة البخاري، قال حدثنا ...

انجام نسخه: ... تم کتاب سلیم المنقول علی نسخه المجلسی بالزیاده التي ذکرناها بقلم اقل العباد عبدالرزاق بن الشيخ محمد بن الشيخ طاهر السماوی فی النجف لسبع بقین من جمادی الثانية سنه الف و ثلث مائة و خمس و ثلثین هجرية حامداً مصلياً مسلماً بلغ قبالا بحسب الجهد و الطاقه.
 مشخصات ظاهری نسخه:

خط نسخ معمولی، تعداد صفحات: ۵۸ صفحه، ۲۳ سطر، اندازه: ۲۱*۷ سم (در سایت کتابخانه حکیم، این گونه اندازه دهی شده است: ۲۱/۴ * ۱۳/۷).

- در انتهای نسخه تصریح شده است: ... اتم کتاب سلیم المنقول علی نسخه المجلسی بالزیاده التي ذکرناها ... بنابر این شبیه نسخه‌های ضمیمه‌ای قبل است که در آنها، نسخه دو قسمت اصلی و ضمیمه (۵ حدیث اضافه) دارد که در انجام قسمت اصلی آمده است، این پنج حدیث عبارت اند از: احادیث ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷ به شماره‌های کتاب چاپی سلیم.

منبع: ملاحظه برخی صفحات عکسی نسخه - معجم المخطوطات النجفیه، ۷۰۰.

۳۷- مشهد مقدس؛ کتابخانه عمومی مدرسه آیت الله خوئی

کد دستیابی به کتاب: ۸۷/۱

کاتب نسخه: نامشخص.

تاریخ کتابت نسخه: ۱۳۳۷ ق.

آغاز نسخه: بسمله، و به نستعین قال حدثنی ابوطالب محمد ابن صبیح ابن رجا بدمشق سنه اربع و ثلثین و ثلثمائة ...

انجام نسخه: ... و عنه عن سلیم بن قیس قال سمعت سلمان الفارسی یقول ان علیا باب فتحه الله من دخله کان مؤمنا و من خرج منه کان کافرا (ح ۴۷ چ).

مشخصات ظاهری نسخه:

خط: نسخ، جلد: تیماج مشکى، تعداد صفحات مجموعه: ۲۰۹ برگ، (کتاب سلیم، ص ۲ ۷۳) ۱۸ سطر، اندازه: ۱۶*۲۱ سم.

ویژگی های نسخه:

- کاتب نسخه برای بار اول خود به تنهایی مقابله کرده و بار دوم به کاظم طباطبایی تبریزی مقابله نموده و بخط طباطبایی تاریخ اتمام این مقابله هفدهم ربیع الثانی ۱۳۳۷ ثبت شده است.

- نسخه دو قسمت اصلی و ضمیمه (۵ حدیث اضافه) دارد، که در انجام قسمت اصلی آمده است؛ این احادیث عبارت اند از: احادیث ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷ به شماره های کتاب چاپی سلیم.

- نسخه نویس در برخی جاها، خطوطی را سفید گذارده شده است؛ همانند نسخه های قبلی مشابه.

منبع: ملاحظه عکس نسخه - فهرست نسخ خطی کتابخانه مدرسه آیت الله خوئی، ۵۶/.

۳۸- نجف اشرف؛ کتابخانه امیرالمؤمنین × (نسخه ۱)

کد دستیابی به کتاب: ۴۹۷/۴/۴

کاتب نسخه: عبدالحسین الامینی^۱ (علامه امینی)

۱ عبدالحسین امینی تبریزی (۱۲۸۱-۱۳۴۹ ش) معروف به علامه امینی، نویسنده کتاب الغدیر، فقیه، محدث، متکلم، مورخ، نسخه شناس و از علمای شیعه در قرن ۱۴ ق. او علاوه بر نگارش آثار علمی، به استتساخ برخی از



تاریخ کتابت نسخه: ۱۳۴۰ق.

محل کتابت: نجف اشرف.

منبع: فهرستواره نسخه‌های خطی کتابخانه امیرالمؤمنین × نجف اشرف، کتابخانه مرعشی،
قم، ۱۳۸۹ش.

۳۹- نجف اشرف؛ کتابخانه امیرالمؤمنین × (نسخه ۲)

کد دستیابی به کتاب: ۱۰۳/۳/۲.

کاتب نسخه: شیر محمد الهمدانی.

تاریخ کتابت نسخه: ۱۳۴۶ق.

محل کتابت: نجف اشرف.

آغاز نسخه: بسمله، قال أبوطالب محمد بن صبيح بن رجاء بدمشق سنة أربع وثلاثين وثلاثمائة
قال أخبرني أبو عمرو عصمة بن أبي عصمة البخاري قال حدثنا أبو ...

انجام نسخه: ... ويخرب جامع الكوفة وما شيده الباني بالفرارة وإذا هلك ملك الترك ... ويكثر
الملوك و يظهر الحق، الحمد لله اولاً و آخر و صلى الله على محمد و آله اجمعين.

مشخصات ظاهری نسخه:

- مجموعه است، شامل ۹ کتاب، که کتاب اول، کتاب سلیم است.

- نسخه سلیم این مجموعه، از روی نسخه سید محمد موسوی خوانساری استنساخ شده است.

منبع: کتاب سلیم بن قیس، تحقیق محمد باقر انصاری زنجانی، ۳۵۳/۱.

۴۰- مشهد مقدس؛ آستان قدس رضوی (نسخه ۴)

کد دستیابی به کتاب: ۸۱۳۰

کاتب نسخه: محمد حسین بن زین العابدین ارموی.

کتاب حدیثی شیعه همت گمارد و کتابخانه امیرالمؤمنین × را در نجف تاسیس کرد.
۱ یک) اصل سلیم بن قیس الهلالی. (دو الأربعین عن الأربعین. سه) کتاب الزهد للحسین بن سعید. چهار) رساله
فی تزویج امیر المؤمنین × (پنج) کتاب سلام بن ابی عمره (عمیره). شش) کتاب من نوادر علی بن اسباط.
هفت) رساله فی نسب عبدالعظیم. هشت) مختصر اصل علاء بن رزین. نه) مقتضب الأثر. (به نقل از کتاب سلیم
بن قیس، تحقیق محمد باقر انصاری زنجانی ۳۵۴/۱).



تاريخ كتابت نسخه: ١٢ رمضان ١٣٤٦ق.

محل كتابت: نجف اشرف.

آغاز نسخه: بسمله، رايت بخط بعض الافاضل ما هذا لفظه: السند المذكور في اول كتاب سليم في نسخه صاحب الوسائل هذا، اخبرني الرئيس العفيف ابوالتقي هبة الله ابن ...
آغاز متن اصلي نسخه: هذا كتاب سليم ابن قيس الهلالي بسمله، و به نستعين قال حدثني ابوطالب محمد ابن صبيح ابن رجا بدمشق سنة اربع و ثلثين و ثلثمائة ...
انجام نسخه: ... لا في الروايات الصحيحة المسلمة و الحمد لله رب العالمين تم كلام النعماني في كتابه في الغيبة في هذا المقام رفع مقامه و لقد فرغت من تنسيخ هذه النسخة المنيفة (تاريخ كتابت) اثني عشر خلون من شهر الله الأصم شهر الصيام من شهور سنين ست و أربعين و ثلاثمائة بعد الألف من الهجرة النبويه و أنا أقل الطلاب محمد حسين بن زين العابدين الأروميّه.
و در انتهای نسخه (برگ ٥٧) آمده است: ... و هو كتاب سليم بن قيس الهلالي المشهور رواه عنه ابان بن ابي عياش لم يروه عنه غيره الى ان قال و اول كتاب ظهر للشيعه كتاب سليم بن قيس الهلالي و رواه عنه ابان بن ابي عياش لم يروه غيره انتهى.

مشخصات ظاهري نسخه:

خط: نسخ، كاغذ: نخودی، جلد: تیماج عنابی، مجموعه است تعداد صفحات كتاب سليم: ٥٧ برگ، ٢٣ سطر، اندازه: ١٦/٨*٢٥سم.

منبع: ملاحظه برخی صفحات عكسی - فهرست نسخ خطی آستان قدس، ٢٧٦/١٤.

٤١- نجف اشرف؛ مكتبة الامام الخوئی (نسخة ٢)

كد دستیابی به كتاب: ٢٩٩/١

کاتب نسخه: السيد عبدالرزاق بن محمد بن عباس الموسوی المقرم.

تاريخ كتابت نسخه: ليلة الاربعاء ١٧ شوال ١٣٥٣ق.

محل كتابت: احتمالاً نجف اشرف.

آغاز نسخه: اخبرني الرئيس العفيف ابوالبقاء هبة الله بن نما بن علي بن حمدون رضي الله عنه،

قراءة عليه بداره بحلة الجامعين في جمادى الاولى سنة خمس وستين و خمسمائة ...



انجام نسخه: ... كذبتهم و رب الكعبة ما كنتم تصلون الى قتله، حتى تخوف الناس ان تقع فتنة عظيمة. تم كتاب سليم بن قيس.

مشخصات ظاهري نسخه:

خط: نسخ، جلد: كارتن، تعداد صفحات: ۱۵۰ برگ، (پ-۱۵۰ ر)، ۱۹ سطر، اندازه: ۲۰*۱۲ سم. ویژگی های نسخه :

- مجموعه است، اولین بخش کتاب سليم است.

- العناوين في الحاشية كتبت بالمداد الاحمر، فهرس ناسخ الكتاب في ثلاث ورقات وضعت في وسط الكتاب، ذكر ناسخها انها استنسخت على نسخة صاحب الوسائل محمد بن الحسن الحر العاملي (۱۱۰۴هـ)، وكان على ظهرها هذه صورته: «دخل في ملك العبد الفقير محمد بن الحسن الحر العاملي سنة ۱۰۸۷هـ» ثم انتقلت الى الشيخ محمد بن طاهر الساوي (ت ۱۳۷۰هـ) وكان من المتبعين، جماعاً لكتب كثيرة نسخها بيده.

و على ظهر النسخة ايضاً ما لفظه؛ ثم ذكر الناسخ عبارة ابن النديم المذكورة في فهرسته و عبارة العلامة المجلسي المذكورة في بحاره بصدد الكتاب و شهرته.

منبع: فهرس المخطوطات في مكتبة الامام الخوئي، ۱/ ۴۶۰.

۴۲- نجف اشرف؛ كتابخانه امير المؤمنين × (نسخه ۳)

كد دستيابي به كتاب: ۱۰۴/۲/۳.

كاتب نسخه: شير محمد الهمداني.

تاريخ كتابت نسخه: ۱۳۵۳ق.

محل كتابت: نجف اشرف.

آغاز نسخه: بسمله، أخبرني الرئيس العفيف أبوالتقى هبة الله بن نما ... قرأه عليه بحلة الجامعين

في جميدى الأولى سنة خمس و ستين وخمسماية، قال حدثني ...

انجام نسخه: ... ثم تريدون اليوم أن تقتلوا اخاه و ابن عمه و وصيّه و أباً ولده كذبتهم و رب الكعبة

ما كنتم تعلمون الى قتله حتى تخوف الناس أن تقع عظيمة ...

مشخصات ظاهری نسخه:

- نسخه مجموعه است و کتاب ششم، کتاب سلیم است.
- سید محمد حسین جلالی، در فهرست استنساخات شیر محمد همدانی گفته است: «نسخ
الشیخ شیر محمد الهمدانی فی شعبان سنة ۱۳۵۳ عن نسخة تاریخها ۱۰۸۷ و قد تملکها الشیخ
محمد الحر صاحب الوسائل، و هی مملوكة الشیخ محمد السماوی».
- آقای محمد باقر انصاری زنجانی نوشته است: و سندرک هناک أن الطبعة النجفیه لکتاب سلیم،
طبعت علی نسخة الشیخ الهمدانی المذكور الذی کان له اهتماماً بالغاً فی احیاء المخطوطات و
الاستنساخ علیها.

منبع: کتاب سلیم بن قیس، تحقیق محمد باقر انصاری زنجانی، ۱/۳۳۷.

۴۳- نجف اشرف؛ مؤسسه کاشف الغطاء العامة (نسخه ۳)

کد دستیابی به کتاب: ۱۶۹۵

کاتب نسخه: هادی الطباطبائی (هادی بن عباس بن محمد طباطبائی اصفهانی).

تاریخ کتابت نسخه: ۱۳۵۴ ق.

آغاز نسخه: کتاب سلیم بن قیس الهلالی رحمه الله تعالی بسمله، قال حدثنا ابوطالب محمد
بن صبیح بن رجا بدمشق سنة اربع ...

انجام ضمیمه نسخه: ... و عنه عن سلیم بن قیس قال سمعت سلمان الفارسی يقول ان علیا باب
فتحه الله من دخله کان مؤمنا و من خرج منه کان کافرا (ح ۴۷ ج).

مشخصات ظاهری نسخه:

خط: نسخ تحریری، تعداد صفحات: ۲۵۸ صفحه، تعداد سطر ۱۳ .

- در صفحه بدرقه اول کتاب، نوشته شده: ... باسم المرحوم الحجة الشیخ محمد رضا فرجی ...
الی مکتبة الامام الحسن × فی النجف الاشرف ... رعاية شیخنا الجلیل الشیخ باقر القرشی حفظه
... فی نجل المرحوم الشیخ احمد الشیخ محمد رضا فرج الله ۲۹ محرم الحرام ۱۴۱۹ ق.
- حاشیه نویسی دارد، برخی مربوط به تفاوت نسخه ها است.

- نسخه دو قسمت اصلی و ضمیمه (۵ حدیث اضافه) دارد، این احادیث عبارت اند از: احادیث



۴۳ ، ۴۴ ، ۴۵ ، ۴۶ ، ۴۷ به شماره‌های کتاب چاپی سلیم.
منبع: ملاحظه عکس نسخه - دلیل المخطوطات، ۳۳۵/۱.

۴۴- مشهد مقدس؛ آستان قدس رضوی (نسخه ۵)

کد دستیابی به کتاب: ۲۰۳۵

کاتب نسخه: محمد تقی.

تاریخ کتابت نسخه: قبل از بهمن ۱۳۱۶ (اگر تاریخ شمسی باشد؛ ۱۳۵۶ ق می‌شود)

محل کتابت: یمن، بندر المخا.

آغاز نسخه: بسمله، قال حدثنی ابوطالب محمد بن صبیح بن رجاء بدمشق سنة اربع و ثلثین و

ثلثمائة قال اخبرنی ابو عمر و عصمة بن ابی عصمة البخاری قال حدثنا ابوبکر ...

انجام نسخه: ... و یظهرنا و بالحجاز و یخرب جامع الکوفة و ما شیده الثانی بالفرات ... کتبت

هذه النسخة فی بندر المخا بعد رجوعی من بیت الله الحرام فی المرتبة الثانية مع سقمها لكثرة شوقی

لما رأیت فیها من حقبة مذهبننا العبد العاصی محمد تقی.

مشخصات ظاهری نسخه:

خط: نستعلیق، کاغذ: شکری فرنگی، جلد: میسن دارچینی، تعداد صفحات: ۱۰۸ برگ، ۱۵

سطر، اندازه: ۱۵*۱۰سم.

- واقف: قائم مقام، تاریخ وقف: بهمن ۱۳۱۶ .

منبع: عکس برخی صفحات نسخه - فهرست قدیم کتابخانه آستان قدس رضوی، ۲۵۳/۵ -

کتاب سلیم بن قیس، تحقیق محمد باقر انصاری زنجانی، ۳۴۷/۱.

۴۵- کربلاء معلی؛ عتبة عباسیه

کد دستیابی به کتاب: ۳۶۰/۱

کاتب نسخه: عبدالله التفرشی الطالبی (الطالشی) (به درخواست شیرمحمد همدانی).

تاریخ کتابت نسخه: ۱۳۵۸ ق (۱۲۰۷ق).

محل کتابت: نجف اشرف.

آغاز نسخه: بسمله، قال حدثني ابوطالب محمد بن رجا بدمشق سنة اربع و ثلثين و ثلثمائة قال
اخبرني ابو عمرو عصمة البخارى قال حدثنا ابو بكر احمد ...

انجام ضميمه اول به كتاب سليم: ... و عنه عن سليم بن قيس قال سمعت سلمان الفارسي
يقول ان عليا باب فتحه الله من دخله كان مؤمنا و من خرج منه كان كافرا. تم الكتاب على يد احقر
عباد الله محمد الخونساري في شهر رجب من شهر سنة ١٢٠٧ق

انجام ضميمه دوم به نسخه سليم: (٥ صفحه ضمائم شير محمد در انتهای نسخه سليم
نگارش شده است) ... فقال صدق سليم ن (يقول شير محمد ثم ذكر الوصية الى قوله مكان ضربة
ولاتا ثم فقال) ثم ذكر الوصية الى اخرها فلما فرغ من وصيته قال حفظكم الله و حفظ فيكم نبيكم الخ
مشخصات ظاهري نسخه:

خط: نسخ، تعداد صفحات: (مجموعه ٢٤٨ برگ) كتاب سليم: ٥١ ورقه، (١-٥١) بعلاوه ٣ برگ
(٥ صفحه) ضمائم شير محمد در انتهای كتاب سليم، ٢١ سطر، اندازه: ١٧*٢١سم.
منبع: ملاحظه عكس نسخه - فهرس المخطوطات كتابخانه العتبة العباسية، ٤٠/١.

٤٦- نجف اشرف؛ مكتبة السيد محمد صادق بحر العلوم

كد دستيابی به كتاب: ٨٨/١

كاتب نسخه: السيد محمد صادق بحر العلوم.

تاريخ كتابت نسخه: رمضان ١٣٥٩ق.

محل كتابت: احتمال قوي، نجف اشرف.

آغاز نسخه: (فهرست كتاب سليم بن قيس الهلالي) ١ اسناد رواية الكتاب المنتهية الى أبان بن
أبي عياش ٢ تحديث أبان بن أبي عياش لعمر بن أذينة و روياه لسليم و ...

آغاز نسخه كتاب سليم: كتاب سليم بن قيس الهلالي الكوفي رحمه الله بسمله، اخبرني
الرئيس العفيف ابوالبقاء هبة الله بن نما بن علي بن حمدون ...

انجام نسخه سليم: ... رضی الله عنه و كان تاريخ تملكه للنسخة سنة ١٠٨٧ و تاريخ الفراغ من
كتابة النسخة يوم الثلاثاء رابع شهر المحرم سنة ١٠٨٧ ولكن الكتابة بخط غير الحرّ العاملي رحمه الله
و هي اليوم في مكتبة بعض الاعلام في النجف الاشرف و كانت النسخة المذكورة كثيرة الغلط و قد

صححت الكثير من الاغلاط على نسخ عديدة كانت عندي وانا الاقل محمد صادق ابن الحسن آل بحر العلوم الحسنی الطباطبائی و كان الفراغ شهر رمضان سنة ١٣٥٩ هجرية. (سپس، آغاز مطلب: «فوائد عديدة» الاولى ذكر صاحب كتاب الدرالنظيم في مناقب الائمة ...)

مشخصات ظاهري نسخه:

تعداد صفحات: ١١٣ برگ، منها ٣٣ الفوائد، ١٩ سطر، اندازه: ٢١*١٦ سم.

منبع: ملاحظه عكس نسخه - فهرس المخطوطات في مكتبة بحر العلوم، ١٧١.

٤٧- قم مقدسه؛ مؤسسه آيت الله بروجردی (نسخه ٢)

كد دستيابی به كتاب: ٢٢٤/٧

كاتب نسخه: احمد بن علي اكبر خادمی بروجردی.

تاريخ كتابت نسخه: ١٣٦٠ ق.

آغاز نسخه خطی: بسمله، حدثني أبو طالب محمد بن صبيح بن رجاء بدمشق سنة أربع و ثلاثين و ثلثمائة ... قال حدثنا أبو بكر أحمد بن المنذر بن أحمد ...

انجام نسخه (ترقيمه): ... على مصنفه و الاستغفار لكاتبه و والدي فالحمد لله بكل لسان المشهود بالكرم و الاحسان و الصلوة و السلام على محمد سيد الاولين و الآخرين.

مشخصات ظاهري نسخه:

خط: نسخ، عناوين و نشانها شنگرف، جلد: تيماج قهوه ای روشن، ١٥٤ گ، تعداد صفحات:

٦٩ برگ، ٨٢ پ-١٨١ ر (٨٢ پ ١٥١ ر ٢٢٤)، سطور مختلف، اندازه: ٢١*١٧ سم.

منبع: ملاحظه حضوري نسخه - فهرست نسخ خطی کتابخانه مؤسسه آيت الله بروجردی، ١٣٥/١.

٤٨- نجف اشرف؛ کتابخانه اميرالمؤمنين × (نسخه ٤)

كد دستيابی به كتاب: ٢٧١/٣/٢.

كاتب نسخه: شير محمد الهمدانی.

١ کتابهای مؤسسه آيت الله بروجردی، به کتابخانه آيت الله بروجردی (کتابخانه مسجد اعظم قم) منتقل شده است.



تاریخ کتابت نسخه: ۱۳۶۲ق.

محل کتابت: نجف اشرف.

آغاز نسخه سلیم: بسمله، حمدله ... فهذه جملة من الاخبار النبوية جمعها سليم بن قيس الهلالي عن أمير المؤمنين علي بن أبي طالب × عن النبي صلى الله عليه وآله قال قال لنا أمير المؤمنين × من الناس من يدخله الله الجنة بغير حساب...^۱

انجام نسخه (مدل دوم): ... قلت جعلت فداك ليس شئ مما قلت إلا وقد صح غير الولاية أعمامة

لجميع بني هاشم ... (ح ۷۰ چ)

مشخصات ظاهری نسخه:

- نسخه مجموعه است و کتاب ششم، کتاب سلیم است.^۲

منبع: کتاب سلیم بن قیس الهلالی، تحقیق محمد باقر انصاری زنجانی، ۳۶۶/۱.

۴۹- مکان نامشخص؛ نسخه السيد الجلالی

کد دستیابی به کتاب: -

کاتب نسخه: سید محمدحسین حسینی جلالی.

تاریخ کتابت نسخه: ۱۳۸۵ق.

آغاز نسخه: (افتادگی دارد)^۳ ... يحاسبون، منهم من يغفر له ويدخله الجنة بالإقرار والتوحيد ومنهم من يعذب في النار ثم يشفع له الملائكة والأنبياء والمؤمنون فيخرجون ...

انجام نسخه: ... هذا اخر النسخة الصغيرة من كتاب سليم ره و جاء في هامش آخر الصفحة

انها منقولة عن نسخة تاريخها ۶۰۹ و يظهر من مصادر البحار أن هذه النسخة كانت عند المؤلف

۱ این حدیث در منابع حدیثی یافت نشد؛ بار اول، در نسخه سلیم (کتابخانه حسینی شوشتریها به تاریخ کتابت ۱۰۴۸ق در ابتدای نسخه درج شده؛ و بار دوم در ضمامن نسخه بحرالعلوم به تاریخ کتابت ۱۳۵۹ ص ۲۸ درج شده، و بار سوم در نسخه بالا.

۲ علامه سید محمد حسین جلالی، در فهرست استنساخات شیر محمد همدانی گفته است: أن النسخة في مجموعة تضم ۶ كتب ثانيها كتاب سليم بن قيس، وهذا بيان محتوى المجموعه مع ذكر تاريخ نسخها: ۱- جامع الأحاديث، ۱۳۵۲. ۲- أصل سليم بن قيس الهلالي، ۱۳۶۲ق. ۳- عيون المعجزات، ۱۳۵۷ق. ۴- التمهيص، ۱۳۵۶ق. ۵- شرح اعتقادات الصدوق للشيخ المفيد، ۱۳۴۹ق. ۶- المسائل العكبرية، ۱۳۵۶ق.

۳ شروع، حدیث ۷ (به نسبت شماره احادیث کتاب چاپی سلیم) است؛ البته، ۷ صفحه از ابتدای حدیث هفتم به نسبت متن چاپی، کسری دارد.

المجلسی و تلی هذه النسخة، نسخة أخرى لكتاب سليم كبيرة لم أتمكن من استساخها وكلاهما من مجلد واحد، بحجم الرحلى و خطوط بارزة لاتزال فى حوزة العلامة السيد احمد المستنبط دام ظله و قد استنسختها فى غاية الاستعجال و ضيق المجال و تشتت البال بعون الملك المتعال و بركة صاحب الحضرة العلوية و ذلك فى صباح يوم الاحد الحادية عشر من شهر ذى القعدة ١٣٨٥ هجرية على نهاجرها آلاف الثناء و التحية و أنا العبد محمد حسين الحسينى الجلالى احسن الله اليه.

مشخصات ظاهري نسخه:

خط: دستنويس معمولى (بدخط)، مختلف السطر، حدود ١٩ الى ٢١ سطر، ٣٣ برگ؛ قطع وزيرى ١٨*٢١/٥.

منبع: ملاحظه نسخه عكسى برخى از صفحات.



سنجه کتاب* (بخش هشتم)

علی اکبر صفری**

چکیده

مجموعه ای از نکات و نویافته های پژوهشی در زمینه کتابشناسی، اسناد و شرح حال نگاری در این گفتار ارائه شده است. در زمینه کتابشناسی نکاتی می خوانیم مانند: هشت کتاب از محمد حسن خویینی زنجانی با نسخه شناسی آنها؛ معرفی تنها نسخه خطی حدائق العارفین نوشته محمد بن محمد حسین آهویی تفرشی (تألیف ۱۲۹۴ ق) در زمینه عقاید؛ فهرست ۲۵ کتاب از میرزا احمد قیداری مقدس زنجانی (۱۲۹۷ - ۱۳۵۹ ش)؛ معرفی کتاب ذنبیل الواعظین نوشته علی بن ابی طالب یزدی در سال ۱۳۷۹ ق؛ دو کتاب از سید محمد علی سالاری یزدی (۱۲۸۶ - ۱۳۴۱ ش)؛ ترجمه منثور دیوان امیرالمؤمنین علیه السلام و مقایسه آن با شرح میبیدی بر این دیوان. در زمینه اسناد، منظومه خاوری شیرازی (قرن ۱۳ ق) به زبان فارسی در مورد حمله وهابیان به کربلا در سال ۱۲۱۶ ق آمده و در زمینه شرح حال نگاری، زندگی نامه سید ابراهیم بنی هاشمیان (۱۳۰۹ - ۱۳۶۹ ش) نقل شده است.

کلیدواژه ها

عالمات شیعه - قرن ۱۳؛ عالمات شیعه - قرن ۱۴؛ تاریخ کربلا - قرن ۱۳؛ وهابیان - تاریخ؛ کتابشناسی شیعه؛ شرح حال نگاری؛ نسخه های خطی - فوائد.

* «سنجه کتاب» عنوان سلسله مقالاتی است که مشتمل بر نویافته های پراکنده ای در شناخت آثار مکتوب، نسخه های خطی و آگاهی از زندگی نامه نویسندگان است.

** فهرستنگار و مصحح متون دستنویس

سلسله مطالب «سنجه کتاب»، در بردارنده نکته هایی از کتابشناسی، شرح حال نگاری و نسخه پژوهی است که از لابلای نسخه های خطی و آثار دست نویس منتشر نشده بدست آمده و برای نخستین بار منتشر میشود.

سنجه ۸۷) زندگی نامه آیت الله بنی هاشمیان

مرحوم استاد سید ابراهیم بنی هاشمیان، از نوادگان امامزاده سید محمد، مشهور به پلا سید به سال ۱۳۰۹ ش در آخوند محله رامسر متولد شد. دروس آغازین حوزه را نزد شیخ علی اکبر الهیان و سید محمد هادی روحانی میاندهی، در حوزه علمیّه رامسر و رودسر آموخت. سپس به قم مهاجرت کرد و به خیل شاگردان آیت الله بروجردی پیوست. وی عمر خود را به تدریس در حوزه علمیّه المهدی رامسر و تبلیغ در مسجد آدینه جواهرده گذراند. وی در یکم شهریور ۱۳۶۹ در رامسر درگذشت و در مسجد آدینه جواهرده به خاک سپرده شد.

لوح مزار وی چنین نوشته شده است: «قال النبی صلی الله علیه و آله انّ مثل العلماء فی الارض مثل النجوم فی السماء، آرامگاه فقیه اهل بیت حضرت آیت الله حاج سید ابراهیم بنی هاشمیان فرزند مرحوم آقا سید محمد؛ تولد ۱۳۰۹، وفات اول شهریور ۱۳۶۹ برابر با اول صفر المظفر ۱۴۰۰

چون طایر قدسی زد پر و با طیران رفت	آن مؤمن ارزنده به دنیا زجهان رفت
ما را غم دیده برخ اشک روان رفت	ره فردوس چو بگرفت زمکان رفت
ما را همه در خدمت او بود ارادت	افسوس عزیزی چو بنی هاشمیان رفت
ارباب سخن بود و ورع داشت و شجاعت	دریای ادب بود و شرف بود و سخاوت
در هر سحر از خوف خدا چشم تری داشت	بودش نسب هاشمی از شاه ولایت
او زنده و باقیست به ظاهر زمیان رفت	جا در دل این رامسر و رامسری داشت

[این سوگ سروده اثر قریحه مرحوم حاج علی ثابت قدم از شاعران شهر تنکابن است] سید محمد صالح موسوی جنتی، از فضلالی حوزه علمیّه قم کتابی در باره زندگی و آثار ایشان با عنوان اسوه ساده زیستی نوشته است. این کتاب به صورت دست نویس باقی مانده است.



سنجه ۸۸) آثار نویافته از شیخ محمدحسن خوئینی زنجانی

مجموعه نویافته ای از ملاً محمدحسن فرزند مصطفی خوئینی، به خط مؤلف در دست است، که به شمار آثار ایشان می افزاید و در هیچ یک از منابع نیز معرفی نشده است. این آثار عبارتند از:

- مفتاح اللغة

برگزیده ای از کتاب نصاب الصبیان است که برای مبتدیان نوشته است. آغاز: بسمله، الحمد لله و صلی الله علی محمد و آله، اما بعد بدان که فهمیدن قرآن و حدیث بلکه هر کتاب کلاً عربی ... انجام: ... این کتاب مفتاح اللغة را از نصاب گلچین کردم، از برای مبتدی بسیار نافع است، باید قدرش را بدانند و السلام علی من اتبع الهدی.

- امثلة التعليم (الدین)

آغاز: بسمله، مصدر در لغت جای صادر شدن را گویند مثل چشمه ... انجام: ... باید رجوع شود به کتب عربیه معتبره تا معلوم شود و العلم عند الله و رسوله و آله. والسلام علی من اتبع الهدی بقوله و فعله لمحرره محمد حسن بن مصطفی (ره)

- صرف الدین

آغاز: بسمله، الحمد لله و الصلاة علی محمد و آله بدان که کلمه های زبان عرب سه قسم است ... انجام: ... به کتب عربیه معتبره شود تا معلوم شود و العلم عند الله و رسوله و آله و السلام علی من اتبع الهدی بقوله و فعله لمحرره محمد حسن بن مصطفی.

- نحو امیرالمومنین ×

آغاز: الحمد لله و الصلاة و السلام علی محمد و آله، خصوصاً علی ابن عمّه و وصیه علی بن ابی طالب واضح علم النحو بکلمه من کلامه، اما بعد قال امیرالمومنین کلّ فاعل مرفوع... انجام: ... اما در مضارع معتل مثل لم یرمی بود والسلام علی محمد و آله.





- عقائد الشيعة

آغاز: بسم الله و بالله و الصلاة و السلام على محمد و آله. قال الله تعالى و لله الحجة البالغة ...

انجام: ... من رسول الا بلسان قومه و السلام لمحزّره محمد حسن عفى عنه.

- ميزان الافكار

آغاز: بسم الله و الحمد لله و الصلاة و السلام على محمد و آله اعلم انّ المنطق علم يحفظ الذهن عن الخطأ في الفكر ...

انجام: ... شرطيتان اختلاف احدى المقدمتين لمحزّره محمد حسن.

- مسائل الشيعة

نويسنده اين اثر را مانند بيشر كتب فقهى از كتاب طهارت آغازيده و به صلاة و صوم و زكات پرداخته است.

آغاز: فصل فى الوضوء الأصابع و مسح من مقدم الرأس ...

انجام: [افتاده] ... كتاب الاعتكاف و هو اللبث فى العبادة صائما ثلاثة أيّام

- اخلاق الشيعة

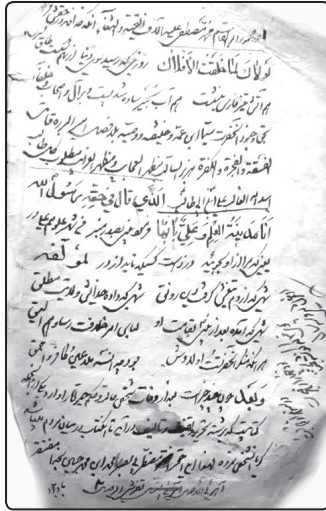
با اینکه عنوان این کتاب در صفحه آغازین قلمی شده، متأسفانه از آخر نسخه افتاده است. این مجموعه حاوی رساله های دیگری مانند: وجيزة فى الرجال علامه مجلسى، الدرر البهية فى النظائر الفقهية اثر محمد محسن بن محمد سمیع کرمانشاهی، عوامل ملامحسن، ميزان المقادير اثر سيدمحمد باقر بن ابوالقاسم حسینی تبریزی و عوامل ملامحمد حسن است. این رساله به خط نستعلیق و نسخ تحریر شده و دارای حواشی بسیارى به خط کاتب است.

این مجموعه از طرف نگارنده سطور به کتابخانه آیت الله مرعشى نجفى اهداء گردید.

سنجه ۸۹) حدائق العارفين

مؤلف کتاب «حدائق العارفين»، شيخ محمد بن محمد حسين آهوئى تفرشى (متولد ۱۲۶۱ق) است که در سال ۱۲۹۴ ق، در سی و سه سالگی آن را نوشته است.

وی بر اساس این قول که چند چیز است که بعد از وفات شخص، حالت و حکم حیات را دارد و یکی از آن جمله کتابی است که به رشته تحریر و تصنیف درآمده و یادگار می ماند، به تالیف این کتاب دست یازیده است.



صفحه آغاز حدیقه العارفين

این کتاب در دوازده فصل با عنوان «حدیقه» سامان یافته است.

حدیقه اول: در پاره ای از نصایح و مواعظ خطاب به نفس اماره

حدیقه دوم: در تشریح اعضاء مفرده و مرکبه شرح نعمت اعضاء بدن و عقل

حدیقه سوم: در معرفت اصول دین

حدیقه چهارم: در صفات ثبوتیه

حدیقه پنجم: در صفات سلبيه

حدیقه ششم: در عدل

حدیقه هفتم: در نبوت محمد مصطفی |

حدیقه هشتم: در امامت علی بن ابی طالب x و و بیّنات آن

حدیقه نهم: در امامت یازده نفر از اولاد آن حضرت

حدیقه دهم: در علامات ظهور امام عصر #

حدیقه یازدهم: در معاد

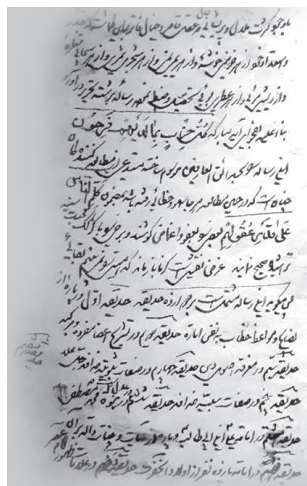




حدیقه دوازدهم: در کیفیت عقاب صاحب کبیره و وجوب توبه و تعریف بهشت و جهنم. نویسنده با استناد به آیات و احادیث و دلایل عقلی و حکایات، به نگارش این کتاب پرداخته و سروده‌هایی از خود را نیز در متن آورده است. مثنوی بلندی در شصت بیت در معجزه حضرت سید الشهداء × و شفای دختر بیمار یهودی، پیوست پایانی نسخه است که ابیاتی از آن چنین است:

ای عزیزان از صغار و از کبار گوش دارید این حدیث آبدار
آن شنیدم بعد قتل شاه دین شاه دین یعنی امام سیمین
مرغکانی چند با حال پریش کردن آغشته به خونش بال خویش
هر یکی بر جانبی گشته روان بهر اعلام خلائق با فغان

آغاز نسخه: حمد و ثنای بری از شایبه ریب و ریا، نثار دربار دُرر بار مبدع الاشیائی هست که خلق نمود عالم و آدم را از عدم، و شکر و سپاس لاتعدّ ولا تحصی، منعمی را لایق و سزااست که رازق جمیع ممکنات است بلا زیاده و کم... و بعد چون چند چیز است بعد وفات شخص حالت و حکم حیات را دارد، یکی از جمله کتابیست که به رشته تحریر و تصنیف و تألیف درآید، تا آن کتاب در میان مردم باشد، گویا آن شخص نمرده، لهذا این حقیر مضطر بی بصر محمد بن محمدحسین به خدا مفتقر، آهوئی الاصل، تفرشی الوصل، در سنه هزار



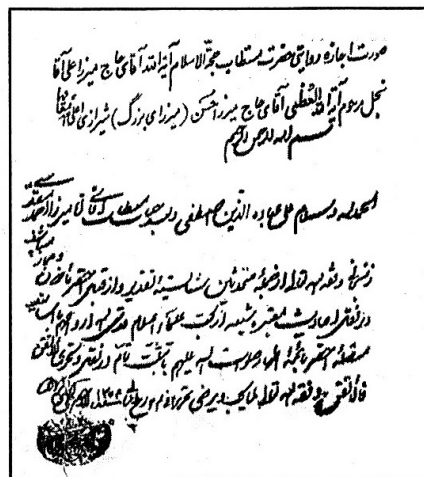
صفحه دوم کتاب حدیقه العارفین

ودویست و نود و چهار از هجرت نبوی صلعم، گذشته تخمیناً از عمرش سی و سه سال با وجود کثرت ملال و پریشانی حال و عقل قاصر و خیال فاطر، بر این گماشته که به قدر قابلیت و استعداد خود، از هر خرمنی خوشه ای و از هر سحابی قطره ای و از هر ریشی مویی و از هر عطری بویی تحصیل و ضبط نموده، رساله ای به رشته تحریر در آورده، بناء علیه به فحوای آیه مبارکه (کل حزب بما لدیهم فرحون) این رساله را به حدائق العارفین موسوم ساخته ... انجام: ... به عبادت و اطاعت و ریاضت گرفتند، تا بدون تعطیل و تفسیر خود را آسوده و فارغ بال در بهشت جاوید مسکن دادند. الحمد لله منّ علیّ بالاتمام و صلّی الله علی خیر الأنام و السادات الکرام و سلّم تسلیماً.

این نسخه دستنویس که یگانه نسخه از این کتاب است، در قطع جیبی دارای هفتاد برگ به خط نستعلیق قلمی شده و در حواشی افزوده هایی به خط مولف دارد.

سنجه ۹۰) فهرست خودنوشت میرزا احمد قیداری

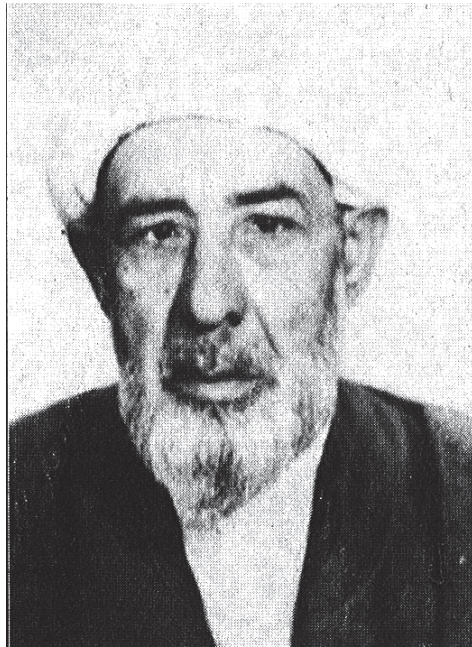
عالم وارسته و عارف گمنام، میرزا احمد قیداری معروف به «مقدس زنجانی»، در پایان کتاب درّ ثمین در خواص بعضی از آیات قرآن مبین فهرستی از آثار خود را ثبت کرده است. اصل این کتاب نزد خانواده ایشان بوده و نسخه عکسی آن در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی به شماره ۱۲۲۱ موجود است.



برگی از اجازات مقدسی زنجانی

۱ فهرست نسخه های عکسی کتابخانه آیت الله مرعشی، ج ۳، ص ۵۱۳.





عارف سالک مرحوم مقدسی قیداری

آن مرحوم در سال ۱۲۹۷ ش، در یک خانواده اهل علم و فضیلت چشم به جهان گشود. پدر وی ملا علی قیداری، از علمای شهر قیدار خدابنده در استان زنجان، فرزند ملا اکبر بن صالح قیداری بود. پدران وی نسل به نسل در شهر قیدار به تبلیغ امور دینی و مذهبی مشغول بوده‌اند.

تحصیلات: وی پس از تحصیل مقدمات و سطح حوزه علمیه زنجان، برای ادامه تحصیلات به شهر مقدس نجف عزیمت کرد و در مدرسه میرزا حسین خلیلی طهرانی در محله عماره نجف،

ساکن شد و دروس خود را تا مدارج عالی حوزه ادامه داد.

اساتید: اساتید مهم میرزا احمد مقدسی زنجان‌ی در خارج فقه و اصول عبارت اند از: ۱. آیت الله سید محسن حکیم؛ ۲. آیت الله میرزا باقر زنجان‌ی؛ ۳. آیت الله سید ابوالقاسم خوبی؛ ۴. آیت الله سید علی قاضی طباطبائی (در درس اخلاق)، که نقطه عطف و منشأ برکاتی در زندگی وی گردیده و به او در سیر و سلوک عرفانی ارائه طریق نموده است.

سیر و سلوک عرفانی: عارف گمنام ملا احمد مقدسی زنجان‌ی، در محضر استاد عرفان و اخلاق آسید علی آقا قاضی، فیض برده و در تهذیب نفس و نورانیت باطن، عمری را سپری کرده بود. وی بیشتر ایام عمر را در ریاضت نفس و مراقبه عرفانی گذرانید و دائماً به حالت ذکر، ختم و چله نشینی مشغول بود. با فقر و قناعت عمر را در غربت و گمنامی طی کرد و به درجات عالی‌ه عرفانی نائل آمد.

ازدواج: وی در ایام تحصیل در نجف، با بیت مرجعیت و فقاهاست وصلت نمود و با بانوی فاضله و مکرمه، صبیبه شیخ حسن شریعت، نوه مرحوم آیت الله شیخ الشریعه اصفهانی، عقد

زوجیت بست و بر این اساس در تهران به «داماد شریعت» معروف بود.

مراجعت به ایران: در تاریخ ۱۳۵۵ ش هنگام اخراج ایرانیان و شیعیان از عراق، آن مرحوم به ایران مراجعت نمود و در تهران رحل اقامت افکند. وی از شهریه مرسوم طلاب استفاده نکرد و از مسجد و محراب و منبر درآمدی نداشت. تا آخر عمر نیز مستأجر بود و تنها در سال آخر حیات خانه‌ای تهیه نمود.

فهرست خود نوشت: ملا احمد مقدسی زنجان، در پایان کتاب حرکت حسین بن علی ×، هشت کتاب از تالیفات خود برشمرده و سالها پس از آن و پس از بازگشت به ایران، شمار آثار خود را به بیست و پنج عنوان افزایش داده است که عبارت اند از:

- احسن المراسلات یا نامه‌نگاری.
- تفسیر آیات قرآنی راجع به ولایت، در چهار جلد آیات قرآنی، که پیرامون ولایت حضرت امیرالمؤمنین × نگاشته شده است.
- چهارمقاله در عظمت اسلام.
- حجت غائب؛ درباره سیره حضرت ولی عصر #.
- حکم و عبر؛ کلمات قصار از حضرت رسول و اهل بیت علیهم السلام.
- رساله در کانون ادب.
- رساله در اسماء الحسنی یا اسماء الائمه.
- رساله در توحید؛ با ادله آیات قرآنی.
- رساله در توحید؛ با ادله و آراء فلاسفه و متکلمین.
- رساله در خواص اسماء الله و آیات قرآنی؛ در علوم غریبه.
- رساله در علم حروف؛ در علوم غریبه.
- رساله‌ای در ملل و نحل؛ در شناخت فرق و مذهب و نحله‌ها.
- رموز دواجات؛ در موضوع شناخت طب گیاهی.
- سؤال و جواب در اصول دین و اصول مذهب.
- فدک و خطبه جانسوز حضرت زهراء ÷





- مجمع الفصحا و الادباء؛ در موضوع تراجم و اشعار در ۲ جلد.
- مدایح و غزلیات از شعرا؛ مجموعه گلچین از شعراء مختلف.
- نفس و تفسیر سوره مبارکه توحید؛ بخش اول درباره معرفت نفس و بخش دوم تفسیر سوره توحید. چاپ: تهران، ۱۳۹۵ ق، رقعی، ۶۱ ص.
- تفسیر قرآن مبین و علی امیرالمؤمنین ×؛ تفسیر آیات نازلۀ درباره علی × و بیان فضائل آن حضرت. چاپ: تهران، نشر نقش جهان، ۱۳۵۳، وزیری، ۱۷۶ ص.
- حرکت حسین بن علی ×؛ این کتاب در شش فصل سامان یافته است:
فصل اول: آغاز داستان اختلاف بنی هاشم و بنی امیه
فصل دوم: صلح امام حسن × با معاویه
فصل سوم: حرکت حسین بن علی × از مدینه به مکه
فصل چهارم: حرکت حسین بن علی × به سوی عراق
فصل پنجم: نسب حضرت سید الشهداء ×
فصل ششم: خطب و کلمات قصار حسین بن علی ×
- تاریخ تالیف این کتاب ۲۷ جمادی الثانی ۱۳۶۳ ق است و نگارش آن در مدرسه آخوند خراسانی نجف به پایان رسیده است. تاریخ تحریر این کتاب به قلم خوشنویس مشهور احمد نجفی زنجانی، در ۲۷ جمادی الثانی ۱۳۶۴ ق است.
- نسخه عکسی این اثر در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی به شماره ۱۷۷۳^۱ موجود است.
- درّ ثمین در خواص بعضی از آیات قرآن مبین
در این کتاب خواص برخی سوره های قرآنی و دستورالعمل قرائت آن آمده است. برخی اوراد، اذکار، ادعیه و توسل ها برای حلّ مشکلات و برآورده شدن حاجات و شفای بیماری از مطالب این کتاب است. نسخه عکسی این اثر در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی به شماره ۱۲۲۱^۲ موجود است.

- تفسیر سوره توحید

۱ فهرست نسخه های عکسی کتابخانه آیت الله مرعشی، ج ۵، ص ۲۲۲-۲۲۴.

۲ همان، ج ۳، ص ۵۱۳.

مباحث این کتاب عبارتند از: اسامی سوره توحید و وجه تسمیه، فضیلت سوره توحید، سبب نزول این سوره، متن سوره با ترجمه و تفسیر مختصر، خواص سوره توحید. مرحوم مقدسی زنجانی، این تفسیر را در دهم شعبان ۱۳۹۵ ق برابر ۲۷ مرداد ۱۳۵۴ ش به پایان برده است. این اثر به ضمیمه کتاب نفس در تهران به چاپ رسیده است.

- کشف المعضلات

در این مجموعه اسماء الله الحسنی و اسامی و القاب مبارکه اهل بیت [^] (به شماره عدد دوازده) به ترتیب حروف ابجد محاسبه شده است. شماری از خواص سوره های قرآنی و ادعیه و اذکار مجرب در ادامه این اثر آمده است. وی نگارش این کتاب را در دهم رمضان ۱۳۸۴ به پایان برده است. نسخه عکسی این اثر در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی به شماره ۱۷۷۲^۱ معرفی شده است.

- عدد چهل

در این اثر پس از شرحی درباره عدد چهل و جایگاه آن در قرآن، روایات و سلوک عرفانی، متن عربی چهل حدیث از کتابهای کافی، نهج البلاغه، توحید شیخ صدوق، خصال شیخ صدوق انتخاب شده و با ترجمه و شرح کوتاه آمده است. این مجموعه در نیمه شعبان ۱۳۹۰ ق به پایان رسیده و در ۱۳۵۵ ش / ۱۳۹۶ ق، میرزا احمد نجفی زنجانی در مشهد مقدس تحریر آن را به نستعلیق انجام داده است. کتاب عدد چهل در سال ۱۳۵۵ ش به دستگیری انتشارات جهان در تهران، در ۷۲ صفحه منتشر شده است.

- کتاب نفس

نویسنده در این کتاب با استناد به آیات و احادیث و آثار و گفتار بزرگان و دانشمندان به تعریف نفس و جایگاه آن پرداخته است. مباحث این کتاب عبارتند از اقسام نفس، معرفت نفس، معرفت خداوند، شناخت توحید، نظریه دانشمندان درباره نفس. این کتاب همراه با تفسیر سوره توحید به چاپ رسیده است.

۱ همان، ج ۳، ص ۲۲۱-۲۲۲.



بارقه ای از نور؛ از جمله نصایح ملا احمد مقدسی زنجانی

«نفس انسان مانند خانه‌ای است که درهای بسیار به آن باز باشد و از هر دری اشخاص ناشناس و موجودات مختلف رفت و آمد کند. نفس آدمی مانند آئینه بزرگی است که در مکان مرتفع نصب شده باشد و دائماً محاذی او اشیاء و صور گوناگون گذر کند، تا دیوی از خانه دل بیرون نرود فرشته نیاید، چنانچه پای دیو به خانه دل رسد خانه را از بنیان خراب خواهد نمود؛ مراقب نفس خود باشید تا به سعادت ابدی برسید:

گر مراقب باشی و هشیار خویش هر دمی بینی جزای کار خویش

لازم است انسان نفس خود را تهذیب کند و اخلاق لطیف کسب کند، زیرا خداوند عالم لطف است و لطیف، لطیف را عذاب نخواهد کرد. درد او [نفس] بسیار و دوی او اندک، مرضش شدید و معالجه‌اش صعب و دشوار است.

رحلت: سرانجام میرزا احمد مقدسی زنجانی در ۹ مهرماه ۱۳۵۹ ش، برابر با ۱۴۰۰ ق به علت ایست قلبی، چشم از جهان فروبست. جنازه مطهر وی پس از انتقال به قم در قبرستان نو، نزدیک حرم مطهر حضرت معصومه ÷ به خاک سپرده شد.^۱

سنجه (۹۱) منظومه حمله وهابی‌ها به کربلا در ۱۲۱۶ ق

شهر مقدس کربلا در طول تاریخ، شاهد رویدادهای ناگواری بوده است، باید از شمار این حمله‌ها، جنایت وهابی‌ها در ۱۸ ذیحجه سال ۱۲۱۶ ق را برشمرد. در این یورش‌ها، شمار بسیاری از نفوس کشته و حرم مطهر حضرت سید الشهداء و حضرت ابوالفضل العباس × و دیگر اماکن تاریخی و زیارتی آسیب بسیاری دید، علاوه بر آن، اموال زیادی چه از روضات مقدسه و چه از مردم، غارت و چپاول گردید.

از میان این حملات، حمله امیر سعود بغدادی، با لشکری قریب به ۲۰ هزار نفر در سال

۱ . منابع: دین‌نامه‌های ایران (کتابشناسی موضوعی کتابهای دینی ایران)، ۱۳۶۶ ش، سید محمد باقر نجفی، چاپ آکادمی علمی اسلامی شهر کلن آلمان، ص ۱۵۷ و کتابنامه بزرگ قرآن کریم، محمد حسن بکائی، نشر قبله، تهران، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۲۶ - ۳۷. و موسوعة مؤلفی الامامیة: تألیف گروهی، قم، مجمع فکر اسلامی، ۱۴۲۳ ق، ج ۵، ص ۳۰۶ - ۳۰۸.

مصاحبه‌ها: آیت الله العظمی سید موسی شبیری زنجانی، مرحوم آیت الله شیخ محیی الدین مامقانی، مرحوم حجت الاسلام شیخ یحیی عابدی، شیخ محمد کریم پارسا، و آقایان نجم الدین و عزالدین مقدسی (از فرزندان آن مرحوم).

۱۲۱۶ ق، از خونبارترین آنها است. گفته شده در این جنگ در یک شب ۲۰ هزار تن به دست این جنایتکاران کشته شدند. بعضی این واقعه را دومین واقعه تاریخی صحرای کربلا دانسته اند.

در زمان حمله این قوم، که مردم شهر برای زیارت امام علی × به شهر نجف رو آورده بودند، وهابیان وارد شهر کربلا شده و دست به غارت اموال مردم و تخریب گنبد امام حسین × و شبکه های ضریح مطهر زدند .

شاعری این منظومه تعداد شهیدان را چنین گفته است:

حساب اهل شهادت غم بسی افزود شماره شهدا پنج هزار و کسری بود
علامه سید محسن امین در کتاب اعیان الشیعة می گوید: وهابیان به زور وارد کربلا شدند، مردم آن جا را به خاک و خون کشیدند و جز عده کمی که فرار کردند و یا مخفی شدند، دیگران را کشته و مجروح کردند. قبر مطهر امام حسین × را ویران و شبکه های ضریح مطهر را کنده و اموال آن جا را سرقت کرده و با خود بردند. آنان با این کار، اعمال متوکل عباسی نسبت به قبر مقدس امام حسین × را از نوزنده کردند.^۱

خاوری شیرازی که در آن زمان هجده ساله بوده در تاریخ ذوالقرنین این واقعه را در کنار کربلای اولین، «کربلای ثانوی» توصیف کرده و نوشته است:

«در روز عید غدیر، آخر سنه يك هزار و دویست و شانزده، که اکثر مجاورین و مسافرین به زیارت نجف اشرف مشرف بودند و شهر کربلا خالی بود، آن نابکار با جیش وهابی غدار که افزون تر از خیل مور و مارند، داخل آن ارض فیض قرین شده، از خون علمای دین و سادات با تمکین و اشراف و اعیان هر سرزمین و سایر عجزه، از ملهوفین آن مشهد سعادت تضمین، چون دشت ماریه رنگین ساخت. نسوان عفت توامان را بدون تعرض به عرض و ناموس، عاری از لباس نمودند و دست غارت به دفاين و ذخایر آن گنجینه علوم ربّانی گشودند و اموال

۱ «... في سنة ۱۲۱۶ هـ جهز سعود بن عبد العزيز بن محمد بن سعود الوهابي النجدي جيشا من أعراب نجد ويقول بعض مؤرخي الأفرنج أنه يقرب من ستمائة هجان وأربعمائة فارس وغزا به العراق وحاصر مدينة كربلاء مغتتما فرصة غياب جل الأهلين في النجف لزيارة الغدير، ثم دخلها يوم ۱۸ ذي الحجة عنوة وأعمل في أهلها السيف، فقتل منهم ما بين أربعة آلاف إلى خمسة آلاف وقتل الشيوخ والأطفال والنساء ولم ينج منهم إلا من تمسكن من الهرب أو اختبأ في محبا ونهب البلد ونهب الحضرة الشريفة وأخذ جميع ما فيها من فرش وقناديل وغيرها وهدم القبر الشريف واقتلع الشباك الذي عليه وربط خيله في الصحن المطهر ودق القهوة وعملها في الحضرة الشريفة ونهب من ذخائر المشهد الحسيني الشيء الكثير» (أعيان الشيعة، ج ۱ ص ۶۲۹)



اهل عالم و سکنه آن روضه بهشت توام را به غارت و یغما ربودند. در زمان هفت ساعت، معادل شش هزار نفس زکیه اجر شهادت یافتند و بدون توقف و درنگ به اعلیٰ غرفات جنان شتافتند.»^۱

مرعشی صفوی در که در آن تاریخ در نجف اشرف بوده در مجمع التواریخ این واقعه را با عبارت «روز رستاخیز پدید آمد، شد وحشتی که روز قیامت بگرد رفت» وصف نموده است: «... تا در اواخر سنه ۱۲۱۶ هجری، که کاتب حروف در نجف اشرف مشرف بودم و اولاد و خانه در کربلا بود، قریب چهل پنجاه هزار کس از بلاد مقبوضه خود جمعیت نموده از راه بادیه بجبل شمر و دریای نجف در روز هژدهم شهر ذی الحجة الحرام سنه مذکوره که روز عید غدیر است و اهل کربلای معلی و مجاوران از برای زیارت بنجف اشرف رفته بودند و در شهر چندان کسی باقی نبود، علی الغفله اردوی خود را بخارج نخلستانهای کربلا رسانیده، شباشب پیای قلعه آمده، راهها از بدنه قلعه بشهر باز نموده، مراجعت باردوی خود نمود.

مقارن طلوع آفتاب قریب ده دوازده هزار کس را احتیاطاً از اندیشه رسیدن لشکر بقراولی در کنار اردوی خود بازداشته، با ما بقی لشکر خود روی بشهر نهاده از اطراف هجوم نمودند ... بمضمون آیه اَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ هر که را دیدند بقتلش پرداختند و سه چهار هزار خانه را تاراج و ویران نموده و اهل کربلای معلی بفرح و یأتیهم الفرار من کل مکان را معاینه نمودند و قریب چهار پنج هزار کس از آن قوم بی حیا از تفنگچی و نیزه‌دار، با تبرداران و کلنگ رو بصحن مقدس حضرت سید الشهداء نهاده درهای صحن را شکسته و در صحن مقدس قتل عظیم نموده و درهای رواق و روضه مطهره را شکسته، داخل رواق و روضه شده بر پشت بام قبه مطهره، چون رجوم شیاطین هجوم نموده، شروع در کندن آجرهای طلا و خرابی گنبد نمودند و ضریح و صندوق مقدس را شکسته آنچه از جواهرات و طلا و نقره و فروش و غیره که بود، بردند و وقت عصر طبل بازگشت زده، مراجعت نمودند.

در تعداد مقتولین اقوال مختلف مذکور شده، از پنج هزار و ششصد کس تا ده هزار و کسری مذکور میشد و العلم عند الله و تاریخ این واقعه لفظ «بغدیر» با غین نقطه‌دار یافته

۱ تاریخ ذوالقرنین، فضل الله بن عبدالنبی خاوری شیرازی، تصحیح ناصر افشار فر، ج ۱ ص ۱۶۹.

شده...»^۱

محمد تقی خان سپهر نیز در ناسخ التواریخ این واقعه را چنین شرح داده است:
«... این هنگام (عبد العزیز) را به خاطر آمد که بر قلعه (نجف اشرف) تاختن کرده، قبه مبارک را پست کند و موقوفات بقعه شریفه را برگیرد و زایرین آن حضرت را که به گمان خود، بت پرست می پنداشت مقتول سازد، پس لشکری به (سعود) فرزند خود داده او را بدین مهم مأمور داشت و سعود، با مردم خود، به طرف نجف اشرف سرعت نموده، قلعه نجف را به محاصره انداخت و چند کورت یورش به قلعه برده، مقصود حاصل نکرد و از آنجا بی نیل مرام مراجعت کرده، آهنگ کربلا نمود و با دوازده هزار تن از ابطال رجال خود، چون سیلاب بلا، مغافضه به کربلا درآمد و این هنگام بامداد روز عید غدیر بود. پس نخستین، تیغ بیدریغ در سکنه آن بلده نهاده، پنج هزار تن از مرد و زن مقتول ساختند و ضریح مبارک را درهم شکستند و آلات زر و سیم و جواهر رنگین و لآلی ثمین، که سالهای فراوان از هر کشوری و کشورستانی بدانجا حمل داده و خزینه نهاده بودند، به نهب و غارت برگرفتند و قنادیل زرین و سیمین را فرود آوردند و خشت های زر احمر را از ایوان مطهر باز کردند و چندانکه توانستند از تخریب آثار و بنا، کوشش کردند و بعد از شش ساعت از شهر بیرون شدند و اشیاء منهبه را بر شتران خویش نهاده به جانب درعیه کوچ دادند»^۲.

میرزا حسن فسائی نیز در فارسنامه ناصری این حادثه غم بار را اینچنین گزارش کرده است: «... در این سال سعود نا مسعود پسر بدگهر عبدالعزیز با چندین هزار نفر اعراب برای تسخیر کربلای معلی حرکت نمودند و در روز هیجدهم ماه ذیحجه عید غدیر وارد گشت و شهر را تصرف نمودند و از بامداد تا شش ساعت پنج هزار نفر را کشتند و هر چه را دیدند بردند زنان را از حلی و حلال عاری داشتند و ننگ ناموسی بر احدی نگذاشتند ضریح مبارک را شکستند و قنادیل های زر و سیم و جواهر رنگین که سالهای دراز از هر کشوری بدانجا حمل داده خزانه نموده بودند به غارت بردند و پس از شش ساعت از شهر بیرون شده اشیاء منهبه

۱ مجمع التواریخ، محمد خلیل مرعشی صفوی، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، ص ۱۵۱.

۲ ناسخ التواریخ (بخش سلاطین قاجار)، میرزا محمد تقی خان سپهر لسان الملک، تصحیح محمدباقر بهبودی، تهران، ج ۱، ص ۱۱۹ - ۱۲۰.





را برشتران راهوار بسته به جانب درعیه رفتند...»^۱.

مثنوی زیر اثر طبع شاعری متخلص به «ابن نقی» دبخشی است، که وقایع پیش آمده در جریان حمله به کربلا و قتل عام مردم را تصویر کرده و واقعه و کشتار شیعیان و آنچه بر آنان گذشته را به نظم کشیده است. همچنین در وصف و مدح شهدای کربلا و توسل به اهل بیت پیامبر علیهم السلام سروده است.

تاریخ تحریر در این مجموعه سال ۱۲۱۹ است و بیان گر این است که روایت شاعر حداکثر سه سال پس از واقعه حمله بوده و در این تاریخ در مجموعه قلمی شده است. نسخه مخطوط این اثر در کتابخانه مسجد اعظم قم به شماره ۶/۱۵۶۷ برگ ۱۰۱-۱۰۵ پ ۲ در جنگی شامل مطالب گوناگون آمده است.

ساختار این منظومه چنین است که در میانه مثنوی، قصیده ای در همین موضوع همانند مجالس تعزیه، با وزن و ردیف و قافیه دوازده بند محتشم کاشانی با متن «ای دل بنال بهر غریبان کربلا» آمده است. در ادامه این منظومه، مثنوی دیگری درباره معجزه پناه آوردن قوچ قربانی به حرم حضرت فاطمه معصومه ÷ آمده است، که در آن نیز این ساختار بکار رفته و قصیده ای در میانه مثنوی با تخلص «قانع» آمده است. احتمال می رود هر دو سروده با تخلص «ابن نقی» و «قانع» اثر طبع یک شاعر باشد.

چه واقعه است که افلاک در خروش آمد	دوباره خون حسین علی بجوش آمد
چه روی داده عزیزان که کربلا غوغاست	مگر یزید ستمگر هنوز در دنیا است
چه کربلا که دیگر شور بر پا شد	فغان ظلم کشان تا به عرش اعلا شد
مگر بر این مصیبت، فشرده دست قضا	به ناله تخم شهادت به دشت کرب و ویلا
زخون تشنه لبان، آبیار جور و جفا	همیشه شرب کند حاصل شهادت را
در این زمانه چه نوبت، به آبیاری شد	قضا به ظلمت عبدالعزیز جاری شد
نوشت کلک قدر، حکم تعزیت انجام	به قتل جمله سادات و اولیای کرام

۱ فارسنامه ناصری، میرزا حسن حسینی فسایی، تصحیح منصور رستگار فسایی، ج ۱، ص ۶۸۶.
 ۲ فهرست نسخه های خطی کتابخانه مسجد اعظم، محمود طیار مراغی - صادق حسن زاده، ج ۴، ص ۴۰۶.

رسید نوبت ظلم و وهابی
در آن مکان مقدس برای جانبازی
به دشت کرب و وبلا دل به جوش می آید
برو به کرب وبلا و به گوش جان بشنو
بین مصیبت جان دادن شهیدان را
عجب مصیبت عظمی به روز عید غدیر
روایتست که در صبح مطلع خورشید
بنای غارت و قتل مجاوران کردند
ز شاه تشنه جگر هرچه بود، غارت شد
ضریح پر شرف را شکسته با صندوق
هجوم لشکر و طغیان آن جماعت شد
کمر به خنجر و گاهی به نیزه و شمشیر
زکشته پشته نمودند آن جفا کیشان
حساب اهل شهادت غم بسی افزود
میان روضه و صحن و رواق و ایوانش
همه غریب و همه مضطر و همه حیران
تمام ذاکر شاه شهید تشنه جگر
زخادمان حریم شهید راه خدا
مطالبان علوم و مجاوران حرم
تمام شهد شهادت ز ظلم نوشیدند
ستم رسید بایشان ز ظلم وهابی

ز دست ظلم یزید و جفای بی آبی
کسی به غیر شهادت نمیشود راضی
صدای ایل شهادت به گوش می آید
ندای العطش گوی تشنگان بشنو
دگر مشاهده کن روز عید قربان را
به کربلا شده برپا و گشته عالم گیر
عنان لشکر ظلمت به کربلا چو رسید
خراب خانهای ایمان، منافقان کردند
رواق روضه پر از لشکر شقاوت شد
حساب ظلم به روز جزا شود مفروق
درون روضه پرنور او قیامت شد
زکشتن و زفکندن دمی نشد تأخیر
کسی نماند که آسوده باشد از ایشان
شماره شهدا پنج هزار و کسری بود
فتاده متصل و جان نمود قربانش
تمام صاحب عرفان و قاری قرآن
تمام از نجباء، همه نکومنظر
شدند کشته همه در جوار آن مولا
دگر ز زمره سادات آن دیار آلم
تمام خلعت نو از ممات پوشیدند
طپان به خون مصیبت همه ز بی تابی

بیت
کربلا

سینه
کربلا
<



خوشا سعادت آن کشته گان ظلم و ستم
چه گویم از ستم و جور آن گروه پلید
غرض به عصر همان روز آن جفاکیشان
از این مصیبت عظمی و گریه و زاری
چه فتنه ها که تو ای چرخ میکنی بنیاد
فلک چرا به عزیزان، سر جفا داری
گل ریاض جنان، نور چشم پیغمبر
نهال باغ امامت، حسین تشنه جگر
بزرگوار خدایا به حق شاه شهید
بحق جدّ کبارش محمد عربی
بحق فاطمه، مادر دل افکارش

که گشته مدفن ایشان در آن دیار آلم
شنیده‌اید که بر اهل کربلا چه رسید؟
به سوی مسکن و مأوای خویش گشته روان
نشسته‌اند ملائک به تعزیتداری
چه کینه است تو را با رسول، با اولاد
چرا به سلسله انبیاء، دل آزاری
بخون دل، تو نشاندی به تربت حیدر
شد از جفای تو آخر به کربلا بی سر
به حنجری که ز خنجر برید شمر پلید
به حرمت پدرش حضرت علیّ ولیّ
به نور چشم پیمبر، برادر زارش

ای دل بنال بهر غریبان کربلا
کز گردش سپهر دوباره عیان شده
دیگر به روزگار خزان، گشت چون عیان
کاندر جهان ز جفای مخالف شد آشکار
از پا به آه و ناله بسی سر و پا فتاد
پس شمعها خموش ز قلب کبار شد
آه از دمی که خیل وهابیه آن جفا
چون جدّ خود شدند ز بیداد دشمنان
ماهی صفت به لجه‌ی خون دست و پا زدند

ای دیده خون بیار ز طوفان کربلا
حشر مجسمی ز بیابان کربلا
از صرصر عنان گلستان کربلا
اندوه بی حد، غم پنهان کربلا
با تیشه ستم زخیبان کربلا
از باد ظلم کین به شبستان کربلا
کشتند بی‌کسان عزیزان کربلا
سادات چند کشته به میدان کربلا
در صحن آن امام مقیمان کربلا



از خون خود خضاب نمودند دست و پا
چون بی پدر شدند، به گوش فلک رسید
بی سر به خون طپیده تن شوهران خویش
جسم برادران، پیش چشم خواهران
کردند روز عید به سر معجر سیاه
چندان بریده گشت سر که خون گذشت
بی دفن و کفن از ستم افتاده شد به خاک
کردند بعد قتل، خرابی ز کین بسی
ای نقی ز گریه شب و روز در جهان

دگر ز جور فلک خاک غم شده به سرم
جهان به دیده‌ام از غصه تار گردیده
شرر فتاده ز آهم به شهر بند فلک
ز ظلم‌های سپهر کبود دولایی
فلک خراب شوی تا به کی تو بی دردی
فکندی آن چه ... زمین کرب و بلا
شود سپاه رخت، ای سپهر کج رفتار
به مومنان جوار امام تشنه لبان
خبر رسید محبان که روز عید غدیر
چه روز قتل حسین، نور دیده زهرا
شنیده‌ام که چه داخل شدند از طرفین

داماد و او تازه جوانان کربلا
فریاد یا حسین، ز یتیمان کربلا
دیدند پس زنان چه اسیران کربلا
بی دست و سر فتاده به میدان کربلا
با چشم اشکبار عروسان کربلا
یک نیزه‌وار از سر ایوان کربلا
تنهای کشتگان چه شهیدان کربلا
آن کافران به روضه سلطان کربلا
ساکن مباش از غم یاران کربلا

زند به خون جگر غوطه مردم نظرم
بسان لاله دلم، داغدار گردیده
صدای ناله ز قلبم رسد به گوش ملک
نمانده در دل غمدیده ام دگر تابی
چرا به خواهش اعداء همیشه می‌گردی؟
ز تو بساط غمی بهر خواهش اعداء
باهل کرب و بلا چند می‌کنی آزار
شنیده‌اید چه روی داده ای عزاداران؟
ز کینه‌های سعود و وهابیان شیر
قیامتی شده در دشت کربلا برپا
وهابیان ستمگر به کربلای حسین

بیت
کربلا

سینه
کربلا
(
)





برای کشتن مردم، به کوچه و بازار
به ضرب نیزه و شمشیر خنجر اعداء
ز فرقه علما و جماعت سادات
بلند گشت زسادات، چشم پر ز بکاء
به روز عید بسی کودکان یتیم شدند
زنان غمزده بسیار بیوه گردیدند
به تیغ ظلم بسی کشته نوجوانان شد
در این قصه شد از ظلم مشرکان دغا
چه روز عید غدیر آفتاب تابان شد
ز حق عذاب به آن قوم بی‌حیا برسد
ز بس که قتل نمودند یاوران سعود
شنیده‌ام که ز شیعه به شش هزار نفر
چه شهر را همه خالی ز شیعیان دیدند
پس از شکستن درها، بسان آتش نی
به حجرهای غریبان بی نوا از کین
میان حجره به ایشان بسی جفا کردند
چه مومنان غریب ... گردانیدند
یکی به گریه نمودی شفیع قرآن را
یکی زبی کسی خویش شوروشین میکرد
یکی به گنبد عباس مینمود نظر
یکی به دیده پر خون در عزای می‌سفت یکی

روان شدند به حکم سعود بدکردار
بسی به قتل رسیدند، ز اهل کرب و وبلا
نموده‌اند بسی آن گروه قطع حیات
به زیر تیغ مخالف، خروش یا جداه
ز درد بی پدری در جهان الیم شدند
بریده سر ز تن شوهران خود دیدند
خراب خانه ایمان، ز راه عدوان شد
قتیل مجتهدین در زمین کرب و وبلا
باهل کرب و بلا عید عید قربان شد
خدا به داد دل اهل کربلا برسد
به کوچه‌ها و محلات، راه شد مسدود
شدند کشته ز تیغ جماعت کافر
روان به صحن امام شهید گردیدند
شدند داخل صحن رواق پی در پی
به عین خشم دویدند آن گروه لعین
برای قتل به صحن مقدس آوردند
ز عمر خویش همه ناامید گردیدند
یکی نمود به بر، چاک جامه‌ی جان را
یکی فتاده به خاک و حسین حسین میکرد
یکی کشید فغان از جگر چو مرغ سحر
نشسته و دائم شهادتین می‌گفت

زآه زاری آن مومنان بی‌کس زار
 اشاره کرد در آن دم، سعود بی‌ایمان
 به امر آن سگ کافر و بیان دغا
 شراب مرگ به آن مومنان چشانیدند
 کتاب عمر قتیلان ظلم اهل نفاق
 چه سر به خنجر بی داد کافران دادند
 فتاده پیکر آن کشتگان بی‌غمخوار
 نداشتند کسی تا به نوحه پردازد
 ز آب تیغ شراب اجل چه نوشیدند
 به دشت کرب و بلا از جفای چرخ زمان
 چه قتلگاه که افتاده بود بر سر هم
 چه قتلگاه که از تیغ لشکر کفار
 ز بعد قتل محبان شاه تشنه لبان
 به سوی روضه پرنور شاه تشنه جگر
 به روی قبر چو صندوق را نظاره نمود
 به دست یاری اعداء سعود بدگوهر
 ز روی طعن چنین گفت آن سگ غدار
 یقین که من به محبان تو چه ها کردم
 روایت است که از قبر شاه تشنه جگر
 که ای لعین ستمگر خرابی‌ات کافی است
 شکسته گشت چو صندوق سید الشهدا

خلاصه رحم نیافتاد در دل کفار
 به قوم خود زیبی قتل آن مسلمانان
 میان صحن جگر گوشه رسول خدا
 به قتل آن فضلا راز کین رسانیدند
 ز صرصر ستم کینه شد چه گل اوراق
 غریب بی‌کس و بی‌دفن و کفن افتادند
 میان صحن مقدس ز کینه اشرار
 غم غریبی ایشان دمی بیان سازد
 کفن زخون، چو جام شهد پوشیدند
 دوباره قتلگهی شد تکیده، ای یاران
 نهال قامت قربانیان کوی الم
 بخون طپیده تن مومنان، صغار و کبار
 روانه گشت سعود لعین بی‌ایمان
 ضریح سرور دین را، شکست آن کافر
 پی شکستن صندوق هم اشاره نمود
 عمامه شه لب تشنه را نهاد به سر
 که ای حسین بن علی سر ز قبر خود بردار
 به روضه ات چه خرابی ز کینه ها کردم
 بلند گشت صدایی چو صوت پیغمبر
 به گوشواره عرش این چگونه بی‌ادبی است؟
 ندانم آن که کجا بود آن زمان زهرا؟

بیت
 القبر

سینه
 ریا
 <





که تا به هم‌ره کلثوم و زینب دل ریش
 کند ملاحظه ظلم و جفای آن کافر
 کجاست زینب بی کس که با دل پر جوش
 کجاست حضرت سجاد آن امام مبین
 کجا سکینه بی کس که تا نظاره کند
 پس از شکستن صندوق شاه تشنه لبان
 خطاب کرد به یاران خود ز راه جفا
 شنیده‌ام که نمود آن لعین کفر شعار
 تمام زینت اسباب سید الشهداء
 پس از خرابی بسیار قتلگاه فزون
 فدای نام تو ای شاه کربلا کردم
 چگونه صبر از این فعل زشت ورزیدی؟
 که اذن قتل ندادی به حضرت عباس
 بزرگوار خدایا به سید الشهداء
 که انتقام بزودی از آن گروه پلید
 که اهل کرب و بلا و عراق، خُرد و کبار شوند
 بکن تو این نقی را بحق محمد و آل
 چه جان کشد به بغل قبر نازپرورده خویش
 بسان اهل عزا خاک غم کند بر سر
 کند سیاه به بر آنگهی رود از هوش؟
 عمامه افکند از فرق خود به روی زمین؟
 زدست اهل وهابیه جامه پاره کند؟
 سوی ضریح شهیدان سعود گشت روان
 که بشکنید تمامی ضریح این شهدا
 میان روضه و بیرون خرابی بسیار
 نمود آن سگ و یاران کافرش یغما
 شد آن لعین ستمگر ز کربلا بیرون
 هلاک نام تو مظلوم اشقیا کردم
 در این معامله آیا چه مصلحت دیدی؟
 که انتقام کشد ز آن گروه حق شناس
 بحق جد کبارش، رسول هر دو سرا
 چنان بکن ز ره لطف ای کریم مجید
 خرم و مسرور تا به روز شمار
 ز قتل کل وهابیه خرم و خوشحال

سنجه ۹۲) زنبیل الواعظین

این کتاب در نوع خود ابتکاری است، نویسنده در مجالس عزاداری حضرت اباعبدالله الحسین × که طی دهه سی و چهل در قم برگزار می شده، شرکت کرده و فراخور حال مجلس یادداشت هایی در دفتر خود ثبت کرده است. این گونه مجالسی که در این دفتر آمده عیاری ناب از چگونگی بیان و مطالب منبر و موضوعات مطروحه و سبک سخنرانی در آن

روزگار را بدست داده است. تلاش این کمینه برای شناسایی نویسنده، شیخ علی بن ابی طالب یزدی به جایی نرسید. این مجموعه به خط نستعلیق شکسته و به خط مولف در قطع وزیری نوشته شده است.

فرازهای آغازین این کتاب چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم؛ الحمد لله الذي جعل الحمد مفتاحا لذكره و سببا للمزيد من فضله و دليلا على آلائه و عظمته و الصلوة و السلام على خير خلقه و اشرف برئته السيد المسدد و الرسول الأمد و المحمود الأحمـد حبيب اله العالمين و شفيع المذنبين و رحمة للعالمين ابى القاسم محمد صلوات الله و سلامه عليهم اجمعين سيما ابن عمه و وزيره و خليفته، مظهر العجائب و مظهر الغرائب هزبر الثالب على بن ابى طالب و على أولاده و اصحابه و اللعن على أعدائهم و مخالفهم و معانديهم و غاصبي حقوقهم و مناقبهم من الآن الى قيام يوم الدين و بعد؛

چون بزرگان ما فرمودند اگر کسی بخواهد که بعد از خودش نامش در این دنیا باقی بماند، باید یک صدقه جاریه بگذارد؛ این بنده سراپا تقصیر چیزی نداشتم، یک بنائی کنم، لذا برای این، حدیث و روایات و حکایات را از عده ای از وعاظ درک کردم و در این کتاب جمع آوری کردم، تا آقایانی که از این استفاده می کنند، فاتحه از برای حقیر بخوانند و اگر غلطی از خط یا از احادیث یا روایات یا حکایات دیدند، بنده تقصیری ندارم، چون شنیدم و نوشتم، هر کس میخواند هر کدامش درست است قبول کند و هر کدام درست نیست، رد کند. چون کتابی بود به نام کشکول شیخ بهایی بنده هم این کتاب را زنبیل الواعظین نام نهادم. متمنی هستم از قارئین محترم فاتحه را فراموش نکنند، الأحقر عبد المذنب علی بن ابو طالب یزدی، متوطن و ساکن بلده طیبه قم، بتاريخ بیستم ماه صفر المظفر یک هزار و سیصد و هفتاد و نه هجری ۱۳۷۹»

سنجه ۹۳) دو اثر از مرحوم سید محمدعلی سالاری یزدی

یگانه منبع شناخت این عالم بزرگوار و واعظ اخلاقی زندگی نامه است که برادرزاده ایشان جناب آقای سید علی اکبر سالاری، در کتاب ستارگان درخشان محله سید یزدی کسنویه^۱ نگاشته است. بر پایه این آگاهی، سید محمد علی فرزند سید علی اکبر در ۱۲۸۶ش در

۱ ستارگان درخشان محله سید یزدی (ره) کسنویه، یزد، نشر مولف، ۱۳۹۷، ص ۳۰۹-۳۱۱

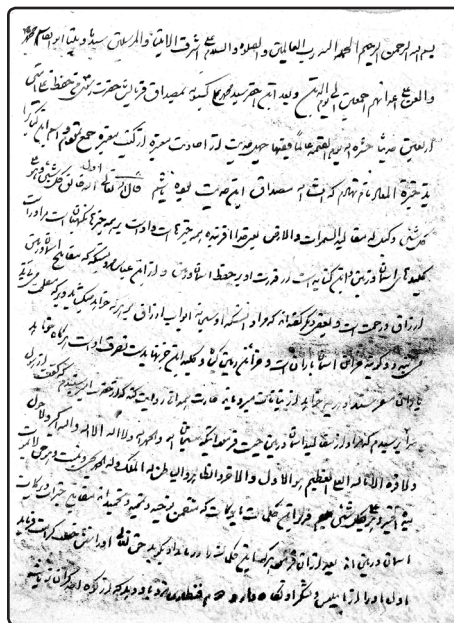


محلّه کسنویه متولد شد. در حوزه علمیه یزد به تحصیل پرداخت. شیخ غلامرضا فقیه یزدی از دوستان هم درس وی بود. وی در اخلاق و سیر و سلوک جایگاه رفیعی داشت و زندگانی خود را به وعظ و ارشاد و تبلیغ معارف اهل بیت ^۸ پرداخت. وی دهها سال، امامت مسجد محلّه کسنویه را به عهده داشت. مرحوم سالاری در ۱۳۴۱ ش در یزد درگذشت. مزار او در امامزاده کسنویه قرار دارد. این امامزاده محل دفن چهار امامزاده از سادات عریضی «قرن هشتم قمری» است.

دو اثر نویافته که از وی به یادگار مانده، کتابی است با عنوان ذخیره المعاد و مجموعه مجالس منبر.

ذخیره المعاد

این اثر در شمار کتب اربعین یا چهل حدیث است و در آن چهل حدیث از منابع حدیثی به شرح درآمده است. این احادیث اخلاقی بوده و به شیوه شرح ادبی و مستندات قرآنی و اخلاقی فراهم آمده است.



برگ آغازین ذخیره المعاد

آغاز این اثر بدین شرح است:

«بسم الله الرحمن الرحيم؛ الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على اشرف الانبياء والمرسلين سيدنا ونبينا ابوالقاسم محمد واللعن الدائم على اعدائهم اجمعين الى يوم الدين وبعد؛ اين احقر سيد محمد على كسنويه به مصداق فرمايش حضرت رسول | من حفظ على امتي اربعين حديثا، حشره الله يوم القيامة عالما فقيها؛ چهل حديث از احاديث معتبره از كتب معتبره جمع نمودم و اسم اين كتاب را به ذخيرة المعاد نام نهادم كه ان شاء الله مصداق اين حديث بوده باشم. اول: قال الله تعالى خالق كل شىء...»

مجموعه مجالس منبر

نویسنده از عالمان و واعظان شهر یزد بوده و دهها سال به این امر مقدس می پرداخته است، آنگونه که مردم مسحور کلام، اخلاص و منش راستی و درستی وی بودند. در این مجموعه، متن سخنرانی مجالس خود را به رشته تحریر درآورده و هر مجلس را به موضوع ویژه ای اختصاص داده است.

مطالب این دفتر سرشار از مطالب علمی و تحقیقی است؛ برای نمونه وی در تاریخ زندگانی و روایات امام رضا × بطور مبسوط به شرح مناظرات حضرت با جاثلیق و رأس الجالوت پرداخته و متن مناظرات را از کتاب احتجاج طبرسی با ترجمه ای روان و سلیس ارائه نموده است، که خود اثری مستقل و ارزشمند است. نمونه دیگر برای تبیین شمار افراد لشکر بنی امیه در روز عاشورا، تعداد ثبت شده در منابع مختلف از جمله: تذکره الخواص سبط ابن جوزی، حبیب السیر، اللهوف، تاریخ ابن اعثم، بحار الانوار، المناقب ابن شهر آشوب، تاریخ طبری، ناسخ التواریخ، مقتل ابی مخنف، مهیج الاحزان، لوامع الانوار، اسرار الشهادة و... را مراجعه و بررسی کرده است.

هر مجلس با عنوان «قال الله تعالى...» آیه ای همراه با تفسیر آمده است. در ادامه به حسب اقتضای مجلس، از روایات و نصایح و اشعار سودمند بهره برده است. مولف گاه به تناسب به ذکر مصائب اهل بیت عصمت و طهارت^۱ پرداخته است. وی این مجموعه را در دو جلد سامان داده و در پایان هر یک از مجلدات، فهرست مطالبی شامل موضوع و شماره صفحه، فراهم کرده است. برخی از این موضوعات بدین شرح است:

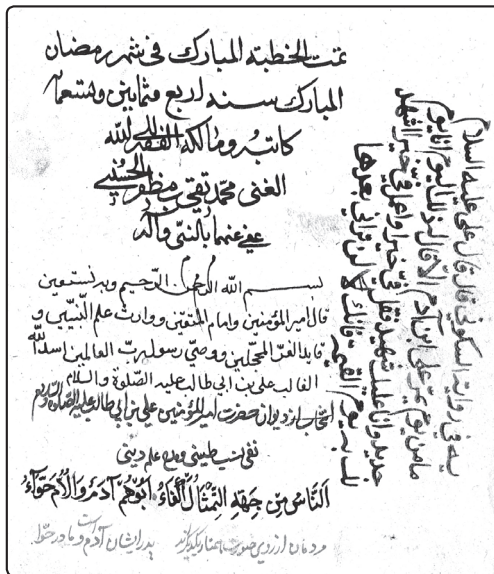




زندگانی حضرت رسول | و غزوات، در حقانیت اسلام، فضیلت نماز شب، فضائل شماری از سوره های قرآن، فضیلت روزه، در توحید، معراج، امامت، نماز شب، شب قدر، توکل، زندگانی اهل بیت^۸، فضائل و مناقب و ...
این دو جلد در قطع وزیری به خط مولف نوشته شده و نشان تملک فرزند ایشان، مرحوم سید عباس سالاری را دارد.

سنجه (۹۴) ترجمه نویافته از دیوان امیرالمومنین ×

درباره دیوان اشعار منسوب به امیرالمومنین علی بن ابی طالب × از نخستین گردآورنده تا شمار سروده ها سخن بسیار است. نخستین گردآورنده یحیی بن عبدالعزیز جلّودی (درگذشته ۳۲۲ ق) است که نجاشی علاوه بر کتاب های دیوان اشعار، کتاب هایی مانند: مسند امیرالمومنین ×، کتاب خطبه ها، کتاب قضاء، رسائل، کتاب مواعظ، کتاب الدعاء از خطبه های علی × از حضرت را برشمرده است^۱.



صفحه نخست ترجمه منتخب دیوان امیرالمومنین علیه السلام

شاعر و ادیب خراسانی ابوالحسن علی بن احمد بن محمد فنجگردی نیشابوری (م ۵۱۲ یا ۵۱۳ ق) نخستین بار مجموعه اشعار حضرت از جمله اشعاری به نقل از مغازی محمد بن

۱ رجال النجاشی، نجاشی، احمد بن علی، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، ص ۲۴۰-۲۴۱

اسحاق بن یسار (درگذشته ۱۵۱ ق یا ۱۵۳ ق) را تدوین کرد و آن را به سلوة الشیعة نامید. این اثر کهن ترین مجموعه ای است که از گزند حوادث درامان مانده و بدست ما رسیده است.^۱ ابن شهر آشوب این تدوین را کهن ترین دیوان و جامع آن را نخستین گردآورنده دیوان برشمرده و علامه مجلسی و شاگردش میرزا عبدالله افندی نیز این نظریه را تایید کرده است.^۲ پس از او قطب الدین محمد بن حسین بیهقی کیدری (درگذشته ۵۷۶ ق) چنان که در مقدمه انوار العقول آورده، دیوانی از سروده های امیرالمومنین × که در بردارنده آداب و مواعظ و حکم الهی است را در دفتری به نام حدیقة الأیقة تدوین کرد.^۳

وی سپس به مجموعه ای گسترده تر، از جمله اشعار حضرت را که ابوالبرکات هبة الله بن محمد الحسنی، تدوین کرده بود، دست یافت و شماری بر آن افزود و مجموعه ای با عنوان انوار العقول فی اشعار وصی الرسول | سامان داد.^۴

بدین گونه قریب به هزار سال است این دیوان که امروزه رایج و مشهور است، در مدار استنساخ، شرح و ترجمه منظوم و منثور قرار گرفته و مضامین آن به کتب اخلاقی و عرفانی راه یافته است.

درباره ترجمه های کهن فارسی دیوان امیرالمومنین × در این دوره، ترجمه منظوم مولانا شوقی تبریزی (قرن نهم) در سال ۸۷۵ ق از مهمترین آثار در این باره و ترجمه به نظم است. وی ۳۶۰ قطعه و در مقابل هربیت عربی، ترجمه منظوم فارسی آن را با زبانی ساده، روان و نزدیک به کلام منثور نوشته است.^۵

۱ این اثر نخست در دفتر هفتم میراث حدیث شیعه، (قم، دارالحدیث، ۱۳۸۰) به تحقیق محمدرضا انصاری قمی از روی سه نسخه کتابخانه های مجلس و سپهسالار و زرآبادی قزوین به چاپ رسید و بار دیگر به تصحیح و ترجمه جویا جهانبخش، از انتشارات کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۲ منتشر شد.

۲ ریاض العلماء، عبدالله افندی تبریزی اصفهانی، ج ۳ ص ۳۵۲-۳۵۳

۳ انوار العقول من اشعار وصی الرسول، محمد بن حسین بیهقی کیدری، ص ۹۲

۴ این اثر افزون بر چاپ سنگی متعدد، به تحقیق سلمان کامل الجبوری در بیروت از انتشارات دارالمحجّة و دارالرسول الأعظم در ۱۴۱۹ ق همراه با دو مستدرک، در ۶۴۸ صفحه وزیری چاپ شده است.

۵ این ترجمه به تصحیح سیده مریم روضاتیان از انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در ۱۳۸۳ در ۳۰۲ صفحه چاپ شده است.



ترجمه دیگر کتاب نظم الجواهر اثر ابراهیم بن اسماعیل امینی است که آن را برای شاه حسین بایقرا در نیمه شوال ۹۲۲ ق به نظم کشیده است. این اثر همراه با شرح و ترجمه مناجات امیرالمومنین و شرح دعای صباح است و نسخه خطی آن در کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۲۴۵۷^۱ نگهداری می‌شود.

اثر مشهور دیگر، شرح دیوان امیرالمومنین × به قلم قاضی کمال الدین میرحسین بن معین الدین میبیدی یزدی (درگذشته ۹۰۹ ق) است، که به عنوان بهترین شرح و ترجمه به نثر و نظم شمرده می‌شود. این شرح در سال ۸۹۰ ق نوشته شده است.^۲

شرح میبیدی از زمان تالیف تاکنون، مورد توجه اهل فضل و ادب بوده است چنان که نصرآبادی در تذکره خود که به سال ۱۰۸۳ تا ۱۰۹۰ ق نوشته در باره آن آورده است: «... یکی از فضلا که تالیفات متعدّد دارد می‌گفته که کاش تمام تالیفات من از قاضی میرحسین بود و شرح دیوان او از من بوده...»^۳



صفحه انجام ترجمه منتخب
دیوان امیرالمومنین علیه السلام

۱ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشگاه تهران، محمد تقی دانش پژوه، ج ۹، ص ۱۱۹۵.
۲ بهترین تصحیح این کتاب به قلم حسن رحمانی و سید ابراهیم اشک شیرین در سال ۱۳۷۹ از انتشارات میراث مکتوب منتشر شده است.
۳ تذکره نصرآبادی، محمدطاهر نصرآبادی، ج ۲ ص ۷۳۶

میبدی در آغاز شرح، مقدمه ای مبسوط با عنوان فواتح سبعة آورده و هر فاتحه را این گونه سامان داده است:

فاتحه اولی: در بیان راه راست که مسلوک اصفیاست،

فاتحه ثانیه: در ذات خدا تقدّس و تعالی،

فاتحه ثالثه: در اسماء و صفات،

فاتحه رابعه: در انسان کبیر،

فاتحه خامسه: در انسان صغیر که انسان العین انسان کبیرست،

فاتحه سادسه: در نبوت و ولایت،

فاتحه سابعه: در فضایل و احوال مرتضی بر وفق حدیث و قرآن قدیم.

وی در این بخش، فضایل امیرالمؤمنین × را از منابع روایی اهل سنت نقل کرده و همچنین به معرفی حضرت فاطمه ÷ و ائمه اثنی عشریه ^ پرداخته است.

چنان که میدانیم میبدی، نخست با عنوانی مسجّع موضوع هر قطعه را نوشته، سپس به تجزیه، ترکیب، ترجمه واژگان دشوار و شرح لغات و عبارات پرداخته است. وی در ادامه ترجمه ابیات را نخست به نثر و سپس به نظم آورده است.

این نسخه که به معرفی آن خواهیم پرداخت، برگزیده تازه یاب از دیوان امیرالمؤمنین × متعلق به سال ۹۸۴ ق اثر سید محمد تقی بن مظفر حسینی (قرن دهم) است. این نسخه در بردارنده ترجمه منشور حدود پانصد بیت از دیوان اشعار حضرت است.

سید محمد تقی حسینی مترجم این اشعار، تأثیر بسیاری از شرح دیوان میبدی پذیرفته است. به گونه ای که عنوان موضوع قطعات، همان عناوین مسجّع میبدی است. همچنین به شرح نکته های صرفی و نحوی و شرح عبارات اشعار نیز پرداخته و از ترجمه منظوم ابیات نیز چشم پوشیده است.

آنچه در این اثر در خور توجه است، ترجمه منشور سروده است که خود ترجمه ای نواز قرن دهم بشمار می آید، هر چند به ترجمه میبدی بسیار نزدیک است.

در برخی ابیات، متن همان نثر میبیدی است، جز آن که متن دگرگون شده و بسیاری از عبارات و واژگان و و افعال جایگزین دیگری یافته است.

برای نمونه، سنجش چهارده قطعه چنین است:

التاس من جهة التمثال أكفاء	أبوهم آدم و الأمّ حواء
فإن يكن لهم من أصلهم شرف	يفاخرون به فالطّين و الماء
ما الفخر إلا لأهل العلم إنهم	على الهدى لمن استهدى أدلاء
و قيمة المرء ما قد كان يحسّنه	والجاهلون لأهل العلم اعداء

ترجمه میبیدی: جمعی که افراد حقیقت انسانند از روی صورت یکسانند، چه پدر ایشان آدم است و مادر ایشان حوّا است، پس تفاخر به نسب، عاری از حسب و نه دأب مردم داناست. پس اگر باشد مرایشان را از اصلشان شرفی عالی شأن، که به آن مباحثات کنند بر زیردستان و درویشان، پس اصل ایشان بحقیقت گل است... و نیست فضل مگر اهل علم را، بدرستی که این طایفه، متمکن بر سریر هدایت و دلالتند و در تیره شب ظلالت، راهنمایان اهل جهالتند. ترجمه حسینی: مردمان از روی صورت همتهای یکدیگرند، پدر ایشان آدم است و مادر حوّا. پس اگر باشد مرایشان را در اصل خود بزرگی، که فخر کنند به او، پس گل است و آب. نیست فخر مگر اهل ایمان را که ایشان به راه راست کسی را که راه جوید راهبران اند. قیمت مرد آن چیز نیست که بدانند آن را به درستی و نادان مر اهل علم را دشمنانند.

انما الدّنيا فناء	ليس للدّنيا ثبوت
انما الدّنيا كبيت	نسّجته العنكبوت
ولقد يكفیک منها	ايها العاقل قوت
ولعمري عن قليل	كلّ من فيها يموت

ترجمه میبیدی: بدرستی که دنیا فانیهست، نیست مر دنیا را ایستادنی، بدرستی که دنیا چون خانه ایست که بافته است او را عنكبوت.

و هر آینه بحقیقت بس است ترا از دنیا، ای جوینده، قوتی. بزندگان من سوگند که بعد از زمانی، هر که در دنیا است خواهد مرد.

ترجمه حسینی: بدرستی که دنیا فناست، نیست مر دنیا را ثباتی. بدرستی که دنیا همچون خانه ایست که نامیه بود او را عنکبوت. بدرستی که کافی بود ترا از دنیا قوتی و بجان و زندگی من که از اندکی مرآن که دراوست بمیرد.

تراب علی راس الزمان فانه زمان عقوق لا زمان حقوق
فکل رفیق فیه غیر موافق وکل صدیق فیه غیر صدوق

ترجمه میبدی: خاک بر سر زمان! چه بدرستی که او زمان نافرمانی ارباب حقوق است، نه زمان حقوق است. پس هر یاری درو ناموافق است و هر دوستی درو ناراست است.

ترجمه حسینی: خاک بر سر زمان! بدرستی که او زمان عاق بود نه زمان حق ها و هر همراهی که در زمانست غیر موافق است و هر دوستی که دروست راست گوی نیست.

یا من بدنیاہ اُشتغل قد غرّه طول الأمل
الموت یأتی بغتة والقبر صندوق العمل
ولم تزل فی غفلة حتی دنا منک الأجل

ترجمه میبدی: ای آن کس که بدنایای خود مشغول شد، بحقیقت فریفت او را درازی امید. مرگ میآید ناگاه و گور صندوق عمل است و هستی همیشه در غفلت، تا نزدیک شود بتو وقت مرگ.

ترجمه حسینی: ای کسی که بدنایای خود مشغول شد بدرستی که بفریفت او را درازی امید. مرگ آید ناگاه و گور صندوق عمل است. همیشه در غفلتی تا نزدیک برآید بتو مرگ.

یغطی عیوب المرأ کثرة ماله فصدق فیما قال وهو کذوب
ویزری بعقل المرء قلة ماله یحّمقه الاقوام وهو لیبیب

ترجمه میبدی: پرده می اندازد عیب های مرد را بسیاری مال او، پس تصدیق کرده شود در آنچه گوید و حال آنکه دروغگوست. و خوار می دارد عقل مرد را کمی مال او، پس احمق خوانند او را قومها و حال آن که او خردمند است.

ترجمه حسینی: می پوشد عیبهای مرد را بسیاری مال او و راست گوی می گویند او را در آنچه گفت و حال آنکه دروغ گوی است. و نقصان می رساند بعقل او، کمی مال او را مردمان و حال آنکه او عاقل است.



ليس البليّة في أيامنا عجباً بل السلامة فيها أعجب العجب
 ليس الجمال بأثواب تزينا إن الجمال جمال العقل والأدب
 ليس اليتيم الذي مات والده أن اليتيم يتيم العلم والأدب

ترجمه میبدی: نیست بلا در روزگار ما عجب، بلکه سلامت درو اعجب افراد مفهوم عجب است. نیست جمال بجامه ها که بیارائی آن را، بدرستی که جمال جمال علم و ادبست. نیست یتیم کسی که بحقیقت مُرد پدر او، بدرستی که یتیم، یتیم عقل و حسب است.

ترجمه حسینی: نیست بلا در روزگار ما عجب، بلکه سلامت در روزگار ما عجیب ترین عجیبهاست. نیست جمال بجامه ها که بیارائی آن را، بدرستی که جمال جمال علم و ادبست. نیست یتیم آنکس که پدر او مرده باشد بدرستی که یتیم یتیم فضل و هنر است.

يا عاشق الدنيا لغيرك وجهها ولتندمنّ اذا ارتك قفاها
 تحرّز من الدّنيا فإنّ فناءها محلّ فناء لا محل بقاء
 فصفوتها ممزوجة بكدورة وراحتها مقرونة بعناء

ترجمه میبدی: ای عاشق دنیا بغیر تست روی او، و بحقّ خدا که هرآینه پشیمان خواهی شد، چون بگریزد از تو. پرهیز کن از دنیا، پس بدرستی که پیش در این سرا محل فناست، نه محل بقا. خالص آن آمیخته است بكدورت و آسانی او پیوسته است برنج.

ترجمه حسینی: ای دوست دنیا مر غیر تراست روی او، و پشیمان میگرداند وقتی که بیند ترا در پس خود. دور باش از دنیا، بدرستی که دیدار او جای فناست، نه جای بقا. پس صافهای او آمیخته است بتیرگی و راحت او پیوسته برنج.

اغتنم ركعتين زلفي إلى الله إذا كنت فارغاً مستريحاً
 وإذا ما هممت بالنطق في الب اطلّ فاجعل مكانه تسبيحاً

ترجمه میبدی: غنیمت گیر دو رکعت را برای نزدیکی بخدا، چون باشی واپردازنده برآسوده. و چون آهنگ کنی بسخن گفتن در باطل، پس بگردان بجای آن «سبحان الله» گفتن.

ترجمه حسینی: غنیمت دان دو رکعت نماز کردن بسوی خدا، وقتی که باشی تو فارغ و راحت جوینده. وقتی که اندوهناک باشی بگفتن در باطل، پس بگردان بجای آن قول تسبیح.



تغرّب عن الاوطان في طلب العلي وسافر ففي الاسفار خمس فوائد
 تفرج همّ واكتساب معيشة وعلم واداب وصحبة ماجد
 فان قيل في الاسفار ذل ومحنة وقطع الفيافي وارتكاب الشدائد
 فموت الفتى خير له من مقامه بدار هوان بين واش وحاسد

ترجمه میبیدی: غریب شو از وطنها در جستن بزرگی، و سفر کن که در سفرهاست پنج فایده: واپردن اندوه، و کسب کردن وجه معیشت و علم و فرهنگها و صحبت بزرگوار. پس اگر گفته شود که در سفرها خواری و محنت است و بریدن بیابانهای بی آب و ارتکاب چیزهای سخت، پس مردن جوانمرد بهتر است مرو را از مقیم شدن او بخانه خواری، میان غمّاز و حاسد.

ترجمه حسینی: غربت کن از جایگاه خود در جستن بزرگی و سفرها کن پس بدرستی که در سفر پنج فایده است: خلاصی غم و کسب معیشت و علم و ادبها و صحبت بزرگان. پس اگر گویند که در سفر مذلت و محنت است و بریدن بیابانها و برگسستن سختیها، پس مردن جوانمرد بهتر است او را از نشستن او در سرای حقارت میان سخن چین و حاسد.

أبَيَّ إِنَّ مِنَ الرِّجَالِ بَهِيمَةَ فِي صُورَةِ الرِّجْلِ السَّمِيعِ الْمُبْصِرِ
 فَطَنَ لِكُلِّ رِزِيَّةٍ فِي مَالِهِ وَإِذَا أُصِيبَ بَدِينَهُ لَمْ يَشْعُرْ

ترجمه میبیدی: ای پسرک من! بدرستی که بعضی از مردان چهارپاست، در پیکر مرد شنوای بینا. زیرک است بهر مصیبتی که در مال اوست، و چون رسانیده شود مصیبت بدین او، نداند.

ترجمه حسینی: ای پسرک من بدرستی که از مردان چهارپای است در صورت مرد شنونده و بیننده. زیرک بهر مصیبتی در مال خود و چون مصیبت رسد بدین او، نداند.

عَلَيْكَ يَا خَوَانَ الصَّفَاءِ فَإِنَّهُمْ عَمَادٌ إِذَا مَا اسْتَجَدْتَهُمْ وَظُهُورٌ
 وَمَا بَكْثِيرُ أَلْفِ خَلٍّ وَصَاحِبِ وَإِنَّ عَدُوًّا وَاحِدًا لَكَثِيرٌ

ترجمه میبیدی: فرا گیر برادران صفا را، چه بدرستی که ایشان ستونها آند، چون یاری خواهی ازیشان، و پشتها آند. و نیست بسیار از هزار دوست و یار، و بدرستی که یک دشمن هر آینه بسیار است.



ترجمه حسینی: بر تو باد به برادران بی کدورت، بدرستی که ایشان ستونند چون طلب معاونت کنی از ایشان و پشت توآند و نیست بسیار هزار دوست و یار و بدرستی که یک دشمن بسیار است.

رَبِّ فِتَى دَنِيَا مَوْفُورَةٌ لَيْسَ لَهُ مِنْ بَعْدِهَا آخِرَةٌ
وَأَخِرُ دَنِيَا مَذْمُومَةٌ تَتَّبِعُهَا آخِرَةٌ فَآخِرَةٌ
وَأَخِرُ قَدْ حَازَ كِلْتَيْهِمَا قَدْ جَمَعَ الدُّنْيَا مَعَ الْآخِرَةِ
وَأَخِرُ يَحْرِمُ كِلْتَيْهِمَا لَيْسَ لَهُ الدُّنْيَا وَلَا الْآخِرَةُ

ترجمه میبدی: [چهار گروه در مردم جدا کرده ام ایشان را از یکدیگر، حالهای ایشان برهنه کرده آشکار است.]^۱ پس یکی دنیای او تنگ کرده شده است، از پی می آید او را آخرتی نیک. و یکی دنیای ستوده است، نیست مرورا از پس آن ثواب آخرت، و یکی بحقیقت فیروز شد بهر دو ایشان، بحقیقت جمع کرد دنیا را با آخرت و یکی از میان ایشان ضایع است، نیست مرورا دنیا و نه آخرت. ترجمه حسینی: بسا جوانمردی که دنیای او تمام کرده شده است، نیست مرو او را از پس دنیا، آخرت. و دیگری دنیای او بد بود تابع بود آن را آخرت فخرکننده. و دیگری بدرستی که باشد هر دو را نبود مرورا دنیا و نه آخرت.

لَا تَتَّهَمُ رَبِّكَ فِي مَا قَضَى وَهَوْنُ الْأَمْرِ وَطَبْ نَفْسَا
لِكُلِّ هَمٍّ فَرَجٌ عَاجِلٌ يَأْتِي عَلَى الْمَصِيحِ وَالْمَسِي

ترجمه میبدی: تهمت منه پروردگار خود را در آنچه حکم کرده و آسان کن کار را و خوش باش بنفس خویش. مر هر غمی را فرجی است شتابنده که می آید بر بامدادان کردن و شبانگاه کردن.

ترجمه حسینی: متهم مگردان پروردگار خود را در آنچه حکم کرد و آسان گردان کار را و خوش دار نفس را. و هر غمی را خلاصی عاجل است که بیاید بر صبح شده و شب شده.

إِذَا عَاشَ امْرُؤٌ سَتِينَ خَوْلَا فَنُصِفَ الْعَمْرُ تَمَحِّقَهُ اللَّيَالِي
وَنُصِفَ النُّصُفَ يَذْهَبُ لَيْسَ يَدْرِي لَغْفَلْتَهُ يَمِينَا عَنِ الشَّمَالِ

۱ ترجمه این بیت در ترجمه حسینی نیست، نگارنده برای تکمیل و نظم ابیات، از شرح میبدی آورده است.



وثلث النصف آمال وحرص وشغل بالمكاسب والعيال
 وباقي العمر اسقام وشيب وهمم بإرتحال وانتقال
 فجد المرء طول العمر جهل وقسمته على هذا المثل

ترجمه میبیدی: چون بزید مرد شصت سال، پس نیمه عمر می کاهد آن را شبها و نیمه نیمه می گذرد، نیست که داند برای غفلت خود دست راست را از دست چپ و سه یک نیمه امیدهاست و حرص و شغل بمکسبها و عیال. و باقی بیماریهاست و سفیدی مو و آهنگ کردن، کوچ کردن و از جایی به جایی رفتن. پس کوشش مرد در درازی عمر نادانیت و بخش کردن آن برین مثال است.

ترجمه حسینی: چون بزید مرد شصت سال پس نصف عمر بکاهاند او را شبها و نصف نصف بگذرد که نداند بهر غفلت خود راست از چپ. و سه یک نیم آرزوهاست و حرص و کارکردن بکسبها و عیال و باقی عمر بیماریست و پیری و اندوه برفتن و فروآمدن، پس جد مرد در درازی عمر باو اینست و قسمت برین مثال بود.

این ترجمه متعلق به رساله سوم از یک مجموعه است. رساله نخست متن، چهل سوره از تورات است، رساله دوم متن و ترجمه خطبه بی الف منسوب به امیرالمومنین × است که با جمله «حمدت من عظمت منته» آغاز میشود. رساله چهارم نیز ترجمه و متن برخی اشعار منسوب به امیرالمومنین × است و به عنوان ملحقات رساله سوم بشمار می آید. اما رساله سوم خود مستقل و دارای آغاز و انجام و انجامه است. متن به مشکلی و ترجمه به شنگرف کتابت شده است. خط متن نسخ تحریری معرب و ترجمه به نستعلیق شکسته است.

آغاز: بسمله؛ قال امیرالمومنین و امام المتّقین و وارث علم النّبیین و قائد الغرّ المحجّلین و وصیّ رسول ربّ العالمین اسد الله الغالب علی بن ابی طالب علیه الصلوات و السلام؛ انتخاب از دیوان حضرت امیرالمومنین علی بن ابی طالب علیه الصلوات و السلام، نفی نسب طینی و مدح علم دینی، الناس من جهة التمثال ...

انجام: ... و النفس تعلم أنّی لا أصادقها و لیت ارشد الأّحین اعصیها



ونفس میدانند بدرستی که من دوستی نکنم و نیست که مگر ره یابم، مگر وقتی که نافرمانی
او نمایم.

انجامه: تمت (کذا) الكتاب بعون الملك الوهاب، في شهر رمضان المبارك سنة اربع و
ثمانين و تسعمائة بيد كاتبه و مالکه الفقير الى الله الغنی محمدتقی بن مظفر الحسينی عفی
عنهما بالنبی والوصیّ العربی.

میرزا شیخ علی

فصلنامه تخصصی کتابشناسی و نسخه شناسی
شماره ۹۹ | بهار ۱۳۹۹ | سال بیست و نهم



ریاض الفتیان (گزیده)

بر پایه نسخه کهن کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی &

محمد علی عیوضی *

چکیده

مقاله، کتاب ریاض الفتیان نوشته ابن حسام را که شرحی گزیده بر درسنامه نصاب الصبیان نوشته ابونصر فراهی است، بر مبنای نسخه خطی موجود در کتابخانه آیه الله مرعشی می شناساند. نگارنده در باره انجامه نسخه و اعتبار آن و نیز ویژگی های املائی نسخه مطالبی بیان می دارد و سپس بخش هایی از متن مصحح کتاب نقل می کند.

کلیدواژه ها

نصاب الصبیان (کتاب)؛ ابونصر فراهی؛ ریاض الفتیان (کتاب)؛ ابن حسام؛ نسخه های خطی - پژوهشها؛ درسنامه های کهن.

* پژوهشگر حوزوی در عرصه کتابشناسی و نسخه شناسی



درباره ریاض الفتیان و مؤلفش و خاندان او، خصوصاً جد اسفلش ابن حسام و آثار بجامانده از ایشان و فوائد فرهنگی - تاریخی که از این راه بدست می‌آید، به تفصیل در مقالی جداگانه سخن گفته‌ام^۱. در این مقاله که برای انتشار در مجله میراث شهاب آماده می‌شود، بر آنم که علاوه بر معرفی اقدم نسخ این کتاب که در کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی - قدس سره - موجود است، گزیده‌ای از آن را بر پایه همان نسخه منتشر سازم، باشد که راه را برای انتشار کامل این متن هموار کند، و صاحب همّتی را بر انتشار آن تحریض نماید.

این نسخه را اول بار شیخ آقا بزرگ تهرانی (۱۲۵۵-۱۳۴۸ ش) در سال ۱۳۵۰ ق در سفری که به مشهد داشته، در کتابخانه شیخ عباس قمی (-۱۳۵۹ ق) شناسایی کرده است،^۲ پس از آن، هنگامی که به کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی منتقل گردید، با تفصیل بیشتری در فهرست نسخه‌های خطی آنجا نیز معرفی شد.^۳ معرفی شیخ آقا بزرگ بسیار مختصر و معرفی فهرست مذکور مشتمل بر خطاهایی است، و مهم‌تر اینکه در هیچ یک از این دو، نکته مهمی که درباره تاریخ کتابت نسخه خواهیم گفت، مورد توجه قرار نگرفته است.

در برگ نخست نسخه، علاوه بر مهوری که می‌توان آن را «علی بن محمد تقی» خواند، یادداشت تملک شیخ عباس قمی نیز آمده است.^۴ این نسخه دارای ۹۷ برگ ۱۷ سطری است که دارای ابعاد ۸×۱۲ سانتیمتر می‌باشند. جلد نسخه نیز که دارای همین ابعاد است از تیماج قهوه‌ای به صورت ضربی تهیه شده و داری ترنج و سرترنج می‌باشد.

متن انجامة کاتب که در بردارنده اطلاعات مهمی است، چنین می‌باشد: «قد وقع الفراغ من کتابة هذه النسخة ° في بلدة سمرقند في مدرسة اميرزاده محمد سلطان بهادر - طاب ثراه وجعل

۱ این مقاله پیشتر جهت انتشار به مجله «آئینه پژوهش» سپرده شده است.

۲ الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۰۵؛ ج ۱۱، ص ۳۳۳ و به نقل از آن در: فرهنگنامه‌های عربی به فارسی، ص ۱۶۰.

۳ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، ج ۳۲، ص ۳۸-۳۷.

۴ در فهرست کتابخانه آمده که در صفحه اول تملک فرزند شیخ عباس قمی، میرزا علی محدث زاده نیز وجود دارد، اما امروزه اثری از آن دیده نمی‌شود.

۵ «النسخة» از متن افتاده و در حاشیه آمده است.

الجنة مثواه - علي يد العبد الضعيف النحيف محمود الأرسنكي، غفر الله له ولمن قرأ ولمن نظر ولمن دعا كاتبه؛ تمت في تاريخ سنة خمس وثمانين وتسعمائة».

شیخ آقا بزرگ نسبت کاتب را ارسنگی خوانده و ما نیز همین را ترجیح می‌دهیم، چه اینکه ارمینکی هیچ سازگاری با خط نسخه ندارد. این کلمه که ظاهراً معرب ارژنگ است، از جمله نام قصبه‌ای در حوالی بلخ بوده است.^۲ نیز ممکن است که مقصود از آن همان اورسانگ باشد که در تاریخ رشیدی «قبله‌گاه تمام خطا» دانسته شده است.^۳

امیرزاده محمد سلطان بهادر (۷۶۶ - ۸۰۵ ق) نواده تیمور گورکان (۷۳۶ - ۸۰۷ ق) و فرزند غیاث‌الدین جهانگیر (- ۷۷۷ ق) است، که پس از مرگ پدرش، عهده‌دار مقام ولایت عهد گردید، اما او نیز قبل از تیمور و در سن بیست و نه سالگی در سیوری حصار آناتولی درگذشت (۱۸ شعبان ۸۰۵ ق)، و مرگش موجب اندوه بسیار تیمور شد.^۴ وی مدرسه‌ای در سمرقند بنا نهاده بود، عمارت این مدرسه می‌باید بین سال‌های ۸۰۲ تا ۸۰۴ پایان یافته باشد؛ چه اینکه به گفته شرف‌الدین علی یزدی (- ۸۵۸ ق) تیمور اول بار در ۸۰۷ ق از این بنا دیدن کرد،^۵ و از آنجا که تیمور برای یورش هفت ساله در هشتم محرم ۸۰۲ از سمرقند خارج شده^۶ و تا تاریخ مذکور (۸۰۷ ق) به آنجا بازنگشته، می‌بایست این بنا قبل از آن تاریخ آماده نشده باشد. از طرف دیگر ابن عربشاه نقل می‌کند که جمال‌الدین احمد خوارزمی (- ۸۳۱ ق) در ۸۰۴ ق در مدرسه مذکور، مملوکان محمد سلطان و فرزندان امرا را تعلیم قرآن می‌کرده،^۷ و این نشان می‌دهد که در این تاریخ، مدرسه قابلیت کاربری تدریس را داشته است. البته تاریخ ۸۰۴ ق در گزارش ابن عربشاه نیامده، اما از آنجا که وی اشاره می‌کند که این برنامه درست قبل از حرکت محمد سلطان به سوی اردوی تیمور در شمال غربی ایران برگزار می‌شده و می‌دانیم که سفر وی در اوایل سال ۸۰۴ ق واقع شده،^۸ به این تاریخ رسیده‌ایم.^۹

۱ در فهرست کتابخانه: «الأرمینکی»!

۲ لغت نامه دهخدا. ذیل همین ماده.

۳ تاریخ رشیدی، محمد حیدر دوغلات: ص ۶۳۹.

۴ ظفرنامه، شرف‌الدین علی یزدی، ج ۲، ص ۱۱۸۴.

۵ همان، ج ۲، ص ۱۲۵۳.

۶ همان، ج ۲، ص ۹۹۷.

۷ عجائب‌المقدور فی نوائب‌التیمور، ابن عربشاه: ص ۳۰۷.

۸ ظفرنامه: ج ۲، ص ۱۱۱۰.

۹ برای گزارشی تفصیلی درباره مرگ محمد سلطان و دفن وی در مدرسه‌اش، نگر:



با توجه به آنچه گذشت، روشن می‌شود که انجامه نسخه از دو جهت دارای اشکال است: اول اینکه چگونه از محمد سلطان که در ۸۰۵ ق درگذشته با دعای ترحیمی یاد شده، حال اینکه تاریخ نسخه ۷۸۵ ق را نشان می‌دهد. و دوم اینکه اساساً مدرسه محمد سلطان در تاریخ ۷۸۵ ق وجود نداشته است! این ملاحظات به خوبی نشان می‌دهد که تاریخ این نسخه نمی‌تواند صحیح باشد، و از آنجا که ادامه انجامه کاتب نیز محو شده است، می‌توان احتمال نوعی جعل را در آن در نظر گرفت، خصوصاً از آن رو که می‌توان با تکلف تفاوت‌هایی بین خط تاریخ با خط نسخه را تشخیص داد. البته احتمالات دیگری نیز وجود دارد: مثل اینکه کاتب دچار سهو شده و به جای «خمس و سبعون و ثمانمأة» «خمس و ثمانین و سبعمأة» نوشته است. به هر حال ویژگی‌های دیگر نسخه به خوبی نشان می‌دهد که تاریخ کتابت آن نمی‌تواند از سده نهم متأخرتر باشد.

علت نادرست بودن این تاریخ هر چه باشد، اگر با بارتولد اشپولر (۱۸۶۹-۱۹۳۰م) موافق باشیم که می‌گوید پس از خاکسپاری تیمور در مدرسه محمد سلطان، آنجا دیگر کاربری مدرسه نداشته، هر چند تا عهد بابر (۸۸۸-۹۳۷ ق) نیز مدرسه خوانده می‌شده، باید بگوییم که این نسخه در فاصله سال‌های ۸۰۵ (مرگ محمد سلطان) و ۸۰۷ (مرگ تیمور) کتابت شده است. آب و تابی هم که کاتب در یادکردن از محمد سلطان به خرج داده می‌تواند مؤید این فرض باشد.

در این نسخه چ / ج و ب / پ و ک / گ با یک رسم الخط نوشته شده، اما ژ گاه سه نقطه بر رو دارد و گاهی یکی. ذال فارسی همه‌جا دال نوشته شده و این با قدمت نسخه منافات ندارد، چه اینکه ورارودیان در این تحول آوایی پیشقدم بوده‌اند و لااقل از سده ششم ذال

Article O Pogrebenii Timura (1869- 1930). V. V. Bartold. Journal Iran (Journal of the British Institute of Persian Studies). Volume 12, 1974- Issue 1.

ترجمه فارسی آن در گزیده مقالات تحقیقی، و. و. بارتولد، ترجمه کریم کشاورز: ص ۱۲۸ - ۱۶۶، با عنوان: در به خاک سپردن تیمور.

1 Article O Pogrebenii Timura: p 80.

در به خاک سپردن تیمور: ص ۱۶۵.

فارسی را دال تلفظ می کرده‌اند.^۱ روش کاتب بیشتر مبتنی بر جدا نویسی است، نمونه را ره‌نما به جای رهنما و بی چاره به جای بیچاره نوشته شده است. اما در مواردی نیز، خصوصاً در مورد «است» ها و «را» ها آنها را به ما قبل چسبانیده است، مثلاً «شعری است» را شعریست نوشته است. نیز تقریباً در تمام موارد «ب» ها به اسم‌ها و فعل‌ها پیوسته است، مثلاً به ایشان را بایشان نوشته است. اما تمام «می» ها و «همی» ها جداست. «ی» وحدت بعد از ه که امروزه «ای» می‌نویسم و نیز «ی» خطاب و ضمیر در فعل‌ها، همواره به صوت «ء» کتابت شده است. همچنین همیشه در مثل صحائف یا سائد یا قائد، صحایف و ساید و قاید آمده است، و خورشید را هم خورشید کتابت کرده است. همچنین همه جا «که» و «چه» را در مقام اتصال با لفظ دیگر ک و ج نوشته، مانند چنانک. همچنین است درباره «نه» که نی به قلم آمده است، اما «که» همه جا همان که نوشته شده است.

لازم به ذکر است که این نسخه از آغاز افتادگی دارد، و تمام خطبه شارح و چند سطری از شرح دیباچه نصاب (معادل یک صفحه از نسخه) را فاقد است، لذا کوشیده‌ایم با استفاده از نسخه ۵۵۱۰ کتابخانه ملی ملک (مورخ ۸۹۴ ق) که پس از نسخه کتابخانه مرعشی، قدیمترین نسخه شناخته ریاض الفتیان است، این نقص را جبران نماییم.^۲

نسخ دیگری نیز برای تسریع در خواندن نسخه اساس و ارائه برخی اختلافات با آن مورد مراجعه بوده‌اند و هیچ کدام در تصحیح نقش اساسی نداشته‌اند، لذا تنها به ذکر نام و رمز آنها اشاره می‌کنیم، و خوانندگان را برای اطلاعات بیشتر درباره آنها، به فهرس و اصل نسخ حواله می‌کنیم:

۱. م ۱: اولین رساله از دستنوشته شماره ۸۵۸ کتابخانه مجلس شورای اسلامی - تهران.^۳

۱ المعجم فی معاییر أشعار العجم، شمس الدین محمد بن قیس رازی، به تصحیح محمد بن عبدالوهاب قزوینی: ص ۲۲۱.

۲ برای معرفی این نسخه، نگر فهرست نسخه‌های فارسی کتابخانه ملی ملک، محمدتقی دانش‌پژوه - ایرج افشار: ج ۳، ص ۲۰۷ - ۲۰۸.

۳ فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، ابن یوسف شیرازی (ضیاء الدین حدائق)، تهیه چاپ مجدد با اصلاح و تکمیل و تحقیق و اضافه بخش ۲ و ۳: عبدالحسین حائری. تهران، چاپخانه مجلس شورای ملی، مهرماه ۱۳۵۳.



۲. این نسخه در میان افتادگی دارد، از شرح کلمه «عراضه» در مصراع «قراضه: ریزهی زر، ریح: سود و خسر: زیان» تا بیت «رغیف گرده و بدء است و ابتدا: آغاز» از این نسخه افتاده است.

۳. ۲: رساله هشتم از دستنوشته شماره ۵۵۲ مجموعه اهدائی طباطبایی به کتابخانه مجلس شورای اسلامی - تهران.^۱

۴. د: دستنوشته شماره ۳۰۲ کتابخانه دارالحدیث - قم.

۵. ق ۱: دستنوشته شماره ۲۷۵۸ کتابخانه مسجد اعظم - قم.

۶. ق ۲: دستنوشته شماره ۲۴۱۷ کتابخانه مسجد اعظم - قم.

۷. ن: دستنوشته شماره ۳۶ کتابخانه آیت الله حججی - نجف آباد.

متن مصحح ریاض الفتیان (گزیده)

[دیباچه]

بسم الله الرحمن الرحيم؛ سپاس بی قیاس مرقدی^۲ را که اساس حیات اناس بر علم و معرفت نهاد، و صلوات بر پیغمبری که خاتم رسل و انبیاء است.^۳

بعد:^۴ بدانکه نصاب صبیان نسخهای بس پسندیده و پرفایده بود، و بعضی مواضع آن چنان مشکل بود که هر کس به او راه نبردی؛ و او مشتمل بود بر ده نوع علم: اول: لغت، دوم: شعر، سیم: کیمیا، چهارم: معرفت انساب،^۵ پنجم: علم قرآن، ششم: طب، هفتم: نجوم، هشتم: حساب، نهم: نحو، دهم: ادوات.^۶ بعضی از یاران و دوستان مدتها باعث می شدند این ضعیف نحیف بی بضاعت: نظام بن کمال بن جمال بن حسام الهروی^۷ را، و جد صحیح اسفل این ضعیف که مذکور^۸ است و معروف به ابن حسام، که مشغول

۱ فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی، عبدالحسین حائری: ج ۱۱، ص ۲۶۵.

۲ م ۲: خداوندی.

۳ م ۲: وصلوات نامیات بر پیغمبر او محمد مصطفی و آل او و اولاد او باد.

۴ م ۱: بعده.

۵ ع ۱: معرفت انسان.

۶ در نسخه ملک اعداد به رقم آمده اند.

۷ م ۲: نظام بن کمال بن حسام الهروی د: کمال را کمال الدین آورده است.

۸ ع ۲: مذکور فیه.

شوم به نوشتن شرح این کتاب، چون چاره نبود^۱ از اسعاف حاجات ایشان شروع کردم به تألیف شرحی که حاوی باشد حل مشکلات را و جمیع معانی هر لغت را که شیخ بعضی را^۲ ذکر نکرده بود و تقطیع هر قطعه را و نام آن بحر شعر را. وفقنی الله تعالی.^۳

[شرح دیباچه نصاب]

قال رحمه الله: ^۴ همیگوید ابونصر فراهی.

أقول: شیخ^۵ افتتاح کتاب خود^۶ بر مصراع^۷ کرد^۸ تا دلالت کند بر این^۹ که منظوم خواهد بود و این نوع را اهل^{۱۰} معانی براعت مطلع^{۱۱} گویند. تقطیع: همی گوید ابونصر فراهی:^{۱۲} همی گوید^{۱۳} مفاعیلن،^{۱۴} ابونصری مفاعیلن،^{۱۵} فراهی فعولن.

أما شیخ خود را به کنیت ذکر کرد^{۱۶} که ابونصر است، و به اسم^{۱۷} که محمد بود^{۱۸} و به لقب که بدرالدین بود ذکر نکرد، جهت آن بود که کنیت مشهورتر است و غرض از نام امتیاز است^{۱۹} از ماعدا پس اشهر، انسب^{۲۰}

۱ م: ۲: الا الامتثال.

۲ ع ۱ و ۲ و آ: + پیش.

۳ ع ۲: + لاتمامه.

۴ ق ۲ و م: ۲: - رحمه الله، و د: رحمة الله عليه.

۵ م ۲ و د: مصنف.

۶ ق ۱ و د: + را.

۷ م ۲: مصرع، د: مصراعی.

۸ د: - کرد.

۹ د: آن.

۱۰ ن: اصل.

۱۱ د: براعت مطلقه؛ ق ۲ و م ۲: استهلال مطلع؛ ق ۱: استهلال. در حاشیه ق ۲: المراد ببراعة الاستهلال ه أن یبتدء الکلام بما یناسب المقصود.

۱۲ فقط در م است.

۱۳ م ۱: - همی گوید.

۱۴ ن: مفاعیلن، م ۲: مفاعیل.

۱۵ م ۲: مفاعیلن، م ۲: مفاعیل.

۱۶ ق ۲: کرده است، ق ۱ و م ۲: کرده.

۱۷ نسخه کتابخانه مرعشی از اینجا به بعد را دارد.

۱۸ ن: است. و در ق ۲: و اسم او محمد بوده است و به لقب که بدرالدین گویند.

۱۹ د: - است و + ماعدا.

۲۰ د: مقدم.



باشد^۱ به ذکر. وجه دیگر آن بود^۲ که در این کار که^۳ پیش گرفته بود محتاج بود به یاری کردن و کنیت او مشتمل^۴ بر نصر بود^۵ که یاری کردن است پس^۶ کنیه را ذکر کرد^۷ که الفال علی ما جرى.

اما فرق میان اسم و لقب و کنیت:^۸ اگر نام مصدر به أب یا به^۹ أم باشد چنانکه ابوالنصر و ابوالفتح، یا در اول آن^{۱۰} أم بود چنانکه أم کلثوم و أم حبیبه، آن را کنیت گویند؛ و اگر مصدر به أب یا^{۱۱} أم نباشد از دو^{۱۲} بیرون نیست:^{۱۳} دلالت بر مدح و یا بر ذم می‌کند چنانکه بدرالدین و شمس الدین و بطه^{۱۴} و قفه، یا نمی‌کند؛ اگر می‌کند لقب، و اگر نمی‌کند^{۱۵} اسم؛ مثل: اسحاق و یعقوب.

اما فراهی منسوب به فره است، و الف زائد است در فره ضرورت شعر را. فره شهری است در میان هرات و سجستان،^{۱۶} و مرقد ابی نصر - رحمه الله^{۱۷} - در فره است، در قریه رج.^{۱۸}

قال - رحمه الله - : حُسَيْدٌ حَافِدُهُ وَ حُفَيْدٌ حَاسِدُهُ مَا حَرَّكَتِ الشَّمَالُ النَّخْلَ الدَّقِيقَ وَ تَحَرَّكَتِ الشِّمَالُ

لنخل الدَّقِيقِ.

-
- ۱ ق: ۱: بود.
 - ۲ د: - بود.
 - ۳ ن: - که.
 - ۴ د و ق: ۱: + بود.
 - ۵ د و ق: ۱: - بود.
 - ۶ ق: ۱: - پس.
 - ۷ ق: ۲: کردن افضل و اقوی باشد.
 - ۸ د و ق: ۱ و ۲: م: ۲: آن است که.
 - ۹ د: - یا به + و.
 - ۱۰ م: ۱ و ق: ۱: - آن، د: + نام.
 - ۱۱ م: ۱ و ق: ۱: + به.
 - ۱۲ م: ۱ و ق: ۲: د: ؟ وجه.
 - ۱۳ د: + یا، ق: ۱ + یا آن که، ق: ۲: + که.
 - ۱۴ ق: ۱: + که شکم بزرگ باشد.
 - ۱۵ د و ق: ۲: و اگر نه.
 - ۱۶ د و ق: ۱: سیستان.
 - ۱۷ م: ۱ و ق: ۱: - رحمه الله، ق: ۲: + تعالی علیه.
 - ۱۸ ن: رخ.

اقول: محسود باد نبیره‌ی ابی نصر و مخدوم باد حاسد آن نبیره^۱ مادام که می جنباند و حرکت میدهد باد دست راست خرمابن‌های^۲ باریک را و مادام که می جنبد^۳ دست چپ از برای بیختن آرد.

حُسِدٌ مجهول ماضی است؛ من الحسد بالحاء و السین المهملتین المفتوحتين^۴ و بالدال المهملة؛ و من الحُسود بالصمّ؛ و من الحَسادة^۵ بالفتح، و کُلُّها مصادر من باب نصر؛ و المعنی: بد خواستن؛ و تَعَدَى بـ«علی»، مثل: حسدتک علی العلم؛ أو بنفسه، مثل: حسدتک العلم.^۶

و حافد که واحد حَفَدَة است، یار و خادم و نبیره را گویند؛ و این جا به هر سه معنا درست است.

و حُفِدٌ مجهول و معروف^۷ میتواند بود، من الحفد بفتح الحاء المهملة و سکون الفاء و بالدال المهملة ایضاً و الحفدان بالفتحتین من باب ضرب؛ یعنی در خدمت شتافتن. و جاء فی الدعاء: ونحفد^۸ نرجوا. اما مجهول مناسبتر است لفظاً و معنأ؛ اما الاول: لیناسب^۹ المعطوف علیه و هو حُسِدٌ، و اما الثانی برای آنکه بر تقدیر معروف معنی آن است که خادم بادا حاسد او، و بر تقدیر مجهول آن است که مخدوم بادا حاسد او و بدیهی عقل حاکم است^{۱۰} بر این که مخدومان حاسد کسی باشند بهتر باشد که خادمان، چون لئام الناس محسود نباشند؛ کما قال الشاعر:

إنَّ العرانبین تلقاها محسدةً ولن تری للناس حساداً^{۱۱}

۱ م و د ق ۲ و ۱: حاسدان نواسه؛ ق ۱: حاسدان نواسه او؛ در م ۱ و د و ق ۲.

۲ م ۱: خرمابنان.

۳ م ۱ و ق ۱: بجنبید.

۴ تمام نسخه‌ها به غیر آ: - است.

۵ د: - المفتوحتين، ن: المنقوطين.

۶ د و م ۱: حساد.

۷ الحسد و الحسود و الحسادة: بد خواستن، و تعدی الی مفعول الثانی بنفسه و بعلی و الغابر یفعل معاً. تاج المصادر، أبو جعفر أحمد بن علی مقرئ بیهقی، به تصحیح هادی عالم زاده: ج ۱، ص ۱۳.

۸ د: + نیز.

۹ د و ق ۱ و ق ۲: + و.

۱۰ این عبارت بخشی از دعائی است که به روایت مصادر حدیثی اهل سنت امیرالمؤمنین علی × و نیز برخی صحابه همچون عمر بن خطاب و عثمان بن عفان و ابی بن کعب در قنوت نماز صبح می خوانده‌اند. نمونه را بنگرید به ابن ابی شیبیه، ابی بکر عبدالله بن محمد (۲۳۵ ق)؛ المصنّف؛ حَقَّقَه و قَوْمَ نَصُوصِه و خَرَجَ أَحَادِیْثُه: محمّد عوّامة، ج ۳، ص ۲۱۷-۲۲۴.

۱۱ م ۱: لتناسب.

۱۲ م ۱: - است.

۱۳ آن را به مغیزة بن حبناء نسبت کرده‌اند؛ ربیع الأبرار و نصوص الأخیار، محمود بن عمر الزمخشری (۴۶۷ - ۵۳۸ ق)، ج ۳، ص ۳۷۵.



دعاء کرد نبیره^۱ خود را که^۲ محسود بادا؛ یعنی: متحلی بادا به صفات کمال که بر آن حسد برند؛ کما قال النبی^۳ - علیه السلام - : اللهم اجعلنی محسوداً .

اما ضمیر حاسده عائد به ابی نصر می تواند بود، همچنانکه به حافد او می تواند بود و لکن اولی^۴ عود ضمیر به نبیره^۵ است، اما لفظاً لقرب المرجع^۶ الیه، اما معنأ برای^۷ آنکه دعا جهت چیزی کنند که حاصل نباشد و او را حاسدان مخدوم بودند چون متصف به کمالات بود به خلاف نبیره^۸ او.

اگر گویند چرا^۹ نبیره^{۱۰} را دعاء کرد و پسر که به او اقرب بود^{۱۱} دعاء نکرد؟ جواب گوئیم: که او را شاید^{۱۲} در آن زمان پسری غیر محسود نبوده باشد، و این متناول سه معنی است: ^{۱۳} اول: آنکه پسر اصلاً نبوده باشد؛ دوم: آنکه در آن زمان نبوده باشد؛ سیوم: آنکه^{۱۴} در آن زمان بوده باشد، اما صاحب کمال و محسود بوده باشد. وجه دیگر آنکه غالب آن است که پسر^{۱۵} در عهد پدر صاحب کمال می باشد، به خلاف نبیره پس دعاء نبیره اولی بود تا که بعد از او^{۱۶} صاحب کمال شود و برکت او به روح او رسد.

وجه دیگر آنکه نبیره در مدح پدر^{۱۷} پدر^{۱۸} زیاد می کوشد از پسر در مدح پدر، جهت آنکه کمتر دیده او را و اگر صحبت او دریافته در وقت پیری و عزت و اجتناب از ملامتی^{۱۸} بوده به خلاف پسر، پس اعتقاد نبیره زیاد باشد.

-
- ۱ م ن: نواسه، د: نواده.
 - ۲ م -: که.
 - ۳ م د: - النبی.
 - ۴ م: اول.
 - ۵ م و د و ق ۲: نواسه.
 - ۶ م و د و ن: المرجوع، د: + و هو الحافد.
 - ۷ م -: برای، ا: جهت.
 - ۸ م و د و ن: نواسه.
 - ۹ م و د: که چون.
 - ۱۰ م و ن و د و ق ۲: نواسه، ق ۱: نواده.
 - ۱۱ د: +: است.
 - ۱۲ م: که شاید او را.
 - ۱۳ ق ۱: - و این متناول سه معنی است.
 - ۱۴ م در هیچ کدام آنک را ندارد.
 - ۱۵ م -: که پسر.
 - ۱۶ م و ق ۱: پس دعاء نواسه اولی است تا در غیبت او.
 - ۱۷ م: پیر.
 - ۱۸ ق ۲: مناهی.

وجه دیگر آنکه نبیره را دوست‌تر می‌دارند از پسر، جهت آنکه نبیره طمع در مال پدر پیر ندارد، و خوردتر است غالباً و مزاج پیران قریب است به مزاج کودکان.

ماحرکت السّمال

لفظه ما به سیزده^۱ معنی آمده است، چنانکه در نظم گفته است:

جملهٔ ماءات در یک بیت منظوم آمده است بشنو از من ای نظام‌الملک مولانا حسن
شرط و تفسیر^۲ و تعجب، مدت و نفی و خبر مصدر و جحد و صلّه، تفخیم و استفهام^۳ من
اما ما فی ماحرکت السّمال به معنی مادام است؛ یعنی مای مدّت است.

السّمال بفتح الشّین و السّمَل بفتححتین أو سکون الثّانی و السّمال بفتح الهمزة و فتح الأوّل و شامل
بفتح الشّین و سکون الهمزة: باد دست راست وقتی که رو به قبله باشد و لیکن در نواحی خراسان و جمعه
الشمالات و الشمائل.

النخل بفتح النون و سکون الخاء المعجمة و النخیل؛ جمع: نخلة؛ یعنی: خرمان.

الدّقیق فعیل بمعنی الفاعل من الدّق، و معنی دقیق باریک است، و از این جا^۴ است که تبّ باریک کننده
را دق میگویند.

السّمال بکسر الشّین: دست چپ، و آن خریطه که پستان گوسفند در آنجا کنند، و جمعه الأشمال و
السّمائل.

و النخل الثّانی مصدر من باب نصر، من نخلت بالشیء اذا غربلته،^۵ یعنی: بیختم او را.

و الدّقیق الثّانی فعیل بمعنی المفعول؛ ای: ^۶مدقوق من الدّق من باب نصر یعنی کوفتن. و الجازّ و
المجرور؛ ای: لنخل متعلّق^۷ بتحرکت.

۱ ن: دوازده. هر چند ظاهراً همان دوازده است لکن شرط خود بر دو قسم زمانیه و مکانیه است.

۲ م: تغییر.

۳ ق ۲: - و.

۴ در ن تمام اوها به صورت و آمده است.

۵ م: بسکون.

۶ م: ۱: - جا.

۷ م: ۱: غرسه.

۸ م: ۱: أو.

۹ م ۱ و ن و ق ۱ و ۲ و د: يتعلق.



و معنی دقیق ثانی^۱ آرد است، و میان شمال و^۲ شمال تجنیس ناقص است.^۳ تجنیس ناقص آن است که^۴ میان دو چیز که در اصل حروف^۵ متفق باشند در حرکت مختلف باشند، و اگر در حرکت هم متحد باشند تجنیس تام باشد میان ایشان، کالدقیق و الدقیق و النخل و النخل چون هر نخلی و دقیقی به معنی دیگر است. اما از درختان نخل را اختیار کرد جهت شرف آن بر باقی اشجار، لقوله - علیه السلام - : اكرموا عمّتکم النخلة فانها خلقت من بقية طين آدم - علیه السلام - . و دیگر مشابهت آن به حیوانات زیاده است چون هر چه، گاه سر او را قطع می کنند خشک می شود و بی گشن نمی زاید.^۶

که صبیان را پیش از تعلّم لغت عربی رغبت می افتد به اشعار پارسی و چون خوش آمدن شعر مر طبع های موزون را غریزی است و تعلّم لغت عرب^۷ کلید همهی علم ها است قدری را از وی نظم^۸ کردم تا بیتکلف یاد گیرند.^۹

این مجموع مقوله قول شیخ است که همیگوید تا یاد گیرند. اما صبیان و صبیبة بکسر الصاد المهملة و سکون الباء بنقطة^{۱۰} فیهما جمع صبی است؛ یعنی کودک؛ و جمع صبی اصیبة نیارند^{۱۱} هر چند که جمع فعیل أفعلة است قیاساً، زیرا که اکتفاء به اقص^{۱۲} میکنند که فعلة است، چنانکه جمع غلام، غلّمة و غلمان آرند و أغلّمة^{۱۳} نیارند.

و تعلّم آموختن است از کس. و لغت زبان قومی را گویند عام تر که عربی باشد یا ترکی یا هندی یا غیر اینها، لکن این جا عربی مراد است. واللغة فی الأصل لغو و لغی بضمّ الاوّل و فتح الثانی فیهما، فعوض الهاء من الواو و الباء، و جمعها لغات و لغی و لغون، و هی مأخوذة من اللغو بالفتح و السکون.

۱ ن: الثانی.
 ۲ ق:۱ + میان.
 ۳ ۱م ون: + و. ق:۱: زیرا که.
 ۴ ن: + جمع کند.
 ۵ د: - حروف.
 ۶ ق:۱: بر نمی دهد.
 ۷ ۱م: - عرب.
 ۸ ۱م: شعر.
 ۹ ق:۱ + و چون این مجموع دویست بیت آمد و - این مجموع مقوله شیخ است که همیگوید تا یاد گیرند.
 ۱۰ ۱م: - بقطة. و ق:۱: بالنقطة.
 ۱۱ البتة به صورت اصیبة نیز آمده است؛ نگر المحکم و المحيط الأعظم. ابن سیده (۴۵۸ ق)، تحقیق: عبدالحمید هندای، ص ۳۸۴. همچنین أغلّمة نیز در لغت آمده است.
 ۱۲ ق:۱: اخصر.
 ۱۳ ق:۱: نیز بیارند.

الأشعار^۱ جمع شعر، و شعر در لغت دانشی^۲ است که از فطنت و زیرکی متولد شود و در اصطلاح: کلام موزون مقفای^۳ با معنی را گویند، پس اخصّ باشد مطلقاً از نظم چون نظم^۴ کلام موزون را گویند عام‌تر که رعایت قافیّه با معنی کند یا نه.

الرّغبة والرّغب والرّغبی بفتح الرّاء^۵ المهملة و سکون العین المعجمة فیها مصادر من باب علم، و کذا الرّغبونی؛ و معنی این‌ها میل کردن به چیزی است اگر متعدّی به فی باشد؛ مثل: رغبت فی الصّورة الحسنه، و اعراض کردن از چیزی است اگر متعدّی باشد به عن؛ مثل: رغبت عن الصّورة الکریهه؛ و با در قول شیخ که رغبت می افتد به اشعار فارسی به معنی فی است.

الطبع بفتح الطاء المهملة و سکون الباء بنقطه و بالعین المهملة^۶: الطبیعة و السلیقة و القریحة و الغریزة و الذهن کلّها بمعنی، اما معنی لغوی طبع خو و سرشت است یعنی عادت که بر آن رُسته، و مُصدّرٌ أيضاً من باب فتح؛ یعنی: شمشیر زدن و درم زدن و مهر کردن؛ کقوله تعالی: کذلک یطبع اللّه علی قلوب الکافرین؛^۸ ای: یختم.

الموزون اسم مفعول من الوزن و الرّنة من باب ضرب یعنی بسنجیدن، پس موزون صفت شعر باشد نه صفت طبع، و مضاف محذوف باشد؛ یعنی خوش آمدن^۹ شعر مر طبع‌های موزون را غریزی است. و الغریز فعیل من الغرز بفتح الغین المعجمة و سکون الرّاء المهملة و بالرّاء المعجمة من باب ضرب؛ یعنی: سوزن در جایی زدن و^{۱۰} خالانیدن. التکلف رنج بردن در چیزی.

۱ ق ۱: اشعار.

۲ ن: دانستی.

۳ در نسخه اساس مقفی در متن و مقفای به عنوان نسخه بدل در حاشیه آمده است، ما بدل را برگزیدیم.

۴ م ۱: - چون نظم.

۵ م ۱: - گویند. ق ۱ و د و ن: - پس اخصّ باشد مطلقاً از نظم چون نظم کلام موزون را گویند.

۶ م ۱: الاول.

۷ م ۱: + و.

۸ الأعراف (۷): ۱۰۱.

۹ م ۱: مر طبع‌های شعر موزون را غریزی است. ن: مر طبع‌ها را شعر موزون را غریزی است. د: مر طبع‌های شعر موزون را غریزی است.

۱۰ م ۱ و ن و ق ۱ و ۲ و د: - زدن و.



چند بیت که جامع^۱ بود مر هر چیزی را از علوم به میان این قطعه‌ها در آوردم تا به نوشتن^۲ این نسخه هر کسی را^۳ رغبت افتد و چون این مجموع دویست بیت آمد او را نصاب الصبیان نام کردم. بالهدایة و التوفیق.^۴

القطعة بالقاف المكسورة و الطاء المهملة^۵ الساكنة و بالعين المهملة: پارهای از چیزی، و هی من القطع بالفتح و السكون من باب فتح؛ یعنی: بریدن و پاره کردن؛ و این جا مراد^۶ شعری است که مطوّل نباشد که اگر مطوّل باشد قصیده گویند، و علامت قطعه آن است که در اول شعر^۷ رعایت قافیه نکرده باشد و در باقی شعر رعایت قافیه^۸ کرده باشد، اما مراد^۹ شیخ از قطعه معنی لغوی است چون در مصراع اول قافیّه را رعایت کرده.^{۱۰} القطعة بالفتحات، موضع القطع، و بضمّ الاوّل و فتح الثانی پارهای از زمین، و جمع الأخير^{۱۱} قطع بکسر الاوّل و فتح الثانی؛ کتوله تعالی: و فی الأرض قطع.^{۱۲} اما شیخ کتاب خود را قطعها کرد و یک قصیده نکرد برای آنکه خواست که أبحر^{۱۳} مختلفه را بیارد.

اما این کتاب را نصاب الصبیان نام کرد بهر^{۱۴} آنکه نصاب مبلغی را گویند که بر^{۱۵} آن زکات واجب شود، و آن از نقره دویست درهم بود و از زر بیست مثقال،^{۱۶} و درهم و دینار هر کدام شش دانق است.^{۱۷} الدانق

-
- ۱ آ: بدل: ضابط.
 - ۲ ق:۱: + و خواندن.
 - ۳ ق:۱: - هر کسی را.
 - ۴ آ: بدل: و بالله التوفیق و هو المستعان و علیه التکلان. م. ۱۶ و ۲: - و بالهدایة و التوفیق. ن و د: و بالله العصمة. ق:۱: و الله ولیّ التوفیق. ق:۲ و بالله العصمة و التوفیق.
 - ۵ ن: - مهملة.
 - ۶ م:۱۶ و د: + از او.
 - ۷ ق:۱ و د: مصراع.
 - ۸ ن و د: مرعیّه باشد.
 - ۹ ق:۱: + او.
 - ۱۰ ق:۱: + است.
 - ۱۱ ق:۱: الآخر.
 - ۱۲ الرّعد (۱۳): ۴.
 - ۱۳ د: اوزان.
 - ۱۴ م:۱: برای.
 - ۱۵ ن: - بر. + ان را.
 - ۱۶ م:۱ و ن و ق:۱ و ۲: - و از زر بیست مثقال.
 - ۱۷ م:۱: + و.

اربع^۱ طسوجات، و الطسوجة حبتان، و الحبة شعیرتان،^۲ و الشعيرة ستة خردال، و الخردل إثني عشر فلساً، و الفلّس ستة فتيلات،^۳ و الفتيل ست نقيرات،^۴ و النقيرة^۵ ثمانی قطميرات، و القمطير إثني عشر ذرة؛ إلا أنّ دوانق الدرهم ثلاثة طسوجات، فيكون الدرهم ثلاثة أرباع الدينار، هكذا نقل عن المتقدمين. و این نیز دویست بیت بود، و هر کس که مالک دویست درهم شود^۶ غنی و بی نیاز گردد و بر او واجب شود که چیزی به فقیر^۷ دهد، پس این جا^۸ اشاره است که دویست بیت را هر کس که^۹ بداند و یاد گیرد^{۱۰} مستغنی گردد از لغت، و فضل او به مقامی می رسد^{۱۱} که به دیگران فایده رساند.

اگر گویند که نصاب الصبیان^{۱۲} چیزی زائد است از دویست بیت و شیخ دویست بیت گفته،^{۱۳} جواب گوئیم^{۱۴} که^{۱۵} هر چگاه که چهل درهم زیادت نشود^{۱۶} آن زیادتی در حکم عدم است پیش امام اعظم^{۱۷} - رحمة الله علیه - و این جا بر نصاب^{۱۸} چهل بیت زائد نشده بود پس حکم یک نصاب دارد.

اما بیاید دانست که ده درم به وزن هفت مثقال بود از این جهت وزن سبعة نامند آن^{۱۹} را،^{۲۰} و هر مثقالی بیست قیراط است و هر قیراطی پنج جو است، و زکات دویست درهم پنج درهم بود که ربع عشر اوست، و

۱ م: اربعة.

۲ ن: شعرتان.

۳ ن: فتلات.

۴ ن: نقرات.

۵ م: النقيير.

۶ م: + بر. ن: - و.

۷ ق: ۱ بود.

۸ م ۱ و د: چیزی نفقه دهد. ق: ۱ فقیر.

۹ ق ۱ و د: + نیز.

۱۰ م ۱ و ن: + خواد و. د: به دست آرد.

۱۱ م ۱ و ن و ق: ۱ - و یاد گیرد.

۱۲ م: ۱ و فضل و عقل میرسد.

۱۳ ق ۲: - نصاب الصبیان.

۱۴ ق ۱: اگر گویند چیزی زائد از دویست بیت گفته است.

۱۵ م: ۱ که هر گاه که چهل درم زیادت شود بر دویست درهم آن زیادت در حکم عدم است.

۱۶ ن: + که بر دویست. ن: - چه.

۱۷ ق ۱: + دویست درهم.

۱۸ ن: + ابوحنيفة كوفي. د: - امام اعظم + ابوحنيفة.

۱۹ ن: - بر نصاب.

۲۰ ق: ۱ مینامند او. د: وزن سبعة مینامند این.

۲۱ ن و ک: و این وزن را سبعة نامند.



نصاب زکات زر بیست مثقال و زکات^۱ او نیم مثقال.^۲

اما نصاب را اضافه به صبیان کرد جهت آنکه آدمی را شش حالت^۳ است: اول جنین میگویند مادام که در شکم^۴ است، و دوم طفل میگویند مادام که شیرخواره است، و سیم صبی میگویند تا به حد بلوغ نرسیده است،^۵ و چهارم شاب میگویند تا چهل سالگی، و پنجم کهل و دوموی^۶ میگویند تا شصت سالگی، و ششم شیخ و پیر میگویند تا آخر عمر و این نسخه مناسب صبیان بود، اضافه به ایشان نمود؛ والله تعالی^۷ أعلم.^۸

القطعة الأولى^۹

اله است و الله و رحمن : خدای

دلیل است و هادی تو گو: رهنمای

این بحر را به اصطلاح اهل عروض متقارب و^{۱۰} سالم^{۱۱} العروض و^{۱۲} مقصور الضرب خوانند،^{۱۳} و فرع متقارب مثنی سالم است.^{۱۴} تقطیع^{۱۵} هر مصراع^{۱۶} سه فعولن و یک فعول باشد: الاهدس: فعولن، ت ال لا: فعولن، ه رحمان: فعولن، خدای: فعول / دلپلس: فعولن، ت هادی: فعولن، ت گورَه: فعولن، نمای: فعول. اگر هر^{۱۷} مصراع^{۱۸} چهار فعولن باشد آن را متقارب مثنی سالم گویند، و اگر سه فعولن و یک فعول باشد سالم العروض^{۱۹} محذوف الضرب گویند.

- ۱ م: - زکات دویست درهم پنج درهم بود که ربع عشر اوست و نصاب زکات زر بیست مثقال و نصاب و + زکات.
- ۲ ق: + بود.
- ۳ م: حال.
- ۴ ق: + مادر.
- ۵ م و ق: - نرسیده است.
- ۶ ق: + و پنجم سهل میگویند دو موی را تا شصت سالگی.
- ۷ م و ق: + و د: - تعالی.
- ۸ ق: + و الله الموفق و المعین.
- ۹ م: الاول.
- ۱۰ ق: - و.
- ۱۱ م: + گویند اوله فی العروض ...، ق: + اوله العروض.
- ۱۲ م: - و.
- ۱۳ م، ق: + خوانند.
- ۱۴ ق: + گویند.
- ۱۵ م: + آن.
- ۱۶ ق: + مصراع.
- ۱۷ م، ق: + هر.
- ۱۸ ق: + گویند.



الإله: اسم جنس يطلق^١ على المعبود الحق؛^٢ كقوله تعالى: وَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ^٣ و على المعبود الباطل؛ كقوله تعالى: أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ،^٤ -^٥ و جمعه آلهة؛ كقوله تعالى: لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا،^٦ و اما غالب و بیشتر اطلاق او^٧ بر معبود به حَقّ میکنند، چنانکه^٨ النجم هر چند^٩ در اصل وضع از برای مطلق ستاره است، لکن غالب در ثریا استعمال میکنند.^{١٠}

والإله أعمّ مطلقاً من الله، لأنّه قد يوجد^{١١} بدون الله في المعبود الباطل، كقوله تعالى: وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً^{١٢} و المراد من الآلهة الأصنام،^{١٣} و^{١٤} الله لا يطلق إلا على المعبود الحقّ، و عند^{١٥} عبدالله بن عباس - رضی الله عنهما - الله^{١٦} الإسم الأعظم، و كذا قول أبي حنيفة - رحمه الله -، و عند الخليل اسم علم للمعبود^{١٧} الحقّ، و كذا قول محمّد - رحمه الله - .

بعضی گفته اند الله مشتق است آله یأله من باب نصر بمعنی عبد، پس الله به معنی معبود باشد، یعنی: مألوه؛ و بعضی گفته اند مشتق از وله است یا از آله است، كلاهما من باب علم بمعنی تحيّر، پس گوئيا بندگان واله و متحيّر اویند.



۱ م: مطلق.
 ۲ ق: ۱: بالحق.
 ۳ بقره (۲): ۱۶۳؛ نحل (۱۶): ۲۲؛ كهف (۱۸): ۱۱۰؛ انبياء (۲۱): ۱۰۸؛ حج (۲۲): ۳۴؛ فصلت (۴۱): ۶.
 ۴ فرقان (۲۵): ۳۴؛ جاثيه (۴۵): ۲۳.
 ۵ ق: ۱: ءأنت قلت للناس إتخذوني و أمى الهين؛ د، ن: + ءأنت قلت للناس إتخذوني و أمى الهين من دون الله.
 ۶ انبياء: ۲۲. ك: - لفسدتا .
 ۷ م: - اطلاق او .
 ۸ ن: + و .
 ۹ ق: ۱: - هر چند. د: + كه.
 ۱۰ الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الأقاويل في وجوه التأويل، محمود بن عمر الزمخشري (۴۶۷ - ۵۳۸ هـ.ق). مصطفى حسين أحمد، ج ۱، ص ۶.
 ۱۱ ق: ۱: توجد.
 ۱۲ مريم (۱۹): ۸۱، يس (۳۶): ۷۴.
 ۱۳ م: ۱ ق و ۱ ق و ۲ د: - كقوله تعالى: و اتخذوا من دون الله آلهة، و المراد من الآلهة الأصنام .
 ۱۴ ق: ۲ د: - و + فعلم أنّ.
 ۱۵ م: - و عند.
 ۱۶ م: ۱، د: - الله.
 ۱۷ د: المعبود.

وقيل: ^١ في الأصل الإله، فحذفت ^٢ الهمزة، وعوّضت الألف واللام، ^٣ فصار الألف واللام عوضين عن ^٤ الهمزة، ثم أدغمت اللام الأولى ^٥ في اللام الثانية ^٦ لسكونها وتحرك الثانية فصار الله؛ ولا يزول الألف واللام عنه، وهو اسم متناول لجميع الصفات ^٧ بخلاف الأسماء الباقية. ^٨

الرّحمن فعلان من الرّحم من باب علم والألف والنون ^٩ زائدتان فيه، ومعنى او بخشاينده است، ولفظ الرّحمن لا يطلق الا على الله تعالى بخلاف الرّحيم.

الدليل فعيل بمعنى فاعل، ^{١٠} والدلالة من باب نصر. و الهادى اسم فاعل من الهداية من باب ضرب ومعنى هر دو راه نماينده. ^{١١} و ميان دليل و هادى عموم و خصوص مطلق است، چون دليل راهنمايى است عام تر ^{١٢} كه راه راست نمايد يا راه كج، ^{١٣} و هادى آن است كه راه راست نمايد و بس. ^{١٤} و لفظ تو گو ^{١٥} جهت ضرورت ^{١٦} شعر آورده است.

سما آسمان، ارض و غبراء زمين

محلّ و مكان و معان است جاى

السماء ممدوءة ^{١٧} بفتح السين المهملة: آسمان، و شيخ ^{١٨} ضرورت شعر را مقصور آورده است؛ و جمعها

١ م و د: - وقيل في الأصل.

٢ د: حذف.

٣ د و م و ق ١: - و عوّضت الالف واللام.

٤ ق ١ و ق ٢: من.

٥ م: الأول.

٦ م: الساكنة.

٧ . ق ١ و ق ٢، د: صفات الله تعالى.

٨ م ٢: و الله اسمى است مشارك جميع صفات خداوندى به خلاف نود و هشت نام ديگر.

٩ م ١: - و النون.

١٠ ق ١ و ق ٢، د: بمعنى الفاعل من الدلالة.

١١ ق ١ و ق ٢، د: + است.

١٢ ق ٢: اعمّ از آن كه.

١٣ م ١: كه راه راست و راه كژ. د: يا نه.

١٤ د: - و بس.

١٥ ن و د: زايد است.

١٦ ق ٢: - ضرورت.

١٧ م ١ و ق ١: الممدود.

١٨ م ١: + جهت. ق ٢، د: + از جهت.

السموات و الأسمية، و باران را نیز سماء گویند؛ كقوله تعالى: يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا و جمع هذا السُمى و الأسمية؛ و هر چیزی را كه بر سر چیزی سایه افكند^۲ سماء گویند؛ كقوله تعالى: فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ^۳. السماء مشتق^۴ من السمو^۵ بمعنى^۶ الرّفعة.

و الأرض: زمین و دستها و پایهای ستوران و لرزه و زكام؛ و الجمع أروض، مثل: بحر و بحور، و الأرضون بالفتحتين أو سكون الثانى، و الأراض و الأراضى^۷.

و الغبراء بفتح العين المنقوطة و سكون الباء بنقطة و^۸ بالمدّ: زمین و نوعی از گیاه.

المحلّ بالفتحتين و بتشديد اللّام: موضع فرود آمدن، و فى الأصل محلل، أدغمت اللّام الأولى^۹ فى الثانية لتحركها و لتجانسهما^{۱۰} فصار محلاً؛ و المصدر منه الحلول من باب نصر؛ يعنى: فرود آمدن.

المكان بفتح الأول: موضع بودن، و فى الأصل مكنون، و المصدر منه الكون من باب نصر و جمعه أمكنه.

المعان بفتح الأول موضع يارى دادن، و فى الأصل معون، و المصدر: العون من باب نصر. و واو معون

را الف^{۱۱} کردند چون در عَوْن به سبب تحرك واو و^{۱۲} انفتاح ما قبل الف شده بود، اين نیز فرع او بود الف شد،

و كذا فى المكنون.

سقر دوزخ و نار آتش ولى

كه جنت بهشت، آخرت آن سراى

السقر بالسين المهملة المفتوحة و القاف المفتوحة و الرّاء المهملة: دوزخ.

النّار: آتش و داغ شتر، و الجمع بالمعنى الأوّل الأنور و النور و النيران، و بالمعنى الثانى النيار.

۱ هود (۱۱): ۵۲؛ نوح (۷۱): ۱۱.

۲ ن و ق ۲: + نیز.

۳ حج (۲۲): ۱۵.

۴ د: - السماء مشتق.

۵ من باب علم؛ يعلم.

۶ ق ۲: بمعنى.

۷ ق ۲: و الاراضى جمع الارض.

۸ ق ۱: - و.

۹ م ۱: الأوّل.

۱۰ ق ۱، ۲، م: لتجانسها.

۱۱ د: قلب.

۱۲ ق ۱، ۲، د، م: - سبب تحرك واو و.



الجنة بفتح الجیم و تشدید النون: بهشت و بستان، و الجمع جنّات. و بكسر الجیم و تشدید النون: دیوانگی و پری را نیز گویند؛ كقوله تعالى: مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ.^۲
 و الآخره بمدّ الهمزة و كسر الخاء المعجمة و فتح الراء المهملة: آن جهان، و بقصر الهمزة و فتح الخاء آخر و پس چیزی را گویند.^۳

ریه: شش، قفا: حیره و وجه روی

فخذ ران عقب پاشنه رجل پای

الریه بالراء المهملة المكسورة و فتح الباء بنقطتين تحتها: شش.

القفا بفتح القاف و قصر الألف: پس سر، الأفاء و القُفَى و الأقفية جمع. اما ظاهراً قومی پس سر را به فارسی حیره میگویند،^۴ و موضعی است قریب مکه آن را حیره میگویند.

الوجه: روی و ذات چیزی و حقیقت چیزی، و وجه النهار اول روز؛ كقوله تعالى: آمِنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَجَهَ النَّهَارِ وَ أَكْفُرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ.^۵

الفخذ بفتح الفاء و كسر الخاء المعجمة و بالذال المنقوطة: ران و قبيله‌ای که از شکم باشند.

العقب بفتح العين المهملة و كسر القاف: پاشنه؛ و بفتح القاف: پی سفید،^۶ و بسكونها: تک از پس تک.

الرجل بكسر الراء المهملة و سکون الجیم: پای، و الجمع أرجل؛ و بفتحها برّه و بزغاله که با مادر گذارند

تا شیر خورد.

شفه لب، لسان چه؟ زبان، فم دهان

ید و جارحه دست و حلقوم نای

الشفة بالفتحتين: لب و در او تاء تأنيث است و های اصل کلمه را حذف کرده‌اند به دلیل آنکه در تصغیر شفیهه میشود و جمع او شفاة می‌آید.^۷ اگر نسبت به وی^۸ کنی مخیری؛ خواهی شَفِيَّ گویی^۹ و خواهی شَفَّهِي.

۱ م: + جنة.

۲ الناس (۱۱۴): ۶.

۳ در قاف یک اضافات بسیاری وجود دارد.

۴ حیره به هاء هوز صحیح است، زیرا این لغتی است فارسی، و در فارسی حاء حطی نداریم.

۵ آل عمران (۳): ۷۹ م: - لعلهم يرجعون.

۶ شوم. نامبارک. سفیدی. سبزپا. سبزقدم.

۷ ن: + و.

۸ ن: او.

۹ م: گوی.

اللسان بكسر اللام: زبان و زبانه ترازو^۱ و زبانهی نعلین، و فيه المذکر و المؤنث سواء، اما کسی که مؤنث دارد جمع او السن آرد^۲ و کسی که مذکر دارد جمع او السنه آرد.^۳ اگر کنایت از لغت قومی باشد مؤنث باشد. الفم بفتح الفاء و تخفيف الميم: دهان، و في الأصل فُوهُ، حذفت الهاء لخفائها^۴ و الحرف العلة الساكنة إذ^۵ لا يتحمل الإعراب، فعوّضت عنها الميم لقرب المخرج بينهما، و التصغير فُوِيه و الجمع أفواه و في النسبة إن شئت قلت فمويّ، و إن شئت قلت فمويّ.

اليد: دست و رحمت و نعمت و قوّة و ملك و طاعت و جماعت و خائنه كمان و راه، و في الأصل يديّ، حذفت الياء فصارت يداً، و الجمع يديّ و أيدي، و إن كانت بمعنى النعمة فالجمع أيادي، و المنسوب بها يديّ. و استعمال اليد في ذوى العقول و استعمال الجارحة في غير ذوى العقول.

الجارحة: اسم فاعل من الجرح، و دست را جارحه گویند چون جراحت کننده است، و اندام را و جانور شکاری را نیز جارحه گویند از سبع طیر^۶ و غیر او؛ کفوله تعالی: وَ مَا عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ^۷. الحلقوم بضمّ الحاء المهملة: حلق، و علمای فقه - رحمهم الله تعالی -^۸ گویند: چهار رگ است در حلق، آن را^۹ مری و حلقوم و ودجان گویند، هرگاه که سه رگ از این چهار بریده شود مذبح حلال باشد، ولی عقده را بالا گذارند تا مکروه نباشد، و بسم الله و الله اکبر را عمداً ترک نکنند تا حرام نشود.

فرس اسب و بغل استر و سرج زین

بعیر اشتر است و جرس چه درآی

الفرس بالفتحتین: اسب، المذکر و المؤنث فيه^{۱۰} سواء، ولا يقال في الأنتی فرسة؛ اما تصغير مادّه فُرَيْسَة است، و جمعها أفراس.

۱ م - زبانه ترازو و.

۲ م: بیارند.

۳ همان طور.

۴ به جز نسخه اساس: - لخفائها.

۵ به جز نسخه اساس: - اذ.

۶ به جز نسخه اساس: سبع الطیر و غیره.

۷ المائدة (۵): ۴.

۸ ن: رضی الله عنهم.

۹ م: - در حلق آن را.

۱۰ ق: - فيه.



البغل بفتح الباء بنقطة وسكون العين المعجمة: استر و جمعه البغال؛ كقوله تعالى: وَ الْخَيْلَ وَ الْبِغَالَ؛^١
و الأثني بغلة.^٢

السرّج بفتح السين و سكون الراء المهملتين و بالجيم: زين، و اسم موضع.
البعير: اشتر، المذكّر و المؤنث فيه سواء و جمعه الأبعرة و الأباعر و البعران.
الجرس بفتح الجيم و الراء المهملة و بالسين المهملة: زنگله و درآی، و بسكون الراء و كسرهما آواز نرم
خفی.

رجل مرد و مرثه زن و زوج جفت

غنى مالدار است و مسكين گداى

الرجل بفتح الراء المهملة و ضمّ الجيم: مرد و جمعه الرّجال؛ كقوله تعالى: رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ.^٣
المرأة بفتح الميم و سكون الراء المهملة: زن، و الجمع نساء و النسوة و النسوان.
الزوج بفتح الزاء المنقوطة و سكون الواو و بالجيم: جفت، أعم من أن يكون ذكراً أو أنثى، انساناً أو غيره،
و جمعه الأزواج و الزوجة بالكسر و السكون، و الزوج أيضاً: گونه و صنف چیزى؛ كقوله تعالى: هـ مِنْ كُلِّ
زَوْجٍ بَهِيجٍ.^٤

الغنى بالعين المنقوطة فعيل بمعنى الفاعل من الغنى المكسور المقصور من باب علم؛ يعنى: بينياز
شدن و توانگر شدن.

المسكين بكسر الميم و سكون السين المهملة: بيجاره و گداى، المصدر منه السكونة من باب نصر،
و المذكر و المؤنث فيه سواء، و يجوز للمؤنث مسكينة أيضاً، و جمعه المساكين و المسكينون، و جمع
المسكينة مسكينات. فقير را مسكين گویند چون چیزی ندارد و ساکن است از هوسها و هواهای باطل، و لهذا
قال النبى: - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ -: اللهم أحيني مسكيناً و أمتنى مسكيناً و أحشرنى فى زمرة المساكين. و اهل شرع
مسكين كسى را گویند كه هیچ ندارد، و فقير كسى را گویند كه چندان نداشته باشد كه زكات بر او واجب شود.

١ النحل (١٦): ٨.

٢ ق: ١: البغلة.

٣ النور (٢٤): ٣٧.

٤ م: ١: الجمع.

٥ الحج (٢٢): ٥؛ ق (٥٠): ٧.



القطعة الثانية

ضیا و نور و سنا: روشنی، افق چه؟ کران

فتی، خفیف: جوان و سبک، ثقیل: گران

این بحر را مجتث مخبون مقصور گویند. اصل او مثنی است.

تقطیع: ضیا و نُو: مفاعلن، رُ سنا رو: فعلاتن، شنی افق: مفاعلن: چ کران: فعلات.^۲

الضیاء الممدود بكسر الضاد المنقوطة: روشنی. اما ضیاء از نور قوی تر است و نور از سنا؛ كقوله تعالى:

جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا^۳ و در جای دیگر می فرماید: يَكَادُ سَنَا بَرْقِهِ.^۴

النور بضمّ النون، واحد الأنوار و بفتح النون: شكوفهی درخت.

السنا بالقصر و فتح السين المهملة، معنی او روشنی است؛ و بالمدّ: مجد و رفعت.

الأفق بضمّ الهمزة و سكون الفاء أو ضمّها: کرانه و جانب، و جمعه الآفاق، و المنسوب اليه أفقیّ

بالفتحتين و إن كان القياس ضمّها، و قد قيل بضمّها أيضاً،^۵ و افق نیز گویند مردی را که به غایت رسیده باشد.

الفتی بفتح الفاء و التاء: مرد جوان، و للمرأة فتاة و الفتاء الممدود مصدر من باب علم؛ یعنی: جوان سال

شدن، و فتی نیز گویند سخیّ و جوانمرد را، و جمعه أفتیة^۶ و فتیان و فتوّ و فتیّ.

الخفیف فعیل بمعنی الفاعل بالخاء المعجمة: سبک، و المصدر منه الخفة من باب ضرب؛ یعنی: سبک

شدن و در خدمت شتافتن. شیخ رعایت لفّ و نشر کرده، اول هر دو لفظ را ذکر کرد که فتی و خفیف است

بعد از آن هر دو معنی را ذکر کرد که جوان و سبک است به ترتیب.

میراث

ریاض الفقیان (گزیده)



۱ برای صحّت وزن شعر وجود یک هجای کوتاه لازم است و چه بهتر بود که به جای قصر ضیاء و ضمّ واو کلمه را به همان حالت اصلی وی؛ یعنی: ممدود باقی میگذاشتند.

۲ در نسخه اساس و م ۱ به این صورت بوده: ضیا و نُو: مفاعلن، ر سنا رو: فعلاتن، شنی و اف: مفاعلن: ق کران: فعلات. به جهت مخالفت با شعر ضبط ق ۱ و ق ۲ و در آن نصّ ضبط نمودیم. ضبط ن هم کاملاً غلط است.

۳ یونس (۱۰): ۵.

۴ نور (۲۴): ۴۳.

۵ الصحاح، تاج اللّغة و صحاح العربیة، اسماعیل بن حمّاد الجوهری (د ۳۹۳ ق)، تحقیق: أحمد عبدالغفور عطّار، ج ۴، ص ۱۴۴۶، «أ ف ق».

۶ این جمع در مآخذ معتبر لغت ذکر نشده است. ابوالفرج بیٹی را از ابوکلبه تمیمی به این صورت نقل میکند: ما زلت مفترسا أجساد أفیة / تثیر أعطافها منها بأثار، البتّه محقق کتاب در پاورقی تذکر میدهد: «المختار»: مفترشا أحشاء دامیة؛ نگر الأغانی، ابوالفرج علی بن الحسین الأصبهانی، إعداد: مكتبة تحقیق دار الإحياء التراث العربی، ج ۲۴، ص ۲۳۹.

الثقیل فعیل بمعنی الفاعل بثلاث نقط و بالقاف: گران، و المصدر منه الثقل بالكسر من باب كرم؛ یعنی: گران شدن.

ذهب زر است و حديد: آهن و رصاص: ارزیز

لجین: سیم و زجاج: آبگینه، معدن: کان

الذهب بفتح الذال المنقوطة و فتح الهاء: زر سرخ، و الذهبه قطعة منه، و جمعه أذهاب و ذهوب، و زدهی بیضه را نیز گویند، و مکیال معروف اهل یمن را نیز ذهب گویند، و جمع این أذهاب آید، و جمع الجمع أذهاب.

الحديد بالحاء المهملة و الدالین المهملتین: فعیل بمعنی الفاعل من الحدّ من باب نصر و المعنی: المنع، و آهن را حديد گویند چون مانع دشمن است، و جمعه الحدايد و قد جاء فی الشعر الحدائدات: 'فَهِنَّ يَغْلُكَنَّ حَدَائِدَاتِهَا،^۲ العلك: خائیدن.

الرصاص بفتح الرّاء و بالصّاد المهملتین: ارزیز.

اللّجین بضّم اللّام و فتح الجیم: سیم؛ یعنی: نقره، مصغّر آمده مثل کمیت، و بفتح اللّام و کسر الجیم: برگ زَرْدَه.^۳

الرّجاج بفتح الزاء المنقوطة و بالجیمین: شیشه، و قد جاء بالزاء المضمومة و المكسورة، و كلّ هذه اللّغات الثلاثة جمع زجاجة، و بكسر الزاء ايضاً جمع زجّ بالصّمّ؛ یعنی: سَنِين^۴ نیزه.

المعدن بكسر الميم و سكون العين المهملة: مركز.^۵

۱ در نسخه‌ی اساس قبل از مصرع مذکور عبارت «قفتنا» موجود و در م ۱ عبارت قوماتهن میباشد لکن با مراجعه به مأخذ که در ذیل ذکر شده عبارتهای مذکور را نیافتیم، لذا اصل بیت را با توجه به مأخذ ضبط نمودیم.
 ن، د: + قوله. ق ۱: + قفاهن.

۲ در الصحاح: ج ۲، ص ۴۶۳ درباره این مصرع چنین آمده است: و أنشد الأحمري في نعت الخيل. همجنين است در لسان العرب ذیل (حدد، صحب، دوم، یمن، بقی، لوی) و تاج العروس ذیل (حدد، لوی، دوم) و تهذیب اللغة (ج ۹، ص ۳۴۹): و المخصص (ج ۶، ص ۲۰۵، ج ۸، ص ۷۹، ج ۱۰، ص ۲۸).

۳ م: و بالصّادین. د: و بالصّادین المهملات.

۴ د: زده. ق ۱: ترک زده. م: زرد.

۵ سنین و بنین مصغر سنان و بنان که اول طرف سر نیزه و ثانی بن نیزه طرف زیرین آن است که بر زمین قائم کنند و سنین نام من جمله بازی از نرد، الله اعلم بالصواب. از سر تو نرد و وصلی چند تا نقشی زند / بازی چرخ دغا بازش نسازد گر سنین، نعمت خان عالی؛ منم آن که چون نیزه بازی کنم / بروید سنین و بنین از اجم، باقر کاشی، فرهنگ بهار عجم، لالهتیک چندبهار (ق ۱۲)، تصحیح: دکتر کاظم دزفولیان، ج ۲، ص ۱۳۲۵.

۶ ق ۱: - مرکز + و کذا المعدن بفتح الميم: کان.

نحاس و صفر: مس و روی و آنک است: سرب

حلی است: زیور و عالی: گران، رخیص: ارزان

النحاس بكسر النون و بالحاء و السين المهملتين: طبيعت و اصل چیزی؛ يقال: فلان كريم النحاس، و بضمّ النون: مس و دود.

الصفير بكسر الصاد المهملة و بالفاء المفتوحة و الراء المهملة: روی، عند أبيعبيدة و عند غيره بضمّ الصاد^۱ و بالكسر: خانهی خالی و هر جای نیز، و يساوی فيه المذکر و المؤنث و التشبيه و الجمع.

الآنك بمدّ الهمزة و ضمّ النون على وزن الأفعال: سرب؛ كقوله - عليه السلام - من استمع الى قينة^۲ صبّ اللّه في أذنيه الأنك^۳. آنك مفرد است بر لفظ جمع و هیچ واحد دیگر بر این وزن جمع نیامده است.

الحلی بضمّ الحاء المهملة و كسر اللّام و تشدید الیاء: زیور، و فی الأصل حلوی، سبقت الواو الساكنة على الیاء فجعلت یاءً و أدغمت فی الیاء الأخيرة ثم كسرت اللّام، و المصدر منه الحلو من باب نصر؛ یعنی: زیور کردن زن.

الغالی اسم فاعل بالغین المنقوطة من الغلاء من باب نصر؛ یعنی: گران شدن نرخ.

الرخیص بالرّاء المهملة و الخاء المنقوطة و الصّاد المهملة فعیل بمعنى الفاعل من الرّخص من باب كرم؛ یعنی: ارزان شدن.

جراز و سیف و حسام است و غضب و صارم: تیغ

معجن و جنة: سپر، سهیم: تیر و قوس: کمان

الجزاز بضمّ الجیم و بالرّاء المهملة و الزّاء المنقوطة: شمشیر برّان و شتر خورنده.^۴

السیف بفتح السین المهملة: شمشیر، و جمعه السیوف و الأسیاف و المسیفة. و الحسام بضمّ الحاء

المهملة و بالسین الساذج: شمشیر، و المصدر منه الحسم و الحسوم بمعنى القطع.

۱ بنگرید به لسان العرب: ج ۴، ص ۴۶۱؛ الصحاح: ج ۲، ص ۷۱۴؛ معجم مقاییس اللغة: ج ۳، ص ۲۹۵.
۲ در نسخه اساس و دغیبه دارد لکن در دیگر نسخ و منابع حدیث قنیه دارد و همین با تعدی ماده سمع به الی نیز سازگار است.

۳ بخاری، رقم (۶۶۳۵)؛ أبو داود، رقم (۵۰۲۴)؛ الترمذی، رقم (۲۲۸۴).
۴ در نسخه اساس شیر خوردن آمده در ما بقی نسخ نیز یا همین است یا سیر خوردن لکن در نسخه ن شتر خورنده آمده که همان را در متن آوردیم زیرا برای ما بقی معانی در فرهنگ‌های معتبر چیزی نیافتیم. نگر فرهنگ عربی به فارسی تاج الأسماء (تهذیب الأسماء)، تصحیح علی اوسط ابراهیمی، ص ۹۷؛ کنز اللغات، محمّد بن عبد الخالق بن معروف (د ۸۸۰ هـ. ق.)، تصحیح سیّد رضا علوی نصر، ص ۴۶۶.



العَضْب بفتح العين المهملة و سکون الضاد المنقوطة: شمشیر برّان و مصدر أيضاً من باب ضرب بمعنى القطع.

الصارم بالصاد و الرّاء المهملتين اسم فاعل من الصرم من باب ضرب بمعنى القطع، و مرد شجاع را نیز صارم میگویند.

المجَنّ بكسر الميم و فتح الجيم و تشديد النون: سپر، و فی الأصل مجنن من الجنّ من باب نصر؛ یعنی: دفن کردن، و المَجَنّة بضمّ الجيم و تشديد النون: آلت پوشش مرد، دیوانه را مجنون گویند چون عقل او پوشیده شده است، و بچّه در شکم را جنین گویند چون پنهان است.

السهم بفتح السين المهملة و سکون الهاء: تیر و بهره، و جمعه السهام و السهان و السهم أيضاً اسم من اسماء الرجال.

القوس بفتح القاف و سکون الواو و بالسين المهملة: کمان، و جمعه الأقواس و القياس و القيسی و القيسی، فی الأصل قَوْوس، قدّم اللام؛ أى: السين، على العين؛ أى: الواو، فجعلت الواو الأخيرة ياءً لوقوعها طرفاً، ثم جعلت الواو الأولى ياءً لأنها سبقت على الساكنة، و أدغمت ثم كسرت القاف للإتباع، و المنسوب اليه القسوی. و قوس نیز اسمی از اسماء بروج آسمان است، و باقی خرما که در جامه باشد نیز قوس گویند، و المذکر و المؤنث فيه سواءً، اما تصغير مؤنث قويسة آید. القوس بضمّ القاف معبد ترسیان.

عصب: پی و بلبه جوشن است و درع: زره

وهق: کمنسد ولی فصل و معلبه: پیکان

العَصَب بفتح العين و الصاد المهملتين: پی زرد، و جمعه الأعصاب.

الْيَلْبَة بفتح الياء بنقطتين تحتها و فتح اللام و الباء بنقطة: چیزی است از دُوال^۱ که به جای زره درپوشند، و الیلب^۲ اسم جنس است.

الجَوْشَن بفتح الجيم و سکون الواو و فتح الشين المنقوطة: زره و سپر، و جوشن الیل: وسطه. مراد شیخ آن است که یَلْبَة و جوشن و درع هر سه زره است، اما جوشن را عطف نکرد ضرورت شعر را.

و **الدروع** بكسر الدال و سکون الرّاء و بالعين المهملات: زره و پیراهن زن، اما آنکه زره است مؤنث است،

۱ م: جوال. دوال به معنی چرم است.

۲ حاشیه اساس به نقل از صحاح: الیلب: الدروع الیمانیة، كانت تتخذ من الجلود يُخرزُ بعضها إلى بعض. و هو اسم جنس، الواحدة یَلْبَة. الصحاح: ج، ۱، ص ۲۴۰.

و جمع او أدرع و دُرُوع و أدرع آید، و تصغیر او دُرُوع علی خلاف القیاس إذ القیاس دُرُوعَة، و آنکه پیراهن است مذکر است به معنی قمیص، و جمعه أدرع.

الوهق بفتح الواو و سکون الهاء أو فتحها: کمند.

النصل بفتح النون و سکون الصاد المهملة: پیکان تیر و تیغ و نیش نیزه و کارد و جمعه نصول و نصال.

المعلبة بكسر الميم و سکون العين المهملة: پیکان دراز پهن.

عجاج و نقع و قتام و صبا و هيج: غبار

كلوم: خستگی و موت: مرگ و مّرة: توان

العجاج بفتح العين المهملة و الجيمين: غبار و دخان و جویبانگ کننده،^۱ و الواحدة: عجاجه.

النقع بفتح النون و سکون القاف و بالعين المهملة: غبار، و جمعه: النقاع، و نُقع نیز گویند جای گرداب

را و بانگ شتر مرغ، و نقع أيضاً جایی که در او آب تازه دارند و زمین نیک پرورده و خاک هموار.^۲

القتام بفتح القاف و التاء بنقطتين فوقها: گرد سیاه تیره.

الهباء بفتح الهاء و فتح الباء بنقطة تحتها و المدّ: گرد سَم ستور.

و الهيج بفتح الهاء و سکون الیاء بنقطتين تحتها و بالجيم: فتنه؛ يقال: يوم هيج؛ أي: يوم غيم و مطر،

و يقال: يوم مطر أيضاً، و مصدر أيضاً كالهيجان و الهياج؛ یعنی: برانگیخته شدن، و متعدی نیز آمده است؛

یعنی: برانگیختن.

الكلوم بضمّ الكاف و اللّام: خستگی، و الكلم بالكسر جمع. کلم بالفتح و السّكون؛ یعنی: جراحت،

و الموت: مرگ.

المّرة بكسر الميم و تشدید الراء المهملة: قوّت، و بفتح الميم: کزّت، و ابو مّرة: کنیه ابلیس.

حشاشه: باقی جان و عراضه: راه آورد

قراضه: ریزهی زر، ربح: سود و خسر: زیان

الحشاشه بضمّ الحاء المهملة و بالشینین المعجمتین و الحشاش: بقیهی روح^۳ از مریض.^۴

۱ م: جوی تاریک کننده؛ ن: غبار و دود آتش را گویند. العجّ: آواز بلند کردن و جوی بانگ کننده؛ ق: و جوی بنا کینده؛ د: و جوی پاک کننده.

۲ ن: + را گویند. همچنین است این نسخه در پایان شرح دو کلمه بعدی.

۳ متن نسخه اساس حیوة است لکن بدل وی روح است و سایر نسخ نیز روح دارند.

۴ وجه برای اختصاص مریض نمیشد.





الْعُرَاضَة وَالْعُرَاضُ بِضَمِّ الْعَيْنِ الْمَهْمَلَةِ فِيهِمَا وَبِالزَّاءِ الْمَهْمَلَةِ وَالضَّادِ الْمَعْجَمَةِ: رَاهِ أَوْرَد.
 الْقَرَاضَةُ بِضَمِّ الْقَافِ وَبِالزَّاءِ الْمَهْمَلَةِ وَالضَّادِ الْمَعْجَمَةِ: رِيْزَهِي زَرُ وَرِيْزَهِي جَامِهْ كِهْ اَزْ سِرْ مَقْرَاضِ
 بِيْفْتَد.

الرَّيْحُ بِكَسْرِ الرَّاءِ الْمَهْمَلَةِ وَبِالْبَاءِ بِنَقْطَةِ وَالْحَاءِ الْمَهْمَلَةِ أَوْ فَتْحِهَا؛ مِثْلُ: شَبَهَ وَشَبَّهَ: سَوْدُ، وَالرِّيَّاحُ أَيْضاً
 كَذَلِكَ، وَالرُّبْحُ بِضَمِّ الرَّاءِ وَفَتْحِ الْبَاءِ: اشْتَرَى بِجَهْ وَطَائِرٌ مِثْلُ الْغُرَابِ.
 الْخُسْرُ بِضَمِّ الْخَاءِ الْمَعْجَمَةِ وَسُكُونِ السَّيْنِ وَبِالزَّاءِ الْمَهْمَلَتَيْنِ، وَالْخَسَارُ بِالْفَتْحِ وَالْخَسَارَةُ: زِيَانٌ وَ
 هَلَاكٌ شَدْنٌ.^۱

يُعُوْثُ وَنَسْرٌ وَيَعُوْقُ اسْتِ وَبَعْلٌ وَوَدٌّ، عَزْرَى

سُوَاعٌ وَلاَتٌ وَمَنَاتٌ اسْتِ: نَامِهَائِ بَتَانِ

يعوث بفتح الياء بنقطتين تحتها وبالغين المنقوطة وبالثاء بثلاث نقاط: نام بت.

النسر بفتح النون وسكون السين وبالزء المهملتين: بتی است در ارض خیبر حمیر.^۲

يعوق بفتح الياء بنقطتين تحتها وبالعين المهملة: بتی است از بتان قوم نوح X؛ كقوله تعالى: وَلَا
 يُعُوْثُ وَيَعُوْقُ وَنَسْرًا، وَالْأَلْفُ وَاللَّامُ يَدْخُلَانِ عَلَيَّ النَّسْرِ.

البعل بفتح الباء بنقطة وسكون العين المهملة: نام بتی است از بتان قوم الیاس - علیه السلام -، و گیاه را
 نیز گویند که به آب حاجت ندارد، و شوهر را نیز گویند، و جمع الأخير بُعُولَة، و للمرأة بَعْلٌ وَبَعْلَةٌ وَمصدر
 أَيْضاً مِنْ بَابِ فَتْحٍ؛ یعنی: شوهر کردن.

الوَدُّ بِضَمِّ الْوَاوِ وَتَشْدِيدِ الدَّالِ الْمَهْمَلَةِ: بَتِ قَوْمِ نُوْحٍ X وَبِهْ كَسْرِ هَاءِ دَوْسْتِ، وَكَذَا الْوَدِيدُ، وَبِالْفَتْحِ
 مِيْخٌ. الْمَصْدَرُ مِنْهُ بِالضَّمِّ أَوْ بِالْفَتْحِ مِنْ بَابِ عِلْمٍ؛ یعنی: دوستی کردن.

العزرى بضم العين المهملة وتشديد الزء المنقوطة: بتی که قوم مخصوص او را میپرستند.

السواعة بضم السين المهملة وبالعين المهملة نام بت قوم نوح X.

ولات بالياء المطولة: بتی که قبیلهی شعیب در عرب او را پرستند.

المناة بفتح الميم والنون وبالثاء المدورة: بت.

۱ ق ۱: - شدن.

۲ در تمام نسخ حمیر و در نسخه اساس خیبر در متن آمده و حمیر به عنوان بدل ذکر گردیده است.

القطعة الثالثة

جید: گردن، صدر: سینه، رُکبه: زانو، رأس: سر

ثوب: جامه، رزق: روزی، زاد: توشه، باب: در

این بحر را رَمَل گویند، و اصل او را که چهار فاعلاتن باشد هر مصرعی مَثَمَن سالم گویند، و اگر هر مصرعی سه فاعلاتن باشد و یک فاعلات یا یک فاعلن چنانکه در این قعظه است مقصور گویند.

تقطیع: جید گردن: فاعلاتن، صدر سینه: فاعلاتن، رُکبه زانو: فاعلاتن، رأس سر: فاعلن.

خوشر است از بحرهای بحر رمل بر اتفاق

بیش باشد سوی نظمش طبعها را اشتیاق

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلان

ای به تو آراسته صدر اهل خراسان و عراق^۱

الجید بکسر الجیم و سکون الیاء بنقطتین تحتها و بالذال المهملة: گردن، و جمعه الأجیاد؛ و الجید بالفتحتین درازی گردن.

الصدر بفتح الصاد و سکون الذال و بالراء المهملات: سینه و پیشگاه، و صدر الشیء أوله، و صدر السهم ماجاوز وسطه، و جمعه الصدور.

الرُکبة بضم الراء المهملة و سکون الکاف و الباء بنقطة: زانو، و الجمع: رُکبات بضمها أو فتحها أو ضم الأول و فتح الثانی، و جمع کثرتها: رُکب؛ و قس علی هذا الجمع، جمع کل فُعلة. الرُکبة بالكسر: نوعی برنشستن.^۲ الرأس واحد الرأس و الأُرؤس.

الثوب: جامه، و جمعه اثواب و ثیاب، و قال العرب: «فلان دنس الثیاب» إذا كان خبیث النفس.

الرزق بکسر الراء المهملة و سکون الراء المعجمة: روزی، و جمعه الأرزاق، و مصدر أيضاً من باب نصر بمعنی العطاء.

الزاد بالراء المعجمه و الدال المهملة: توشه و آن چه در سفر کار آید؛ کفوله تعالی: فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى.^۳

۱ رساله‌ای در باب اوزان شعر عربی و فارسی، ادیب صابر ترمذی، به کوشش مجتبی مینوی، ضمیمه نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال نهم، شماره سوم، فروردین ۱۳۴۱: ص ۲۷.
۲ سوار شدن.
۳ البقره (۲): ۱۹۷.



الباب بالباء بنقطة: در، و الجمع ابواب.

عرش: سقف و بيت: خانه، كحل: سُرمه، رمل: ريگ

حسن: خوبي، قبح: زشتی، جاف: خشك و رطب: تر

العرش بفتح العين المهملة و سكون الزاء المهملة و بالشين المنقوطة: تخت ملك؛ كقوله تعالى: «إِيَّكُمْ يَأْتِينِي بَعْرَشَهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ»^٢ و سقف خانه.

البيت بالفتح: خانه و عيال مرد و دو مصراع، و الجمع: بيوت و أبيات، و جمع الجمع: أبيات و بيوتات، و تصغيره: بُيُوت بالضمّ و قد جاء بالكسر و قد قال العامة: بُيُوت، و قس على هذا تصغير أقسامه كالشيخ و الشيء و العير.^٣

الكحل بضم الكاف و سكون الحاء المهملة: سُرمه و مال بسيار، و بالفتح: سال قحط. و الرّمل بفتح الزاء المهملة و سكون الميم: ريگ، و الرملة قليل منه، و جمعه الرمال، و الرّمل بالفتحتين بحرى از عروض است و نوعی رفتن شتر و اندكى از باران.

الحسن بضم الحاء و سكون السين المهملتين: خوبي، و جمعه المحاسن على خلاف القياس. القبح بضم القاف و سكون الباء بنقطة و بالحاء المهملة: زشتی. الجاف بالجيم و تشديد الفاء اسم فاعل من الجفاف بالفتح. الجفوف بالضمّ من باب صرّب؛ يعنى: خشك شدن، و الجافّ فى الأصل جافف.

الرّطب بفتح الزاء و سكون الطاء المهملتين: چیزی تر از هر چه باشد، و بالضمّ: جامهى تر. ذئب و سرحان، سييد: گرگ و سِمع: بچش، فأره: موش حَيَّه: مار و حوت: ماهی، طير: مرغ و ريش: پر الذّئب بكسر الّذال المنقوطة و سكون الياء بنقطتين تحتها و بالباء بنقطة: گرگ، و جمعه: أذؤب و ذئاب و و ذؤبان.

١ حاشیه نسخه اساس: عرش البيت و سقفه و سمانه و سمكه: آسمانه خانه، سامی.
٢ نمل (٢٧): ٣٨.
٣ ق١: البشر و العسر.





السِّرحانُ بكسر السين وسكون الزّاء وبالحاء المهملات: گرگ، وقال هذیل: «وهو الأسد» والكسائی: ^۲ مؤنثه سرحانه، وجمعه: سراحین و سرائح و سراحی.

السِّید بكسر السين المهملة وسكون الياء بنقطتين تحتها وبالذال المهملة: گرگ، وجمعه السِّیاد و السِّیدان. قال الكسائی: مؤنثه: سیده، وقيل هو الأسد. ^۳

السِّمع بكسر السين المهملة وسكون الميم وبالعین المهملة: بجه گرگ که از کفتار باشد، و آوازه نیک. الفأرة بالفاء و الزّاء المهملة و بالهمزة: موش و نافه مشک، و جمعه الفأر بسكون الهمزة. و الحیة بفتح الحاء المهملة و تشدید الياء بنقطتين تحتها: مار نر و ماده، و التاء للوحدة؛ مثل: البطة؛ و قدر روى عن العرب: رأيت حيتاً على حية؛ أى: ذكراً على أنثى، و المنسوب اليه: حیوی، و مذکر الحیات: حیوت. الحوت بضم الحاء المهملة و سكون الواو و بالتاء بنقطتين فوقها: ماهی، و جمعه الحیتان؛ كقوله تعالى: «حيتاًنهم يوم سبتهم»، ^۴ و برجی از بروج آسمان را نیز حوت گویند.

الطير بفتح الطاء المهملة و سكون الياء بنقطتين تحتها و بالزّاء المهملة: مرغان، و واحده الطائر كالركب و الراكب، و قال شوم را نیز طائر ^۵ گویند؛ كقوله تعالى: «قالوا طائرکم معکم». ^۶ و جمع الطير الطيور و أطيوار، ^۷ و قال قطرب: يستعمل الطير للواحد أيضاً؛ ^۸ كقوله تعالى: «فیکون طيراً باذن الله». ^۹

الريش بكسر الزّاء المهملة و سكون الياء بنقطتين و بالشين المنقوطة: پر، واحده: ريشة، و چانهی خوب را نیز ريش گویند، و ريش بالكسر نیز جامهی خوب را گویند، و الریش بالفتح و سكون الثانی مصدر من باب ضرب؛ یعنی: پر کردن تیر. ^{۱۰}

۱ در بارة وزن آن نگر شرح النظام على الشافية، نظام الدين حسن بن محمد النيسابورى (ت ۷۲۸ هـ.ق)، تحقيق: محمد زكى جعفرى، ص ۳۳۷.

۲ الصحاح: ج ۱، ص ۳۷۵.

۳ الصحاح: ج ۲، ص ۴۹۲.

۴ اعراف (۷): ۱۶۳.

۵ ن: - المهملة.

۶ ن: - طائر.

۷ يس (۳۶): ۱۹.

۸ ن: الأطيوار.

۹ الصحاح: ج ۲، ص ۷۲۷.

۱۰ آل عمران (۳): ۴۹.

۱۱ الریش: پر بر تیر نهادن و حال کسی نیکو بکردن و هذا على التشبيه. ت.



عين: چشم و أنف: بینی، حاجب: ابرو، شعر: موی

نقی: مغز و شحم: پیه و أُذن: گوش، أطروش: کر

العين بفتح العين المهملة و سکون الياء بنقطتين تحتها: چشم و چشمه آب و چشمه آفتاب و چشمه ترازو و چشمه زانو و دينار و درم نقد و ديدبان و جاسوسی و مهتر و گزیده چیزی و نفیس هر چیزی و باران پیوسته و ابر که از قبلهی عراق بر آید و زیادتی یک پلهی ترازو و فساد ادیم در وقت راست کردن و هستی چیزی، و الجمع: عیون و أعین و أعیان.

الأنف بفتح الهمزة و سکون النون: مهتر و بینی و کرانه چیزی و اول هر چیزی، و جمعه: الأنوف و الأناف و الأنف.

الحاجب بالحاء المهملة و الجیم و الباء بنقطة: ابرو، و جمعها الحواجب، و الحاجب أيضاً: حاجب الأمير و جمعه الحجاب بالضمّ و التشديد كالتَّوَّاب.

الشَّعر بفتح الشين المنقوطة و سکون العين و و بالراء المهملتين: موی، و الواحدة شَعْرَة، و جمعه الشعور و الأشعار.

و النقی بکسر النون و سکون القاف: مغز استخوان و پیه چشم که از فربهی باشد.

الشحم بفتح الشين المعجمة و سکون الحاء المهملة: پیه، و شحمة الأرض گویند کماة سفید را، و شحمة الأذن نرمهی گوش را.

الأذن بضم الهمزة و سکون الدال المعجمة أو ضمها: گوش، و هی مؤنثة لأنّ تصغيرها أُذينة و جمعها الأذان؛ كقوله تعالى: «وَفِي أَدَانِهِمْ وَقْرًا»، أو مرد سخن شنورا نیز أُذن گویند، و هر عضوی دوگانه مؤنث است؛ مثل: دست و پای و چشم و سینه و امثال این.

الأطروش بضم الهمزة و سکون الطاء المهملة و بالواو المهملة و الشين المنقوطة: کر، و كذا الأَطْرُش على وزن الأَفْعَل.

هدنة: صلح و حرب: جنگ و يوم: روز و لیل: شب

غیظ: خشم و ضحک: خنده، حکة: خارش، نُقبه: گر

۱ قارج.

۲ انعام (۶): ۲۵؛ اِسراء (۱۷): ۴۶؛ كهف (۱۸): ۵۷.

الهُدْنَةُ بضمّ الهاء و سکون الدال المهملة و بالنون: صلح و آرامیدهگی، و هی فُعَلَه من الهدون و المهدون من باب نصر؛ یعنی: آرامیدن.

الْحَرْبُ بفتح الحاء المهملة و سکون الراء المهملة^۱ و بالباء بنقطة: جنگ، و هی مؤنثة؛ يقال: بينهم وقعت حربٌ، و قال الخليل: تصغيرها حُرَيْبٌ لآئه في الأصل مصدر من باب علم فيساوی^۲ فيه المذکر و المؤنث.^۳

اليوم: روز، و جمعه الأيام، و فی الأصل أيّوم، و الأفعل منه أيوم؛ يقال لليوم الصعب يوم أيوم؛ كما يقال ليل أليل.

و الليل واحد بمعنى الجمع، و واحده ليلة، و جمعه اللّیالی، و الیاء زائدة علی خلاف القیاس؛ مثل: الأهالی للأهل، و قال البعض: أصل الليلة لیلآة لأنّ تصغيرها لُیْلِيَّة، و شب تاریک را لیل ألیل گویند، و بنات الیل گویند احتلام را و حوادث شب را.

الغَيْظُ بفتح الغین المعجمة و سکون الیاء بنقطتين تحتها و بالطاء المنقوطة: غم لازم، آی: دایم، و خشم و اسم رجل، و مصدر أيضاً من باب ضرب؛ یعنی: کسی را در خشم کردن.

الضْحْكُ بكسر الضاد المنقوطة و سکون الحاء المهملة: خنده و بانگ بوزینه و مصدر أيضاً من باب علم، و الضحک بالفتح و سکون الثانی أو کسر الثانی أو کسرهما کلّهما مصادر من هذا الباب؛ یعنی: خندیدن. و الضحک بالفتح و سکون الثانی مسکه و شهد و غنچه خرما، و بالفتحتین بانگ بوزینه و کسی که بسیار خندد، و بالضمّ و سکون الثانی: مسخره، و بالفتح و السکون المرّة الواحدة.

الحِکَّةُ بكسر الحاء المهملة و تشدید الکاف: خارش، و هی فعلة من الحکّ من باب نصر؛ یعنی: خاریدن و خلیدن چیزی در دل.

النُّقْبَةُ بضمّ النون و سکون القاف: نخستین گری که پدید آید و گونه و اثر^۴ و جامه مثل ازار که نیفه^۵ نباشد آن را، و جمعها: نقب.

۱ د: المهملتین.

۲ ق: ۱: متساوی.

۳ الصحاح: ج ۱، ۱۰۸، ح رب. البته تعلیل مذکور در شرح به نقل از مازنی آورده شده است نه از خلیل.

۴ به این معنا به کسر نون آمده است.

۵ بندکش ازار، غیاث اللغات، غیاث الدین محمد بن جلال الدین بن شرف الدین رامپوری (ت ۱۲۶۸ ه. ق)، به

کوشش: منصور ثروت، ص ۹۳۳.





شارق و شمس و ذُکاء و یوح و بیضا: آفتاب

سام و تبر عسجد و عقیان و عین و نصر: زر

الشارق بالشین المنقوطة و الرّاء المهملة و القاف، و الشرق بالفتح و السكون، و المشرق بفتح الأوّل و كسر الرّاء: آفتاب.

الشمس واحد الشموس.

الذکاء بضمّ الذّال المنقوطة و بالمدّ: آفتاب، و بالفتح توشه و تمام چیزی.

یوح بضمّ الیاء بنقطتین تحتها و سکون الواو و بالحاء المهملة: علم آفتاب، و لهذا لایحلی بالألف و اللام.

البيضاء الممدود بفتح الباء بنقطة و سکون الیاء بنقطتین تحتها و بالضاد المعجمة: زمین ناکشته، و شیخ آفتاب گفته اما در صحاح و تاجین نیافتیم بدین معنی.

السام بالسن المهملة: زر و مرگ و نام پسر نوح - علیه السّلام - .

التبر بكسر التاء بنقطتین فوقها و سکون الباء بنقطة و بالرّاء المهملة: زر نازده، و اگر دینار زنده عین گویند نه تبر.

العسجد بفتح العين و سکون السين المهملتین و فتح الجیم و بالدّال المهملة: زر.

العقیان بكسر العين المهملة و سکون القاف: زر رسته، و الألف و النون زائدتان فيه، و أصله عَقِيٌّ و عَقِيٌّ: أوّل افکنده بچه را گویند تا دلالت کند بر آنکه اصلاً او چیزی نیست و مردار است.

العين: درم و بحث او گذشته در موضع دیگر.

النصر بفتح النون و سکون الضاد المنقوطة: زر، و جمعه أنصر، و درخت سبز و چیزی تازه را نیز نصر گویند، و اسم رجل أيضاً.

نیک: صحبت، قُبلة: بوسه، مَهر: کابین، خدن: دوست

زوج: شوی و زوجة: زن، عزهاة: سست و فحل: نر

النیک بفتح النون و سکون الیاء بنقطتین تحتها مصدر من باب ضرب؛ یعنی: صحبت و جماع کردن، و قال العرب: من يَنِكِ العَيْرَ يَنِكُ [نَيْكاً].

القُبلة بضمّ القاف و سکون الباء: بوسه، و بكسر القاف كعبه.

المهر بفتح الميم و سكن الهاء: كابين، و بضمّها: شتر بجه، و جمع الأخير الأمهار و مهار و مهارة بالكسر فيهما.

الخدن بكسر الخاء المنقوطة و سكن الدال المهملة: دوست، كالخدين و جمعه الأخدان؛ كقوله تعالى: «وَلَا تُتَّحِزِّي أَخْدَانَ»^١.

الزوج بحث او گذشت و اينجا شيخ تخصيص به شوهر کرده مناسب نيست، بلکه ذکر او مکرر است، و قوله تعالى: «اسْكُنْ أَنْتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ»^٢ يناقض تخصيصه بالذكر. الزوجة بالفتح خاصة بالمرأة.

العزهاة بكسر العين المهملة و كسر الزاء المعجمة و بالتاء المدوّرة: کسی که از لهو و از زن کناره گیرد، و جمعه عزاة بفتح الأوّل و بالهاء مثل: سعادة و سعال.

الفحل بفتح الفاء و سكن الحاء المهملة: نر و گشن و حصير، و جمعه فحول و فحال و فحالة.

حنطة: گندم، دُخنه: ارزن، خبز: نان و لحم: گوشت

اصل: بيخ و فرع: شاخ و بذر: تخم و قطف: بر

الْحِنَطَةُ بكسر الحاء المهملة و سكن النون و بالطاء المهملة: گندم و الجمع حِنَط.

الدُّخْنَةُ بضمّ الدال و سكن الخاء المنقوطة و بالنون واحدة الدخن؛ يعنى: گاؤرس.

الخُبْزُ بضمّ الخاء المنقوطة و سكن الباء بنقطة و بالزّاء المنقوطة يعنى نان، و الواحدة خُبْزَةٌ، و الخَبْزُ

بالفتح مصدر من باب ضرب؛ يعنى: نان پختن و نان دادن.

اللَّحْمُ بفتح اللّام و سكن الحاء المهملة: گوشت، و جمعه اللحوم و اللّحمان و اللّحمان بالضمّ.

الأصل: بيخ و بنياد، و جمعه الأصول.

الفرع: شاخ و كمان چوبين و موى تمام و موى سر و مال معدّ؛ يقال: هو فرع قوم؛ أى: أشرفهم.^٣

البذر بفتح الباء بنقطة و سكن الدال المنقوطة: تخم كشت.

القِطْفُ بكسر القاف و سكن الطاء المهملة: بر هر چیزی که پخته شده باشد، و خوشه خرما و جمعه

القطوف؛ كقوله تعالى: «قُطُوفُهَا دَائِبَةٌ»^٤.

١ مانده (٥): ٥.

٢ الأعراف (٧): ١٩.

٣ الصحاح: ج ٣، ص ١٢٥٦، ف رع.

٤ الحاقّة (٦٩): ٢٣.



لجّه و دأماء و یم و بحر: دریا، قعر: تک

فیل: پیل و بقّ: پشه، ظبی و حمار: آهو و خر

اللُّجَّة بضمّ اللّام و تشدید الجیم: میان دریا.

الدأماء الممدود بفتح الدّال المهملة و سکون الهمزة: دریا و سوراخ موش.

الیمّ بفتح الیاء بنقطتین تحتها و تشدید المیم: دریا.

البحر بفتح الباء بنقطة و سکون الحاء و بالراء المهملتین: دریا، آب شور و اسب تیزرو و بن رحیم.

القعر بفتح القاف و سکون العین و بالراء المهملتین: نشیب و کوی.

الفیل: پیل، الفیال: پیل بان.

البقّ بفتح الباء بنقطة و تشدید القاف جمع بقّة؛ یعنی: پشه، و اسم موضع قریب من الحیره.

الظبی بفتح الزّاء المنقوطة و سکون الباء بنقطة: آهو، و جمعه الظباء و الأظبیّ.

و الحمار بكسر الحاء المهملة: خر، و جمعه الحُمُر و الحُمُرَات و الحَمیر.

القطعة الرابعة^۱

فريس: چنبر و کُم: آستین و سب: دستار

قلیل و نزر و یسیر: اندک و حساب: شمار

بحر این قطعه و قطعه «ضیاء و نور الخ» متحد است.

الفريس بفتح الفاء و كسر الزّاء المهملة و سکون الیاء بنقطتین تحتها و بالسّین المهملة: چنبر چوبین.^۲

الكُمّ بضمّ الكاف و تشدید المیم: آستین، و جمعه الأکمام، و الکیمة بالكسر: کلاه گرد، و الکیم و الکیامة

بالکسر فیهما: حجاب نور و غلاف خوشه خرما، و الجمع للأخیر: أکمام و الکیمة و کمام.

السبّ بكسر السّین المسبعمهمله و تشدید الباء بنقطة: دستار و مقنعة و رسن و مرد دشنام ده، و بالفتح:

دشنام، و مصدر أيضاً من باب نصر؛ یعنی: در دشنام طعن کردن.^۳

۱ حاشیه اصل: زه طراوات رویت گل همیشه بهار / قد تو در چمن حسن سرو خوش رفتار / مفاعلن فعلاتن مفاعلن
فعلات / تو بحر مجتث این بحر وزن دان، بکن تکرار. حاشیه اصل .

۲ حاشیه اساس: أصله بالتشديد خفف للضرورة.

۳ حاشیه اساس: أصله بالتشديد خفف للضرورة.

۴ حاشیه اصل: الفریس: حلقه من خشب یقال لها بالفارسیة «چَنَبُر». صحاح [ج ۳، ص ۹۵۸].

۵ ن: دشنام دادن و طعنه کردن.

القليل بالقاف: فعيل بمعنى الفاعل من القلى بالكسر من باب ضرب؛ يعنى: اندك شدن، و جمعه قُلل بالضميتين؛ مثل: سرير و سُرُر؛ كقوله تعالى: «سُرُرٌ مَرْفُوعَةٌ»^۱.

النذر بفتح النون و سكون الذال المنقوطة و بالراء المهملة: اندك، و المصدر منه: النذارة بالفتح من باب كرم؛ يعنى: اندك شدن.

اليسير بالياء بنقطتين تحتها و بالسین المهملة على وزن السبيل: اندك و آسانی.

الحساب بكسر الحاء و بالسین المهملتين: شمار، و مصدر أيضاً من باب نصر؛ يعنى: شمردن.

قطاب: جيب و سراويل: ازار و خُفّ: موزه

عتاد: سازره و جسر: پل، زمام: مهار

القطاب بكسر القاف و بالطاء المهملة و الباء بنقطة: سوراخ جامه كه سر از آنجا بدر كنند، و جيب عبارت از آن است پيش شيخ.

السراويل بفتح السین و بالراء المهملتين: ازار پای، و يساوى فيه المذکر و المؤنث، و الجمع السراويلات، و قال سيبويه: هو لفظ عَجَمِيٌّ مُفْرَدٌ مُعْرَبٌ^۲.

الخُفّ بضمّ الخاء المنقوطة و تشديد الفاء: مُوزَه و جمعه: خُفّاف، و بالكسر: سبک.

العتاد بفتح العين المهملة و بالتاء^۳ بنقطتين فوقها و الدال المهملة: ساختگی راه و قدح بزرگ.

الجسر بكسر الجيم و سكون السین و بالراء المهملة: پلی كه بر آنجا گذرند، و كذا بالفتح، و جمعه الجسور، و بالفتح أيضاً: اشتر بزرگ.

الزمام بكسر الراء المنقوطة: مُهّار، و جمعه: أزمّة، و دوال نعلين كه بر پشت پای آید از درازى هم زمام گویند.

مدینه و بلد و مصر: شهر و سور و ربض

چنانکه معركة لشکرگه است و حصن: حصار

المدینه بفتح الميم و كسر الدال المهملة: شهرستان، و قال بعض أهل اللّغة هي فعيلة من المدون من باب نصر بمعنى الإقامة، و جمعها المدائن بالهمزة، و قد جاء مُدن بالضميتين أو سكون الثانی، و قال البوقای هي

۱ الغاشية (۸۸): ۱۳.

۲ الصحاح: ج ۵، ص ۱۷۲۹، سرل.

۳ اصل: بالطاء.



مفعلة من دِنْتُ؛ أی: مَلَکْتُ، و جمعها علی هذا التقدير مداين بدون الهمزة^۱ و نام مدينة رسول - علیه السلام - نیز آمده است، و المنسوب إلى مدينة الرسول - علیه السلام - مدنی و المنسوب إلى غيرها مدینی^۲.
 البلد بفتح الباء بنقطة و فتح اللام و بالذال المهملة، و البلدة واحد البلاد و البُلدان، و المصدر منه البلود من باب نصر؛ یعنی: مقيم شدن. اما بلد شهر و نشان برتن و هر موضعی را از زمین گویند عام تر که معمور باشد یا نه و مسكون باشد یا نه.

المصر بكسر الميم و سکون الصاد و بالراء المهملتين: شهری است بر لب دریای نیل، و جمعه الأمصار، و يساوی فيه المذکر و المؤنث، و يقال للكوفة و البصرة مصران، و حدی که مانع باشد میان دو چیز نیز مصر گویند.

السور بضم السين المهملة و سکون الواو و بالراء المهملة: باره، و جمعه أسوار و سیران، و قد جاء جمع سورة أيضاً؛ مثل: بُسر و بُسرة، و السور بالفتح عَلمٌ بغلٍ من البغال.
الريض بفتح الراء المهملة و الباء المنقوطة بنقطة و بالصاد المنقوطة: دیوار گرد بر گرد شهر.
المعركة بفتح الميم و سکون العين المهملة و فتح الراء المهملة: جای جنگ.
الحصن بكسر الحاء المهملة و سکون الصاد المهملة: جای محکم و علمٌ رجلٍ أيضاً، و بضم الحاء: عَفَّت و پارسایی.

صحيفه: نامه، قلم: خامه دان و سکين: کارد

خياط و مخيط: سوزن چو خُرت و سم: سوفار

الصحيفة بالصاد و الحاء المهملتين و بالفاء فعيلة بمعنى المفعول؛ أی: المصحوف و المكتوب، و جمعها الصُحف و الصحف^۳.

القلم بفتح القاف و اللام: آلت کتابت، و شيخ خامه گفته و خامه نبات سبز تازه را گویند، و القلم أيضاً دو کارد را گویند و تیزی که بدان قسمت میکردند در جاهلیت، و جمعه أقلام.

السکين بكسر السين المهملة و تشديد الكاف على وزن الفعيل: کارد، إتما سُمي السکين سَكِيناً لأنَّ حركته تُسَكِّنُ حركة المذبح فتكون مُسَكِّناً كالشَّير و الفسِّيق.

۱ . الصحاح: ج ۶، ص ۲۲۰۱، مدن .

۲ . و إذا نسبت إلى مَدِينَةِ الرسول صلى الله عليه و سلم قلت مَدَنِيٌّ، و إلى مَدِينَةِ المنصور مَدِينِيٌّ، و إلى مَدَائِنِ كسرى مَدَائِنِيٌّ، للفرق بين النسب، لنألاً يختلط. الصحاح: ج ۶، ص ۲۲۰۱، مدن.

۳ . ن: + نامه.

الخياط بكسر الخاء المنقوطة و بالياء بنقطتين تحتها و بالطاء المهملة و المخيط بكسر الأول و فتح الثالث: سوزن؛ كقوله تعالى: «حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ»^١ و الخرت بضمّ الخاء المنقوطة و سكون الرّاء المهملة و بالتاء الفوقانية: سوراخ سوزن و سوراخ تير و مثل آن.

السّم بفتح السين المهملة و تشديد الميم كما ذكّر في الآية: سوراخ سوزن و زهر، و بالضمّ أيضاً: زهر، و بتخفيف الميم مع الضّمّ الأول أو فتحها اسم.

لبيب: عاقل و غمر و غَيِّ و غافل: گول

شقيق: دادر و رداء و رفيق و صاحب: يار

اللبيب: عاقل و مقيم، و جمعه: ألباء، و كذا كلّ فعيل جمع على أفعلاء.

الغمر بضمّ الغين المنقوطة و سكون الميم و بالرّاء المهملة أو ضمّها: كسى بيّتجره،^٢ و بفتح الأولى و سكون الثّاني: آب بسيار، و يقال قد غَمَرَه الماء إذا علاه^٣ من باب نصر، و اسب بسيار زورا نيز غمر گویند، و جمع الأخير غمار و غمور، و الغمر بكسر الأول و سكون الثّاني: تشنگی و حسد و كينه.

الغَبِيّ بالغين المنقوطة و بالباء بنقطة فعيل بمعنى الفاعل من الغباوة، و بالفتح من باب علم؛ يعنى: كم فكر شدن، و الغافل اسم فاعل من الغفلة و الغفول من باب نصر.

الشقيق بالثّين المنقوطة و بالقافين فعيل بمعنى المفعول من الشّق بالفتح من باب نصر؛ يعنى: شكافتن، و برادر را شقيق گویند همانا^٤ هر دو برادر یکی بود هاند به دو شقّ شده اند.

الرّداء بكسر الرّاء و سكون الدال المهملتين و بالهمزة: يار؛ كقوله تعالى: «أَرْسَلُهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي»^٥.

الرّفیق بالرّاء المهملة و الفاء و القاف فعيل بمعنى الفاعل، الرفق بالكسر و السّكون أو الفتح.

و المرفق بفتح الأول و كسر الثالث من باب نصر؛ يعنى چرب نرمی^٦ و یاری کردن.

الصّاحب اسم فاعل من الصحبة و الصحابة من باب علم؛ يعنى: اختلاط کردن و جمع شدن.

١ . اعراف (٧): ٤٠.

٢ . حاشیه اصل به نقل از صحاح: و رجلٌ غُمِرٌ: لم يجرب الأمور، الصحاح: ج ٢، ص ٧٧٢، غمر.

٣ . الصحاح: ٢: ٧٧٢ غمر.

٤ . د: + كه.

٥ . قصص (٢٨): ٣٤.

٦ چرب نرمی: نرمی و ملايمت و حلم و نرم دلی و نزاکت و لطافت. فرهنگ نفیسی، علی اکبر (ناظم الاطباء) نفیسی

(١٢٦٣ - ١٣٢٣ ه.ق). با مقدمه به قلم محمدعلی فروغی، ج ٢، ص ١١٦٤.

حدیقه: باغ و خشب: چوب و خوخ: شفتالو

سفرجل: آبی و تفّاح: سیب و رمان: نار

الحدیقه بفتح الحاء و كسر الدال المهملتين و بالقاف على وزن الفعيل: روضه؛ یعنی: بستان با درخت، و جمعها: الحدائق؛ كقوله تعالى: «وَ حَدَائِقَ عُلْبًا»^۱.

الخُشْب بفتح الخاء المنقوطة و فتح الشين المعجمة و بالباء بنقطة: چوب، و الواحد خشبة، و جمعه: الخُشْب بالضمّتين و الخشبان بالكسر^۲ و السكون،^۳ و الخِشْب بالكسر و السكون: شتر مرغ درشت و هر چیزی که درشت باشد.

الخوخ بالخائين المنقوطين و الأولى مفتوحة و سكون الواو جمع خوخة؛ یعنی: شفتالو و كوة دیوار که روشنی دهد.

السفرجل بفتح السين المهملة و الفاء و سكون الرّاء المهملة و فتح الجيم: بهی و آبی نیز گویند به زبان اهل ماوانهر، و جمعه: السّفارج، و يجوز السفاجل أيضاً، و كذا كلّ خماسی.

التّفّاح بضمّ التاء الفوقائیة و تشدید الفاء و بالحاء المهملة: جمع تفاحه؛ یعنی: سیب.

الرّمان بضمّ الرّاء المهملة و تشدید الميم جمع رمانة؛ یعنی: نار. قال سيبويه لا يوجد أصل لهذا فيعتبر الألف و النون فيه زانديتين بحمله على أكثر أوزانه، و قال الأخفش نونه أصليّة^۴. الرّمان بالفتح: جبل.

عقار و قهوة و راح و مدام و قرقف: می

کمی: دلاور و فارس: سوار و صید: شکار

العقار بضمّ العين المهملة و القاف و بالرّاء المهملة: می و جامه سرخ، و بالفتح: درخت خرما و خانه پرمتاع و آب و زمين.

القهوة بفتح القاف و سكون الهاء: می.

الراح بالرّاء و الحاء المهملتين: می و شادمانی.

المدام بالدال المهملة على وزن اسم المفعول من الإفعال من الإدامة، لآنها أديمت في الدنّ و المدامة أيضاً كذلك؛ یعنی: می.

۱ عبس (۸۰): ۳۰.

۲ ن: - الخشاب بالكسر.

بدان که خشاب جمع خشبه است.
۳ فيه نظر.

۴ الصحاح: ج ۵: ص ۲۱۲۷ «رم ن».

القرقف بفتح القافین و سکون الرّاء المهملة و بالفاء: می.

الکمیّ فعیل بمعنی فاعل من الّکمی بالفتح و السکون من باب ضرب؛ یعنی: گواهی پوشیدن، چون کسی که گواهی پوشد دلاور باشد او را کمی گویند.

الفارس بالفاء و الرّاء و السّین المهملتین: سوار، و جمعه فوارس علی خلاف القیاس لأنّ الفواعل جمع فاعلة لا فاعل.^۱

الصید بفتح الصّاد المهملة و سکون الیاء التحتانیة و بالذال المهملة: شکار، و يجوز أن يكون مصدرًا؛ یعنی: شکار کردن، و شیخ ضرورت را شکار گفت و بس، و یحتمل أن يكون الصید بمعنی المصید، پس از شکار مراد شکاری باشد.

أحد: یکی، عَشْرَة: ده، مائة: صد، إثنان دو
ثلاثة، خمسة: سه و پنج، اربعة است: چهار
و لیک ستّة و سبعة، ثمانية، تسعة
شش است و هفت و دگر هشت و نه چو ألف: هزار

الأحد بالفتحتین: اول عدد، و کذا الواحد، و المؤنث إحدى، و قال الکسائی: لو أدخلت الألف و اللام فی العدد فأدخلهما فی کلّ العدد؛ كما تقول الأحد العشر الألف درهم، خلافاً للبصریین فإنهم قالوا لا یدخلان إلا فی الأول^۲ كما تقول ما فعلت الأحد عشر درهم. و یوم أحد گویند یکشنبه را، و جمع این را آحاد آرند، و واحد نیز گویند کسی را که به او خطاب توان کرد، و المذکّر و المؤنث فیہ سواء، و الواحد و الجمع مساوٍ فیہ؛ نظیر المؤنث قوله تعالی: «لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ»^۳ و نظیر الجمع قوله تعالی: «فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ»^۴. الأحد بالضمّین: کوه مدینه.

العشرة بالفتحات: ده. بدانکه از ثلاثة تا عشرة از برای مذکر تاء آرند و از برای مؤنث نیارند؛ مثل: ثلاثة رجال و أربعة رجال إلى عشرة رجال، و ثلاث نسوة و أربع نسوة إلى عشر نسوة. اما عشرون جمع عشرة نیست بلکه اسمی است موضوع از برای عدد بیست لکن مشابه جمع است، از آن جهت نون او را در اضافت

۱ برای گفته جوهری در این باره بنگرید به الصحاح: ج ۳، ص ۹۵۷، «ف ر س».

۲ الصحاح: ج ۲، ص ۴۴۰، «أ ح د».

۳ احزاب (۳۳): ۳۲.

۴ الحاقه (۶۹): ۴۷.





میاندازند، و يقال: عشروک. هر چگاه^۱ که آحاد بر عَشْرَة ضمّ کنی از برای مؤنث علامت تأنیث آری و از برای مذکر نیاری؛ تقول: أحد عشر رجلاً و إحدى عشرة امرأة إلى تسع عشر رجلاً و تسعة عشر امرأة، و قال بعض العرب نسکن الشین من عشرة أو نکسرھا من أحد عشر إلى تسعة عشر لتوالی الفتحاح إلا فی اثنی عشر لعدم العلة.^۲ العشر بالفتحین: درخت صمغ، و بکسر العین و سکون الشّین: پاره قلع، و بضمّ العین ده یک، و مصدر من باب ضرب؛ یعنی: ده کردن، و باقی لغات ظاهر است.

الألف بفتح الهمزة و سکون اللّام: هزار، و هو مذکر؛ فیقال: ألف واحد، و جمعه الآلاف و الألوف، و مصدر أيضاً من باب ضرب؛ یعنی: هزار دادن. الإلف بالكسر و الإلفة مصدران من باب علم؛ یعنی: دوست گرفتن.

غَرَب: بده است و صنوبر، خلاف: ناژو و بید

چو نخل: خرما و فرصاد: توت و ذُلب: چنار

الغَرَب بفتح العین المعجمة و فتح الرّاء المهملة و الباء بنقطة: درخت سفیدار، کذا فی الصحاح^۳ أمّا شیخ بده گفته است.^۴ الغرب بالفتحین و أعجم العین: خمر و آبی که از دلو میچکد و تیری که رامی او را نداند، و بسکون الثانی تیزی شمشیر و حدّ چیزی و دلو بزرگ و جای فروشدن آفتاب و مسیل الدمع و اسب بسیار جه.^۵ الصنوبر بفتح الصّاد المهملة و فتح النون و سکون الواو و فتح الباء بنقطة و بالرّاء المهملة: ثمره الأرزة، و الأرزة ناژو را گویند، اما عرف شده که درخت را صنوبر میگویند.

الخلاف بکسر الخاء المنقوطة: درخت بید، و الواحدة خلافة، و یقال فلان علی خلاف القوم؛ أي: خالفهم، و مصدر أيضاً من المفاعلة، آستین پیراهن. و النخل بفتح النون و سکون الخاء المعجمة: خرما بن الواحدة نخلة.

الفرصاد بکسر الفاء و سکون الرّاء و بالصّاد المهملتین و الدال المهملة: خرتوت، کذا فی التاجین، أمّا در صحاح توت سرخ گفته.^۶

۱ هرگاه، هر وقت که.

۲ الصحاح: ج ۲، ص ۷۴۶، «ع ش ر».

۳ الصحاح: ج ۱، ص ۱۹۴ «غ ر ب».

۴ بده بفتح باء و بروایت دیگر پته به پی به سه نقطه و تاء به دو نقطه درختی باشد که هیچ بار نیارد. رودکی گفت: از مهر او بدارم پیچنده کام و لب / تا سر و سبز باشد و بار آورد بده. صحاح الفرس، محمّد بن هندوشاه نخجوانی (ق ۸)، به اهتمام عبدالعلی طاعتی، ص ۲۶۴.

۵ جه: جهنده. نگر لغت‌نامه دهخدا. در نسخه بدل اصل آمده: بسیارو.

۶ الصحاح: ج ۲، ص ۵۱۹.

الدُّلْبُ بضمّ الدال المهملة وباللام الساكنة وبالباء بنقطة: چنار، و الواحدة دُلْبَةٌ.

القطعة الخامسة

قريب و ركن و حميم است: خویش و این : پسر

وليد و طفل: بيچه، أم و والده : مادر

بحر این قطعه موافق ما قبل است.

القريب بالقاف و الرّاء المهملة و بالباء بنقطة: فعيل بمعنى الفاعل من القرب بالضمّ و السكون، و القربان بالكسر و السكون من باب كرم؛ يعنى: نزدیک شدن، و خویش چون به خویش نزدیک شونده است قريب گویند؛ و قال الفرّاء لو كان القريب بمعنى المسافة فيساوى فيه التذكير و التأنيث؛ كقوله تعالى: «إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ»^۱ و لو كان بمعنى الأول فلا بدّ من إتيان التاء للمؤنث كما تقول: هذه المرأة قريبتى.^۲

الرّكن بضمّ الرّاء المهملة و سكون الكاف: جانب قوى چیزى، و المصدر منه الركون بالضمّ من باب علم؛ يعنى: ميل کردن، و خویش را ركن گویند چون جانب قوى است و مايل.

الحميم بالحاء المهملة فعيل بمعنى الفاعل من الحّمّ بالفتح من باب نصر؛ يعنى: قصد کردن و گرم کردن آب و قضا کردن و گداختن دُنبه، اما خویش را حميم گویند چون قاصد مهمّ خود میباشد و گرم است در آن، حميم گویند نیز بارانى را که در گرما آید و آب گرم و عرق را.

الإبن بكسر الهمزة و سكون الباء بنقطة: پسر، و الأصل بنو بالفتحتين لأنّ مؤنثه بنت و هذه التاء؛ أى: التاء التى لا تصير فى الوقف هاءً لا يلحق إلا فى مؤنث حذف من مذكّره الواو، كالأخت، و جمعه البنون و الأبناء و تصغيره: بُنْيٌ؛ كقوله تعالى: «يَا بُنَيَّ أَزْكَبَ مَعَنَا».^۳

الوليد فعيل بمعنى المولود من الولادة و الولادة بالكسر من باب ضرب؛ يعنى: زايیدن، و يقال للعبد وليد و للأمة وليدة، و جمع الوليد ولدان و ولدة؛ كقوله تعالى: «وَالْوَالِدَانَ الَّذِينَ يَقُولُونَ»^۴

۱ اعراف (۷): ۵۶.

۲ الصحاح: ج ۱، ص ۱۹۸، «ق ر ب»، صراح: ج ۱: ص ۸۵، «ق ر ب».

۳ هود (۱۱): ۴۲.

۴ نساء (۴): ۷۵، در تمام نسخ و الوالدان الذين لم يظهروا أمهه است لكن اقرب آيات لفظاً به آن، همان مذکور در متن است.





الطفل بكسر الطاء المهملة وسكون الفاء: ولد هر چیزی، و جمعه الأطفال، و قد يستعمل الطفل جمعاً؛ كقوله تعالى: أو الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا^۱ و اصل لغت طفل پس روست و تابع، و من هذا الطفيل. الطِّفْلِ بالفتح و السكون^۲: الناعم؛ يقال جارية طِفْلٌ؛ أي: ناعمة، و بالفتحتين: باران. **الأم** بضمّ الهمزة و تشديد الميم: أصل الشيء، و مادر را نیز گویند، و تصغیره أميمة و جمعه أمهات، و المصدر منه الأمومة مضاعف مهموز الفاء من باب نصر؛ یعنی: مادر گشتن، و الأم فی الأصل أمهة، و قيل جمع الآدمی أمهات و جمع البهائم أمات.

الوالدة قد علمت فی بیان الولد، و جمعها الوالدات؛ كقوله تعالى: وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ^۳.

رحم قرابت و زهدان بود، ختن داماد

چنانکه صهر خُسر، والد و أب است: پدر

الرحم بفتح الزاء و كسر الحاء المهملتين: خویش و زهدان، و بالكسر و السكون أيضاً: خویش.

الختن بفتح الخاء المنقوطة و التاء الفوقانية: داماد، و هو زوج فتاة القوم، و هر كه از قبل زوج فتاة باشد^۴ از مرد و زن، و جمعه أختان، و أم المرأة و أبوها ختنان للزوج، و يقال للمرأة ختنة. الختنان بالكسر ختنه و جای ختنه کردن از مرد و زن.

الصهر بكسر الصاد المهملة و سكون الهاء و بالراء المهملة: خسر مرد و داماد.^۵

الوالد: پدر.

الأب: پدر، و فی الأصل أبو و جمعه الآباء و المصدر منه الأبوة بالضمّتين، و هی ناقص مهموز الفاء من باب نصر؛ یعنی: پدر شدن، و يجوز أن يكون من الأب بالفتح و السكون، أو من الإباوة بالكسر من باب نصر؛ یعنی: پدر پروردن.^۶

زکی است: پاک و حفی: مهربان، خفی: پنهان

جلّی: پدید و نبی و رسول: پیغامبر

۱ نور (۲۴): ۳۱.

۲ ق ۱: + الفاء.

۳ بقره (۲): ۲۳۳.

۴ ن: کسی را گویند داماد.

۵ ن: یعنی پدر زن و پدر شوی.

۶ تاج المصادر: ج ۱، ص ۱۰۷.

الزكّی بالزّاء المنقوطة فعیل بمعنی الفاعل من الزکاء بالفتح من باب نصر؛ یعنی: بالیدن کشت و زیادت شدن و به ناز زیستن و به صلاح آمدن.^۱ معنی اخیر مناسب آن است که شیخ گفته؛ یعنی: پاکیزه از گناه چون به صلاح میزید.

الحفّیّ بالحاء المهملة و بالفاء فعیل بمعنی الفاعل من الحفی بالفتح و السکون من باب ضرب؛ یعنی: مبالغه کردن، و در اسماء حفاوة آمده است به معنی مهربانی، و لکن حفی به این معنی یافته نشده،^۲ اما حفی عالم را گویند که تعلّم میکند به استقصاء تمام؛ کقولہ تعالی: یَسْأَلُونَكَ کَانَكَ حَفِیِّ عَنهَا؛^۳ أى: عالم مبالغ فی السؤال.

الخفّی بالخاء المنقوطة و الفاء فعیل بمعنی المفعول من الخفی بالفتح و السکون؛ یعنی: آشکار کردن و نهان کردن.

الجلّیّ بالجیم فعیل بمعنی الفاعل من الجلاء بالفتح و هو ناقص و اوی من باب نصر؛ یعنی: ظاهر شدن و از خان و مان بدر شدن.^۴

النّبئی فعیل بمعنی الفاعل من النبأ و النبوء من باب فتح؛ یعنی: از جای به جای شدن^۵ چون حضرت مصطفی - علیه السلام - از مکّه آمد به مدینه او را نبیء گفتند،^۶ أو یكون من^۷ هذا المصدر و النبوة بمعنی خبر کردن^۸ و چون مخبر صادق بود از حضرت عزّت - جلّ - و علا^۹ - نبی گفتندش، و علی کلا التقديرین مهموز اللام و تصغیره نُبئی مثل نُبیّ، أو یكون من النبوة بالفتح و السکون، و النبوة بالفتح بمعنی المفعول

مبشر

ریاض القیام (گزیده)



۱ تاج المصادر: ج ۱، ص ۹۹.

۲ حفا به مهربانی کرد بوی، رحمت کرد بوی؛ یُحْفُو حَفْوًا و حَفِیّ به مترادف، یُحْفِی حَفَايَةً و حَفَاوَةً و حَفِیًّا و هو حَفِیّ به مهربان باو. رَاحِمٌ به و معنی کَانَكَ حَفِیّ عَنهَا: عالم بها. مقدمة الأدب، محمود بن عمر الزمخشری، ص ۱۵۰.

۳ اعراف (۷): ۱۸۷.

۴ تاج المصادر: ج ۱، ص ۹۹.

۵ تاج المصادر: ج ۱، ص ۲۴۶.

۶ ن: صلی. د: صلی الله علیه و آله.

۷ عبارت صاحب صحاح این است: و هذا المعنی أرادہ الأعرابی بقولہ: «یا نَبِیَّ اللّٰه»، أى: یا من خرج من مکة إلى المدينة، فأنکر علیہ الهمز. مجلس و ابن منظور در اینباره نوشته اند: لأنه لیس من لغة قریش، بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۲۹؛ لسان العرب ج ۱، ص ۱۶۴، «ن ب ء».

۸ ق ۱: - من.

۹ تاج المصادر: ج ۱، ص ۹۹.

۱۰ اصل: - عزّت - جلّ، + عزّ.

۱۱ ن: عزّ و جلّ.



ناقص واوی من باب نصر؛ یعنی: مرتفع شدن و از زمین برخاستن، چون او را برکشیدن بر سر مخلوقات نبی گفتندش.^۱

الرّسول فعول بمعنی المفعول، و المرسل بمعناه، و جمعه رسل بالضمّتين أو سکون الثانی، و المذکر و المؤنث و المفرد و الجمع سواء فيه؛ کقوله تعالی: **إِنَّا رَسُوْلُ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ**^۲ و الرّسول أخصّ من النّبیّ مطلقاً، لأنّ الرّسول هو الذی یأتی بالکتاب و النّبیّ أعمّ منه.

ملک: فرشته، فلک: چرخ و مشتری: برجیس

شهاب و کوکب و درّی و نجم چه: أختـر

الملک بالفتحین واحد الملائکة، و فی الأصل مألک بسکون الهمزة من الألوک بالفتح؛ أی: الرّسالة،^۳ قدّم اللّام علی الهمزة فصار ملاکاً، ثمّ حذفت الهمزة فصار ملکاً، و إنّما سمّی الملک ملکاً لأنّ الملک یأتی بالألوک، فالملک یكون علی وزن المعل، و الملک بسکون اللّام مخفف الملک بکسر اللّام، و الملک مقصور المالک و الملیک، و جمعه الملوک.^۴

الفلک بالفتحین: چرخ فلک،^۵ و جمعه: الفلک بالضمّ و السکون مثل الأسد و الأسد، و الفلکة بالفتح و السکون: چرخ دوک ریسی.

البرجیس بکسر الباء بنقطة و سکون الرّاء المهملة و بالجیم و السین المهملة: مشتری و ناچهی مخصوصه. الشّهاب بکسر الشین المنقوطة: یکی از هفت ستاره، هر کدام که باشد شهاب توان گفت، و آنچه شب رود چون آتشی، و آتشی که بر سر چوب باشد، و جمعه الشّهب بالضمّتين و شهبان.

الکوکب: ستاره و نقطه‌ی سفید که بر سیاهی چشم باشد و گروه سواران و جماعتی مردمان و لشکر و مسمار و آسان و سنگ ریزه که مخالف رنگ زمین باشد و جای بازداشتن، و کوکب الشیء: معظمه.

الدّرّی بضمّ الدال المهملة أو کسرهما و تشدید الرّاء المهملة المكسورة و بتشدید الباء: ستاره بزرگ رخشان، و هو فعّیل مهموز اللّام من الدرء بالفتح و السکون من باب فتح بمعنی الدفّع، و چون به شب روشنی و صفا و دفع کدورت و ظلمت میکند دُرّی گویند، و یحتمل أن یكون منسوباً إلى الدّر.^۶

۱ الصحاح: ج ۴، ص ۲۵۰۰، «ن ب ی».

۲ شعراء (۲۶): ۱۶.

۳ الصحاح: ج ۴، ص ۱۵۷۵، «أل ک».

۴ الصحاح: ج ۴، ص ۱۶۱۰، «م ل».

۵ رودکی گوید: چرخ فلک هرگز پیدا نکرد / چون تو یکی سفله دون و ژکور.

۶ الصحاح: ج ۱، ص ۴۹.

النجم بفتح النون و سکون الجیم: ستاره و وقت و درخت بیساق، و جمعه: النجوم و الأنجم، و ما كان بالألف و اللّام علمٌ للثریّا و لا ینفک عنه الألف و اللّام، فیقال: النجم.

فلق : سپیده ، شفق : روشنیِ اَوّل شب

ربیبة : دختر زن، بنت و بنه دان دختر

الفلق بالفاء المفتوحة و اللّام المفتوحة و القاف: صبح و زمین هموار در میان دو توده، و جمعه: الفلّقان، و الفلّق بالفتح و السکون: میان دهن، و بالكسر و السکون: کمان چوبین و کارد بزرگ. الشفق بالفتحین: بقیه‌ی روشنی آفتاب که از غروب آفتاب باشد تا وقت نماز خفتن و فرومایه و شَفَقَت و جامه که اندک سرخی داشته باشد.

الربیبة : دختر زن مرد که از این مرد نباشد، و از برای پسر ربیب آید، و هی فعیلة بمعنی المفعول؛ ای: المریوبة من الرّبّ بالفتح من باب نصر؛ یعنی: پروردن^۱ و جمعها: الربائب؛ کقوله تعالی: رَبَّائِكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ^۲ و گوسفند پروراری را نیز ربیبة گویند.^۳

البنات و الإبنة: دختر، و سبق بحثه فی بحث الإبن

حمل: بره و بقر و ثور: گاو و عجل: بچش

مرارة: زهرة، طحال و کبد: سپرز و جگر

الحَمَل بالفتحین و الحاء المهملة: بره، و جمعه: الحُمَْلان، و اَوّل برج از بروج آسمان را حمل گویند. البقر اسم جنس، و البقرة یقع علی الذکر و الأُنثی و الجمع البقرات.^۴ الثور بفتح الثاء بثلاث نقط و سکون الواو و الراء المهملة: گاو، و الأُنثی: ثور؛ و غبار را نیز ثورۃ گویند، و جمع الثور: الثَوْرَة بالفتحات^۵ و الثیّرة بالكسر و الثیران.

العجل بکسر العین المهملة و سکون الجیم: گوساله، و قبيلة من الربیعة،^۶ و الأُنثی عجلة، و العجول بکسر الأَوّل و تشدید الجیم و سکون الواو: گوساله، و جمعه العجاجیل.

۱ تاج المصادر: ج ۱، ص ۵۵.

۲ نساء (۴): ۲۳.

۳ در صحاح چنین گفته: الرَّبِیْبَةُ أیضاً: واحدة الرَّبَائِبِ مِنَ الْعَمَمِ، التي یربّیها الناس فی البیوت لألبانها. الصحاح: ج ۱: ص ۱۳۱.

۴ اساس: - اسم جنس، و البقرة یقع علی الذکر و الأُنثی و الجمع البقرات.

۵ در صحاح چنین گفته: الجمع ثَوْرَةٌ مثل عود و عود. الصحاح: ج ۲، ص ۶۰۶.

۶ الصحاح: ج ۵، ص ۱۷۵۹. نیز معجم قبائل العرب القديمة و الحديثة، عمررضا کحّالة، ج ۲، ص ۴۲۳؛ نهاية الأرب فی معرفة أنساب العرب: ص ۷۱، نهاية الأرب فی فنون الأدب: ج ۲، ص ۳۳۲.

المرارة بفتح الميم و بالزائين المهملتين: زهره، و ضدّ الحلاوة.

الطّحال بكسر الطاء و بالحاء المهملتين: سُپُرز.

الكبد بالكسر أو الفتح و كسر الباء بنقطة و بالذال المهملة: جگر، و كذا بفتح الأوّل و سكون الثاني، و

جمعه: الأكباد.

بعيد: دور و ورا: پس، أمام: پیش و وسط

میانہ: وسط میان و تحت زیر و فوق زبر

البعيد فعيل بمعنى الفاعل من باب كرم؛ يعنى: دور شدن، و جمعه البعدان، مثل رغيف و رغفان، و يساوى فيه المذكّر و المؤنث و الواحد و الجمع.

الوراء بفتح الواو و بالراء المهملة و المدّ: پیش و پس و فرزند. و الأمام بالفتحة: پیش، و بالكسر پیش

نماز و راهی که در زمین پیدا شود، و جمعه: الأيمّة و الأئمة؛ مثل الأجنحة، و الأمة بالضمّ اسم امرأة.

الوسط بالفتحتين: عدل از هر چیزی؛ كقوله تعالى: وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا و میان نيك و بد و

میانهای راست از چیزی.

الوسط بالسكون: میان، عام تر که میان راست باشد یا نه.

التحت: زیر.

الفوق بالفاء المفتوحة و سكون الواو: أعلى الشىء و أسفله أيضاً؛ كقوله تعالى: أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعْوَضُهُ

فَمَا فَوْقَهَا،^۱ و تحتمل المعنيين، و بالضمّ و السكون: سوار نیز، و جمعه: الأفواق و الفوق و الفُقّى.

عَلاة سندان، فُطَيْس بُتک، و مَنفَخ دم

قَدوم و مَنحَت: تیشه، خَصِين و فأس: تبر

العلاة بفتح العين المهملة و بالتاء المدوّرة: سندان، و فى الأصل علوة بالفتحتين، و جمعه: العلا بالفتح و

القصر. و^۲ الفُطَيْس بكسر الفاء و تشديد الطاء المهملة المكسورة و سكون الياء التحتانية و بالسین المهملة:

بتک، و هو فعيل مثل الفُسيق و الشّرير.

المنفخ بكسر الميم و سكون النون و فتح الفاء و بالخاء المنقوطة: آلت دم كردن، و كذا المنفاخ، و هما

المفعل و المفعال من النفخ من باب نصر.

۱ البقره (۲): ۱۴۳.

۲ النساء (۴): ۱۵۴.

۳ همه نسخ غير از اصل: - و.

الْقُدُومُ بفتح القاف و تخفيف الدال المهملة: تيشه، و جمعه الْقُدُومُ بِالضَّمَّتَيْنِ و القَدَائِمُ، مثل: الصحف و الصحائف، و بتشديد الدال إسم موضع.

الْمِنْحَتْ بِكسر الميم و سكون النون و فتح الحاء المهملة و بالتاء بنقطتين: آلت تراشیدن، و كذا المنحات، و در لغت رنده گفتهاند^۱ هر چند که شیخ تیشه گفته، و هما مفعول و مفعول من النحت من باب ضرب و فتح؛ یعنی: تراشیدن.

الْخَصِينُ بفتح الخاء المعجمه و كسر الصاد المهملة: تبر یک سر.

الْفَأْسُ بفتح الفاء و سكون الهمزة و بالسین المهملة: مطلق تبر، و جمعه: الْفُؤُوسُ مثل البحر و البحور، و فَأْسُ اللجَامِ گویند پایژهی لگام را.

سوار: دست برنجن چو پای را: خَلْخَالُ

وشاح: عقد و حمايل، رعاث و تاج افسر

السُّوَارُ بِكسر السین المهملة: دست برنجن، و جمعه: أَسْوَرَةٌ و أَسَاوِرٌ؛ كقوله تعالى: يُحَلِّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ،^۲ و بفتح السین سبکساری که از^۳ شادی یا از^۴ خشم باشد.

الْخَلْخَالُ بفتح الخائین المنقوطين و سكون اللام: پای برنجن، و جمعه: الخالخال، و الخلخال أيضاً: پای برنجن.

الْوَشَاحُ و الإِشَاحُ بِكسر الأوّل فيهما أو الضمّ و بالشين المنقوطة و بالحاء المهملة: گردنبند، و جمعه: الوُشُحُ و الأَوْشِحَةُ.^۵

العقد بِكسر العين المهملة و سكون القاف و بالدال المهملة: گردن بند زنان، و بالفتح: كِرِهٍ و طاق جامه و پیمان و نام ده، و جمع الأخير: أعقد.

الرِعاثُ بِكسر الراء و بالعين المهملتين و بالتاء بثلاث نقط القرطه،^۶ یعنی: گوشواره.^۷

۱ ن: زنده است.

۲ كهف (۱۸): ۳۱، حج (۲۲): ۲۳، فاطر (۳۵): ۳۳.

۳ ن: در.

۴ ن: -از.

۵ اصل: الوشیح و الأشحة و متن مطابق صحاح است. الصحاح: ج ۱، ص ۴۱۵، وشح.

۶ ن: القرطم.

۷ د: + و.



التاج و الإكليل: افسر، و شيخ رعاث را نیز گفته است، و چنین در لغت نیامده.^۱

بدی: نخستین، ثانی: دوم، اخیر: پسین

بود نقصض أولى أخرى و آخر است: دگر

البدیّ بالباء المفتوحة بنقطة و بالدال المهملة فعيل^۲ مهموز اللّام: نخستین و کار عجیب و چاهی که نوکنده باشند.

الثانی بالثاء بثلاث نقط اسم فاعل من الثنی بالفتح و السكون من باب ضرب؛ یعنی: دوم شدن و دو تا کردن و باز داشتن و برداشتن و باز گردانیدن.^۳

الآخر: فعيل بمعنی الفاعل و الأخری تأنیث الآخر، مثل الأولى و الأول، و او مستلزم نقيض أولى است نه^۴ نقيض أولى چنانچه شیخ گفته است، و الآخر بمدّ الهمزة و فتح الخاء المعجمة: دیگر.

از آنجا که این مقاله گنجایش بیش از این در ارائه متن ریاض الفتیان ندارد و برای خواننده همین مقدار کیفیت این شرح را در بخش اصلی نصاب که شرح لغات است آشکار می‌کند، از نقل ادامه شرح قطعاً پنجم صرف نظر می‌کنیم و به بخش‌های میانی کتاب می‌رویم و قدری از شرح قطعۀ دوازدهم را نیز درج می‌نماییم.

القطعة الثانية عشر^۵

قرم و غطريف و حلاحل: سيد و رأس و همام

مهتر است و دست صدر و شیء چیز و اسم: نام

بحر هذه القطعة و قطعۀ «جید: گردن» متحدانند.

۱ ق ۱ و ۲: + است. لازم به ذکر است که رعاث در کنز اللغات به معنی تاج سر آمده است؛ کنز اللغات، محمد بن عبد الخالق بن معروف (د ۸۸۰ ه. ق.)، تصحیح سید رضا علوی نصر، ج ۱، ص ۶۵۴؛ نیز در ترجمان اللغة و منتهی الأرب نیز به معنی تاج خروس آمده است؛ شرح قاموس [ترجمان اللغة]، محمدیحیی بن محمدشفیع قزوینی (قرن ۱۲). تهران، کارخانه آقا میرزا باقر راضی، به سعی و اهتمام عبدالله منشی طبری، به خط علی اصغر بن عبدالجبار اصفهانی و کلبعلی بن عباس افشار قزوینی، ۱۲۷۳: ص ۱۳۷؛ منتهی الأرب، ج ۲، ص ۴۵۸. نیز باید دانست که رعاث جمع رعثة میباشد.

۲ د: فعيلة.

۳ تاج المصادر: ج ۱، ص ۱۹۴.

۴ د و ن: بی.

۵ لازم به ذکر است که در نصاب الصبيان این قطعۀ ذیل شماره سیزدهم مندرج است.

القَرَم بفتح القاف و سكون الزاء المهملة: سيّد و مهتر، و كذا المُقَرَم على وزن اسم المفعول من الإقرام.
 الغطريف بكسر الغين المعجمة و سكون الطاء و كسر الزاء المهملتين: مهتر و جوانمرد و بجهّاز.
 الحلالحل بالحائنين المهملتين الأولى مضمومة و الثانية مكسورة: مهتر.
 السيّد على وزن الفعيل نعت عن المصدر السيّادة و السُودد و السيّدوذة من باب نصر؛^١ أي: ساد، يسود،
 فهو سيّد، و جمع السيّد سادة كأنهم جمعوا السائد مثل قادة و قائد، و قال أهل البصرة: العرب جمعت السيّد
 و الجيّد على السائد و الجاند على خلاف القياس، لأنّ جمع الفعيل الفياعل بدون الهزمة و السيّايد فياعل
 و لكن مقيدة بالهمزة.^٢

الرأس بفتح الراء المهملة و بالسین المهملة أيضاً: مهتر و سر قوم، مأخوذ من المصدر الرياسة من باب
 فتح؛ يعنى: مهتر شدن، و الرئيس أيضاً بمعنى الرأس.

الهامام بضّم الحاء: مهتر؛ يقال للملك العظيم: الهمام، و معنى قول شيخ كه مهتر است و دست صدر
 این است كه به پارسی قومی مهتر میگویند و قومی دست و قومی صدر میگویند.

الشیء چیزى است كه محتاج به تعريف نباشد، و جمعه الأشياء.

الإسم على وزن إفع بدليل مجىء جمعه أسماء و تصغيره سُمى، فُعْلِمَ أَنْ لَامَهُ محذوف، و قال بعض:
 أصله فِعْل و جمعه أسماء؛ مثل جذع و أجداع و فيه أربع لغات: إسم و سَمٌّ بالكسر و الضمّ فيهما، و لا يتأتى
 جمع جمع. و السُمى على وزن الفعيل: هم نام، كقوله تعالى: لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا^٣ چنانكه كَنِيَّة هم لقب
 را گویند، هر چند كه مناسب هم كنيه می نمود، لكن سماعى است.

تا اینجا کیفیت ریاض الفتیان در شرح ابیات راجعه به لغت - معنى هویدا گردید، در ادامه به ارائه آن
 بخش از این شرح كه ابیات محتوی بر اطلاعات عمومی و افزوده های راجع به اصطلاحات علوم را بیان
 می کند به عرصه نظر خوانندگان می آوریم.

١ تاج المصادر: ج ١، ص ٧٧.
 ٢ الصحاح: ج ٢، ص ٤٩١، «س و د».
 ٣ مریم (١٩): ٧.



القطعة الإحدى والعشرون في أسماء الشهور بلغة الروميين^١

دو تشرين و دو كانون و پس آنکه شباط، آزار و نیسان و ایار است
حزیران و تموز و آب و ایلول نکه دارش که از من یادگار است

این بحر را مسدس هزج محذوف خوانند. تقطیع: مفاعیلن مفاعیلن فعولن، دو تشرين؛ مفاعیلن، دو کانون؛ مفاعیلن، پس آن گه: فعولن. و زن علی هذا القیاس کل مصراع، و هذه القطعة فی بیان أسامی الشهور بلغة السریانیین، و هم مشهورون بالتبیطی و سگان سواد العراق.^٢

اما ایلول و تشرين اول و تشرين آخر عبارت از سه ماه مهرجان^٣ است، بترتیب الألفاظ؛ و کانون اول و کانون آخر و شباط سه ماه زمستان است، علی ترتیب الألفاظ؛ و آزار و نیسان و ایار سه ماه بهارند علی الترتیب. حزیران و تموز و آب سه ماه تابستان اند هم بترتیب الألفاظ.

القطعة الثانية والعشرون في تاريخ السنين بلغة الترك

موش و بقر و پلنگ و خرگوش شمار زین چهار چو بگذری نهنگ آید و مار
آن گاه به اسب و گوسفند است حساب حمدونه و مرغ و سگ و خوگ آخر کار

ین بحر رباعی است، کما مرّ فی قطعهی «بصم و عتب و رتب»^٤ و هذه القطعة فی بیان أسماء السنین بلغة الترك.

بدانکه ایشان دوازده برج را بدین دوازده نام که درین دو بیت گفته شده میخوانند، و تاریخ سال ایشان دوازده بیش نیست. هر سال را از این جانوران به نام برجی از این بروج که در نظم است میخوانند، به ترتیب که مذکور است. سال موش میگویند و سال گاو و سال بارس^٥ میگویند پلنگ را و علی هذا.

١ ح. اصل: بدان

ای گل که رویت چون بهار است / هزج بحر لطیف و آبدار است / مفاعیلن مفاعیلن فعولن / شهور روم این هشت و چهار است.

٢ ن: + و بدان که ماه ههای رومی بنایش بر حرکت آفتاب است و میان ایشان سال سیصد و شصت و پنج روز و ربعی است و در هر چهار سال یکروز بر آخر شباط افزایند و تشرين الاول که اول میان سال ایشان است در این سالها موافق نوزدهم دری میزان است.

٣ وقت خزان، پاییز.

٤ بحر هزج مثنیٰ اخرب مقبوض ازل.

٥ در نسخه اصل و ن برس آمده است لکن صحیح آن همین ضبط مذکور است و آن ضبط د است.

القطعة الثالثة والعشرون في أسامي الشهور بلغة الفرس

ز فروردین چو بگذشتی مه اردیبهشت آید بمان خرداد و تیر آن گه که مردادت همیباید
پس از شهریور و از مهر و آبان، آذر و دی دان چو بر بهمن جز اسفندارمذ ماهی نیفزایند
بحر این قطعه هر مصراعی چهار مفاعیلن باشد: پس از شهری: مفاعیلن، وُر از مه: مفاعیلن، رُ آبان آ:
مفاعیلن، ذُر و دی دان: مفاعیلن. و این بحر مَثَمَن هزج سالم گویند از ازاحیف،^۱ و هزج مَثَمَن چهار نوع بود،
و هزج مسدّس دو نوع بود: یکی محذوف، دیگری مقبوض. محذوف اول^۲ دو مفاعیلن و یک فعولن باشد هر
مصراع، و ثانی هر مصراع مفعولن مفاعیلن فعولن باشد.
و هذه القطعة في أسامي الشهور بلغة الفرس: أول فروردین، دوم اردیبهشت، سیم بمان خرداد،
چهارم تیر، پنجم مرداد ماه، ششم شهریور، هفتم مهر، هشتم آبان، نهم آذر، دهم دی، یازدهم بهمن،
دوازدهم اسفندارمذ. و قول شیخ که: چو بر بهمن جز اسفندارمذ ماهی نیفزایند؛ یعنی: بعد بهمن غیر
اسفندارمذ ماه دیگر نیست.^۳

القطعة الرابعة والعشرون في أسماء البروج و بیوت الكواكب

حمل و عقرب است با بهرام قوس و حوت است مشتری را رام
ثور و میزان چو؟ خانه ی زهره است مر زحل راست جدی و دلو مقام
تیر: جوزاء و خوشه، مه: سرطان خانه ی آفتاب: شیر مدام
بحر این قطعه موافق قطعه «من و عن^۴ است، و اعلم أنّ البروج إثني عشر، و کواكب سیاره هفت اند: بهرام
که او را مریخ گویند، مشتری، زهره، زحل، عطارد، شمس، قمر، و به زبان فارسی زحل را کیوان خوانند، و

۱ سالم از ازاحیف.

۲ مراد از اول محذوف و به عنوان صفت برای محذوف آمده است و مراد از ثانی مقبوض میباشد.

۳ ب، ن: برجها دیدم که از مشرق برآوردند سر / جمله در تسبیح و در تهلیل حیّ لایموت / چون حمل چون ثور چون جوزا و سرطان و اسد سنبله میزان و عقرب، قوس و جدی و دلو و حوت. فی أسماء شهور السنة: از محرم چو گذشتی چه بود؟ ماه صفر / دو ربیع و دو جمادی ز پی یکدیگر / رجب است از پی شعبان، رمضان و شوال / پس به ذیقعدة و ذی حجه بکن نیک نظر.

۴ یعنی: بحر خفیف مسدّس مخبون محذوف.



مشتري را برجيس، و مريخ را بهرام، و آفتاب را خورشيد و عطارد را تير و زهره را ناهيد و قمر را ماه و فلک را سپهر. اين دوازده برج را بر هفت ستاره قسمت کردند، یکی از دوازده که اسد است به آفتاب دادند، و دیگری که سرطان است به قمر دادند، باقی ماند ده برج و پنج ستاره هر ستاره را دو برج دادند؛ چنانچه شيخ گفت: حمل و عقرب است با بهرام، قوس و حوت را به مشتري دادند، ثور و میزان را خانهی زهره ساختند، و جدی و دلو را مقام زحل ساختند، جوزاء و خوشه که عبارت از سنبله است تير را دادند؛ یعنی: عطارد را، و قول شيخ که خانهی آفتاب شیر؛ یعنی شیر که عبارت از اسد است خانهی آفتاب است و بس.

القطعة الخامسة والعشرون في كينونة الشمس^۱ في كل برج^{۲-۳}

همچو^۴ جوزاء سی و دو، سی و یک است

حمل و ثور و شیر با پس و پیش

دلو و میزان و حوت و عقرب: سی

بیست و نه: قوس و جدی بی کم و بیش^{۵-۶}

بحر این قطعه و قطعۀ «من و عن» متحد است.^۷ این قطعه در بیان آن است که آفتاب در هر برجی از این دوازده برج چند روز مقام میکند. بدان که شش^۸ برج معوّج الطلوع میباشند، آفتاب در این شش برج معوّج الطلوع^۹ زیادت از سی روز میباشد. در پنج برج سی و یک روز، و در یک برج سی و دو روز، و آن یک که در

۱ فی سکون الشمس. بدل اصل.

۲ چشم آن ترک مست کافر کیش / میزند تیر غمزه بر دل ریش / فعلاتن مفاعلن فعلن / خوان به بحر خفیف ای درویش. حاشیه اصل.

۳ ۱م: بروج.

۴ ب، ن: برجهای دیدم که از مشرق برآوردند سر / جمله در تسبیح و در تهلیل حیّ لایموت / چون حمل چون ثور چون جوزا و سرطان و اسد سنبله میزان و عقرب، قوس و جدی و دلو و حوت. فی أسماء شهور السنة: از محرم چو گذشتی چه بود؟ ماه صفر / دو ربیع و دو جمادی ز پی یکدیگر / رجب است از پی شعبان، رمضان و شوال / پس به ذیقعدہ و ذی حجّه بکن نیک نظر.

۵ حاشیه اصل: بلا زیادة و لا نقصان.

۶ حاشیه اصل: نوع آخر فی معناه: لا و لا لب لا و لا لا شش مه است / ل ل کط کط ل شهور کوته است.

۷ ۱م: هذه القطعة أيضاً توافق قطعة من و عن.

۸ ۱م: شمس.

۹ بدانک از اول حمل تا آخر سنبله شمالی خوانند و از اول میزان تا آخر حوت جنوبی، و همچنین از اول جدی تا آخر حوت صاعد فی الجنوب گفتند که روز زیادت پذیرد از سوی جنوب، و از اول حمل تا آخر جوزا را صاعد فی شمال گفتند [کی زیادت] از سوی شمال پیدا آید و هر دو را بهم نیمه صاعد خوانند که آفتاب در فزونی بود و روز در زیادت.

آن سی و دوروز است جوزاء است؛ چنانکه شیخ گفت: همچو جوزا سی و دو، و آن پنج برج که در ایشان سی و یک روز میباشد حمل و ثور و شیر و پیش شیر که سرطان است و پس شیر که سنبله است، چنانچ گفت سی و یک است، حمل و ثور و شیر با پس و پیش. و چهار برج دیگر است که در استقامت طلوع و اعوجاج متوسطانند، لاجرم خورشید در ایشان سی روز بیش نمیباشد؛ چون سی متوسط است میان زاید از سی و کمتر از سی؛ کما قال الشيخ: دلو و میزان و حوت و عقرب سی. و در دو برج دیگر که مستقیم الطلوع میباشد بیست و نه روز بیش نمیباشد؛ کما قال: بیست و نه قوس و جدی بی کم و بیش.

القطعة الثانية و الثلاثون في معرفة أوزان الفلزات

نه فلز مستوی الحجم را چون برکشی

اختلاف وزن دارد هر یکی بی اشتباه

بحر این قطعه و قطعهی «جید: گردن» موافق^۱ است. اما مراد از این بیت معرفت تفاوت فلزات تسعه است در کمیت، و این تعلق به علم کیمیا دارد، چون فرق میان زر اصلی و زر عملی آن است که زر عملی کم است از زر اصلی، هر چند که در جثه و حجم و لون یکی باشند، پس هر چگاه که زری از زر دیگر کمتر آید در حین موازنه و یا در وقتی که بگدازی و در ظرفی معین ریزی بدانی که کدام است از این نه فلز که او را به عمل زر ساختهاند؛ و این نه فلز مذکور است در دو بیت:

زر (لکن)، سیماب (آلم)، آهن (یکی)، ارزیز (جُل)

نقره (نَد)، آنک (دَهَن)، مس و شبه (مه)، روی (ماه)^۲

در این بیت تفاوت میان نه کانی و فلز در رمز بیان کرده به حساب ابجد، که اگر هر یکی از این نه را

و بخلاف این از اول سرطان تا آخر سنبله هابط فی الشمال، و از اول میزان تا آخر قوس هابط فی الجنوب و هردو را بهم نیمه هابط گویند که روز در نقصان بود و نیمه هابط را مستقیم الطلوع خوانند چه بخش خویش از تیرست و شصت درج تمام دارد و فزون تر، ای هر برجی سی درج نیمه صاعد را معوج الطلوع گویند که از بخش خویش باز مانده است و این در مطلع بروج پیدا آید؛ روضة المنجمین (تألیف ۴۶۶ ق)، شهردان بن ابی الخیر رازی. تصحیح و تحقیق: جلیل اخوان زنجانی، ص ۶۲.

۱ م: متحد.

۲ در حاشیه آمده: زَر (لکن)، رَبِیق (آلم)، أُسْرُب (دَهَن)، ارزیز (جُل) / فَضْه (نَد)، آهن (یکی)، برنج و مس (مه)، صفر (ماه).





بگدازند و در ظرف معین کنند مثل دواتی، اگر زر صد درم در آن موضع گنجد، سیماب هفتاد و یکی درم بیش نگنجد، و آهن چهل درم. ارزیز سی و هشت درم، و نُقره پنجاه و چهار درم، و آنک که سُرَب است پنجاه و نه درم، و مس و برنج که شبهه است چهل و پنج درم، از هر کدام، - الشَّبِیْهَ بالفتحین: برنج، و اِنَّمَا سَمِی شَبْهًا لشبیه بالذهب - و روی چهل و شش درم.

اما اول حساب ابعده باید دانست، از اول ابعده یکیک حرف را می‌شمار تا ده، مثل آنکه گویی: الف: یکی، و با: دو، و جیم: سه، و دال: چهار، علی هذا القیاس تا به یا که ده است؛ بعد از آن دهده می‌شمار؛ مثل آنکه کاف: بیست، و لام: سی، و میم: چهل، علی هذا القیاس تا به قاف که صد است؛ بعد از آن صدصد می‌شمار، مثل را: دویست، و شین: سیصد، و تا به غین: هزار. و لا در حساب نیست،^۱ چون مرکب است از لام و الف، و هر دو در شمار آمده.

بعد از آن اگر خواهی که ترکیب را بدانی، پس اگر غا گویی هزار و یکی باشد، و غب هزار و دو باشد، علی هذا القیاس. و اگر اقل را مقدم آری بر اکثر - اغ و بغ - اغ یکهزار باشد، و بغ دوهزار باشد. و همچنین است در مئات نیز؛ اما در عشرات مخالف این است، مراد از ای یازده و از بی دوازده و از جی سیزده، یعنی بر قاعده لفظ عرب باشد و لفظ عجم، چون احد عشر و اثنی عشر گویند عرب، و یازده و دوازده گوید عجم. پس زرصد باشد چون لکن صد است، لام سی و کاف بیست و نون پنجاه، و سیماب هفتاد و یک باشد، چون الم هفتاد و یک است، الف یکی و لام سی و میم چهل. بعد از آن چون حساب و قانون آن معلوم شد باقی میدان، و در دو بیت دیگر که خواهد آمد شرح کرده شود.

[قطعة فی المعنی السابق بعبارة أخرى]

ز روی، جتّه هفتاد و یک درم سیماب

چل و شش است، ز ارزیز سی و هشت شمار^۲

بحر این قطعه و قطعه «ضیاء و نور» موافق است، و معنی بیت آن است که جثهی روی که در آن ظرف معین درآید چهل و شش است، هر چند تبادر ذهن آن است که سیماب چهل و شش باشد، لیکن ضرورت

۱ مقصود الف لینه مدی هوایی است که آن را لام الف می‌گویند با علامت «لا» نشان می‌دهند.
۲ ۱م: تغییر.

شعر را چنان آورده و دلیل برش آن است که در حساب ابجد روی ماه گفته، و ماه چهل و شش است، میم چهل و الف یکی و ها پنج، و سیماب را در حساب ابجد هفتاد و یک درم گفته چنانکه بیان کرده، و قول شیخ که سی و هفت شمار، یعنی ارزیز را، چون حساب ابجد زل گفتمی ارزیز، زا هفت است و لام سی است.^۱

ذهب صد است و سُرَب پنجه و نه و آهن چل

برنج و مس چل و پنج است و نقره پنجه و چار^۲

این را حاجت به شرح نیست.



۱ تفاوتی که بین متن و شرح دیده می‌شود عیناً مطابق نسخه اساس است.

۲ ق ۲: - و.

- الأغاني، ابوالفرج علي بن الحسين اصبهاني، إعداد: مكتبة تحقيق دار الإحياء التراث العربي، الطبعة الأولى، بيروت، دار الإحياء التراث العربي، ١٤١٥.
- تاج المصادر، أبو جعفر أحمد بن علي بن محمد بيهقي (٤٧٠-٥٤٤ ق)، به تصحيح و تحشيه و تعليق هادي عالم زاده، چاپ اول، ج ٢، تهران، ١٤٠٧-١٤١٧.
- تاريخ رشیدی، میرزا محمد حيدر دوغلات (٩٠٥-٩٥٧ ه.ق)، تصحيح: عباسقلی غفاری فرد. ط ١: تهران، انتشارات ميراث مکتوب، ١٣٨٣.
- الذريعة إلى تصانيف الشيعة، الشيخ آقا بزرك الطهراني (١٢٩٣-١٣٨٩ ه.ق)، الطبعة الأولى، ج ٢٥ (٢٨ مجلد)، نجف-تهران، ١٣٥٥-١٣٨٩.
- ربيع الأبرار و نصوص الأخيار، محمود بن عمر زمخشری (٤٦٧-٥٣٨ ق)، الطبعة الأولى، بيروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ١٤١٢.
- رساله‌ای در باب اوزان شعر عربي و فارسی، اديب صابر ترمذی، به كوشش: مجتبی مینوی، ضمیمه نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال نهم، شماره سوم، فروردین ١٣٤١.
- روضه المنجمين، شهردان بن ابی الخیر رازی (قرن ٥)، تصحيح و تحقيق: جليل اخوان زنجانی، چاپ اول، تهران، ميراث مکتوب، ١٣٨٢.
- شرح قاموس [ترجمان اللغة]، محمد يحيى بن محمد شفيح قزوينی (قرن ١٢)، تهران، كارخانه آقا ميرزا باقر راضی، به سعی و اهتمام عبدالله منشی طبری، به خط علی اصغر بن عبدالجبار اصفهانی و كلبعلی بن عباس افشار قزوينی، ١٢٧٣.
- شرح النظام علی الشافیه، نظام الدين حسن بن محمد نيسابوری (٧٢٨ ق)، تحقيق: محمد زکی جعفری، چاپ سوم، قم، دارالحجّة، ١٤٣٤.
- الصحاح، تاج اللغة و صحاح العربية، اسماعيل بن حماد جوهري (٣٩٣ ق)، تحقيق: أحمد عبد الغفور عطار، الطبعة الأولى، بيروت، دار العلم للملايين، ١٣٧٦.

صحاح الفرس، محمد بن هندوشاه نخجوانی (ق ۸)، به اهتمام: عبدالعلی طاعتی، چاپ دوم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۵.

ظفرنامه، شرف‌الدین علی یزدی (- ۸۵۸ ه.ق)، تصحیح و تحقیق: سید سعید میرمحمدصادق و عبدالحسین نوائی، ط ۱: تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷.

عجائب المقدور فی نوائب التیمور، ابن عربشاه (- ۸۵۴ ق)، تحقیق: سهیل زگار، ط ۱: دمشق، نشر التکوین، ۲۰۰۸.

غیاث اللغات، غیاث‌الدین محمد بن جلال‌الدین بن شرف‌الدین رامپوری (- ۱۲۶۸ ق)، به کوشش: منصور ثروت، چاپ اول، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۸.

فرهنگ بهار عجم، لاله‌تیک چندبهار (ق ۱۲)، تصحیح: کاظم دزفولیان، چاپ اول، تهران، انتشارات طلایه، ۱۳۸۰.

فرهنگ عربی به فارسی تاج‌الاسامی (تهذیب‌الاسماء)، تصحیح: علی اوسط ابراهیمی، چاپ اول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۴۰۸.

فرهنگنامه‌های عربی به فارسی، علینقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹ ه.ش)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۸.

فرهنگ نفیسی، علی‌اکبر (ناظم‌الاطباء) نفیسی (۱۲۶۳ - ۱۳۴۳ ق)، با مقدمه محمدعلی فروغی، تهران، کتابفروشی خیام، ۱۳۵۵.

فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی، عبدالحسین حائری، چاپ اول: تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۴.

فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، ابن یوسف شیرازی (ضیاء‌الدین حدائق)، تهیه چاپ مجدد با اصلاح و تکمیل و تحقیق و اضافه بخش ۲ و ۳: عبدالحسین حائری، تهران، چاپخانه مجلس شورای ملی، مهرماه ۱۳۵۳.

فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، سید محمود مرعشی نجفی با همکاری گروه فهرست‌نگاران، ط ۱: قم، انتشارات

الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، محمود بن عمر



زمخشري (٤٦٧ - ٥٣٨ ق)، مصطفى حسين أحمد، الطبعة الثالثة، بيروت، دار الكتب العربي، ١٤٠٧.

كنز اللغات، محمد بن عبد الخالق بن معروف (-٨٨٠ ق)، تصحيح: سيد رضا علوي نصر، [تهران؟]، انتشارات كتابفروشي مرتضوي، ١٣٩٢.

كزيدة مقالات تحقيقي، واسيلي ولاديميروويج بارتولد، ترجمه كريم كشاورز، تهران، مؤسسه انتشارات امير كبير، ١٣٥٨.

المحكم و المحيط الأعظم، ابن سيده (-٤٥٨ ق)، تحقيق: عبدالحميد هنداوي، الطبعة الأولى، بيروت، دار الكتب العلمية.

المصنّف، ابن أبي شيبة، أبي بكر عبدالله بن محمد (-٢٣٥ ق)، حققه و قوم نصوصه و خرّج أحاديثه: محمد عوّامة، الطبعة الأولى، بيروت، دار قرطبة، ١٤٢٧ ق.

المعجم في معاير أشعار العجم، شمس الدين محمد بن قيس الرازي (قرن ٧)، به تصحيح محمد بن عبدالوهاب قزويني، تصحيح ثانوي مدرّس رضوي، طهران، مؤسسه خاور، ١٣١٤ ش.

معجم قبائل العرب القديمة والحديثة، عمر رضا كحّالة، الطبعة الثامنة، بيروت، مؤسسه الرسالة، ١٤١٨.



خلاصة المقالات

خليل زامل العصامي

ملاحظات وتصحيحات (١٢) / محمد كاظم رحمتي

ملخص البحث: طرح الكاتب ستة عشرة ملاحظة ومعطى بحثياً جديداً في أربعة محاور. في مجال الملاحظات والنسخ القديمة من النصوص القديمة، نقرأ نسخة تعود الى القرن السادس من كتاب دستور المنجمين، كتاب النكت تأليف النظام المعتزلي، ملاحظات من رجال النجاشي، أعمال وآثار الزيدية، السادات الإسماعيلية على أساس منقولات ابن شدقم، مصير المخطوطات النفيسة للعهد الصفوي، أهمية النسخ الوسيطة في الكتابة، مقارنة بين الفهرست للشيخ الطوسي والفهرست لابن النديم، في ما يخص البحرين، جاءت اللوحات المكتوبة لأوال والقطيف، مخطوطة نفيسة من كتاب الفهرست بخط صالح بن يوسف الأوالي البحراني، شرح عن دراسات جديدة حول بالبحرين استناداً الى مصادر قديمة، محمد بن علي العنقاني تلميذ ابن فهد الحلي، منصور الاحسائي وكتابة نسخة من كتاب الناسخ والمنسوخ تأليف ابن العتائقي الحلي. وكذلك في مجال كتابة السير، ورد تعريف بعالمين شيعيين هما: سيد حيدر بن محمد الواعظ الحسني (القرن السابع) وعلي بن أبي الميامين (القرن الثامن)، وفي ما يتعلق بدراسات فرق المسلمين، عرض شرحاً لما أجري من دراسات في هذا المجال.

الألفاظ المفتاحية: البحرين - تاريخ؛ المخطوطات - ملاحظات ومُعطيات جديدة؛ عدالة الصحابة؛ رجال النجاشي، الفهرست للطوسي؛ الفهرست لابن النديم؛ علماء الشيعة - القرنان السابع والثامن؛ الاسماعيلية - تاريخ؛ الفرق الإسلامية.

اسرار دماونديه / علي صدرائي الخوئي

ملخص البحث: هذا البحث عرض لكتاب مفتاح اسرار الحسيني تأليف عبد الرحيم الدماوندي (القرن الثاني عشر) وكان قد كتبه في عام ١١٦٠ هـ. وبعض موضوعاته لها صلة بالإمام الحسين عليه السلام، وقد وضّحها الكاتب بأسلوب عرفاني باللغة الفارسية. عرض كاتب هذا البحث بعض القضايا اليهودية لمؤلف الكتاب، وأساتذته، وتلاميذه، وسيرته العلمية، إضافة الى تبين مكانة الدماوندي لدى العلماء، مع ذكر كتبه. وبعد ذلك قدّم شرحاً للموضوعات التي جاءت في الكتاب مثل التوحيد ونقد بعض الصوفية مع بيان بعض الجوانب من عقائد الشيعة وفقاً للمفاهيم العرفانية، مع تعريف بالنسخ المخطوطة والمطبوعة من الكتاب.

الألفاظ المفتاحية: مفتاح اسرار الحسيني (كتاب)؛ الدماوندي، عبد الرحيم؛ الإمام الحسين عليه السلام - الأعمال ذات الصلة؛ الأعمال العرفانية - القرن الثاني عشر؛ علماء الشيعة - القرن الثاني عشر.

فهرست مدونات الاستاذ علي الخاقاني / امرالله شجاعی

ملخص البحث: نصف هذا البحث مخصص لسيرة الشيخ علي الخاقاني العالم الشيعي العراقي (١٣٣٠ - ١٣٩٩ هـ) مع التعريف بأعماله وآثاره التي تتركز بشكل أساسي على سيرة الشعراء العراقيين وتحقيق بعض دواوينهم الشعرية. كما يهتم هذا البحث بالتعريف بأعماله وآثاره في مجال علم الكتب ومعرفة المخطوطات، وقسم من هذه الأعمال لم يُطبع حتى الآن. ثم أدرج هنا فهرستاً بمدوناته ومستنسخاته التي يصل عددها الى ٨٥ نسخة، على أساس ما ذكره هو في كتاب شعراء الغري، حسب الترتيب الألفبائي.



الألفاظ المفتاحية: الخاقاني، علي؛ علماء الشيعة - العراق؛ علماء العراق - القرن الرابع عشر؛ شعراء العراق - سيرة حياة؛ شعراء العراق - ديوان؛ المخطوطات - فهرست؛ شعراء الغري (كتاب).

تعريف بمخطوطات الكتب المنسوبة الى سُلَيْم بن قيس / كاظم استادي

ملخص البحث: أدرج الكاتب في مقالته هذه ٤٩ مخطوطة لكتاب سليم بن قيس (من النصوص الحديثية للقرن الأول للهجرة) على أساس عدد الأحاديث وسندها، وقسمها الى ثمانية مجموعات، ثم قدم وصفاً لها. بين خصائص النسخ، على أساس فهرس المكتبات المعنية تارة، وعلى أساس مشاهدة صور تلك النسخ تارة اخرى، وعلى أساس مشاهدة أصل النسخة تارة ثالثة. جرى ترتيب هذه النسخ وفقاً للزمان القطعي أو التخميني لكتابتها، وهو يمتد من عام ٩١٨ الى ١٣٨٥ للهجرة.

الألفاظ المفتاحية: كتاب سليم بن قيس؛ المخطوطات؛ علم المخطوطات؛ النصوص الحديثية - القرن الأول.

تقييم كتاب (٨) / علي اكبر صفري

ملخص البحث: عُرِضت هنا مجموعة من الملاحظات والمعطيات البحثية الجديدة في مجال علم الكتب، والوثائق والسير. نقرأ في مجال علم الكتب اموراً مثل: <هشت كتاب> وهي ثمانية كتب لمحمد حسن خوييني الزنجاني مع وصف لها؛ تعريف بالمخطوطة الوحيدة لكتاب حدائق العارفين من تأليف محمد بن محمد حسين الأهوي التفرشي (تأليف ١٢٩٤ هـ). في مجال العقائد؛ فهرست ٢٥ كتاباً للميرزا احمد القيداري المقدس الزنجاني (١٣٣٦ - ١٣٧٩ هـ) تعريف بكتاب زنبيل الواعظين تأليف علي بن ابي طالب اليزدي في عام ١٣٧٩ هـ؛ كتابين لسيد محمد علي السالاري اليزدي (١٣٢٥ - ١٣٨٢ هـ)؛ ترجمة منشورة لديوان امير المؤمنين عليه السلام ومقارنته مع شرح المييدي علي هذا الديوان. في مجال الوثائق، جاءت منظومة خاوري شيرازي (القرن ١٣ هـ) باللغة الفارسية بخصوص هجوم الوهابيين على

كربلاء في عام ١٢١٦ هـ. وفي مجال كتابة السيرة، فقد نُقلت فيه سيرة حياة سيد ابراهيم بني هاشميان (١٣٤٩ - ١٤١١ هـ).

الألفاظ المفتاحية: علماء الشيعة - القرن ١٣؛ علماء الشيعة - القرن ١٤؛ تاريخ كربلاء - القرن ١٣؛ الوهابيون - تاريخ؛ علم الكتب - الشيعة؛ كتابة السيرة؛ المخطوطات - الفوائد.

رياض الفتيان (مختارات) على أساس نسخة قديمة محفوظة في مكتبة آية الله

المرعشي / بجهود: محمدعلي عيوضي

ملخص البحث: تهتم هذه المقالة بالتعريف بكتاب رياض الفتيان، تأليف ابن حسام وهو عبارة عن شرح مختصر لدروس نصاب الصبيان تأليف <ابو نصر الفراهي>، بالاستناد الى المخطوطة المحفوظة في مكتبة آية الله المرعشي. عرض كاتب البحث هنا وصفاً لهذه النسخة وبيّن مدى اعتبارها وخصائصها الإملائية ثم نقل مقتطفات من النص المُحقّق من الكتاب.

الألفاظ المفتاحية: نصاب الصبيان (كتاب)؛ ابو نصر الفراهي؛ رياض الفتيان (كتاب)؛ ابن حسام؛ المخطوطات - البحوث؛ كتب الدروس القديمة.

مجله پژوهش

فصلنامه تخصصی کتابخانه‌شناسی و نسخه‌شناسی
سال بیست و هشتم | شماره ٩٩ | بهار ١٣٩٩



Abstracts of Mīrāth Shahāb 98

Translators: Muhammad-Hussein Rajabian

Notes and Corrections (12) / Mohammad-Kazem Rahmati

Abstract: The author provides for 16 research tips and new findings under four themes.

On the tips and old manuscripts of old texts, a version from the book `Daṣṭoor ul-Monajjemīn` (astronomers` law), the book `al-Nakth` (the breach) by Nazzam the Mo`tazilite, A few notes from Rijal of Najashi, works of the Zaidi Muslims, Ismaili sayyids based on Ibn Shadqam report, the fate of manuscripts of Safavid era, significance of intermediary scripts in transcription, a comparative study of Shaikh Tusi`s al-Fehreṣṭ and Ibn Nadīm`s al_Fehreṣṭ can be read. On Bahrain, Oval and Qatif inscriptions, an exquisite version of al-Fehreṣṭ transcribed by Saleh bn Yusuf Ovali al-Bahrani, reports on emerging studies on Bahrain using old sources, Muhammad bn Ali Ainqani (Ibn Fahad al-Hilli`s deciple), Mansour al-Ahsaiee and rewriting a version of the book `al-Nasikh wal Mansoukh` (the abrogating and the abrogated) by Ibn Ataeqi al-Hilli. On biography, introducing two Shia scholars, Sayyid Haidar ibn Muhammad Wa`ez Hassani (seventh century) and Ali ibn Abi-Mayamin (eighth century), are addressed as well. On Muslim denominations studies, a short report is delivered.

Keywords: Bahrain – history; manuscripts – tips and new findings; the Sahaba`s justice; Najashi`s Rijal; Tusi`s al-Fehreṣṭ; Ibn Nadīm`s al-Fehreṣṭ; Shia sholars – 7th and 8th centuries; Ismailis – history; Muslim denominations.

Asrar-e-Damavandiyah (Damavandi Mysteries) / By Ali Sadraee-Khoee

Abstract: This article reviews the book `Miftahu Asrar il-Hosseini` (The Key to the Hussein Mysteries) written by Abd ul-Raheem Damavandi (12th

century A.H.) in 1160 A.H. (1747 A.D.) explaining some related-to-Imam-al-Husayn (Peace be upon him)'s issues in Persian and through kind of mystical language. In addition to narrating a number of Damavandi's intuitions and visions, Sadraee-Khoe reports his masters, disciples, academic biography, and his status before the academicians as well as some of his books. The author then imparts some sections of the book including tawheed, criticizing Sufis, and interpreting some Shia beliefs through a mystical approach. He also introduces manuscripts and printed copies of the book.

Keywords: 'Miftahu Asrar il-Hosseini' (The Key to the Hussein Mystery) (book); Damavandi, Abd ul-Raheem; Imam Husayn (Peace be upon him) – related works; mystical works – 12th century; Shia scholars – 12th century.

A List of Master Ali Khaqani's Manuscripts/ By: Amrullah Shojaee

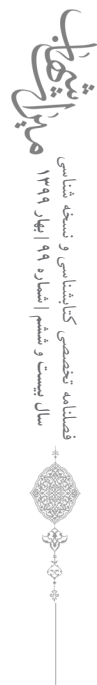
Abstract: Biography of Ali Khaqani, the Iraqi Shia scholar (1330 - 1399 A.H.), and his works which mostly include Iraqi poets' biographies and reviewing their poetry diwans have occupied a half of the article. Khaqani's bibliographical and codicological works (some of which aren't published yet) are also introduced here in this article. Then his manuscripts and transcripts which reach 85 are listed in alphabetical order based on his own report in 'Shuara ul-Ghariy' (Al-Ghariy poets).

Keywords: Khaqani, Ali; Shia scholars – Iraq; Iraqi scholars – 14th century; Iraqi poets – biographies; Iraqi poets – diwan (poetry); manuscripts – list; Shuara ul-Ghariy (book)

Introducing manuscripts of the books attributed to Sulaim ibn Qais/ by Kazem Ustadi

Abstract: Based on the number of hadiths and their authority, 49 manuscripts of Sulaim ibn Qais's book (one of 1st century hadith texts) have been classified into eight groups and reviewed codicologically by the author. Features of scripts are either based on the catalogues of related libraries, viewing version photos, or viewing original versions. The manuscripts are mentioned in the definite or estimated writing-time order that covers 918 to 1385 A.H. (1512 – 1965 A.D.).

Keywords: Sulaim ibn Qais's book; manuscripts; codicology; hadith texts – first century



A Book Criterion (Part IIX) / Ali Akbar Safari

Abstract: A collection of research tips and new findings about bibliography, documents and biographies is presented in this article. Among the tips on bibliography are: eight books written by Mohammad-Hassan Khwini Zanjani with codicological review; introducing the unique manuscript of Hada`iq ul-Arefeen (mystics` gardens) by Mohammad bn Mohammad `Ahuue Tafreshi (written in 1294 A.H.) on beliefs; a catalogue including 25 books written by Ahmad Qaidari Moqaddas Zanjani (1297 – 1359 S.H.); an introduction to the book Zanbil ul-Wa`ezeen (Peachers` Basket) by Ali ibn Abi-Taleb Yazdi in 1379 A.H.; two books from Mohammad-Ali Salari Yazdi (1286 – 1341 S.H.); translation of Amir ul-Mo`menin`s diwan (poetry) in prose and its comparison to Maibodi`s descriptive interpretation of this diwan. Among documents, Manzumah Khavari Shirazi (13th century) in Farsi on Wahhabis` invasion to Karbala in 1216 A.H. and among biographies, Seyyed Ibrahim Bani-Hashemian`s bio are reported in this article.

Keywords: Shia scholars – 13th century; Shia scholars – 14th century; history of Karbala – 13th century; Wahhabis – history; Shia bibliography; biography; manuscripts – benefits.

Riyadh ul-Fetyan (selection), based on its old version in Ayatollah Mar`ashi`s Library / by: Mohammad-Ali Eywazi

Abstract: This article tries to introduce Ibn Hesam`s book `Riyadh ul-Fetyan` (Meadows of youth) which is a selected explanation of Abu Nasr Farahi`s textbook `Nisab us-Sebyan` (the Quorum of the children) based on the manuscript in Ayatollah Mar`ashi`s Library. The colophon, its authenticity, spelling features in this manuscript as well as some selections from the book`s editor are included in this article.

Keywords: Nisab us-Sebyan` (the Quorum of the children) (book); AbuNasr Farahi; Riyadh ul-Fetyan` (Meadows of youth) (book); Ibn Hesam; manuscripts – the research; old textbooks



Content

Articles	Notes and Corrections (12) Mohammad-Kazem Rahmati	3
	(Asrar-e-Damavandiyyah (Damavandi Mysteries Ali Sadraee-Khoei	81
Bibliography	A List of Master Ali Khaqani's Manuscripts Amrullah Shojaee	119
Manuscript studies	Introducing manuscripts of the books attributed to Sulaim ibn Qais Kazem Ustadi	145
	A Book Criterion (8) Ali Akbar Safari	189
Critical edition	Riyadh ul-Fetyan (selection), based on its old version in Ayatollah Mar'ashi's Library Mohammad-Ali Eywazi	225